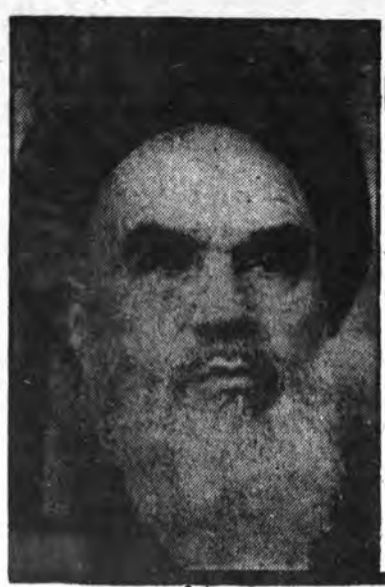


شماره ۴۲ صفحه
شماره اسفند و فروردین

فَارَمَعَ الْمَسْرِيْرَا
اَزَمَعَ الْمَسْرِيْرَا
لا محبه

در راه خدا قبرش که در جفا بوسه می‌خورد
نثریه نهضت مجاهدین خلق ایران
سال اول، شماره ۵، یکشنبه ۱/ فروردین ۱۳۶۱

شماره اسفند و فروردین همراه با ویژه نامه بهاء ۱۰۰ ریال



سخن امام

راهنمای
مستضعفین

در صفحات ۲۳، ۲۲، ۲۸، ۲۷، ۲

بهمراه:

رهنمودهای امام
برای

تداوم انقلاب اسلامی

يَا مُقَلِّبِي الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
يَا مُجَوِّلَ الْحَوَالِ وَالْأَحْوَالِ حَوْلَ خَالِنَا إِلَى الْحَسَنِ الْحَالِ

بهار جدیدامت "خدا، قرآن، خمینی" و استقلال
آزادی جمهوری اسلامی. مبارک باد، با ایمان به
تداوم نبرده رهبری امام خمینی تا دفع تجاوز
متجاوزین کمپ دیویدی از میهن اسلامی عزیزمان
و آزادی قدس عزیز و رهایی کامل مستضعفین جهان
از ربرسطه مستکبرین.

رشد نهضت اسلامی

و
عافیت طلبی جدید

بنام خدای شهیدان

مدتی است احساس میشود که شکل جدیدی از عافیت طلبی
در نهضت اسلامی و روبرو شد ایران در حال شکل گرفتن و تکوین
است. از آنجا که نمونه‌هایی از این خط مشی را دیده ایم بر آن
شده ایم تا سرمقاله این شماره را به معرفی چنین خط مشی و تفکری
اختصاص دهیم، امیدواریم بتوانیم با شکافتن این مسئله افراد
مسلمان و صادق را که قصد خدمت به مستضعفین را داشته‌اند دچار
ساده اندیشی هستند از افرادی که آگاهانه و از موضع عافیت
طلبی چنین خط مشی را اتخاذ کرده‌اند جدا سازیم.

تثوری بقا چیست ؟

محتوای تثوری بقا آنچه در سال ۵۰ در اوج مبارزه مسلحانه
 مطرح شده بود بدین صورت بود که با پدر هبران بمانند تا جلوی
انحرافات را بگیرند و اکثر رهبران حزب توده در رابطه با این
تثوری به خارج مسافرت کرده بودند.

در سطح گسترده ترجهانی اگر بخواهیم این تثوری را بررسی
کنیم اینست که روشنفکران و طرفداران این نظریه مطرح میکنند
که: اگر جنگ اتمی درگیر شود تمدن بشری نابود میگردد، اگر بین
آمریکا و شوروی جنگی بوقوع بپیوندد، در اولین ساعات جنگ
صدها میلیون انسان تلف خواهند شد و همین امر اناس تفاهم شرق
و غرب را بوجود میآورد، و خط مشی عافیت طلبی و مبارزه سلامت
آمیزا با امپریالیسم از همین توجیه آفریده میشود.

قیام ۱۵ خرداد و عافیت طلبی بعد از آن :

بعد از قیام ۱۵ خرداد به رهبری امام خمینی مسلمانان
مکتبی از جمله حنیف نژاد به این جمع بندی رسیدند که رابطه
خلق و سلطنت وابسته بصورت قهرآ میزدرا مده و راهی جز مبارزه
قهرآ میز وجود ندارد، و اینها خون خود را در این راه با اخلاص
دادند. در کنار جمع بندی قهرآ میز فوق جمع بندی عافیت طلبانه ای
نیز در جناحی از رزمندگان مسلمان آنوقت شکل گرفت که میگفت:
ملت شهدای زیادی داده و این بار با ایستی باقی بمانیم تا
پیروزی را بچشم ببینیم. بنی صدر بلافاصله بعد از قیام ۱۵ خرداد
به این جمع بندی رسید و به یکی از دوستان هم دوره ای دانشگاهش
که فعلا در ایران است گفت: "دیگر سلطنت دوام چندانی ندارد
و پایه های آن سست و لرزان شده است، مردم و مراجع در برابر رژیم
سلطنتی قرار گرفته اند، انتخابات مجلس از طرف مراجع تحریم
شده است و...". او با آگاهی هایی که داشت سقوط سلطنت را پیش
بینی میکرد، بنی صدر در همان روزها به همین دوستش گفته بود باید
برویم خارج از کشور و خود را آماده کنیم برای ریاست جمهوری، باید
زنده بمانیم تا پیروزی را ببینیم. بنی صدر سر راهش به اروپا
مدت ۶ ماه در اسرائیل توقف کرد و در اروپا هم که بود بخصوص پس
از شروع حرکت مسلحانه مجاهدین یکی از مخالفین اصلی آن به
شمار میرفت، و با همه امکاناتش در خارج حتی یکبار به پایگاههای
فلسطینی نرفت و یکبار هم تفنگ بدست نگرفت و یک دوره آموزشی
هم ندید. در سال ۵۰ به او پیشنهاد شد که به ایران بیاید که او گفت
اگر به ایران بیایم دستگیر میشوم، در حالیکه اگر به ایران میآمد
و باز داشت هم میشد در آن موقع زندان کانون فعالیت بود و این
بقیه در صفحه ۶

ویژه نامه

در صفحات ۱۹ الی ۲۶

* مشعلی فروزان فراراه فتح قدس قیام درسکون جفالوند*
* ملاکهای تک گسترده*
* راه رشد انقلاب، پیوند با قبائل مستضعف بلوچستان*

**سیری در
روش شناخت امام خمینی**

* راه بشر، تداوم راه انبیاء*

* قلب تپنده، علی اکبر، مه انور*

در صفحه ۷

زندگی اخروی
نمونه های ایثار و شهادت
در جبهه های نبرد اسلام و کفر

* حسین فهمیده و آواکس
* شیوه مکتبی امام در دفع تجاوز
در صفحه ۱۰



در صفحه ۱۵

**فرازهایی از زندگانی
شهید آیت الله دستغیب**

در صفحه ۱۱

بمناسبت
سالگرد شهادت
برادر مجاهد
مسعود
براتی گودرزی
در صفحه ۱۳

توشه گیری از قرآن
البراهیم
عصیانگر
همیشه تاریخ
شماره ۶
در صفحه ۹

**نهضت ملی
انقلاب اسلامی**

بمناسبت ۱۴ و ۲۹ اسفند
و مقابله با دو قطبی کاذب

در صفحه ۵

**راه ۲
مجاهد**

کدام است؟
راه مجاهد:

راه خدا، قرآن، خمینی
(بررسی شیوه های حکومتی)

الف. حکومت فرد بر مردم (استبداد فردی)
ب - حکومت مردم بر مردم
(دمکراسی غربی - دیکتاتوری بورژوازی)
در صفحه ۳

مطالب این شماره :

- * سرفقاله، (رشد نهضت اسلامی،)
- * سخن امام راههای مستضعفین
- * ایدئولوژی
- سیری در روش شناخت امام خمینی
- زندگی اخروی
- توشه گیری از قرآن: ابراهیم عصیانگر همیشه تاریخ (۶)
- * خبرنامه استراژیک
- * ادبیات انقلاب و مکتب
- * راه مجاهد کدام است (۴)
- * از نهضت ملی تا انقلاب اسلامی
- * فرازهایی از زندگانی شهید آیت الله دستغیب
- * سالگرد شهادت برادر مجاهد مسعود براتی گودرزی
- * به یادشدهای حمله اول تیمهای دیدبانی
- * ویژه نامه
- ۱ - قیام درسکون جفالوند
- ۲ - ملاکهای تک گسترده
- ۳ - پیوند با قبایل مستضعف بلوچستان

استقلال آزادی جمهوری اسلامی

سخن امام

راهنمای مستضعفین

* پیام امام به مناسبت ۲۲

بهمن

* سخنان امام در دیدار با
نمایندگان مجلس



گونه ای باشد که احتیاجی به رسیدگی نداشته باشد .
۲- استقامت و توسعه تبلیغات
خصوصاً " در خارج از کشور از اهم امور است و کشور ما در این چند سال تقریباً " فاقد آن بوده است .
مادر مقابل همه بوقهای تبلیغاتی جهانخواران در خارج که اسلام عزیز آنان را به وحشت انداخته است فاقد تبلیغات صحیح هستیم
بقیه در صفحه ۳۷

بسم الله الرحمن الرحيم
بحمد الله تعالى سه سال از پیروزی انقلاب اسلامی سپری شده و در آستانه سال چهارم هستیم ، با پیشگوییهای قشرهای غیر آشنا به اسلام و مردم د لیرایران باید جمهور اسلامی بیش از دو سال از شکست خود راپشت سر گذاشته باشد خوابهای شیرینی که مخالفان داخلی و بیگانه های خارجی آنان دیده بودند و رویاهای امید بخشی که کاخهای طلایی برایشان بنا نموده بودند یکی پس از دیگری با همت والای ملت عظیم الشان و جوانان برومند اسلام فروریخت این کوردلان که از نصرت خداوند غافل بوده و وعده های الهی را نمیتوانند باور کنند و انقلاب اسلامی را چون سایر انقلابات بلکه ناچیزتر میدانند و سادید مادی و محاسبات غلط پایینی پدیده الهی مینگرند و از ارزشها انسانی و حجم قدرتی ایمانی و تحولی که بخواست خداوند قادر در ملت انقلابی ایران پیدا شده خبری ندارند و ارزشها را با دیده حساسی مادی خود خلاصه در سلطه جوشی و استضعاف ملت های زیر ستم میکنند ناچار گرفتارهای پس از انقلاب ایران و توطئه های همه جانبه قدرتهای بزرگ و کوچک ، آنان را ربه این نتیجه رسانیده بود که جمهوری اسلامی پس از چند ماه سرنگون خواهد شد و آمریکا با عوامل داخلی خود بر اینکه قدرت خواهد نشست و درست همین انگیزه بود که گروهکهای داخلی و عوامل جهانخواران خارجی مثل صدام را به مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی برانگیخت تا خود و هواداران بازی خورده خود و ارتش بی اطلاع خود را بادهای مبتلا کنند که راه مفتری جز تسلیم یا تباهی نداشته باشند و از لو صدام بیخبرتر و وابسته تر حسین اردنی است که پس از تجربه برادر جنایتکارش از خواب خرگوشی بزنخاسته و با اطلب جنگ با اسلام و قرآن کریم شده و پیشقدم برای ناموسی در این جنایت خویناست بر ملت و ارتش خود گردیده است غافل از آنکه علاوه بر آنکه ملت اردن مسلمان است و هرگز به جنگ با اسلام بر نخواهد خاست و در این اسم نویسی توفیقی پیدا نخواهد کرد سرنوشت او همان سرنوشت شاه مخلوع با آن قدرت بزرگ شیطانی

و پشتیبانی قدرتهای بزرگ و کوچک خواهد بود . چنانچه سرنوشت صدام بخواست خداوند قادر همان است . اینان نمیدانند قیام يك ملت منسجم از مرد وزن ، كوچك و بزرگ یعنی چه و نمیدانند ملتی که برای خدا و نصرت احکام آسمانی او و نجس مظلومان و محرومان قیام نمود و نصرت خداوند قادر را با خود دارد من به حسب وظیفه اسلامی و انسانی او را نصیحت میکنم که گول وعده هلی شیطان بزرگ را نخورد و خود را با جنود خداوند قهار درگیر نسازد و به جای این حرکت سفیهانه غیر اسلامی ارتش خود را برای نجات بیت المقدس مجهز کند که نفع خود و ملت عرب و اسلام در آن است والا بازی کردن با آتش و مقابله با قدرت اسلام عواقبی دردناک دارد و ملت و دولت ایران نمیخواهند که به کشورهای اسلام صدمه و ضرری وارد شود بلکه میخواهند همه با برادری در مقابل دشمنان اسلام خصوصاً اسرائیل دشمن سرسخت اسلام و اعراب ایستاده و چپاولگران جهان خوار را از سلطه برکشور هندی اسلامی و مسلمانان و مستضعفین جهان باز دارند و دست چپاولگران و ستمکاران را قطع کنند . اکنون در آغاز چهارمین سال پیروزی اسلام در کشور عزیزمان لازم است تذکراتی هر چند تکراری عرض نمایم " فان الذکری تنفع المؤمنین "

۱- نصرت حق تعالی از کشور اسلامی ما و هر کشور اسلامی مشروط است به نصرت دادن کشور و کشورها بدین مبین اسلام و احکام مترقی آن که نصرت مظلومان و محرومان جامعه را نیز در بر دارد و ما اگر حق را نصرت ننمائیم نباید در انتظار نصرت خدا باشیم و از این جمله است اجراء عدالت اسلامی در تمام دستگاهها قضائی و اجرایی در سراسر کشور و از جمله مهمات رسیدگی سریع به پرونده های زندانیان و خصوصاً آنانکه جرمشان مادون جرم گروهکها مفسدین و ملحدین افشاش گرس است و رسیدگی به پرونده های کسانی که بعلی به تعویق افتاده است اولویت دارد چنانچه رسیدگی به دادگاههای قضایی و دادستانی ها از اولویت خاص برخوردار است و امیدوارم کیفیت برخورد ادارات و دستگاههای اجرایی با مردم به

رهنمودهای امام برای تداوم انقلاب اسلامی

بنام خدای مستضعفین
امام خمینی ضمن پیام ها و سخنرانیهای خود در دهه فجر چندین نکته مهم را متذکر شدند با توجه به اینکه بررسی این نکات مهم می تواند رهنمودی برای تداوم انقلاب اسلامی باشد بر آن شدیم تا به ذکر این نکات بپردازیم :
۱- حفظ جمهوری اسلامی به وسیله نظارت مردم بر دولت مردان
امام خمینی در سخنان خود گفتند که این قدرت را هرگز نمیتوانند بر ملتی غلبه کنند مگر آنکه در میان خود ملت افرادی را پیدا کنند که بعلمت قدرت طلبی و یا رفاه طلبی شان بتوانند پایگاهی برای آنان و حاکمیتشان بر ملت مستضعف باشد ، در همین بیانات امام ضمن اینکه مؤذنه دادند که دولت مردان ما امروز از طبقه متوسط و مادون متوسط هستند ، از مردم خواستند که بر آنها نظارت داشته باشند تا با رفاه کشیده شوند :
" ... اگر ملت می خواهد که این پیروزی تا آخر برسد و به منتهای پیروزی که تمام همه است برسد ، باید مواظب آنها فیکه دولت را تشکیل میدهند ، آنکه رئیس جمهور است ، آنکه مجلس هست ، مجلسی هست همه اینها را توجه بکنند که میادای کوفتی از طبقه متوسط به طبقه بالا ربه اصطلاح خودشان مرفه به آن طبقه برسد "

(اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۰)
مسئله ای که در این سخنان امام مورد توجه است ، این است که امام برای مردم حق دخالت در امور مملکت قائلند چرا که امام این مردم را دارای اصول فطری

و قدرت تشخیص میدانند ، برخلاف راه مجاهد قسمت ۱)
جریانی که توده ها را ناگاه حساب در مقابل تفکری هست کنه کرده و به همین دلیل به آنان حق دخالت در سرنوشتشان را نمیدهد ، فراگیر دتا نصرت خدا فرارسد . در حالیکه همین توده های فطری این تفکریاری خدا را از یاری شهادت طلب بودند که با رژیم به خلق خدا جدا میداند و نصرت و وابسته شاه معدوم مبارزه کردند خدا را در نصرت دادن به دین زیرا که حق را از باطل شناخته او و خدمت به مستضعفین نمی بینند ، بودند و مبارزه شان از دل اسلام این روزها جریانی قوی است که در ذات و فطرت آنهاست جوشیده که سعی دارد اسلام را از مستضعفین بدونه از درون کتابها ، توده های جدا کند و بگوید اسلام یک چیز محروم و عاشق عدالت و نجات است و مستضعفین چیز دیگری است خود را در تحقق حکومت اسلامی کا زمینه ای است برای مخالفت میدیدند و الگوی حکومت اسلامی بالوایح اسلامی انقلابی ، لویحی در نظر این مردم شیوه حکومتی که در جهت مستضعفین است . در پیغمبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) بود حالیکه تحقق اسلام در عشق با تکیه به همین الگوست که توده ها به مستضعفین ویاری دادن به آنهاست ، هرگز منحرف نشده و جلوی انحراف دولت مردان راه می توانند بگیرند ۳- ویژگی جامعه ایران :
واما ما ، نیز با توجه به این ویژگیها جامعه ایران را شهادت طلبی مردم آن میدانند ، عشق به شهادتی که در دل زن و مرد و کوچک و بزرگ این سرزمین موج میزند همه توطئه های دشمنان انقلاب و اسلام را خنثی میکند ، همچنانکه ۲- نصرت خدا در یاری امام در پیام های قبلی خود مستضعفین است :
امام در بیانات خود فرمودند شده و تا زمانی که این عشق به که نصرت خدا هنگامی میرسد که ما جبهه رفتن و عشق به شهادت در دل در اجرای دین اسلام بکوشیم پیرو جوان ما هست هیچ قدرتی والبتنه این امر خدمت به مظلومان نمی تواند را شکست دهد .
و محرومان را نیز به دنبال خواهد همچنین امام میگویند که داشت و به همین دلیل است که امام روح تعاون و همکاری که در این خدمت به خلق را از بزرگترین چند ساله در بین ملت پیدا شده در عبادت های الهی میدانند : هیچ زمانی سابقه نداشته است ، " ... نصرت حق تعالی از کشور امام لازم خواهد شد با اسلامی ما و هر کشور اسلامی ، مشروط اشکالات و گرفتاریهای امروز است به نصرت دادن کشور و گروهها به جامعه را صبر و استقامت انقلابی دین مبین اسلام و احکام مترقی مردم در مقابل این مشکلات میدانند آنکه نصرت مظلومان و محرومان (قسمت ۳ از پیام امام راجع به جامعه را نیز در بردارد و ما اگر حق ۲۲ بهمن چاپ راه مجاهد)
ر انصرت ننمائیم نباید در انتظار نصرت خدا باشیم .
مردم را دعوت به صبر و استقامت (پیام امام به مناسبت ۲۲ بهمن

راه مجاهد کدام است؟

راه مجاهد راه خدا، قرآن، خمینی است.

«بررسی شیوه های حکومتی»

بنام خدای شهیدان

راه مجاهد راه خدا قرآن خمینی است. همان راهی که شاعرش از دل مستضعفین بیرون آمد و آنها با این انگیزه و نیت که تحقق امر خدا و قرآن را در رهبری امام یافتند در کف خیابانها زندگی جان به کف اومت واحد را تشکیل دادند. "چرا خدا، قرآن، خمینی؟"

از آنجا که مسئله اعلمت و رهبری رکن اصلی انقلاب اسلامی است وظیفه مکتبی تمام نیروهای مومن به انقلاب اسلامی است که موضع قاطع و روشن خود را راجع به این اصل مقدس و تعیین کننده مشخص کنند، بدین لحاظ لازم دیدیم موضع خود را راجع به این اصل انقلاب اسلامی مشخص نمائیم تا گامی بسوی وحدت عالیتر گروهها و سازمانهای رزمنده معتقد به رهبری امام خمینی برداریم. در این میان خواستیم که از مبنای این انقلاب خونبار که همانا قیامهای مستمر توده های شهادت طلب است شروع کنیم. وقتی که این قیامها را بررسی کنیم، از بین شعارها فی که از دل دردمندشدهای زنده و زنده تر میجوید عبارت "این است شعار ملی، خدا، قرآن، خمینی" جلب توجه میکند و در میابیم که این شعارها نگر و اقعیتی است در انقلاب که تنها و تنها با منطق خود آن (منطق فطرت - راه مجاهد شماره ۲) قابل درک و شناسایی است، همان شعاری که شعور شد و جا مه عمل پوشید.

این شعارها نگر و جوهری است که شیوه حکومت و سیستم اجتماعی خاصی را نشان میدهد که با سایر شیوه های حکومتی تضاد دنیایی دارد و همگان شیوه ای است که در طول تاریخ انبیاء و مستضعفین برای تحقق آن جان باختند. سایر شیوه های حکومتی هیچیک قادر نیستند با سخی صحیح به نیاز انسان که همان تحقق جامعه عدل است بدهند و فقط شیوه "اما متی لاینفک از توحید" است که میتواند چنین نیازی را برآورده کند. برای روشن شدن مطلب با بدیهه سوالات زیر پاسخ دهیم.

چيست و ویژگیهای آنها کدام است؟
ب - چگونه شعرا رخ خدا قرآن خمینی بیانگر شیوه حکومت خاصی است؟
ابتدا به توضیح قسمت (الف) میپردازیم:
شیوه حکومتیهای مختلفی وجود دارند که بطور کلی در چهار محور خلاصه میشوند:

- ۱ - حکومت فرد بر مردم (دیکتاتوری و استبداد فردی)
- ۲ - حکومت مردم بر مردم (دیکتاتوری بورژوازی و اصطلاحاً "دموکراسی غربی")
- ۳ - حکومت طبقه کارگر بر مردم (دیکتاتوری پرولتاریا)
- ۴ - حکومت خدا بر مردم (شیوه امامت یا دموکراسی مکتبی)

۱- حکومت فرد بر مردم (دیکتاتوری و استبداد فردی)
نمونه حکومت فرد بر مردم در طول تاریخ، حکومت نمرود و یا حکومت فرعون میباشد. فرعون میگفت: "انار بکم الاعلی" یعنی من خدای برتر از شما هستم و چیزی بالاتر از من نیست. حکومت فرد بر مردم سمبل ایده آلیزم است به این صورت که یک فرد میخواهد ذهن و فکرش را بر تمام مردم و نظام طبیعت حاکم بکند و بنا بر این حکومت فرد بر مردم، حاکمیت ذهن بر واقعیت است. میبینیم حضرت ابراهیم (ع) میخواست تسلیم واقعیت شود، زیرا به خدا یا حقیقت مستقل از ذهن و هدفداری جهان ایمان داشت. در مقابل نمرود ادعا داشت که حد جهان را او تعیین میکند. پادار کشور خودمان، در زمان خشایار شاه وقتی که کشتیهای او در طوفان خلیج فارس غرق میشدند، دستور میدهد که به آبهای خلیج فارس شلاق بزنند، زیرا آنها به فرمان او نیووه و باعث شدند کشتیهایش شکست بخورد، او میخواهد همه پدیده ها مشروط به ذهن خودش باشند و با ذهن خودش انطباق داشته باشند.

بنای حکومت فرد بر مردم خود خدا بینی است، که منشأ خصلتهای ناپسند میباشند و نهایتاً به دیکتاتوری میرسد و میگوید من فکر میکنم پس باید اینطور باشد، من فکر میکنم پس توده ها باید اینطور باشند و... که رضا شاه و شاه خائن از این نمونه بودند در زمان دیکتاتوری پهلوی همه کارها به شاه ختم میشد و در آخر،

نظراً علیحضرت تا مین میشد، حتی شاه در سال ۱۳۵۲ در مصاحبه ای با یک روزنامه، ادعای دریافت "وحی از جانب خدا" کرده بود و میخواست با این عبارت خودش را در ردیف پیامبران جا بزند، اما از آنجا که باطل در افول است، شاه کثیف برای حفظ خودش سازمان اطلاعات (ساواک) را تشکیل داد و سرانجام حتی عوامل خائن سیایی وساواکی را که عامل مهم حفظ او بودند، رها کرده و گریخت. پس در طول تاریخ ابتدا دیکتاتورها "انار بکم الاعلی" را سر میدادند، اما بتدریج که پیش میروند و نیروهای حق طلب رشد میکنند و کلمه حق اعتلا پیدا میکند (۱) و شکل حکومتها تغییر میابد. بشکل آشکار و علنی "انار بکم الاعلی" را بیان نمی کنند، همزمان با رشد نیروهای حق و بالنده، نفاق و شکل پیچیده کفر هم پدیدار میشود و با تله پیچیده تر میشود. حکومت فرد بر مردم که برتری طلبی و فزون طلبی است، شکل پیچیده تری بخود گرفته و بشکل ظاهراً "دموکراسی" یا حقوق بشر در میآید، در اینجا به حکومتهای ظاهراً "دموکراسی" بر میخوریم.

۲- حکومت مردم بر مردم و اصطلاحاً دموکراسی غربی:
دموکراسی لغتی متشابه است، باین معنی که از این واژه استفاده میکنند دولتی هر کس بنوعی آن را تفسیر میکند. اصولاً دموکراسی یا حکومت مردم بر مردم در مقابل اتوکراسی که حکومت فرد بر مردم است مطرح میشود. دموکراسی بمعنای حکومت مردم بر مردم از فلسفه انسان شناسی یونان منشأ میگیرد. به همین دلیل به آن دموکراسی غربی میگویند. دموکراسی غربی را اصطلاحاً "دموکراسی بورژوازی" هم میگویند، این نوع حکومت ظاهراً حکومت مردم بر مردم است و لسی در

۱ - حکومت فرد بر مردم سمبل ایده آلیسم (ذهن گرایی و خیالبافی است) به این صورت که یک فرد میخواهد ذهن و فکرش را بر تمام مردم و نظام طبیعت حاکم کند. نمرود فرعون خشایارشا - رضا شاه و شاه خائن از این نمونه بودند

باطن حاکمیت یک اقلیت متنفذ بر یک اکثریت محروم میباشد. "انتخابات در آمریکا" مثل انتخابات آمریکا، فرانسه و انگلستان که پراساس اکثریت آراء مردم انجام میشود. اما مردم تحت یک نظام تبلیغاتی - امپریالیستی، فکرشان ساخته میشود و افکار هیپنوتیزم میشود و مردم در یک جو محدود انتخاباتی مشخص شده از جانب سرمایه داران شرکتیهای فرامیلتی قرار میگیرند. جامعه آمریکا ۵۰ نفر سرمایه دار را داره میکنند که میزان ثروت و مسؤلیت هر یک مشخص است و مثل قارچ درهم پیچیده شده اند، این اقلیت بورژوازی تمام امکاناتی که در اختیار دارد بر اکثریت مردم محروم حاکم میشود، آنها هر کدام سهامدار، رئیس، هیئت مدیره یا مدیرعامل شرکتیهای بزرگ هستند و جامعه آمریکا را بنام دموکراسی اداره میکنند که در حقیقت چیزی جز دیکتاتوری بورژوازی و حکومت یک اقلیت سرمایه دار متنفذ نیست.

"حضرت لوط (ع) و قوم بدکار"
برخورد حضرت لوط (ع) با خواست اکثریت قوم خود: در جامعه حضرت لوط (ع) تنها پیامبر و تنی چند از یاران او با عمل فساد که قوم او انجام میدادند مخالفت میکردند، در حالیکه اکثریتشان موافق انجام عمل فساد بودند، آیا باید تسلیم نظر اکثریت منحنط و جاهل قوم لوط شد؟ یا هنگامیکه که فئودالها، رای دهقانها را میخريدند تا بدینوسیله به مجلس راه بیا بند ما میبایست مجلسی را که اکثریتشان فئودالها بودند تا شید میگردیم؟

* اگر به جامعه آلمان در زمان هیتلر بنگریم بایست فاشیسم را تأیید کنیم، چرا که اکثریت مردم آلمان بر هیتلر رای مثبت دادند و لوی آریا از دید مکتب آن اکثریت اصالت داشت؟

هیتلر و اکثریت آریا

اگر به جامعه آلمان در زمان هیتلر بنگریم با یدفا شیم را تأیید کنیم، چرا که اکثریت مردم آلمان به هیتلر رای مثبت دادند و لوی آریا از دید مکتب آن اکثریت اصالت داشت؟

"برخورد حضرت علی (ع) با شورای سقیفه:
پس از وفات پیامبر (ص)، جریان شورای سقیفه بوجود آمد و اکثریت هم رویه شیخین را تأیید میکردند. حضرت علی (ع) گرچه مخالف این شیوه بود ولی این رویه را در آن مقطع تاریخی تحمل میکند و با آنان اتحاد نسبی برقرار میکند و در حالیکه خلافت را نمیپذیرد با آن شورا مبارزه میکند و رای اکثریت را نمیپذیرد، بنا بر این اشکالی که دموکراسی غربی دارد اینست که معیار را اکثریت کمی میگیرد در صورتیکه در اسلام اکثریت کمی ملاک نیست بلکه تنها معیار حق بودن و رشدیابندگی است. در حقیقت ما به اکثریت یا اقلیت رشدیابنده معتقدیم، چه اکثریت باشد چه اقلیت.

"رفورمیسم در مقابل انقلاب"
منطق دموکراسی غربی در ایران از نفوذ و گسترده گی زیاد برخوردار است، عده زیادی که تحصیل کرده غرب هستند، نمونه حکومتیهای نمونه فرانسه یا سلطنت مشروطه انگلستان و یا نهایتاً "سوداست" اینها منطقتان همان منطق دموکراسی غربی است و میگویند: ملاک، نظرا اکثریت مردم بدون معیارهای حق است برای روشن تر شدن این شیوه حکومتی و برخوردش با انقلاب اسلامی مروری برگزشته و عملکرد این جریان در انقلاب مینمایم. رژیم گذشته یک رژیم فاشیستی با شیوه تولید وابسته بود. برنامه امپریالیسم این بود که برخوردی آگاهانه و بسیار پیچیده بکنند و حکومتی را روی کار بیاورد که ظاهراً دموکراتیک باشد ولی در

راه مجاهد ...

*** بعد از جنگ چنانکه دیدیم فقط ۵٪ مردم ماندند و شهادت و شورا را در مسجد خونین شهر تشکیل دادند. چنین شورائی صلاحیت تحقق امر خدا را دارد، چنانکه مرحوم آیت ا... طالقانی نیز شعائر شهادت و شورا را مطرح کردند.**

باطن نفوذ امیرالایم را حفظ نماید. یعنی از فاشیسم - دموکراسی فاشیستی تغییر شکل دهد. این برنامه ای بود که رژیم به اتکاء کا رترو به کمک همدستان امیرالایستی و جناحهای ارتجاعی داخلی میخواست آنرا پیاپی کند. مثلاً "روزنامه ها و زندانیان سیاسی را آزاد کند حزب رستاخیز و ساواک را منحل نماید و قانون اساسی شاهنشاهی را اجرا کند و امام را از عراق بازگرداند. این پنج اصل رفرمیستی بود که از طرف بعضی روحانیون که طرز تفکر دموکراسی غربی داشتند نیز مطرح شد. رفرمیسم ما هیت انقلابی جا معه ما را میدانست و آگاهی

حکومتی اتحاد شده است و چنانکه از آن بر میآید جنبش ملی مجاهدین به مستضعف بودن و یا غیر مستضعف بودن اقشار توجه نداشت و همین بود که با رفرمیستها و ضد انقلابها پیوند خورده و برای کسب اکثریت آراء جهت مقابله با خط انقلابی اسلامی امام به این شیوه همان شیوه دولت موقت بود که شکست خورد و با شیوه حکومتی اسلام کاملاً مغایر است همچنین جنبش ملی در انتظار است مرحله ای از جمهوری اسلامی چنین عنوان کرد: " ۰۰۰ از آنجا که به لحاظ حقوقی نیز خاستگاه هر قانونی اراده مردم است که اراده خدا نیز سرانجام و بطور تاریخی از همین طریق بیان میشود و از آنجا که به اتکاء همین اراده و رای اعتماد مردم ایران دولت سهندس با زرگان معرفی

*** جامعه آمریکا را ۵۰ نفر سرمایه دار اداره میکنند که میزان ثروت و مسئولیت هر یک مشخص است این اقلیت بورژوا با تمام امکاناتی که دارند اکثریت مردم حاکم میشوند.**

داشت که هزاران گروه خودجوش در ایران وجود دارند و حرکات را تنظیم میکنند. تعداد زیادی از اینها در فلسطین دوره دیده و از حرکات مسلحانه در سازمانهای انقلابی آموزش میگیرند در حقیقت در آن مقطع زمانی که این پنج اصل مطرح شد مسئله ای کاملاً انحرافی بود. یعنی انحراف از جریان اصیل و بالنده برهبری امام خمینی که میگفتند شاه باید برود و با این منظور که سلطنت باید برود.

دربار آن موج عظیم نفی پارلمانتاریسم و نفی قانون اساسی که از طرف انقلابیون مطرح شده بود، اجرای کاملاً قانون اساسی یک خواسته رفرمیستی بود چرا که منفع رژیم شاه تمام میشود.

" مسئله شوراها و دموکراسی غربی " مسئله مهمی که طرفداران این شیوه در طول انقلاب مطرح کرده اند مسئله شوراها به شیوه دموکراسی غربی بوده است. مثل شورا در کارخانجات وابسته و... که به شرح هر یک از این شوراها میپردازیم:

۱ - جنبش ملی مجاهدین در برنامه پیشنهادی خود برای نامزدی مسعود رجوی چنین گفته است: " تشکیل شورا های مردمی برای اداره امور مختلف سیاسی و اقتصادی (اعم از بخشهای تولیدی، توزیع و سایر موسسات دولتی و خصوصی کشورمان بمنظور تامین حکومت مردم بر مردم در این ماده حکومت مردم بر مردم یا دموکراسی غربی بعنوان شیوه

داده شود تشکیل اینگونه شوراها امری است مقدس. " شهادت و شورا در خونین شهر " اگر قبل از جنگ اسلام و کفر شورائی در خونین شهر بر اساس دموکراسی غربی و رای گیری صرف تشکیل می شد اکثریت آن را کسانی تشکیل میدادند که کشاکش انقلابی برای تداوم خط شهادت و خط انقلاب اسلامی نداشتند و چنانکه دیدیم فقط ۵ درصد از افراد ایدئولوژیک و بومی خونین شهر در آنجا ماندند و شهادت و شورا را در مسجد جامع تشکیل دادند. مسلمانان شورایی که از موضع شهادت تشکیل بشود، صلاحیت تحقق امر خدا را دارد. مرحوم آیت ا... طالقانی نیز شعائر " شهادت و شورا " را مطرح کردند یعنی شورایی که در سایه بسیج توده های شهادت طلب تشکیل شود و بدین ترتیب شورایی شکلی وبدون معیار نیست.

" فلسفه شورای نگهبان " اصولاً فلسفه شورای نگهبان بر این است که اگر اکثریت با معیارهای غیر اسلامی لویاچی را تصویب کردند، شورای نگهبان آن را کنترل کرده و در واقع اسلامی بودن آن را تأیید نماید. البته ولایت فقیه حاکم برای شورای نگهبان بوده و اگر مسئله ای را شورای نگهبان و مجلس و همه مردم تصویب کنند ولی اسلامی نباشد، ولی فقیه آن اصل را رد میکند. (در اینجا منظورمان نفس و فلسفه شورای نگهبان است و هدفمان ارزیابی مواضع شورای نگهبان نیست) در این مورد تصفیه نمایندگان مجلس نظیر قشقائی ومدنی و بیگی و... قابل توجه است که موضع آنها نسبت به جوهر انقلاب و جمهوری اسلامی، اصل قرار داده شده و نه اینکه ببینیم چقدر رای آورده اند. در صورتیکه این نمایندگان از طرف اکثریت مردم منطقه خود به نمایندگی انتخاب شده بودند، اما بعلت تحریک عوامل ضد انقلاب و توطئه بر علیه جمهوری اسلامی مجلس آنان را اخراج نمود.

مجلس خبرگان در برابر مجلس موسسان
در شرایطی که انقلاب اسلامی تازه به پیروزی رسیده است بره انداختن صدای دموکراسی و داد از مجلس موسسان در مقابل مجلس خبرگان زدن در حقیقت به این معنا بود که برای گیری آزاد پذیرش رای اکثریت وبدون کنترل از طرف رهبری انقلاب سلطنت طلبان و عناصر صیانی و وابسته به درون مجلس نفوذ کرده و بتوانند قانون را منحرف کرده و جمهوری اسلامی را از بنیان به انحراف بکشانند. شیوه مجلس موسسان در آن زمان در مقابل مجلس خبرگان شیوه ای غیر انقلابی و سازشکارانه بود که باعث میشد بر آن عناصر وابسته به مجلس راه پیدا کرده و قانون اساسی را منحرف کنند.

*** انسان جان بکف و عقل حساب گر: تحقق دموکراسی غربی در جبهه های جنگ اسلام و کفر بدین صورت است که یک رزمنده در مقابل ۱۴ لشکر موتوریزه عراق خودکم بین شده و نتواند بجنگد. این نتیجه عقل حساب گر معتقد به اصلت اکثریت است در حالیکه انسان جان بکف با مسلح شدن به الله اکبر در مقابل این اکثریت ایستاده و از زیادی سلاح دشمن نمی ترسد و برای مقابله وابسته هم نمی شود**

" اجماع مراجع "
با توجه به ویژگی انقلاب اسلامی و نقش رهبری و ولایت امام خمینی تبیین از مسئله ولایت فقیه نقش موثری در خط مشی گروهها و افراد در قبایل انقلاب

نیروی ایمان الهی برخوردار است همچون گنجشکی که در روی شاخه درخت فقط دهان با زمار در کمین نشسته را میبیند و از نیروی پرواز خود غافل میشود. با این تفکر جنگیدن در چنین حالتی امکان ندارد. عقل حسابگر و تفکر صرفاً " نظامی سرانجام به آنجا میرسد که برای جنگیدن بایستی به ابزاری برتر از آلات جنگی دشمن مجهز بود تا بتوان با آن مبارزه کرد و این راهی جز وابستگی به ابقر قدرت نخواهد بود. حال آنکه تفکر مکتبی معتقد به پیروزی الله اکبر بر ابزار شیطانی است و با اتکاء به الله اکبر است که سلاح متناسب و خودکف را بدست آورده و با چهار شیطانی به مقابله بر می خیزد. که این تحقق آیه مبارکه " قال الذین یظنون انهم ملأوا اللہ کم من فیکة قلبه غلبت فیکة کثیرة باذن اللہ " سوره بقره آیه ۲۴۹ است. در صورتیکه رعایت قوانین حاکم بر جهان بشود (باذن الله) گروههای اندک بر گروههای کثیر غلبه خواهند کرد. آری رمز پیروزی در جنگ در سایه ایمان به خدا وند و تحقق امر الهی و مسلسل های متکی بر ایمان رزمندگان امکان پذیر است. نه با تکیه بر ابزار آلات پیچیده و آخرین سیستم غربی و کاربرد شیوه های کلاسیک. زیرا حق گرچه اندک باشد در مقابل باطل گرچه کثیر باشد پیروز است چنین است که اگر تنها کمیت برای ممالک باشد این اکثریت کمی صرف، خود امری است ارتجاعی بنا بر این در جوامعی که اکثریت با عناصر وابسته است خواهند خواست این عناصر حاکم میشوند. در همین آمریکای ظاهراً " آزاد وقتی افشاگریهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام توسط خبرنگاریک از شبکه های تلویزیونی در آمریکا حمل میشد پلیس اف بی آی - جزوات را گرفته و به او پوس نمیدهد، چرا؟ برای اینکه اینها به نایب و جوهر امیرالایم مربوط میشود و در آنجا دیکتاتوری محض حاکم است. در حالیکه دموکراسی مکتبی این است که توده ها هر کدام تحلیلی از شرایط داشته و فعال شوند همچون بسیج اصولی " مرگ بر شاه " به رهبری امام خمینی که مردم در یک بسیج اسلامی، فعالانه شرکت داشتند. بنا بر آنچه گفته شد، شیوه

بقیه در صفحه ۴۱

بقیه در صفحه ۴۱

بمناسبت ۱۴ و ۲۹ اسفند و مقابله با دو قطبی کاذب

از نهضت ملی تا انقلاب اسلامی



آدم نهضت نفت نهضت زار با دست
سند به از آن که اول این مبارزه را نموده
گرد و آن کسی بشیر را بدین در کربلای معلی است
و فانی خب آتای زمان چنان خور و داد کرده
محمد باقر خراسانی آن باقی که از آن سرخورد
در آن وقت جنگی با این قبیل تنگ نظران بود
آن برادر در پیش و کوه در پس

دست خط مرحوم دکتر مصدق در مورد شهید فاطمی

بنام خدای شهیدان
در تاریخ مبارزات حق طلبانه و استقلال طلبانه ملت ایران، به اشخاصی برمیخوریم که با اتکال به توده های مسلمان عدل طلب با استکبار جهانی به مبارزه برخاسته اند و هر کدام چهره روشنی در این راه پریچ و خم به ما میروند. ۱۴۰ اسفند روز وفات یکی از این بزرگ مردان است. "دکتر محمد مصدق" مردی که طی یک مبارزه دراز مدت با پایگاه اصلی استعمار انگلیس (لانس) جاسوسی و غاصب "شرکت نفت ایران انگلیس" (که از عمق ایمان و عشق او به استقلال کشور سرچشمه میگرفت) ترانست چنان ضربه ای بر شاه و حاکمان انگلیسی اش وارد آورد که آنها مجبور شدند موقتاً در مقابل این موج عظیم سرفروآورد و رند تا خطر بسیج ملت از سر آنها بگذرد، و در نهایت با کودتای ننگین ۲۸ مرداد سعی کردند که بخیال خودشان این شطرنج را موش نمایند، غافل از اینکه مبارزات استقلال طلبانه مردم مستضعف ایران ریشه در عمق مکتبی دارد که مانع از تسلیم آنها در مقابل هر قدرتی جز قدرت خدا می گردد.

انگلیس وارد ساخت می توان شعاری مادی دانست؟
بنظر ما اشکال این دیدگاه این است که امور را به امور مادی و معنی تقسیم می کند، در حقیقت ملاک سنجش بران میزان درستی یک حرکت و شعرا را این است که آن شعرا به چه میزانی در جهت رشد و گسترش امت واحده و نظام عادلانه توحیدی و مبارزه با طاغوت زمان است.
ب- جریان دوم با تائید ظاهری مصدق، هر چند که اعتقادی به عمق حرکت او نداشتیم می کند که با

* اگر شعرا رفت ملی مادی است :
با دید پرسید، آیا می توان گفت که امام حسین (ع) که فرمانده کل قوایش حضرت عباس (ع) را به ما موریت آوردن آب می گمارد، این آب که اصلی ترین نیاز اردوگاه سرور آزادگان است یک نیاز مادی و اقتصادی دانست؟ و یا اینکه تحریم تنباکوا از طرف مرحوم شیرزای امیری مادی بود؟

دیدگاه های مختلف راجع به نهضت ملی
نسبت به نهضت ملی و مرحوم دکتر مصدق دیدگاه ها و مواضع مختلفی وجود دارد :
الف - یک جریان از موضع اینکه شعرا ملی شدن نفت که از طرف شهید فاطمی " در جنبه ملی مطرح گردید یک شعرا مادی بوده و بعد معنوی ندارد این حرکت را در جهت اسلام ندانسته و به این امر توجه ندارند که این شعرا در چه شرایطی مطرح شده و در آن زمان عمل صالح چه بوده است؟ سوالی که در رابطه با این شیوه نگرش مطرح میگردد این است که آیا اساساً تقسیم بندی مادی و معنی درست میباشد یا میتوان گفت که امام حسین (ع) که فرمانده کل قوایش حضرت عباس (ع) را به ما موریت آوردن آب می گمارد، این آب که اصلی ترین نیاز اردوگاه سرور آزادگان بود، یک نیاز مادی و اقتصادی است؟ آیا چنین شیوه نگرشی درست است؟ آیا تحریم تنباکوا از طرف میرزا حسن شیرازی که شدیدترین ضربه را بر استعمار

و مل کردن خود به یک جریان تاریخی محکم نظیر شهید مدرس، مرحوم مصدق و شهید فاطمی خود را مبارز معرفی کرده و بدین طریق مبرز حق و باطل را مخدوش کند و از آب گل آلود ماهی بگیرد، بنی صدر جنبه ملی و جناحی از نهضت آزادی از این نمونه بودند (۱) بنی صدر که نمونه بارز این جریان بود و به ظاهر مکتبی بود منافقان خود را مصدقی می نامید، در حالی که تداوم خط استقلال طلبانه (موازنه عدمی مدرس و موازنه منفی مصدق) را در رابطه با اروپای غربی و ژاپن می دید و از این طریق بزم خود می خواست کشور را بسوی استقلال سوق دهد، او در حالی که رئیس دفترش نماینده مخفی شاه در پیمان سنتو و هم چنین مشاور

یکدیگر مخالفند هر دو یک طرز تفکر داشته و یکی هستند، توطئه این جریانها در اینجا بود که با مخدوش کردن مرز بین حق و باطل جامعه را بیک دو قطبی کاذب تبدیل کرده و خط امام را منزوی کنند (که در باره آن در کتاب توطئه دو قطبی کردن کاذب مفصلاً شرح داده شده است.)
در این مقاله سعی بر آن شده که تا با بررسی ماهیت اصیل و جوهره نهضت ملی پیوند آنرا با خط امام نشان دهیم. لازم به تذکر است که بررسی عمیق تر نسبت به جریانهای آن زمان و تحلیل علل شکست نهضت را به بحث های بعدی موکول می کنیم.

ملی شدن نفت موازنه منفی "جوهره نهضت ملی"
برای اینکه بدانیم یک حرکت اصیل است یا نه؟ باید ببینیم که تا چه حد در خدمت عمل صالح زمان و درگیری حق و باطل قرار گرفته و به چه میزان متضمن رشد حق و افول و انزوای باطل میگردد.
همیشه پیش از آن مبارزه ضد ظلم متناسب با رشد توده هادر درگیری حق و باطل در پی وحدت کلمه ای بوده اند که بتوانند بوسیله آن توده های حق طلب را بسیج کرده و به اتکای نیروی لایزال آنها بیشترین ضربه را به دشمن

جالب اینجاست که بهر سیم، اگر بزرگم این جریان (جریان معتقد به انعقاد قرارداد بین الملل و ضد نهضت ملی)، مصدق طرفدار شوروی و همکار توده های آنها بود، چرا شوروی کودتای ننگین ۲۸ مرداد بر علیه نهضت ملی را با سکوت تا شیدا میزبیرگزار کرد؟ عجب!

نداشت.
در رابطه با این شعرا اصیل سه جریان فکری وجود داشت :
یکی جریان حزب توده بود که اعتقاد داشت باید امتیاز نفت شمال را به شوروی داد ولی امتیاز نفت جنوب را بیدار انگلیس خلع بقیه در صفحه ۳۹

رشد نهضت اسلامی و عافیت طلبی جدید

معتقدا شد، باید از اول شروع کنیم و یک سیرصحت ساله را بپیمائیم و همه کتابها را بخوانیم تا صلاحیت برای عمل پیدا کنیم که معلوم نیست پیدا شود یا نه. البته منظور نفی مطالعات علمی نیست بلکه هدف قرار دادن علم است. امروزه حوزه‌های "علمیه عملیه" در خط امام بزرگترین تیربقلب توطئه‌های امپریالیسم است. زندگی حضرت علی (ع) را که مطالعه میکنیم

میبینیم علی (ع) قریب پنجاه سال زندگی اخروی و جان بکف داشته اند و در تمام عملیات تا مرز شهادت رفته اند اگر چه صواب شهادت را بردند ولی در آن زمان شهادت نشدند و بقاء رزمنده داشتند و آنگاه امام علی شدند و در نهایت به فیض شهادت نائل آمدند. لحظه ای به ضربت علی (ع) در روز خندق یا رشادتهاش در جنگ احد یا خوابیدن در بستر حضرت رسول اکرم (ص) ببیندیم و ببینیم علی (ع) بقول خودش چگونه در دریای خون شنا کرد تا به ساحل نجات رسید.

یک دسته از اینها علیرغم صداقتشان اصل را بر ماندن و بقاء داشتن و سپس خمینی شدن گذاشته اند، اینها ناخودآگاه در خط عافیت طلبی بشکل ظریف آن قرار میگیرند، اینها فراموش کرده اند که امام خمینی یک سیرزندگی جان بکف را طی کرده اند و زنده ماندن و طول عمرایشان از عنایات خداوندی است و هرگز قصد بقاء عافیت طلبانه نداشتند و اگر چنین بود قدرت بسیج پیدانمی کردند و منشاء خدمات هم نمیشدند. ما ملت مسلمان هم طول عمر و بقاء رزمنده امام را برای تحقق حکومت عدل مهدی (عج) میخواهیم و او آرزوهای خود را در شعار خدایا - خدایا - تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار، بیان میکنیم.

امام چندبار گفته اند ما به تکلیف الهی خود عمل میکنیم و پیروزی و سعادت را همین میدانیم و عمل کرد ایشان در حوزه هم این مسئله را تا شنیدیم، روزها بی راپشت سرگذرانده اند که درس اسفاریشان زیر فشار بوده است و فقط برای یک طلبه درس میگفتند.

آنها بی که با تشخیص خود صرفاً اصل را بر ماندن و رهبر شدن و ولی فقیه شدن میگذرانند، مطمئناً از راه تسلیم به خدا و تسلیم به شعاع خدا، قرآن، خمینی و زندگی اخروی و جان بکف دور شده و نه تنها امام نمی شوند بلکه ناخودآگاه در برابر خط امام هم قرار میگیرند، البته اشتباه نشود منظور ما کسانی نیستند که به امام یا دوستان امام به کارهای غیر از جنگ و یا به تعلیم و تعلم مشغولند و مشغول تشکیل و فعال کردن حوزه‌های "علمیه عملیه" هستند.

"با خدا یا شاه دونایا ظربا ش که مبادا فرار از شهادت و جنگ موجب شده باشد که ما به کتاب پناهنده بپریم، چرا که میدانیم و یقین داریم اگر از این موضع حتی به قرآن و سنت هم پناهنده بپریم نتیجه اش چیزی جز "تفسیر به رای" و "برخورد زینی" و "تاویل من عندی" و "توجیه کاری" نخواهد بود." (۲)

والسلام
(۱) - پاورقی: مضمون سخن امام در صفحات ۷۰ و ۷۱ تفسیر سوره مبارکه حمد از دفتر انتشارات اسلامی.
(۲) - پاورقی: مضمون سخنان امام در صفحه ۶۰ همان منبع.
(۳) - پاورقی: رجوع شود به آیه ۷ از سوره شریفه آل عمران.

بقیه از صفحه ۱ بود انگیزه اش از مسافرت به خارج و ماندن طولانی در پاریس. این توضیح مختصری بود در مورد خط مشی عافیت طلبانه. او علیرغم آگاهی بسقوط سلطنت خود را در متن توده‌هایی که مایل به سقوط سلطنت بودند قرار داد، چرا که راه این مردم پرپیچ و خم و خونبار و شهادت گونه بود، او راه بقاء و عافیت طلبی را در پیش گرفت و به خارج مسافرت کرد و بصورت تماشاچی خونها و شهادتها در آمد و بغلط خود را تبعیدی رژیم سلطنت و نمود میکرد. او به ایران آمد تا از خون شهدا میوه چینی کند و رئیس جمهور شود. هنگامیکه با امام در تهران آمد نمازش را در طول اقامت اش در تهران شکسته میخواند در مقابل این سوال که چرا نماز را شکسته میخوانی گفته بود و وضع مطوم نیست ممکن است به خارج برگردم که انقلاب شد ماندنی گردید.

آنچه که برای بنی صدامت داشت ماندن و بقاء بود برای احراز مقام پس از پیروزی، و پیروزی را در سعادت و سعادت راد لقا الله و شعرا را یمان، جهاد شهادت نمی دید.

شهادت حنیف نژاد و خط ظریف عافیت طلبی :
امام خمینی طی اعلامیه‌ای جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در سال ۱۳۵۰ افشاء و محکوم کرده بودند و سازمان هم بنا بود در این رابطه عملیات محدودی انجام دهد که جنبه قیام نداشتند، در همین حال که آمادگی رزمی بود و میآمد مد نظر تفکری غیر آشکار در کنش اش شکل میگرفت که: "ما اگر بخوایم مثل حنیف نژاد شویم باید همه کارهائی که او کرده انجام دهیم یا بدینا "راه او را - بپیمائیم یعنی برویم در هیئت نوحه بخوانیم، کتابهای که حنیف نژاد در دوره دانش آموزی و دانشجویی خوانده بخوانیم، قرآن و نهج البلاغه را آنقدر بخوانیم تا مثل او مسلط شویم و انجمن اسلامی تشکیل دهیم، سربازی برویم. یک دوره مبارزات سیاسی را طی کنیم و..... مسلماً شروع و ادامه این سیر چندین سال طول میکشید، در شرایطی که عمل صالح پاسخ دادن به نیاز حنیف نژاد که همان نیاز مردم بود، این تفکر میخواست خودش حنیف نژاد شود و یک سیر طولانی طی کند که عملاً به یک خط مشی عافیت طلب تبدیل میشد محتوایش این میشد که بمانیم و بقاء داشته باشیم تا حنیف نژاد شویم و خدمت بزرگی به انقلاب بنمائیم تا حرفمان موثر واقع شود و شونندگان زیادی داشته باشیم در صورتیکه مشکل آن روز حل مسئله امنیتی، جاسازی، ساختن بمب و شناسائی برای برهم زدن جشنهای شاهنشاهی بود.

شهادت شریعتی و خط عافیت طلبی :
در شرایطی که شهید شریعتی میگفت "آنها که رفتند گاری حسینی کردند و آنها که ماندند باید گاری زینبی بکنند و گرنه یزیدی هستند" در شرایطی که مرحوم شریعتی خط خون و شهادت را تبلیغ مینمود و راه را به دوستان خود نشان داده بود، جریان عافیت طلبانه ای

اینها بدون توجه به روش شناخت امام خمینی، بدون توجه به حرکت جوهری و عرفان استدلالی امام و بدون توجه به تفسیر الحمد امام صرفاً "متخصص شدن را وجهه همت خود قرار میدهند و توجه ندارند که متخصصینی هستند که مدارج علمی و فقهی زیادی را طی کرده ولی نه تنها مثل امام نشده اند و در راه امام نیفتادند بلکه غیرا و یادر مقابل ایشان قرار گرفتند، جریان عافیت طلبی ظریف

اگر چنانچه احتمال دادید که در یک جایی بواسطه سستی مایک نقیصه‌ای وارد بشود
در جنگ باید جبران بکنند امام خمینی

سیری در روش شناخت امام خمینی

راه بشرتدوم راه انبیاء

راه مجاهد: مقاله زیر خلاصه‌ای از سخنرانی یکی از برادران است که در مراسم سالگرد شهادت مجاهد شهید مسعود براتی گودرزی که در ۱۸ بهمن ماه ۵۹ در کربلای سوسنگرد به شهادت رسیده ایراد شده است. امیدواریم در آینده حق مطلب را در سلسله مقالات راه مجاهد کدام استاد انعامیم.

بنام الله پرورش دهنده شهدا راه بشرتدوم راه انبیاء: یکی از تازمانه های تکامل ضربه سال ۵۴ سازمان مجاهدین و بعد از برکات انقلاب و بالاخره از برکات جنگ اسلام و کفر و خونهایی که در این راه ریخته شد این مسئله بود که رابطه راه انبیاء و راه بشر برای اذهان مرزبندی شد. قصد ما این نیست که در این مقاله برکات جنگ را که قبلا از آن سخن رفته است تکرار کنیم بلکه این مقاله بیانگری یکی از مسائل امروز انقلاب اسلامی است.

راه انبیاء و راه بشر مجاهدین: عده زیادی از ایرانیها هستند که میگویند انبیاء يك راه دارند و بشر هم يك راه دارد و در راه نظر میگیرند یکی راه انبیاء و دیگری راه بشر. سازمان مجاهدین نیز درگیر این مسئله بود و مسئله راه این ترتیب بیان میکرد که: بشر راه طبیعی خودش را میپیماید و انبیاء این راه را تسریع میکنند و تکانی به آن راه میدهند و یک شرط خارج برای این راه بحساب می آیند. تجلی این تفکر بدین صورت است که راه انبیاء را قبول کنیم و راه علم را در کنار راه انبیاء بپذیریم. مثلاً قرآن را قبول کنیم، هم ستاورد های علمی مثل قانون نیوتن، نسیت اینشتین و دستاورد های علمی دیگر را قبول داشته باشیم و راهنمای کارهایمان هم قرار بدیم. ضربه سال ۵۴ موجب شد که دنبال علت اصلی ضربه برویم و به علل راست یا چپ

شهید مجید شریف واقفی: شهید مجید شریف واقفی این سوال را مطرح کرده بود که ما باید راه علم و راه دین را در یکدیگر اگر میتوانیم با علم همه مسائلمان را حل کنیم پس چه نیازی است به قرآن استناد کنیم و از قرآن تاییدیه بگیریم. در تحلیل این مسئله سرانجام باین نتیجه رسیدیم که انبیاء اسوه هستند، انبیاء الگویی بشر هستند و بشر واقعی راهی جدا از انبیاء ندارد و باید راه انبیاء را تدوم دهد. قرآن میفرماید: **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَكَرَّ اللَّهُ كَثِيرًا** (سوره آیه ۲۱)

یعنی رسول اکرم (ص) يك اسبوه و سرمشق نيک است و شیوه های رسول اکرم قابل تدوم است و ما هم میتوانیم کارهای رسول اکرم (ص) را در هر چه و مرتبه خودمان انجام دهیم البته ما نمیتوانیم بطور اکل همان کاری که حضرت رسول (ص) انجام دادند عیناً انجام دهیم ولی بایستی آن راه را رفت. آیه قرآن هم میفرماید: **وَأَنجَارًا لِّمِيقَاتِهِمْ** و ولایت فقیه آمده است که حکومت دارد یعنی هر کسی که خدا را

انبیاء و ائمه و اولیاء نه تنها انگیزه و شور می دهند بلکه صاحب اصول مکتب و روش رئالیسم و روشهای خاص خود هستند. ما می توانیم شور مبارزاتی مان را از امام حسین (ع) بگیریم و روشهای زندگی و مبارزاتی اقتصادی و علمی را از جای دیگر. کلیه احزاب و گروهها در جریان تیکه بنحوی از انحاء به راه بشر اصالت می دهند و یا اینکه راه بشر را هم در کنار راه انبیاء قبول دارند یا آخره در طیف مخالفین نهضت اسلامی امام خمینی اند.

قبول دارد و رسول او را قبول دارد، می تواند از حضرت رسول سرمشق نیک داشته باشد و بدین ترتیب از رسول (ص) بت هم ساخته نمیشود. خود حضرت رسول (ص) هم برای خدا عبادت میکردند. (۲) یعنی به همان شیوه ای که رسول اکرم (ص) برای خودشان جانشین تعیین کردند و حضرت علی (ع) راه جانشینی برگزیدند (الیم املت لکم فی ارکان) ولی و فقیه هم حق دارد برای خودش جانشینی تعیین کند که تقوی و بقیه در صفحه ۸

چه بسیارند علی اکبرهایی که در عمل صالح زمان، علیه کمپ دیویدا ول و دوم و توطئه طاغف و اختلاف عراق و ملک حسین و ملک خالد و ملک حسن و حسنی مبارک، شرکت می کنند و بی برای تحقق استراتژی امام خمینی که صد سال مد رزه با آمریکا و آزادی قدس به شیوه فهمیده ای جنگ است، نبرد می کنند و شهید می شوند

بنام خدای مستضعفین

استحکام و ایثار و ایمان در چیست؟ خنیف نژاد و انسان برتر از ما در سال ۴۹ که آمریکائیه با بهره ماه دست یافتند، دست بسته تبلیغات گسترده و چشمگیری زدند تا با تحریف بی نهایت طلبی انسانها در جهت فضا بخیا ل خود نظام امپریالیستی راثیت نمایند. روز بعد از پیاده شدن آمریکائیه در کرمانه در حالیکه همه مسحو را این عمل شده بودند شهید "خنیف نژاد" در خانه جمععی گلشن "به ما گت: آیا امریکائیهها که به کره ماه رفته اند پیشرفته ترند یا ما؟"

جوابی که به وی داد شد این بود که آنها یعنی امریکائیهها پیشرفته ترند چرا که به کرمانه سفر کرده اند و دستاورد های علمی زیادی دارند ولی شهید "خنیف نژاد" گت که اینطور نیست و علیرغم های وهوی و تبلیغات چشمگیر آنها، ما از امریکا - آنها پیشرفته تریم چرا که ما مشغول دست یابی به قانون بندی غلبه مستضعف بر قوی هستیم، غلبه بر قدرت امپریالیستی امریکا از طریق مبارزه چریکی دراز مدت و خود کفا ما با الهام از آیه "قَالَ الَّذِي يظنون أَنَّهُمْ مَلَأُوا اللَّهَ كَمِينَ فَيَذَرُ قَلِيلَهُ غَلَبَتْ فِئْتَهُ كَثِيرُهُ بَأْذَنَ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ" (آیه ۹۹ سوره بقره ۲)

در جهت سمت داری تاریخ و غلبه ضعیف بر قوی هستیم و لذا ما پیشرفته تریم و امریکائیهها علیرغم پیشرفت های علمی و کشف اقا نونها جدید و تکنولوژی پیچیده و مدرن محکوم به شکست در برابر ما هستند. شهید "خنیف نژاد" با همین بقیه در صفحه ۴۱

راه بشر...

شرایط لازمه دیگر را داشته باشد پس جوهره انقلاب اسلامی معتقد است که راه بشر همان تداوم راه انبیا است و هر کاری که انبیا و اولیا کردند بشر هم میتواند بکند. اینطور نیست که آنها رایج موجود استثنایی بگیریم و بگوئیم که آنها انبیا و ائمه اطهار بودند و ما یک بشر معمولی هستیم و نمیتوانیم راه آنها را بییمائیم اگر آنها جهاد کردند برای اینکه انبیا و اولیا بودند، اگر اسلام حسین (ع) قیام کرد او امام بود و صلاحیت داشت، ماکه امام نیستیم و صلاحیت نداریم! امام اکیداً با این تفکر مبارزه کرده اند. شهدای مجاهدین نیز با این تفکر مبارزه کرده اند. آنها قبول داشتند که انبیا الگو هستند ولی یک نارسایی وجود داشت که در کنار راه انبیا راه علم را هم قبول داشتند که بعد از ضربه سال ۵۴ کار اصلی ما حل این عدم انسجام بود.

راه انبیا راه بشر و انقلاب اسلامی در جریان انقلاب مردم شعارهایی میدادند که نشان میداد راه انبیا و راه بشر یکی است و راه انبیا است و اقی همان تداوم راه انبیا است مثلاً در تشییع جنازه مرحوم آیت الله طالقانی دیدیم چند میلیون جمعیت فریاد میزدند: "ای نایب پیغمبر ماجلی تو خالی". مردم آیت الله طالقانی را قبول داشتند و به او عشق میورزیدند زیرا او رانایب پیامبر (ص) می دانستند و او را سید جلیل القدری می دانستند که با جای پای پیامبر میگذاشتند، البته بطور مکانیکی بلکه راه پیامبر را میروند، راه جهاد، امر معروف، تحمل شکنجه، زندان، مبارزه با طاغوت و استمرار در مبارزه، سعه صدر و خلاصه تمام خصوصیاتشان در دنباله روی از انبیا بود. امام خمینی در بزرگداشت فوت مرحوم طالقانی در سخنرانی میسوطی که ایراد کردند گفتند: مردم مسلمان باین دلیل او را قبول داشتند که فرضاً در مکررات بود، بلکه بدین دلیل او را قبول داشتند که او رانایب پیغمبر می دانستند، یعنی که راه بشر تداوم راه انبیا است. مردم کلنگ قبر مرحوم آیت الله طالقانی را میبوسیدند و دست بدست میکردند. این کلنگ کیمیک تکه آهن

بود ارزشی نداشت. حال اینکه این کلنگ با اصطلاح افتخار کردن قبر مرحوم طالقانی راداشت و طالقانی این افتخار را داشت که راه پیامبر را پیمود و این کلنگ هم ارزشمند شده بود و آن را میبوسیدند همانطور که مقدسات خودشان را میبوسیدند. در تشییع جنازه مرحوم طالقانی مردم عشق عمیق خود را به او نشان دادند و می گفتند عزا عزا است امروزه روز عزاست امروز طالقانی مجاهد پیش خد است امروز بدین دلیل برای مرحوم طالقانی سینه میزدند کمی گفتند

رژیم سابق قاچاقچی بودند و قاچاق اسلحه می کردند طرز کارشان طوری بود که قسم حضرت عباس می خوردند و به این ترتیب جلب اعتماد یکدیگر را می کردند. میلیونها ایرانی به حضرت عباس عشق دارند و می خواهند که حضرت عباس (ع) الگوی ایثار آنها باشد. برادری به نام محمد در جبهه خونین شهر بود و در شب آب میبویید و خیلی مستضعف بود. این برادر جزو کسانی بود که در خونین شهر ماند و مقاومت کرد و بود و می گفت برادر دیگر فرمادند یک گروه بود و ماشینی داشت که بوسیله آن به خط مقدم جبهه می رفت و برادر مکتبی در راه به هم برمی خوردند و در همین

لازم است که از او اطاعت کنند. این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم (ص) بیشتر از حضرت امیر (ع) بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر (ع) بیش از فقیه است باطل و غلط است البته فضائل حضرت رسول اکرم بیش از همه عالم است و بعد از ایشان فضائل حضرت امیر از همه بیشتر است لکن زیادی فضائل معنوی اختیارات حکومتی را افزایش نمیدهد. همان اختیاراتی و ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه صلوات الله علیهم در تدارک وسیع سیاه، تعیین ولایت و استاندان گرفتند مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داد است، منتهی شخصی معینی نیست، روی عنوان: "عالم عادل" است.

پاورقی (۲): حکومت اسلام حکومت قانون است. در این طرز حکومت حاکمیت منحصر به خداست. و قانون فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و برد ولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد از رسول اکرم (ص) گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تا بد تابع قانون هستند، همان قانونی که از طرف خدا ای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم (ص) بیان شده است.

ساده آندیش جنبش ملی مجاهدین میخوانند عا مل بی جیره و مواجب کمپ دیوید باشند. آیا این تداوم خون خفرد ضایعی و مهدی رضایی و حنیف نژاد است یا سقوط قائم در خط آمریکا؟

مصر
کیهان ۶۰/۱۱/۱۷
همچنین به گزارش رویترز تل آویو: حسنی مبارک در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد مصر به هیچ وجه حاضر به درگیر شدن با اسرائیل نیست و به سایر کشورهای عربی هم توصیه میکند که به نحو مسالمت آمیزی اختلافهای خود را با اسرائیل راحل و فصل کنند مبارک گفته است من به دوستان عرب خود هم توصیه میکنم که با اسرائیل از در سازش درآیند و باین کشور بر سر میز مذاکره بنشینند.
راه مجاهد: ما درگیری با انقلاب چطور؟ چرا ما سازش نمیکنند؟! والسلام

مکتب و روش رئالیسم و روشهای خاص خود هستند. ما نمی توانیم ششور مبارزاتی مان را از امام حسین (ع) بگیریم و اصول اعتقادیمان را از قرآن بگیریم و روشهای زندگی و مبارزاتی و اقتصادی و علمی را از جای دیگر بگیریم. در مکتب انبیا بین اصول و روش انسجام کامل وجود دارد. امروزه بین کلیه افراد و گروهها و احزاب و جریانها بنحوی از انحاء به راه بشر اصالت می دهند و یا اینکه راه بشر را در کنار راه انبیا قبول دارند. بالاخره در طیف مخالفین نهضت اسلامی امام خمینی اند و اینها عبارتند از کسانی که یا به علم کلاسیک اصالت می دهند یا به دیالکتیک

محصول علم و یا به منطق بشری یونانی ارسطو اصالت می دهند و حتی آنرا کلید فهم قرآن می دانند و یا به دیالکتیک مارکسیستی اصالت میدهند. برای حفظ استقلال سیاسی و تبعیت آن استقلال سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی لازم است به روشهای انبیا و ائمه در انسجام با اصول اسلام کار مبسوطی بنمائیم.
پاورقی (۱): نقل از کتاب ولایت فقیه چاپ سوم صفحات ۶۳ و ۶۴: اگر فرد لایقی که دارای ایند و خصالت (علم به قانون اسلام و عدالت باشد) بیاخواست و تشکیل حکومت داد همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه داشت دارای باشد، و بر همه مردم

خبرنامه
بقیه از صفحه ۲۹
به خاطر الحاق بلندیهای جولان هرگونه کمک داد و ستد و روابط دیپلماتیک خود را با رژیم مزبور قطع نماید.
کیهان ۶۰/۱۱/۱۷
رونالد ریگان و مبارک رئیس جمهور آمریکا و مصر روز گذشته به گفتگوهای خود پایان دادند و با ردیگر تعهد خود را به پیشبرد مذاکرات خود مختاری فلسطین بر اساس قرارداد های کمپ دیوید اعلام کردند. مصر در سال مالی جاری ۷۵۰ میلیون دلار کمک اقتصادی و ۲۷۵ میلیون دلار کمک غذایی از آمریکا دریافت میکند. کمک نظامی آمریکا به مصر در سال ۱۹۸۹ بالغ بر ۹۰۰ میلیون دلار است.
راه مجاهد: سازماندهی کمپ دیوید از یکطرف و اعزام نیرو از مصر به عراق علیه ایران، آیا با زهم هواداران

* بعد از ضربه ۵۴ به این تحلیل رسیدیم که علت ضربه این بود که ما دوراه را قبول کرده بودیم. یکی راه انبیا و یکی راه بشر، و انبیا را از بشر بودن و بشر واقع را از تداوم راه انبیا جدا کرده بودیم.

حین خیمه های به نزدیکی آنها اصابت کرد و در اثر موج انفجارش آن برادر به محلی پرتاب می شود، بعد برمی خیزد و وقتی برادرش را می بیند که متلاشی شده و از صورت بزمین خورده است بشدت می گریه برادر رحمت می گوید "برای من گریه نکن، گریه هایت را برای محرم نگه دار و برای حضرت عباس (ع) گریه کن که گریه برای اوسزد، و آخر من وقتی که به زمین خوردم و دست داشتم که جلوی صورتم را بگیرم ولی وقتیکه حضرت عباس بزمین خورد دست نداشتم و صورتش هم به زمین خورد، برای او گریه کن". برادر از فرط حیرت نمیدانست چه بگوید، از خوشحالی بخندد و با گریه کند.
نتیجه اینکه یک بشر واقعی سعی می کند انبیا و ائمه اطهار و اولیا اله را الگوی خود قرار دهد و راه بشر همان تداوم راه انبیا است. انبیا و ائمه و اولیا نه تنها انگیزه و شور می دهند بلکه صاحب اصول

اینست شعار ملی خدا، قرآن، خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم
در شماره‌های گذشته راه مجاهد سیر بر خورده حضرت ابراهیم (ع) را از راه منطق توحید "إِنِّي بَرَأٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ" و "إِلَّا لَأَنِّي قَطْرُنِي فَا نَه سَيَهْدِين" با تحقق آن بصورت بر خورده دایت آمیز و تعالی بخش او با قوم گمراهش دنبال کردیم و گفتیم که ابراهیم (ع) مصمم گشته تا ایمان خویش را در میدان عمل تحقق بدهد تا به یقین برسد اکنون با بررسی آیات ۷۷ تا ۸۰

توضیحی از قرآن
ابراهیم
عصیانگر همیشه تاریخ

شماره ۶

پدیده‌ها یک برخورد هدفمند رومبتی بر ملاکهای مشخص و برخوردار ثباتی نبود، چگونه ممکن می‌شو و به چه اعتباری ممکن بود که یک یک آنها رانگی کرده و به سوی خدای واحد و عادل رو آورد؟ "إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ" بی شک اگر ابراهیم (ع) از پروردگار عالم صفات مشخصی سراغ نداشته در برخورد با این پدیده‌ها به تعبد کوپوران و خود بخودی افتاده و با تسلیم در مقابل آنان، نیاز به پرستش خویش را پاسخ می‌گفت.

۳- حالت دیگر این بود که ابراهیم (ع) بی آنکه ملاک خاصی داشته باشد، در برخورد با پدیده‌ها احساس میکرد که اینها نمی‌توانند نیاز کمال طلبی او را پاسخ دهند و یکی پس از دیگری به نفع آنان می‌پرداخت. در این صورت اگر ابراهیم (ع) ایمان قاطع به خدا نداشت، به مرور از یافتن خدا ما یوس گشته و به پوچگی می‌رسید.

حال آنکه در واقعیت می‌بینیم ابراهیم (ع) به آنها اصالت نداده و در برابر آنها منفعل نمی‌شود و از یافتن "رب" خویش ما یوس نمی‌گردد. این خود نشان دهنده آن است که ابراهیم (ع) با ایمان کامل به خدا و درست داشتن ملاکهای مشخص، بدنبال رابطه خدا با خودش و رابطه خدا و پدیده‌ها بوده است. (به تفسیر الحمد امام از انتشارات حزب جمهوری اسلامی صفحه ۳۸ سطر ۶ "اساس فهم... رجوع شود) ملاکهایی که ابراهیم (ع) بر اساس آنها، به نفعی خداهای ذهنی (ماه، خورشید، ستاره) پرداخته است، در سیر آیات فوق کاملاً مشخص هستند:

این جریان اعتقاد دارد که نهضت اسلامی تنها با شیوه‌های ملهم از اصول اسلامی است که می‌تواند رشد کند و به اعتبار آن در بین نیروهای حق طلب گسترش یافته تثبیت شود. صدور انقلاب هم بدین ترتیب در بدو امر صدور شیوه‌های انقلابی است. این جریان به رهبری امام خمینی معتقد است که انقلاب خونبار اسلامی نمی‌تواند برای تثبیت خویش با خرافات و آرمای نهی‌های جاه‌طلبانه و وابستگی‌کنار بیاید و از طریق پاسخگویی بخواسته همه جریان‌های موجود در جامعه، راههای دیدلما تیک و سازشکارانه را در پیش گیرد.

و خلاصه کلام آنکه این جریان معتقد است که این نهضت حسینی است و رهبرش خمینی است و شیوه‌هایش شیوه‌های کرب و بلا است. پس بر اساس آنچه گفته شد، ابراهیم (ع) برای هدایت قوم گمراهش و برای گسترش جامعه توحیدی هرگز از روشهای غیر اصولی استفاده نکرده و با شیوه‌های دیپلماتیک و سیاستمدارانه نمی‌خواست مردم را جذب کند.

و برای هدایت مردم، حتی در یک مقطع کوتاه با شرک و ذنیت آنان سازش نمود و دنباله روح حرکت غیر توحیدی آنان بشود. اصولاً روش انبیا و اولیاء جز این نبوده است که همواره منادی اصولی بودند که در لحظه به لحظه زندگی خویش تحقق داده بودند.

دوشیوه برای تحقق اسلام اساساً در مورد رابطه خدا و اصل بشیوه‌های روزمره و تفکر بنیادی وجود دارد که امروز انقلاب خونبار اسلامی نیز با آن روبرو است. یک جریان گسترش کمی و تثبیت نظام جمهوری اسلامی را اصل گرفته و معتقد است که باید ابتدا با هر شیوه ممکن گسترش پیدا کرده و تثبیت شویم و آنگاه که حا کمیت بی‌تزلزل از آن ما گردید، اسلام را در شیوه‌ها تحقق بخشیم. این جریان با دیدگاه فوق، برای حل مسئله جنگ و دفع تجاوز، برای حل معضلات اقتصادی، برای برخورد با جریان‌های انحرافی و نفوذی در درون و... همواره در پی آن است که به هر طریق ممکن هر چه زودتر مسئله را حل کند و ثبات و امنیت را حاکم سازد. در مقابل جریان اصلی نیز هست که آلمان

قطرئی فانه سیه‌دین "بی شک وقتی ابراهیم (ع) این پدیده‌ها را با ملاک فوق مینگرد و محک می‌زند، نمی‌تواند آنها را حتی برای یک مدت کوتاه بعبثوان خدای خویش بپذیرد.

سوال دیگری که در رابطه با آیات فوق مطرح میشود این است که: آیا ابراهیم (ع) خدای واحد را می‌شناخته اما برای هدایت مردم، چنین شیوه‌ای را اتخاذ کرده است؟ آیا وقتی میگوید "هَذَا رَبِّي" میداند که اینها رب نیستند ولی برای پیوند با مردم چنین می‌گوید؟ آیا ابراهیم (ع) می‌تواند برای هدایت مردم بسوی خدای واحد عادل، حتی در یک مقطع با خداهای مادی و ذهنی آنها کار بباید و سازش کند؟ یعنی می‌توان با تاکتیکها و شیوه‌های سازشکارانه، یک استراتژی صحیح و انقلابی را تا به آخر تحقق بخشید؟ ما ایمان داریم که حضرت ابراهیم (ع) بیباک و مظهر انبجام و نظم بین توحید نظری و توحید عملی است و شیوه‌های او از درون ایمان به خدای واحد استخراج شده است. به این ترتیب، برخورد او را با خورشید و ماه و ستارگان نمی‌توان اینگونه تبیین کرد که آن حضرت برای جذب قوم مشرک خود، در یک مرحله خداهای ذهنی آنان را پذیرفته باشد و با آنکه در دل به خدایی دیگر معتقد است، در زبان ماه و ستاره را خدای خویش بخواند اگر چه موقت برای یک لحظه. ابراهیم (ع) یک لحظه هم درون و بیرونش متفاوت نبوده است که در درونش با خدایک طور رابطه داشته باشد و در بیرون و روابط عمومی طور دیگر.

آنچه برای ابراهیم (ع) مطرح است، خدا پرستی و تحقق توحید در امور روزمره و ریزمره زندگی است. ابراهیم (ع) اهل بازی دیپلماتیک نیست که بخواهد از هر طریق ممکن، با مردم پیوندد بخورد و آنان را به سمت خدای واحد رهنمون سازد. ابراهیم (ع) در فکر رشد و گسترش امت واحد است. امتی که توده‌های خداجو و حق طلب، اصول اعتقادی خویش را در قالب شیوه‌های مکتبی تحقق بدهند. جامعه‌ای که در آن بین اصول و شیوه‌ها انسجام باشد. ابراهیم (ع) برای برپایی این جامعه توحیدی نمی‌تواند از شیوه‌های غیر توحیدی استفاده کند

پس چون تاریخ شد بر او شب ستاره را دید. گفت این است پروردگار من پس چون غایب شد گفت من افول یابندگان و فرو روندگان را دوست ندارم. پس چون ماه را که برآمد دید، گفت این پروردگار من است، پس چون غایب شد، گفت هر آینه اگر پروردگار من را از گروه متمکاران خواهم بود. پس چون آفتاب را طالع دید، گفت این است پروردگار من بزرگتر است. پس چون غایب شد، گفت ای قوم بدرستیکه من بیزارم از آنچه شرک می‌آوردید من متوجه گردانیدم روی خود را بسوی آن کسی که آسمانها و زمین را حق گرا سرشته است و من از مشرکین نیستم"

(آیات ۷۷ تا ۸۰ سوره انعام) در رابطه با برخورد حضرت ابراهیم (ع) در آیات فوق سوالاتی مطرح میشود.

آیا ابراهیم (ع) مرحله به مرحله به پدیده‌هایی نظیر ماه، ستاره و خورشید (که موقتاً خدا قلمداد شده اند) ایمان آورده و سپس به خدای واحد رسیده است؟ آیا ابراهیم ستاره پرست، ماه پرست و خورشید پرست بوده و بعد موحد شده است؟ و به بیان دیگر و به زبان معرفت شناسی، آیا ابراهیم به تجربه اصالت میداده رب العالمین رسیده است؟ اگر مروری بر سیر بر خورده ابراهیم (ع) تاکنون داشته باشیم، می‌بینیم که ابراهیم (ع) قاطعانه از خداهای مخلوق ذهن قوم خویش بی‌بازاری جسته است "إِنِّي بَرَأٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ" و این بی‌بازاری به اعتبار ملاک واقعی و مستقل از ذهنی (رب) است که بدان دست یافته است. "إِلَّا لَأَنِّي

* آیا ابراهیم (ع) خدای واحد را می‌شناخته اما برای هدایت مردم، چنین شیوه‌ای را اتخاذ کرده است؟ آیا وقتی به ستاره و ماه و خورشید می‌گوید "هَذَا رَبِّي" میداند که اینها رب نیستند ولی برای پیوند با مردم چنین می‌گوید؟ آیا ابراهیم (ع) می‌تواند برای هدایت مردم بسوی خدای واحد عادل، حتی در یک مقطع با خداهای مادی و ذهنی آنها کار بباید و سازش کند؟ یعنی می‌تواند با تاکتیکها و شیوه‌های سازشکارانه، یک استراتژی صحیح و انقلابی را تا به آخر تحقق بخشد؟

ابراهیم (ع) هنگام افول ستاره می‌گوید من افول یابندگان و فرو روندگان را دوست ندارم "فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَأَبْلُغُ الْأَلْبَانِ" ابراهیم (ع) خدایی را می‌پرستد و به عشق او به شوق او زندگی می‌کند که میرا و افول یابنده نیست. این قضاوت نشان میدهد که ابراهیم (ع) بدنبال پرستش خدای جاودانه است و بقیه در صفحه ۳۵

آیا ابراهیم (ع) ملاک و معیار مشخصی برای پرستش نداشته و با هر پدیده‌ای که برخورد میکرد آن را خدای خویش می‌انگاشته است؟ بی شک اگر ابراهیم (ع) ملاکهای مشخصی برای پروردگار خویش نداشت و صفات بارزی در معبود خویش سراغ نداشت، در برخورد با ماه و خورشید و ستارگان، دو گونه برخورد بیشتر نمی‌توانست بکند:

۱- اگر برخورد ابراهیم (ع) با اساسی انقلاب اسلامی ایران را در ادامه حرکت انبیا و ائمه اطهار "رشد" و "گسترش" امت واحد میدانند و در این میان به "رشد" امت واحد اصالت داده و معتقد است که به اعتبار تحقق توحید در شیوه‌ها و انسجام بین اصول و شیوه‌ها (رشد و تعمیق)، باید ب فکر (گسترش) باشیم. این جریان معتقد است که انقلاب اسلامی را با شیوه‌های کرب و بلا می‌توان خالص و پاک پیش برد و به انقلاب حضرت مهدی (عج) متصل کرد.

زندگی اخروی

نمونه‌های ایناروشاهدات در جبهه‌های نبرد اسلام و کفر

زندگی اخروی

عامل پیروزی بر امپریالیسم (۴)

حسین فهمیده و آواکس

بنام خدای شهیدان
در شاره‌های گذشته راه مجاهد
گفتیم که زندگی اخروی یک
زندگی ایده‌آلیستی (ذهنی-
گرایانه) نیست، زندگی اخروی
زندگی ایده‌آلی نیست که برخی
و همه رسیدن آن را در پایان
تاریخ می‌دهند، گفتیم زندگی
اخروی علاوه بر حق بودن، عینی
و ملموس است و در هر زمانی
پذیر و قابل تحقق است. زندگی
اخروی در هر لحظه، در هر مرحله
هر تغییر تدریجی و در هر گامی وجود
دارد. چرا که "کل يوم عاشورا"
زندگی اخروی در هر مکان قابل
تحقق است. چرا که "کل ارض کربلا"
خط مشی کربلایی و نهضت حسینی
یک شیوه و مشی اسلامی و به بهترین
وجهی نیز ضد امپریالیسم است
و تا به آخر در هر شرایط دشواری نیز
سازش با دشمن را نمی‌میکند
برای آنکه روشن شود چگونه زندگی
اخروی بهترین راه مبارزه با
امپریالیسم است، در این محضر
مبارزه بنیادین زندگی اخروی
حسین فهمیده را با آواکس که
پیچیده‌ترین تکنولوژی امپریالیسم
در منطقه است، بررسی کنیم.

پیچیده‌ترین تکنولوژی
امپریالیسم در سرکوبی خلقها
همین آواکسها بی است که به منطقه
خلیج فارس و خاور میانه فرستاده
است. اینها قادرند تا نکها، هواپیما
- ها و ستونهای نظامی را ردیابی
کنند، این آلات و ابزار پیچیده،
امپریالیستی، بعضی هارا
هیپنوتیزم کرده است، گیر ذهنی
این دسته این است که از بر قدرتها
خوف دارند و در توده‌ها این نیرو
و توان را نمی‌بینند که با دست
خالی و با سلاحهای ساده و سبک
بتوانند با نیروهای شیطانسی
دشمن درگیر شوند.

در مقابل با آواکس، یک دسته
می‌خواهند با شیوه‌های دنیوی به
جنگ برخیزند و راه استفاده از
سلاحهای سنگین نظیر تانک و

هواپیما و خرید آنرا از خارج در
پیش میگیرند. بی آنکه توجه کنند
در مصاف بین آواکس با تانک و
هواپیما، آمریکا است که پیروز
می‌شود. به عبارت دیگر در
میدان درگیری بین سلاحهای
سخت، پیروزی با آن نیرویی
است که سلاحهای پیچیده‌تری در
دست دارد، به این ترتیب اتخاذ
شیوه‌های دنیایی - سروری از
شیوه‌های شیطانسی دشمن، هم‌ما
راه وابستگی کشانده و مجبور به
خرید سلاح سنگین از خارج میکند
و هم اینکه نهایتاً پیروزی با
امپریالیسم خواهد بود. به
همین جهت است که تکنیک پیچیده
شیطان بزرگ بسیاری را
هیپنوتیزم کرده و آنها از کسب
استقلال نا امید ساخته است. اما
امروز انقلاب اسلامی ایران به
رهبری امام خمینی، راه‌نهی
را برای مبارزه با امپریالیسم
در پیش گرفته که توانسته خوف
بسیاری را فروریزد و گیر ذهنی
عده زیادی را که نسبت به پیروزی
خلق مستضعف بر امپریالیسم
مایوس هستند، حل کند. منظور
این نیست که چنین شیوه‌ها و
تاکتیکهایی در انقلابات و بیتام
چین، فلسطین، الجزایر و شوروی
نبوده است، بلکه جان کلام
اینجاست که می‌خواهیم بگوئیم
که این تاکتیکها و شیوه‌ها صرفاً
از متن ایده‌آلودگی اسلامی
استخراج میشوند و اگر در سایر
انقلابات، چنین تاکتیکها و شیوه
- های دیده شده، جوشیده از
فطرت توده‌ها بوده که مکاتیب
دیگر قادر به تبیین آن نیستند.

زندگی اخروی

تنها راه پیروزی بر امپریالیسم
توده‌های شهدا طلب درجریان
انقلاب اسلامی و خصوصاً جنگ اسلام
و کفر بخوبی نشان داده اند که
زندگی اخروی تنها راه پیروزی

بر شیطانهاست و میتوانند توسط
آواکس در منطقه را خنثی سازد
زندگی اخروی یعنی حرکت و
جوشش انسانهای فطری و خدا
طلبی که می‌خواهند عدل الهی
تحقق پیدا کند و هر چیز در موضع
حق خود قرار گیرد و از همین جهت
برای دفع متجاوزین که به
حقوق انقلاب اسلامی تجاوز کرده
- اند، تلاش می‌کنند و از جان نهایه
میگذارند.

در برابر تلاش و ابتکار این
توده‌های فطری و شهدا طلب
ابزارهای شیطانسی دشمن چه می
توانند بکنند؟ بطور یقین این
آواکسها نمی‌توانند شهید حسین
فهمیده را که با یک نارنجک ساده
جلوی پیشروی ستون نظامی دشمن
را میگیرند ردیابی کنند.
آواکسها نمی‌توانند حرکت
خود جوش شهید محمد مین یاب
را در حال مین یابی شی کردن
میدان مین دشمن، ردیابی
کنند. (۱)
آواکسها به هیچ وجه نمی‌توانند
آن انسان عاشق و مومنی را
ردیابی کنند که دور از چشم کافران
عراقی، بطرف سد خاکی حمیدیه
پیش می‌رود و با انفجار آن سد که
با پیچیده‌ترین شیوه‌ها احداث
شده، سیل آب را بسوی سرورهای
دشمن سرازیر می‌کند. چنین
انسانهایی از ردیابی آواکسها
مصون است. (۲)
آواکسها چگونه میتوانند حرکت
انسانها را طلبی را ردیابی
کنند که مخفیانه در نیمه شب روی
یک زورق کوچک می‌نشیند و وارد
آبهای دریا می‌شود تا حرکت کشتیها
نفت کشها را در آن راتحت
نظر بگیرد، اگر این انسان مومن
در شرایطی، اقدام به انفجار
کشتی نفت کش دشمن بکند، آواکس
چگونه میتواند در مقابل، عکس
- العمل نشان بدهد؟ (چنانکه
چنین عملیاتی قبلاً در انفجار
کشتی اسرائیلی در باب الفندب
انجام گرفت.)

این انسانهای پر جوش در
هوای ابری و بارانی که تانک
و هواپیما از حرکت باز می‌مانند
همچنان تحرک خود را حفظ میکنند
و می‌توانند در جهت ضربه به دشمن
فعال باشند. (نظیر فتح
الفتوح "طریق القدس")
شیطان بزرگ، هر روز برای
سرکوب حرکتها یحق طلبان و ضد
ظلم توده‌ها، به سلاحهای
پیچیده تری دست می‌آید. بی آنکه
بتواند بفهمد که زندگی اخروی
توده‌های خدا جو، پیچیده‌ترین
و در عین حال ساده‌ترین سلاحهاست
"گیدمتین" و همواره بر سلاحهای
وی حاکمیت خواهد دادا شست
امپریالیسم با امیدواری بسیار
آواکس را روانه عربستان میکند
تا به خیال خود حرکتهای انقلابات
بقیه در صفحه ۲۶

* شیوه مکتبی امام در دفع تجاوز * (برکات زندگی اخروی)

بنام خدای شهیدان
ما سعی داریم با درک برخورد
اما با هیئت طاغف ارائه شیوه
پایان جنگ، زندگی اخروی را در
دل حرکت مکتبی امام بررسی
کنیم.
اما در برخورد با هیئت طاغف
مطرح میکنند که صلح بین اسلام
و کفر معنا ندارد و خطاب به آنها
می‌گویند باید اول متجاوز شناخته
شده و در سطح بین المللی معرفی
شود. بعد از معرفی، دشمن متجاوز
باید از خاک ما بیرون رود و آنگاه
محاکمه گردد و سپس اینکه صدامیان
با یستی غرامت جنگ را بپردازند
استراتژی ما م، زندگی جان برکف
و اخروی است، چرا که بدون چنین
زندگی نمی‌توان با آمریکا تا صد
سال دیگر مبارزه کرد و اکنون
نیز ما م خمینی، با طرح این
شعار به خطوط امپریالیسم ضربه
وارد آورده و مبارزه توده‌های
مستضعف را عمق بیشتری بخشیده اند
اما ما با ایمان به عدل الهی و
اینکه هر چیزی با ید سر جای خود
قرار بگیرد، می‌گویند اول باید
معلوم شود که متجاوز کیست، شناخت
متجاوز، اساس استراتژی ما م
می‌باشد چرا که وقتی هر چیز در جای
طبیعی خویش قرار بگیرد، عراق
با یستی از خاک ایران بیرون رود
و اسرائیل هم با ید قدس عزیز را
ترک گوید، همچنین شوروی نیز
باید خاک افغانستان را ترک
کند، اما ما با این شیوه برخوردیم
دنیا را تأمین کرده اند و هم آخرت
را، یعنی با اصلت دادن به



مردم شهید پرور و شهروندار به امام، دزفول، در زیر موشکهای بمباران
پرار کینه، صدا م زندگی اخروی بر از عشق را معنی بخشیده و ندانند که شهید
شدن برای مسئله این نیست ما هدف مشخصی داریم و از شهادت استقبال میکنیم،
زندگی اخروی، به برکات دنیوی جمهوری اسلامی در آینه می‌باشد،
نیز میرسیم.
"یا زلی العافیه، اسلک
العافیه، عافیه الدین و
الدنیا والاخره"

فرازهایی از زندگانی

شهید آیت الله دستغیب



"بنام خدا می‌پرورش دهند شهید"

سرخستانه در برابر این امر مخالفت میکردند و تاکید داشتند که حد اقل روزی نیم ساعت هم که شده وعظ و خطابه ایراد کنند و آنها را در برابر فجایع حکومت رضاخان و توطئه‌های او هشیار کنند و چون منبر رفتن منع شده بود، پایین مسجد کنار مردم می‌نشستند و صحبت میکردند و وقتی ماموران امنیتی می‌آمدند، می‌گفتند جلسه خصوصی داریم و برای زمندگی و بقا تقی‌می‌کردند. چندی بعد که خطر استعمار و رگسترش بی‌حجابی بیشتر شد، برای زنان نیز جلسه وعظ می‌گذاشتند و آنها را ارشاد میکردند.

روز جمعه بیستم آن راه مردمی که برای اقامه نماز جمعه به شاه چراغ شیرازی رفتند، صدای انفجار مهیبی را شنیدند. آنها منتظر امام جمعه خویش بودند که همیشه رهنمودهای امام خمینی را برایشان گوشزد می‌کرد و برای زمندگان در رجبیه هاد عامی‌کرد اما آنروز امام جمعه با تقوا و مرید و پیر و رهبر انقلاب، دیرکرد بود. صدای انفجار همه را به خود آورد. ماتریدید داشتند. نمی‌خواستند باور کنند که اتفاق بدی افتاده باشد. فوراً خبر پخش شد. خیلی کوتاه: آقا را کشتند. خیلی از همراهان ایشان هم گویا کشته شدند. مردم این را که فهمیدند: به سر زنان و سینه زنان اشک می‌ریختند. جوانان شروع به سینه زنی کردند. فضای شاه چراغ و روزهای دور انقلاب را بیاد می‌آورد همه بسیج شده بودند. نوحه می‌خواندند. می‌خواستند بلند شوند و تظاهرات کنند. آخر آقا خیلی خوب بود. پدر فراهی بود. در تقوا نظیر او کم پیدا می‌شد. کارهای هم قریباً "الی الله بود به امام خمینی اعتقاد و ایمان زیادی داشت و این ویژگی بارز او بود. تسلیم فرمانهای امام بود. سعی داشت در راهی از خط امامش، مرجعش، مرادش و رهبرش عدول نکند. شمع وجود او خاموش شد اما قلبهای موحدین را فروزانتر کرد. شهید آیت الله دستغیب را می‌توان عامل بزرگی در ثبات منطقه فارس دانست و فقد آن اود زمانی که بیش از همیشه موجود او و امثال او و احتیاج است، ضایعه بزرگی است. تا بد آن حد که امام خمینی شهادت ایشان را فقط "سلیت گفته اند."

زندگی مبارزاتی شهید

مبارزات ایشان از زمان رضاخان آغاز می‌شود. به هنگامی که طلبه جوانی بودند و در مسجد باقرخان وعظ می‌کردند. در آن زمان رضاخان روضه خوانی بلند شدن در برابر اسم ائمه و پوشش اسلامی و حجاب زنان را منع نموده و آیت الله شهید

که علاوه بر ارتش مستشاران آمریکایی هم از زندان ایشان حفاظت میکردند. شهید دستغیب و امام خمینی وقتی در مواقع وضو گرفتن که از سلولهای بیرون می‌آمدند، با ایما و اشاره با هم صحبت میکردند.

شهید دستغیب

و محاکمه سران نهضت آزادی

آیت الله دستغیب بعد از آزادی از زندان بدنبال امام خمینی محاکمه سران نهضت آزادی یعنی مرحوم آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان و دکترید الله سحابی را طی اعلامیه‌ها - یجد آگاهانه محکوم نمودند. ایشان از هم روزمندگان راه حقیق حمایت میکردند. آیت الله دستغیب رابطه نزدیکی با مرحوم طالقانی و مهندس بازرگان داشتند و قبل از دستگیری مهندس بازرگان نوار سخنرانی خود را علیه طاغوت برای مرحوم طالقانی و مهندس فرستادند که جزو اسناد و مدارک بدست ساواک افتاد و پس از آن فشار به آیت الله دستغیب بیشتر گردید.

در سال ۵۶ برگزاری مراسم جشن مبتذل هنر و شیرازه ایشان را عصبانی کرد و بر علیه آن سخنرانی می‌کردند. در این رابطه استاند ار وقت پیغام فرستاد، بود که امروز آخرین روز جشن است و صحبت نکنید. که آقا در جواب می‌گویند: این مردم منتظر اعلام جهاد هستند. مانی گذارم برگزار شود و به سخنرانی می‌پردازند. وقتی مردم از مسجد بیرون می‌آیند، ساواک نوار... را از آنها می‌گیرد تا صحبت‌های آقا پخش نشود.

شهید آیت الله دستغیب در زمان قبل از پیروزی انقلاب نیز مرتباً از طریق سخنرانی و اعلامیه مردم را از فجایع طاغوت آگاه میکردند و از طرف ساواک تحت فشار بودند و

دستگیری زندانی نیز شدند. اما با فشار مردم بناچار از زندان آزاد شدند. هنگامی که بختیار خائن برای جلوگیری از ورود امام، فرودگاهها را بست، آیت الله دستغیب جز اولین کسانی بودند که در مسجد دانشگاه تهران با حالت ضعف و بیماری همراه با دیگر روحانیون متحصن شدند.

با پیروزی انقلاب، مبارزات ایشان با اهمیت و در سنگر نماز جمعه با هشیاری در مقابل بسیاری از توطئه‌ها ایستادند. در زمان دولت موقت به هنگام اجرای طرح تقسیم زمین، عناصر لیبرال و طرفدار فئودالها، دایم توطئه میکردند مخصوصاً در فارس که ناصر و خسرو قشقایی همراه با دیگر فئودالها چون ایزدی (وزیر کشاورزی دولت موقت) دایم در صد آشوب و توطئه بودند. آیت الله دستغیب دستغیب حمایت از طرح بندج و تقسیم کردن تعدادی زمین، با تکیه بر نیروهای دهقان و روستائیان مستضعف در برابر خطر مخالفین بندج ایستادند. در زمان اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ایشان با حمایت قاطع و بی‌دریغ خود خط امام را تقویت کردند. در ادامه این طریق با آغاز جنگ اشلام و کفر نیز آیت الله شهید با خطبه‌های گرم و پر شور خود زمندگان اسلام را ترغیب کرد و جوانان می‌خواستند که به جبهه‌های جنگ بروند.

از ویژگیهای بارز ایشان اعتقاد و ایمان عمیقی بود که به امام خمینی داشتند. همیشه خطبه‌هایشان تاکید میکردند که نائب امام زمان (عج) امام خمینی است و هر کس به امام زمان اعتقاد دارد و منتظر ظهور ایشان است، باید اطاعت از ولی فقیه زمان، امام خمینی بنماید. دستورات امام را واجب الاطاعه دانسته و امام را ولی فقیه، مرجع رهبر و نائب برحق امام زمان می‌دانستند. در جریان انتخابات ریاست جمهوری، از آن عده که صرفاً "به امام زمان رای داده بودند، خواستند که در این انتخابات (ریاست جمهوری) حجت الاسلام

خامنه‌ای (به کسی رای بد دهند که راه امام زمان را که تجلیش امروز در راه عقیده امام خمینی است، دنبال می‌کند.

فقدان آیت الله دستغیب ضایعه‌ای بزرگ است. هر چند به گفته امام خمینی، شهادت برای ذریه رسول اکرم (ص) حق است و این شهادت‌تها، مردم ما را به جای اینکه ناامید کند، بیشتر منسجم می‌کند اما در برابر توطئه شیطان بزرگ طرح رهبرکشی یا فونیکس خزند هراد دست دارد. دشمن توسط ستون پنجم که در داخل ایران دارد و با همکاری رجیوستها، بنی صدرها، طرفداران بختیار، جریانهای نفوذی داخل نهادها و ارگانهای انقلابی، می‌خواهد در رازمدت زمینه حاکمیت یک دولت میانه‌رو در ایران را که اولاف پالمهورگان در آغاز زمامداریش تاکید کرد، به اجرا درآورد.

بدین ترتیب که گاه رهای خط امام را ترور کند و از طرف دیگر جریانهای نفوذی که بصورت شبکه در نهادها و ارگانها رخنه کرده‌اند، عناصر خط امام را با مدارک و تهمتهای مختلف منزوی و تصفیه کرد و آنگاه خط انحرافی خویش را حاکم سازند و با برخورد های غلط، جوان رضایتی را بالا ببرند. در تمام این خط، ترور آیت الله دستغیب نیز آخرین توطئه نخواهد بود. لذا باید با هشیاری و تکیه به بسیج خودهای شهید پرور و استفاده از نیروی آنها بعنوان بازوی انقلاب و نه اهرم انقلاب طرح امنیت انقلابی را به اجرا درآورد و این توطئه را خنثی نمائیم.

اینک فرازهایی از نظرات ایشان را که در خطبه‌های نماز جمعه ایراد کرد، هاند برای پیوند با شخصیت پر عظمت ایشان نقل می‌کنیم:

ایمان به خدا استقامت ملت ایران در برابر مشکلات

ملت شریف و مسلمان ایران قبل از آن که آمریکای حمله کند تهدید میکرد تحریم اقتصاد را، حمله نظامی را و... لکن بحمد الله این ملت مومن در راهی خوف در هیچ کس پیدا نکردید با کمال قدرت ایستادند و بعد از آنکه تحریم اقتصاد کرد، حمله نظامی کرد، با توطئه کرد، کودتا کرد الان شش ماه است حمله نظامی دارد آمریکا می‌کند توسط صد ام خائن، یک در مسر سوزن در دل این ملت حزنی پیدا نکردید. روز بروز انسجام این ملت بیشتر، قوت و قدرت ایمانی زمندگان عزیز ما در جبهه جنگ بیشتر

شهید آیت الله دستغیب

منحرف شده اند و شرک گرفته اند و می شود ۰۰۰ این جوانان عزیزی که ایستاد هاند اینها هم عازم جبهه هستند و امثال اینها همه روزان نقاط کشور جوانان عزیز ما را حرکت کنند پشیمانان اسلامند ۰ باکمال امنیت خاطر، این امنیت به برکت ایمان و ترک شرک است که نصیب شما ملت مسلمان ایران است و بداند یک قسمت مهم این امنیت شرکت در ولایت است .

خطبه جمعه ۶۰/۱/۱۴

نعمت ولایت و رهبری امام
بحمد الله اکثریت ملت ما از شرک در ولایت در امان است و لذت محفوظند و امنیت دارند ۰۰۰ ولایت یعنی رهبر الهی ۰۰۰ پیغمبر اسلام اولی الامر را تعیین کرد که مسلمین تا قیام قیامت همیشه یک رهبر الهی را سر آن حکومت باشد ۰ رهبر الهی با الاصل امام معصوم، رهبر الهی با بالنیاب، نایب امامی که جامع - الشریط ولایت باشد که در زمان ما منحصر است بروجود مبارک آیت الله العظمی امام خمینی ۰۰۰ آن رهبری که هادن الهی دارد ۰ آن رهبری که هوای نفس نداشته باشد آن رهبری که به تمام معارف اسلامی متخصص و متحقق باشد آن رهبری که به اوضاع زمان آگاه باشد، مدیر باشد، مدبر باشد ۰ مباد از حکومت او بیرون رود و ظالم شوید و الا شدید ترین ظلمها، رهبری برابر این رهبر رست کردن است .

"خطبه جمعه ۶۰/۱/۱۴"

خروج رولایت امام
عوامل انحراف گروهها
این گروههای منحرف که هرکدام برای خود شان رهبری درست کرده اند، دستکارند ۰ اینها امنیت ندارند و می خواهند آشوب کنند امن از برای این ملت است ۰ این ملتند که چون تحت رهبری یکی هستند و آن رهبر الهی است، هر فرمانی که او دهد، همه مقام اطاعتند ۰ امنیت برای شما ملت است ۰ گروههایی که

مانه به شرق، نه به غرب تکیه نخواهیم کرد ۰ نه از غرب نه از شرق چیزی نمی خواهیم ۰ فقط می خواهیم که ما را رها کنید ۰ کاری بماند داشته باشید ۰ ما می خواهیم ملتی باشیم آزاد این نعمت، این سعادت، خدمتها - بی که این دولت (دولت شهید رجایی) کرده است شرمناک است در این جنگ و این ناسامانیها، مع الوصف چه در جهت اقتصاد، چه فرهنگش، چه خدمتایی که این دولت کرد و همه چنین سایر ارگانها - جهاد و تمام اینها .

"خطبه ۶۰/۱/۱۴"

* هر فردی وظیفه دارد که نعمت خدا را فراموش نکند، نادیده نگیرد. آنچه را که دارد بسنجد . . . اگر کسی نعمتها را نادیده گرفت قطعاً به فساد دگرایش پیدا خواهد کرد . . . مبادا فساد دکنید برای کمبردا این مقدمه تذکر شما ملت اسلام، آی ملت اسلام . این حکومت اسلامی، این انقلاب اسلامی که به فضل خدا در دست شما ملت به رهبری امام است انقلابی که شد این تحول که شد، شما بیایدن نقاط مثبت این را ببینید. ببینید چه برکاتی نصیبتان شده است؟ شیاطین هیچوقت نمیخواهند شما نعمت شناس شوید .

قدرت ایمان در جبههها
توی این جبهه جنگی که هست جنگ باد و لست نیست ۰ جنگ با ملت است ۰ این ملتند که جوانهای عزیز شما را می فرستند ۰ باکمال افتخار به جبهه های جنگ ۰ ایمان است در جبهه جنگ، تجهیزات کاری نمی تواند بکند ۰ بخدا تا این ایمان جوانان عزیز ما است در جبهه، اینها پیروزند تمام قدرتها پشت به پشت هم بزنند در برابر قدرت ایمان هیچ غلطی نمی توانند بکنند .

"خطبه ۶۰/۱/۱۴"

عدم صلح و سازش
با صدام کافر

خود صدام و لشکرش بد اند که صدام رویه سقوط است فتح و ظفر لشکر اسلام قطعی است ۰ لذا ایست دست و افتاد هاند، هی هیئت می فرستند، التماس میکنند، بلکه رزمندگان ما دست از جنگ بردارند ولی هیئات، "فَاتِلُوا هُمْ حَتَّى لَا يَكُونُوا فِتْنَةً يُكُونُ لِلدِّينِ لِلشَّهِ" رزمندگان ما اسلحه را زمین نمی گذارند مگر وقتی فتنه و فتنه گر را از بین ببرند ۰ ملت عراق رانجات دهند ۰ این انقلاب عظیم ایران انقلابی شکست ناپذیر است .

"خطبه ۶۰/۲/۴"

وظیفه ملت
وظیفه ملت چیست؟ آنست که در این موقع سعی کند کم کند مصرف را سعی کند در تولید ماد می کند در کشاورزان عزیز سعی می کنند در زیاد تولید، ماد می که کارگران عزیز مواد رومستات کارشان سعی می کنند در زیاد تولید، شما ملت سعی می کنید در کمی مصرف ۰ نترسید الا از خلاف وظیفه، نترسید مگر از اسراف کردن، نترسید مگر

صلح بین ایران و عراق
آقایانی که تشریف آورد هاند از کشورهای غیر متعهد در ایران به قصد صلح ایران و صدام، من حیرانم ۰ اینها می دانند یا تجاهل می کنند؟ میشود ندانند ایران با چه کسی صلح کند؟ مگر ایران جنگی داشت که به او بگویند بی صلح کن ۰ شما اگر راست می گوئید امروز وظیفه کشورهای اسلامی اول آنست که صدام را از زمین ببرد و بعد اد این ملت مظلوم عراق برسند .

کشورهای اسلامی و وظایف آنها

باید روی قانون، تقوا، توحید، قانون الهی، روی میزان، تمام گفتارش، تمام کردارش، رفتارش، امور شخصیه اش، معاشرتش با هم سفرش، با هم سایه اش، با کسی که طرف معامله واقع می شوی همعاشی تقوا باشد .

صدور انقلاب
یعنی اینکه تمام کشورهای روی کره زمین باید طاغوتها ساقط شوند باید در راس حکومتها خاد مین ملت، خاد مین اسلام و مسلمین حکومت کنند ۰ "خطبه ۶۰/۸/۲۰"

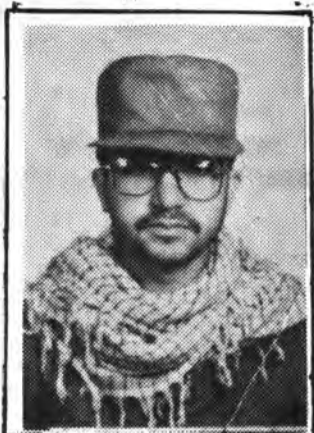
بقیه در صفحه ۳۴

ما این بزرگان و علما و معلمان ارزشمند را برای جبران شکست امریکادر منطقه و

صدام آمریکایی در جبهه از دست میدهم . «امام خمینی»

به مناسبت سالگرد شهادت:

برادر مجاهد شهید مسعود براتی گودرزی



در این راه به نیاز خدا جوی اشریاسخ میدهد و این برای او عین آرامش است، برای نمونه یکبار که در جبهه بازان شدید می بارد و از سوی دیگر گلوله های دشمن یکی بعد از دیگری به سوی سنگرهای رزمندگان اسلام شلیک می شد و اکثر بچه ها در حال جمع و جور کردن خود بودند مسعود با آرامش کامل مشغول صحبت کردن با یکی از برادران بر سر ویژگی سلاح خود گفتگو و نقش ایمان در جنگ با کفار میشود و یاد روز حمله در حالی که مسعود و دیگر همزمانش در داخل کانالی بودند و رگبار گلوله خیمه های دشمن از بالای سر آنان عبور میکرد مسعود پیشنهاد خواندن سرود "برخیزید" را میدهد، او اتفاقاً در همین روز هم به شهادت میرسد. مسعود در شرایطی که دشمن با پرتاب گلوله هایش می خواهد بگوید "جز تسلیم چاره دیگری

"بنام خدای شهیدان"
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مومنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند وفا کردند پس برخی از آنها بر آن عهد ایستادگی کردند و شهید شدند و برخی در انتظار شهادتند و عهد خود را تغییر نمی دهند. "سوره احزاب - آیه ۲۲"
تبار ما خونین این قبیله کجاست
که بر کرانه شهیدی دگر بیفزاید

یک سال از شهادت یکی دیگر از مجاهدين اسلام ز نبرد با متجاوزين يعنى گذشت. شهيد مجاهد مسعود براتی گودرزی از جمله شهيد اين است که سرپای وجودش در عشق به اسلام و امام خلاصه می شد و سرانجام در راه ليك به ندای "هل من ناصر ینصرنی" حسين زمان خمينی بت شکن به فيض شهادت نائل گشت.

مسعود در نيمه شعبان روز ولادت حضرت مهدي (عج) سال ۱۳۴۰ در خانواده های مذهبی در شهر بروجرد بدنيا آمد. مسعود فردی موقر و خوش برخورد بود و عشق وافر او به اسلام به خوبی در چهره اش نمایان بود او معمولاً اوقات خاصی را به راز و نیاز با خدا اختصاص میداد و بیشتر اوقات نماز را به صورت جماعت در مسجد می خواند، مسعود مدتی از زندگی خود را در تبریز گذراند و در آن هنگام بدنياال پاسخگویی به نیازهای مکتبی خود در کلاسهای مذهبی که از طرف حوزه علمیه بقرار بود شرکت میکرد و به علت موفقیت در این کلاسها با حوزه علمیه قم ارتباط مکاتبه ای داشت. با شروع انقلاب فعالیت های مسعود به اوج خود رسید و در آن هنگام به علت خواندن اعلامیه های امام و تبلیغ آنها به خانواده مسعود شکایت می شد، مسعود در فعالیت های انقلابی مردم تبریز از جمله قیام ثبات شکن ۲۹ بهمن این شهر شرکت فعال داشت و به همراه دوستانش ریاستداری محله شان را به عهده داشت. در طول انقلاب رفته رفته عشق مسعود به امام بیشتر و بیشتر شد و البته علاقه شدید مسعود به امام نصرفاً به خاطر مبارزه ضد امپریالیستی امام و پیاده های دیگر از این قبیل بود بلکه مسعود برخلاف کسانی که فقط امام را در موضع ضد امپریالیستی تایید می کنند با امام پیوند عمیق ایدئولوژیک داشت. بعد از پیروزی انقلاب بتدریج مسعود از موضع عشق به امام و خط اصیل مجاهدين و همچنین نیاز به تشکیلات و سازماندهی مکتبی به جنبش ملی پیوست چرا که در آن موقع جنبش ملی ادعای پیروی از امام را داشت و در این جهت تبلیغ می کرد بعد از گذشت اندک زمانی از این پیوند مسعود به بروجرد آمد و کم کم به علت صداقت و پویایی زیادی که داشت پس از دنبال کردن جرفه های خط امام با گروه شریعت بروجرد پیوند خورد مسعود هنگام پیوند با شریعت گفته بود که تا موقعی که گروه در خط امام است من هستم و اگر روزی بخواهد از خط امام منحرف شود خودم با آنها مبارزه می کنم، مسعود در پی پیوند با نهضت مجاهدين خلق بود که بیشتر به تضاد بنیادی بین ایدئولوژی خط امام و مجاهدين از یک طرف و جنبش ملی مجاهدين به رهبری رجوی از طرف دیگری برود و انست

که در راه آنان (رجوستها) جز خیانت به خط اصیل انقلاب و بنیانگذاران سازمان مجاهدين چیز دیگری نمی توان یافت، اینک برای آشنایی با ویژگیهای مسعود و با امید الگو قرار دادن راه او و سایر شهیدای راه حق و حقیقت به شرح و تبیین از خصایص او می پردازیم:

الف - شهید براتی نمونه يك انسان مکتبی:
۱- رشد و گسترش انقلاب اسلامی ایران مدیون وجود انسانهای مومن و مکتبی است. انسانهایی که با راهنمای عمل قرار دادن اصول قرآنی در شیوه ها انقلاب را به ثمر رسانیدند و با شرکت در جنگ کونی اسلام علیه کفر برای مسلمانان جهان افتخار آفریدند. مجاهد شهید مسعود براتی نیز از جمله انسانهای متعهدی بود که همیشه سعی داشت ایدئولوژی اسلامی را در عمل خود عینیت بخشد و در این رابطه به دوستانش سفارش زیاد کرده که سعی کنید بیشتر مکتب را راهنمای عمل خود قرار دهید.

۲- "برخورد هدایت امیز از جمله ویژگیهای مکتبی شهید براتی برخورد هدایت امیز وی با آشنایان و اطرافیان بود و این ویژگی هر فرد مکتبی است که سعی دارد در برخورد با هر یک از افراد موضوع هدایت را حفظ نموده و همیشه مسئله رشد انسانها و گسترش امة واحدة را در نظر داشته باشد چرا که يك فرد مومن در رشد دیگری گسترش اسلام را می بیند و آنرا از رشد خود جدا نمی داند، برای نمونه اهل فامیل تا اندازهای بارفتن او به جبهه مخالف بودند در این رابطه مسعود سعی داشت با ارسال نامه های از جبهه برای خانواده و نظر آنها نسبت به انقلاب و جنگ بیشتر جلب کند و از این راه آنها را تعالی دهد مسعود در برخورد با افرادی که نسبت به خط امام ذهنیت داشتند هیچ وقت تناقضی برخورد نمی کرد بلکه همیشه سعی داشت با برخورد سیاسی ایدئولوژیک ذهنیت های آنان را برطرف نمود و آنها را جذب انقلاب سازد و به همین دلیل مسعود به خاطر داشتن چنین شیوه هایی در برخورد همیشه با نرد و دوستان و آشنایان بوده و او اسلام را در فطرت انسان دانسته و قرآن را ذکر و یاد آوری این فطرت یافته بود و برای همین همیشه سعی میکرد در برخورد های اینگونه افراد را به فطرت انسانی شان برگرداند و نمونه بارز این مسئله وصیتی است که مسعود به مردم می کند می گوید "قدری به خود آمد و ببینید که آیه اصل اسلام را می بینید."

۳- "آرامش پویا"
از ویژگیهای دیگر مسعود آرامش وی بود آرامشی که باعث می شد مسعود در برخورد با مشکلات و سختیها متانت و بردباری به خرج دهد و این آرامش فقط خاص کسانی است که در فزایش شهادت قرار گرفته اند "چرا که چنین افرادی همیشه خدا را پیش رو دارند و در برخورد با سختیها تنها هدفشان غلبه بر مشکلات نیست بلکه خواستشان چیزی از این بالاتر یعنی رضای خدا و قرب به خداست و برای همین همیشه باتوکل به خدا و آرامشی خاص با سختیها برخورد می کنند "روزم این آرامش هم آن است که فرد با تقوی با قدم برداشتن در راه خدا و تحمل مصائب

ب قدری بخود آمده و ببینید که آیه اصل اسلام را می بینید؟ اگر در خط اسلام نیستید سعی کنید به آن برگشته و در راه الله از همه چیزتان بگذرید.
مجاهد شهید مسعود براتی

نیست و تن به ذلت دهید "پای مرگ می ایستد و سرود توحید می خواند و با يك روز دیگر که مسعود در گلدف (پایگاه منتظران شهادت اهواز) مشغول گذراندن دوره نظامی بوده به دوستانش می گوید این جابرای من بهشت است، چنین ویژگیهایی در مسعود نمود ز سادی داشت. این آرامش، آرامش کاذب نبود يك آرامشی بود که در عین حالی که آرام بود پویایی و خلاقیت هم داشت و از انسجام درونی وی ناشی می شد، جالب اینجاست که هر موقع بر سر راه مسعود در جهت خدا مانعی قرار می گرفت وی مضطرب و نگران می شد بعنوان مثال در شبی که فردایش قرار بود حمله ای جهت آزاد سازی آلبو عفری جنوبی در سوسنگرد انجام شود فرمانده مسعود به او می گوید که در حمله شرکت نداری. مسعود از این موضوع بسیار نگران میشود و بر سر این مسئله با فرمانده برخورد کرد و بالاخره وی را راضی می کند که در حمله شرکت داشته باشد.

۴- "زندگی جان بکف"
یکی دیگر از رسته های که از مسعود می گیریم و باز هم عینیت مکتب در رفتار اوست جان بکف زندگی گذردن

* وقتی شهید شدم به اهل فامیل بگویند که مسعود راه امام را می رفت و هر کس امام را قبول ندارد دنیا بد برای فاتحه به سر قبر من بیاید چون در غیر این صورت بخدا شکایت خواهم برد.
مجاهد شهید مسعود براتی

مسعود است "مسعود برنامه ریزی خود را طوری تنظیم کرد بود که از يك سو هر لحظه آماده شهادت بود و از سوی دیگر شهادت طلبی وی باعث نشد که به دام شهادت زود رس افتاده و از حل مشکلات و مبارزه با سختیها فرار کند بلکه مسعود بین شهادت زود رس و شهادت طلبی مزیندی کامل کرد بود "شهادت را سیری می دانست که لازمه سیری کردن آن مبارزه با موانع راه خدا باشد، مسعود هنگامی که عازم جبهه بود در جواب خانواده که پرسید بودند که برای چه میروی گفته بود می خواهم بروم کربلا را آزاد کنم و از سوی دیگری برادرش گفته بود من حتما شهید خواهم شد و اولین

پیاد شهدای حمله اول تپه‌های دیدبانی

در حمله به تپه‌ها و پیروزی در این حرکت
رزمندگان نمی‌توانستند روحیه پیروزی را
در نیروهای خودی و روحیه شکست را در دشمن
تقویت کرده و آن‌ها را برای حمله بزرگتر
را نیز بوجود بیاورند .

تقدیم به ما م روح الله خمینی که اسلام را بعنوان راهنمای عمل
زندگی مکتبی (همه جانبه و جان بکف، سنت‌نامه (ع)) به ما نمایاند .
تقدیم به شهدایی که با زندگی اخروی خویش الگوی تحقق
اسلام راستین اند و شیوه رندگیشان در هم کوبنده بساط مستکبرین است
تقدیم به رزمندگان جان برکفی که شیوه جهاد خویش را از سرور
شهیدان آموخته اند که این عین زندگی آنان می‌باشد .
(جهاد ما گشوده راه زندگی که زندگی بر د عقیده و جهاد)
تقدیم به مادرانی و همسرانی که زینبگونه عزیزانشان را به جبهه میفر -
ستند و شیوه های زندگی شهدای خویش را زاهدانمای تربیت فرزندانشان میسازند .
تقدیم به شهدای بیست و دوم اسفند ما آبادان : پاسدار شهید
اکبر ختائی ، پاسدار شهید رضا ابراهیمی ، طلبه شهید محمد باقر حبیب -
الهی (محمد مینیا ب) ، کارگر شهید محمد رضا مجیدی ، دانشجوی شهید
فرزاد دستور ، دانش آموز شهید امین رشیدی ، شهید اکبر حمانی و

جبهه را بسوی شهرها بکشانند .
هیئت های صلح یکی پس از دیگری
به ایران می آمدند و در صد بودند
که این جنگ را در جهت منافع خود
به اتمام برسانند . مدت ها بود
که امام مبنی بر لزوم شکستن حصر
آبادان صادر شده بود ولی حرکت
چندان برای تحقق این امر انجام
نمی شد . در این میان جریان اصلی
نیرو وجود داشت که با ایمان به
انقلاب اسلامی و ارزشهای برخاسته
از آن و با ایمان به اینکه تداوم
انقلاب و حتی مبارزه با جریانهای
انحرافی در شهرها از طریق هر
چه فعالتر شدن جبهه های جنگ اسلام
علیه کفر امکان پذیر است ، درصد
تحقق امر امام مبنی بر دفع
تجاوز کفار ربعی به شیوه های
اسلامی برآمده بود .

شیوه ها عملا جوسگون جبهه ها وی -
تحریکی نیروها را می شکست و آرامش
را از کف ربعی سلب می کرد .
و در واقع این کار مرتبه ای از دیگری
با دشمن و ابتدای حرکت برای
شکستن حصر آبادان بود ، در طی
این مرحله نیروهای خودی روز به
روز رشد کرده و بیش از پیش معتقد
می شدند که وقتی ایمان را سخ به
لزوم حمله به دشمن و تحقق امر
امام وجود داشته باشد در هر
شرایطی شیوه ها را نیز می توان
یافت .
وجود و تپه دیده بانی دشمن
در قلب مواضع خودی در منطقه
ذوالفقاریه که مثل دو چشم که
کوچکترین حرکت های ما را زیر
نظر داشت امکان هرگونه حرکتی
را از نیروهای رزمنده ما سلب

مکن (جبهه مجاور) که روبروی
تپه ها قرار داشتند ، حمله ای را
طرح ریزی می کنند که متاسفانه در
آخرین مراحل بعلت عدم شرکت
آن برادران (جبهه مدن) حمله
انجام نمی شود و طرح معوق می
ماند . علت عدم شرکت
برادران در این حمله آن بود که
برادران جبهه مدن بعلت طی
نگردن مراحل اولیه کسب آمادگی
- های لازم در جنگ ، توان این
حرکت را نداشتند و این امر تقریبا
در مورد دیگر جبهه ها نیز صدق می کرد
علیرغم این وقفه و بوجود
نیامدن هماهنگی لازم از آنجا که
پاسدار شهید رضا مودنی و برادران
جبهه ذوالفقاریه فتح این تپه ها
را امری ضروری میدانستند و
کیفیت لازم برای انجام اینکار
را نیز داشتند ، تصمیم گرفتند که
بجای منتظر ماندن برای ایجاد
هماهنگی خود وارد عمل بشوند .
و سرانجام این حمله در روز ۲۲
اسفند ماه ۵۹ آغاز شد . طرح
عملیات به این صورت بود که
دو تیم منفرد (۳) که تنها به تفنگ
۳- مسلح بودند در سطح صاف و
بازدشت بسوی مواضع دشمن
حرکت کنند و بعد از خنثی کردن
مین ها و درگیری تپه ها را فتح
کنند . این حمله از آنجا که
در نفس حرکت خویش عملی صالح
و تهاجمی بود ، خصوصا در آن جو
سکون که مدت ها بر جبهه های
آبادان حاکم بود . و نیاز اصلی
و فریاد دلد مستضعفین جبهه ها
بود ، علیرغم ضعف های فوق و
اینکه در ظاهر موفق به فتح تپه ها
نشد ، ولی میدا موجی شد که حرکت
این موج در آبادان پس از چندی
منجر به فتح تپه ها و پس از آن نیز
منجر به شکستن حصر آبادان گردید
در پی انجام این حرکت آن
هماهنگی که مدت ها شهید مودنی
بدنبال ایجاد آن بود بوجود آمد ،
هماهنگی بین ارتش و سپاه از
یک طرف و هماهنگی بین جبهه های
مختلف از طرف دیگر . شاهد بودیم
که در طول این عملیات چگونه
همه جبهه های اطراف در جهت آن
فعال بودند و در امداد و حمل
شهید و جروح ، آتش پشتیبانی و . . .
بگونه ای نیاز مند شرکت جستند .
و پس از آن نیز دیدیم که اهمیت
فتح این تپه ها برای همگان
بقیه در صفحه ۳۱

این مرحله از رشد و گسترش اسلام و صدور
انقلاب اسلامی در گرو پیروزی قاطع رزمندگان است
بر نیروهای کافر ربعی است که عمیقا وابسته
به طرح خائنانه کمپ دیوید در منطقه می باشد .

چگونگی حمله ۱۲۲ اسفند ماه
جریان استقلال طلب فرق در
آبادان رزمندگان نبودند که شب
وروز در پی یافتن شیوه های
برای حمله به دشمن کافر بودند .
برادران اعزامی ز سپاه پاساران
و بسیج خمینی شهر اصفهان و
نیروهای اعزامی ز خمین مستقر
در جبهه ذوالفقاریه آبادان از
جمله این جریان بودند . وجود
افراد مکتبی و نیازمندی چون
پاسدار شهید رضا مودنی ، پاسدار
شهید رضا ابراهیمی ، مجاهد شهید
مهدی آرزومند ، شهید محمد مینیا ب
و در این جبهه باعث می شد
که دانشمندی یافتن شیوه های
جنگ چریکی خود کف با شنود
شیوه های مکتبی را برای نزدیک
شدن به دشمن و شکستن جوسگون
کشف و به جبهه های دیگر نیز
انتقال دهند و با شیوه های نظیر
زدن خاک ریزهای پی در پی و روبه
جلو ، کا وید زمین و حفر کانال
هر لحظه خود را برای درگیر شدن
با کفار رزمندگان می ساختند . این

بنام خدا پرورش دهند شهیدان
۱۲۳ اسفند ۵۹ نقطه عطفی در
تاریخ جبهه های اسلام و کفر
در آبادان می باشد ، تهاجم
رزمندگان اسلام در این روز
چهره آبادان را در گگون کرد و
خون شهیدان نبرد "تپه اول"
آنچنان تحولی در جبهه ها بوجود
آورد ، که یقین می توان آنرا عامل
مهمی در تشدید حرکات بعدی جبهه
ها بخصوص جبهه های آبادان
دانست .
تنها هدف انقلاب ما نزدیک
شدن به خدا و برقراری حکومت
اسلامی بر اساس موازین اسلامی
است و دستیابی به این هدف تنها
با رشد و گسترش اسلام و دفاع از
ارزشها و دستاوردهای انقلاب
اسلامی و صدور آن به جهان
مستضعفین میسر می باشد ، لازم
حرکت در این مسیر الهی رشد
کادرهای رزمنده ای است که اسلام
را در شیوه های زندگی شان تحقق
دهند و توانائی حمل بیرق اسلام
را در طول این مبارزه دراز مدت
با مستکبرین جهان کسب کنند .
معصومین و شهدا اسوه های حسنه (۱)
اینگونه زندگی ، یعنی زندگی
که اسلام در همه شئون آن تحقق
یافته است می باشد . برای پیوند
با این شهدا می بایست شیوه های
آنان را بشناسیم ، بازگو کنیم و
راهنمای عمل خویش قرار دهیم .
این مرحله از رشد و گسترش
اسلام و صدور انقلاب اسلامی در گرو
پیروزی قاطع رزمندگان اسلام
بر نیروهای کافر ربعی است
نیروهای کافر ربعی که عمیقا وابسته به طرح
خائنانه کمپ دیوید در منطقه می -
باشند ، برای تقویت جبهه اسلام
می بایست به نیازهای اصلی
رزمندگان جبهه و منتظرین قتال
و شهادت پاسخ داده شود ، یکی از
اصلی ترین نیازهای این

پاسدار شهید اکبر ختائی : وقتی خدا برایتان به حدی آشکار میشود که او را ببینید آنگاه دیگر انحراف پیدا نخواهید کرد



بنام خدای شهیدان

توضیح :

از آنجا که اخبار و اطلاعات (کماهی) هماکنون هستند (تحلیلها را با رورمینما دیدن) قدیم مجموعه ای از اخبار مهم روزنامه را در بخشی از نشریه که به اسکا را اختصاص داده ایم

درج نمائیم .

اهداف مورد نظر ما از این کار عبارتند از :
۱- کمک به با روری تحلیلها ی سیاسی نیروهای مکتبی .
۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران ، منطقه و

جهان .
۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و اصول امپریالیسم .
ضمنا راه مجاهد با این اخبار برخورد فعال میکند .

گیرد .

اطلاعات ۶۰/۱۱/۴

خبرگزاری جمهوری اسلامی در بیروت گزارش داد در پی اعلام توانایی نیروهای اسلام برای شروع عملیات نظامی در داخل عراق نظامیان بغداد ، گروهی از جوانان عراقی را با تحریک احساسات ناسیونالیستی آنان و مساله قومیت عربی که بعضیها خرد را مدافع آنها قلمداد میکنند به احداث سنگر در شرق بغداد واداشته اند .

راه مجاهد :

امام گفته بودند اول متجاوز معرفی شود که در برگیرنده تمام خواستهای ماست ، ولی دستگاههای خبری دشمن سعی میکنند دور انقلاب را در اشغال ارضی و اشغال بغداد خلاصه کنند تا ارتجاع منطقه را بسیج نمایند (رجوع شونده مقاله شیوه مکتبی امام در دفع تجاوز ، در همین شماره)

اطلاعات ۶۰/۱۱/۴

شورای عالی دفاع : آقای رفسنجانی در طی مصاحبه ای گفت : در این هفته در جبهه هامساله مهمی نداشتم ، وی گفت مساله مهمی که مطرح شد بحث در باره پیشنهاد ایران مبنی بر آمدن خانواده های اسرای عراقی به ایران برای دیدار با فرزندان شان بود . عراق هم گویا به سازمان ملل اطلاع داده که حاضر است خانواده های اسرای ما هم به آنجا بروند ، ما هم از این مساله استقبال کردیم . وی گفت : بطور کلی عراقیها در عقب نشینی .

اطلاعات ۵۰/۱۱/۴

هائوی خبرگزاری فرانسه - در پایان دیدار رسمی طه محی الدین معاون رئیس جمهوری عراق از ویتنام اعلامیه مشترکی با روزنامه البیان اعلام کرد که در هائوی انتشار یافت : در این دولت متبوعوی ما ده است که

میانگیری بین جنگ ۱۶ ماهه ایران و عراق را بپذیرد
وی افزود ما دامیکه دو کشور بطور رسمی تقاضای این عمل را قبول نکنند الجزایر به همراه هر کشور دیگری آمادگی خود را برای قبول میانگیری اعلام میدارد .
راه مجاهد :

خط امپریالیسم و کمپ دیوید این است که ایران عراق غلبه نموده و دو کشور اول ضعیف گشته و بعد با هم سازش نمایند تا در برابر قدرتها قدرتی بوجود نیاید . همچنین خط رادیو اسرائیل و امپریالیسم خبری این است که ایران را یک قدرت عظیمی معرفی کنند تا اعراب اسرائیل را رها کرده و با ایران درگیر شوند .

کیهان ۶۰/۱۱/۱۷

الکساندر هیگ روز جمعه در مورد جنگ ایران و عراق گفت : این کشمکش بوضوح طولانی شده است و ما امیدواریم که شاهد پایان سریع این جنگ از طریق مذاکرات باشیم که اذاعه آن به منافع هیچکدام کمک نمیکند .

هیگ گفت : نسبت به موفقیت در این زمینه در آینده نزدیک امیدوار است اما باید بگوید که هیچ پایه ای برای ابراز خوشبینی در این جهت ندارد . وی گفت : از نقطه نظر خودم صریحا " بگویم من میل دارم این جنگ بدون پیروزی هیچیک از طرفین پایان یابد حتمی ، مبارک

عراق با این همه جنایات و آدم کشی هایش دم از حمایت از انقلاب ویتنام میزند .

کیهان ۶۰/۱۱/۴

مصاحبه فرمانده سپاه پاسداران ارومیه ، محمد صادقی به تلاشهای کشورهای مختلف برای پایان دادن به جنگ اشاره کرد و گفت : من به مساله میانگیری اعتقاد ندارم و هرگونه مصالحه ای با هر عنوانی در مورد جنگ تحمیلی ضد اسلام است اینک دشمن کا فر هم اکنون در خاک ماست و تجاوز گراست و بنا بر این باید بیرون رود و انشالله پیروزان ایران جنگ تحمیلی ما میتوانند بعنوان یک قدرت بزرگ معنوی در سطح جهان اظهار وجود کنیم و با خیال راحت انقلاب خود را مادر کنیم ، حتی میتوانیم از نظر نظامی نیز به کشورهای تحت سلطه برای مبارزه با آمریکا کمک برسانیم .

کیهان ۶۰/۱۱/۱۸

گفتگوی حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با " سی بی اس " : س : به عقیده شما آیا پایان جنگ در عراق با قیام خود ملت عراق و

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۸
مباحثه با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی پس از شورایی عالی دفاع : . . .
آمریکا ثیها تمایل دارند این جنگ ادامه پیدا کند هم بدلیل تضعیف دو کشور اسلامی و هم بدلیل راحت گذاشتن اسرائیل و هم بدلیل فروش تسلیحات و هم بدلیل باج گرفتن از عراق ، از طرف دیگر توان عراق برای ادامه جنگ کافی نیست آمریکا میخواهد به هر ترتیب عراق را سرپا نگه دارد ، تا بحال کمکهای مالی و تسلیحاتی بیدریغی به عراق کرده حال این سروصدا را راه انداخته اند که برای تداوم جنگ به عراقیها روحیه بدهند . عراقیها الان بریده اند و اردن هم بی جهت نیست که حاضر شده مجری آن باشد ، چون کسی که حاضر نباشد بوی آمریکا بی بدهد حاضر نیست مجری چنین طرحی باشد .

راه مجاهد :

ضمن تأکید مطالب بالا به علت مقابله حق و باطل در این جنگ و رشد جریانات چریکی و شیوه فمیده ای جنگ در منطقه آمریکا میخواهد جنگ را متوقف کند منتهی با بسیج نیروهای کمپ دیویدی وادامه جنگ تحمیلی برای توقف از طریق غیر انقلابی .

کیهان ۶۰/۱۱/۱۵

خبرگزاری فرانسه : سخنگوی الجزایر در یک مصاحبه اعلام کرد که دولت متبوعوی ما ده است که

کیهان ۶۰/۱۱/۱۵

خبرگزاری فرانسه : سخنگوی الجزایر در یک مصاحبه اعلام کرد که دولت متبوعوی ما ده است که

یا با یک کودتای نظامی پایان میدهد ؟

ج : من فکر میکنم وقتی که ما چند ضربه قاطع و اساسی در چند جبهه به عراق وارد کنیم میشود پیش بینی کرد که چه خواهد شد ، اگر صدام تسلیم شود ، چون در مقابل ملتش و دنیای عرب جوابی ندارد طبیعا

راه مجاهد : نمیتواند به حکومتش ادامه دهد و اگر هم تسلیم نشود با زخود آن شکست تبلیغات بسکی دوساله اش را بی ارزش نشان میدهد و با زهم تعادل نخواهد داشت که بتواند در عراق حکومت کند

بهر حال با تأکید مطالب فوق دفع تجاوز از طریق انقلابی است که در برگیرنده محاکمه صدام در اذهان و سپس سرنگونی او میباشد .

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۸

مباحثه با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی پس از شورایی عالی دفاع : . . .
آمریکا ثیها تمایل دارند این جنگ ادامه پیدا کند هم بدلیل تضعیف دو کشور اسلامی و هم بدلیل راحت گذاشتن اسرائیل و هم بدلیل فروش تسلیحات و هم بدلیل باج گرفتن از عراق ، از طرف دیگر توان عراق برای ادامه جنگ کافی نیست آمریکا میخواهد به هر ترتیب عراق را سرپا نگه دارد ، تا بحال کمکهای مالی و تسلیحاتی بیدریغی به عراق کرده حال این سروصدا را راه انداخته اند که برای تداوم جنگ به عراقیها روحیه بدهند . عراقیها الان بریده اند و اردن هم بی جهت نیست که حاضر شده مجری آن باشد ، چون کسی که حاضر نباشد بوی آمریکا بی بدهد حاضر نیست مجری چنین طرحی باشد .

راه مجاهد :

ضمن تأکید مطالب بالا به علت مقابله حق و باطل در این جنگ و رشد جریانات چریکی و شیوه فمیده ای جنگ در منطقه آمریکا میخواهد جنگ را متوقف کند منتهی با بسیج نیروهای کمپ دیویدی وادامه جنگ تحمیلی برای توقف از طریق غیر انقلابی .



کیهان

آقای موسوی نخست وزیر در مصاحبه‌ای با کیهان در مورد خود جنگ و این که الان در چه مرحله‌ای است گفت: همان طور که اشاره کردم حملاتی که با تصرف شمال آبادان آغاز شد و با فتح عظیم بستان و همچنین غرب کشور درخشندگی خودش را نشان داد. این زنجیره حملات به هیچ وجه قطع نشده و تا سرکوبی کامل متجاوز ادامه خواهد یافت طبیعی است که ما منتظر باشیم این حملات رژیم صدام را کاملاً درهم بشکنند و متجاوز را از خاک ما براندوزیم و کشور ما را در یک مرفعت بسیار تیر و تیر و منسبتی در منطقه قرار بدهد.

کیهان

حجت الاسلام رفسنجانی تصمیمات شورای عالی دفاع را گفتند: ... از اینکه اردن رسماً به این جنگ بیوندد استقبال میکنیم ... از لحاظ اعتبار هم او قدری بی اعتبار است که با آمدن اسمش جبهه صدام بی اعتبارتر میشود و این حرکت تبلیغاتی هم در سطح جهانی نتیجه معکوس خواهد داشت ... تقاضای زیادی از اسرای مسلمان عراقی که از جنگیدن با ایران پشیمانند ارائه شد مبنی بر آنکه به آنها میدان داده شود تا گناه گذشته خود را جبران کنند و در جایی با کفر بجنگند، از طرفی بسیاری از رانده شدگان عراقی که به ایران آمده اند نیز اظهار تمایل میکنند که متشکل شوند و در جایی بر علیه کفر بجنگند، ما فکر کردیم که در جبهه‌های خودمان بقدر کافی قدرت مند هستیم و نیازی باین نیروندانیم، لذا در این جلسه تصمیم گرفتیم و به ستاد مشترک اجازه دادیم که یک گردان از داوطلبین عراقی اعم از اسیران رانده شده تشکیل دهد و آنها را برای اعزام به مرز فلسطین اشغالی آماده کند، اسم این گردان هم قرار شد (گردان جولان) باشد و در اختیار دولت سوریه قرار داده شود تا هر جا بخواهند آنها را بکار بگیرند.

راه مجاهد:

ورود اردن به جنگ و هم موضع شدن با صدام موجب میشود که افسران ساده اندیش عراق پی به ماهیت چپ نمای صدام برده و در قیام حرکونه شان علیه صدام کمپ دیویدی تصریح نمایند، گر چه از نظر تاکتیکی به جبهه‌های ما فشار بیشتر وارد می‌آید ولی بعد از چندی انگیزه سربازان و افسران عراقی سست تر میشود و ضربه‌های کاری خواهند خورد برای اسلام افتخاری است که با سلاطین کمپ دیویدی پنجه در

افکند.

به یقین یک داد طلب هم از اردن عازم عراق نشده آنچه بوده نیروهای اجباراً "اعرامی" بوده است، آیا هواداران رجوی می‌خواهند هماهنگ با ملک حسین همچنان به تروریسم ادامه دهند.

کیهان

سرهنگ معین پور در دیدار با امام امت ضمن تاکید بر آمادگی نظامی نیروی هوایی گفت نیروی هوایی در شرایط فعلی در بهترین آمادگی رزمی است و اگر فرمانده کل قوا اراده فرمایند کماخ صدام را با خاک یکسان خواهیم کرد.

جمهوری اسلامی

ولایتی در مورد نقطه نظرهای دبیرکل جدید سازمان ملل در مورد جنگ عراق علیه ایران

وظیفه کشتن کادرهای امام را از این طریق و تعدیل حاکمیت ترا بعهد گرفته، از آن طرف ملک حسین وحسینی مبارک و سلطان قابوس و ملک حسن با اعزام نیروهای ارتجاعی وظیفه هر چه بیشتر کمپ دیویدی کردن صدام را به عهده گرفتند. فرماندهی مشترک اردن و مصر و سلطان قابوس دلیلی برای مدعاست که دیگر چپ نمایی عراق به راستا ارتجاعی آشکار تبدیل شده است.

کیهان

مجله الحریه ارگان جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین نوشت: رژیمهای اردن و سعودی از آن بیم دارند که در نتیجه پیشروی نظامی یک جنبش مردمی در عراق بوجود آید، آنها توافق کرده اند که با کمک آمریکا دست به یک کودتای نظامی آرام در عراق بزنند.

کیهان

حجت الاسلام‌ها شمی رفسنجانی در مصاحبه پس از جلسه شورای عالی دفاع: ... طرف این پنج شش روز شاخه‌ها طر و حشمت از این که به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ممکن است م عملیات وسیعی داشته باشیم، هفت هشت حمله خیلی بی حساب به تنگه چراه کرده است جایی که با آن موقعیت خاص استراتژیکی نیروهای ما نقاط حساسی را در دست دارند و اصلاً احتمال موفقیت در این حمله‌ها ضعیف بوده هر چند که نیروهای مهاجم قوی باشند ... تقاضای زیادی بود که برای میانجیگری در جنگ میشود و چند کشور از ما خواسته اند که به این منظور به ایران بیایند و ما گفتیم به آنها گفته شد که ما همان مواضع گذشته را داریم و حرفمان همین

صلح بین اسلام و کفر معنی ندارد، هیچ مسلمانی نباید خدایا کند که بین اسلام و مسلم و بین غیر اسلام و غیر مسلم باید صلح ایجاد بشود، باید حکم خدا عمل بشود، شما باید اگر ما موریتی دارید برای اینکه این آتش جنگ را بخواهید که آنها مال همه مسلمین است، باید متجاوز را به پای میز محاکمه بکشید و متجاوز را تادیب کنید، و اگر آدی که در مملکت ما هستند به کنار بفرستید و از صدام بخواهید و تحمیل کنید بر او که او از کشور ما برود بیرون و لشکرا و دست ارتجا و ز خودش بردارد و بعد از اینکه تجا و ز را دست برداشته یک هیئت بین المللی در آنجا باشد و این هیئت بین المللی که در یک جایی تشکیل شد رسیدگی کنند به جنایاتی که شده است اگر ما جنا تیکار هستی نام ما را تادیب کنند و اگر صدام جنا تیکار است صدام را تادیب کنند

سخنرانی امام خمینی ۵۹/۱۲/۱۱

کیهان

با شرکت کامل عملیات تنها جمعی دشمن در تنگه چراه یکی از بلندپایه‌های استراتژیک این تنگه بدست نیروهای اسلام افتاد و طرح پیشروی نیروهای عراقی و عبور از رودخانه نیسان نماند و ۷ تانگ و ۵۰ تن از نفرات عراقی به شکست انجامید.

کیهان

... رزمندگان پاسدار، ارتشی و ژاندارمری به میمنت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران دست به یک سری عملیات گسترده چریکی در جبهه‌های ایلام و گیلانغرب زدند ... برادران پاسدار در عملیات نفوذی که به نام "یا صاحب الزمان" صورت گرفت موفق شدند به پایگاه کانی سخت عراق در جبهه ایلام نفوذ کرده و بداخل سنگرهای سربازان بعثی حمله و رشدنوطی یک نبرد تن به تن ۳۶ تن از قوای بعثی را کشته و کلیه سنگرها را مواضع آنها را نیز در پایگاه مذکور به کلی منهدم سازند همین گزارش حاکی است برادران پاسدار بدون تلفات، سالم به پایگاه خود بازگشتند.

عراق به تمام منطقه سرایت کند شاخه‌ها همین دلیل این کشورها در پشتیبانی از عراق راه احتیاط در پیش گرفته اند و اگر چه بعد از موفقیتها ی ایران در جنگ با عراق که با شکستن محاصره آبادان آغاز شد، احساس نگرانی میکنند اما احتمال ندارد که از ملک حسین پادشاه اردن که سعی کرد نیروهای داوطلب اردن را به جنگ ایران بفرستد دنبال روی کنند اما فقط کنار گرفته اند از جنگ ایران و عراق سبب نمیشود که کشورهای منطقه خلیج فارس خود را از تصمیم رژیم اسلامی ایران و تصدای رژیم به ما در کردن انقلاب فارغ البال احساس کنند ... نگرانی درباره ضربه پذیر بودن کشورهای منطقه خلیج فارس و حوزه‌های نفتیش در کشورهای غربی وجود دارد از نظر آمریکا و شورای اولین منبع عدم ثبات در این منطقه است آمریکا شوری را ریشه خرابکاریهای داخلی و نیز عامل برهم زدن ثبات از طریق کشورهایی مانند جمهوری مکزیک و یمن میداند، آمریکا همواره چنین استنباط کرده است که بهترین روش حفاظت از منطقه خلیج فارس اتحاد استراتژیکی بین آمریکا و کشورهای این منطقه است اتحادی که بتواند بر مبنای نیروهای گسیل سریع آمریکا تسهیلاتی را به عمل آورد که بتواند در مواقع بحرانی به منطقه خطر گسیل دارند، آمریکا از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس پشتیبانی میکند زیرا این شورا را به منزله سده مانعی در برابر پیشرویهای شوروی میداند و آمادگی خود را برای دادن کمکها و نظامی به این شورا اعلام داشته است ... بهائی که برای امنیت منطقه خلیج فارس پرداخت میشود ممکن است نزدیکی با غرب و بخصوص آمریکا باشد که نتیجه آن درگیری عمیق تر در ما نوره‌های جغرافیایی بین شرق و غرب است اما با در نظر گرفتن خطر گسترش جنگ ایران و عراق ممکن است کشورهای جز شوری همکاری خلیج تصمیمی بگیرند که حاضر به پرداخت اینها خواهند بود.

راه مجاهد:

بدنیاال پیروزیها بی‌خیر جبهه‌ها همچون شکستن محاصره آبادان عملیات طریق القدس و ۱۰۰۰۰ میریالیستها و کشورهای مرتجع منطقه بو حشمت افتاده و می‌خواهند بنحوی جنگ اسلام و کفر را به انحراف بکشانند، که نمونه آن را در تحلیل رادیویی بی، بی، سی میبینیم، که در تحلیل آن به محورهای زیر میرسیم: ۱ - یکی از برگات جنگ اسلام و کفر و ریشه‌های انقلاب اسلامی

به مستضعفین منطقه بوده است که خود رشد و گسترش انقلاب اسلامی را هم در بردارد بهترین نمونه آن قیام مردم مصر و سودان بود و همین مسئله باعث وحشت بیشتر مرتجعین شده است.

۲ - پیروزیهای اخیر رزمندگان آمریکا را به این جمع بندی رسانند که سران مرتجع منطقه را برای حفظ صدام بسیج نمایند. حمایت علنی ملک حسین نمونه این جریانست - رادیوی بی بی سی در تحلیل خود ظاهراً "با این عملکرد آمریکا مخالفت کرده است زیرا میدانند که یکی از اهداف ادامه جنگ سرنگونی و محاکمه صدام است بنا بر این حفظ صدام را در تمام جنگ و نتیجتاً قطع کمکهای سیاسی - نظامی به عراق میداند. از طرف دیگر گسترش انقلاب اسلامی و بسیج ملت‌های مستضعف در تداوم جنگ با کفایت و دفع تجاوز است. این رادیوی بیگانه به حکام مرتجع هشدار میدهد که برای حفظ خود و ایجاد آرامش و ثبات و جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی باید جنگ را خاتمه داد. در حالیکه ایجاد ثبات در منطقه دست امپریالیسم را برای غارت نفت که یک کالای حیاتی برای او بشمار میرود باز میکند.

۳ - هدف آمریکا و انگلیس و صدام و صدامیان نابودی انقلاب اسلامی است اما شیوه‌های متفاوتی را اتخاذ میکنند. این رادیوی بیگانه برای مخدوش کردن تضاد بین حق و باطل (انقلاب اسلامی از یک طرف و آمریکا و صدام و صدامیان از طرف دیگر) آمریکا شوروی را بعنوان دو قدرت بزرگ و درگیر مطرح میکنند و این در رابطه با هدف آمریکا از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس میباشد زیرا آمریکا اعلام کرده بود که برای مقابله با خطر شوروی لازم است بین کشورهای منطقه پیمانهای استراتژیک نظامی بسته شود و نیز گفته بود که ایران برای ما مطرح نیست بلکه بخاطر همسایگی اش با شوروی برای ما اهمیت دارد. اما مستضعفین آگاهند که خطر عمده برای امپریالیسم آمریکا، انقلاب اسلامی ایران و صدور جوهر رزمنده آن میباشد.

گزارش از خیرانگار راه مجاهد :
"زمینی الوان از دهکده الوان"
زمینی الوان از دهکده الوان (۱)

در ابتدای جنگ اسلام بر علیه کفر، شاهد پیروزیهای نیروهای صدامی در دشت خونستان بودیم. آنها بیرحمانه به سرزمین اسلامی ما حمله ور شدند. مردم ما را شهید کردند و اموالشان را به غارت بردند، آنها نه تنها زنان و

کودکان بلکه عربها را هم در معرض خمپاره‌های خود قرار دادند و ادعای دروغین خود را که حمایت از عرب بود ثابت کردند و بدین ترتیب توطئه‌ای را که در پی آن قصد داشتند عرب و عجم را به جان هم اندازند باطل شد. اما رشادتهای دلیر مردان و رهنمودهای امام، در حملاتی نظیر طریق القدس تجلی یافت و نیروهای متجاوز سرانجام دست به عقب نشینی وسیعی در جبهه‌های جنوب زدند و پیروزی عظیمی نصیب سپاه اسلام شد. در این عقب نشینی نیروی کافر تمام دهکده‌هایی که تحت اشغال آنها بود با خاک یکسان کرده و فرار کردند. دهکده الوان را که میبینی خبری از خانه‌های روستائی نیست، فقط تپه‌های کوچکی از خاک بچشم میخورد که یادآور مقام و مت رزمندگان است که برای دفع تجاوز حاضر شدند به سرزمینی الوان از خون آن جوان مردان تبدیل شده است. آن زمین کوچک اما پرا زریانه انسان را به یاد ارض کربلا و شهادت و طومیت حسین بن علی (ع) و یاران وفادارش میآورد ز دوبه صدام میآموزد که با توجه به رهنمودهای امام مبنی بر قتال با کفار و متجاوزان با پایداری و متجاورانه راندن نیروهای متجاوز به استقامت ادامه داد. از طرف دیگر صدور شیوه‌های اسلامی جنگ در بسیج مستضعفین عراقی و سرنگونی صدام را بدنبال دارد و تعداد شهدایان در سایه استقامت در جنگ ناسرنگونی صدام و محاکمه او میباشد.

در غیر این صورت میانجیگری و مذاکره به منظور صلح و بدین دین نظر گرفتن شرایط امام پایمال کردن خون‌پیمایی ست که در راه مبارزاتی اسلام و گسترش آن ریخته شده است.

بازسازی انقلابی
آنچه که مسلم است رزمندگان در جبهه‌ها به نبرد علیه مستکبرین مشغولند، شناسایی میروند، عملیات نظامی انجام میدهند و تاکنون آنچه که از جبهه‌ها شنیده‌ایم بیشتر در مورد راه‌های نظامی رزمندگان بوده است. اما آنان از عشق مییقی نسبت به خداوند بهره مندند و همه چیز را در رابطه با خدا میبینند و به همین دلیل سبکبال و راحت هستند و سختی‌هایی که در این راه متحمل میشوند جز رشد واقعی در جهت خدا نیست. برادری نقل میکرد که رزمنده ۱۵، ۱۴ ساله‌ای را در جزیره مینو دیده بود که او یک گونی بزرگ از وسایل پیرزنی عربی را بدوش می‌گشید تا او را به جزیره برود به محل زندگیش برساند شاید عجیب باشد که این جوان جنگجو چندین

ساعت از وقت خود را صرف چنین کاری کند ولی آنها این قبیل کارها را کمک به خلق خدا همچون شیخون و عملیات و سنگر کنند و شناسایی و... و نهایتاً "شهادت راز را هی برای تقرب به... میدانند. رزمندگان در همه زمینه‌ها فعال هستند، تخصصی که در جبهه‌ها تخصص مکتبی یافته‌اند. بیشترین کارآیی را دارند. همچنان که نیروهای جبهه‌دگر به احداث پل و جاده و برق کشی و... میپردازند. آنها میدانند که در شرایط جنگ، خانه‌سازی برای مستضعفین با استفاده از وسایلی امکان دارد و چگونه باید باشد. نیروی سازنده و فعال جبهه‌دگران جبهه‌ها مسئله بازسازی مناطق جنگ زده را در حین جنگ حل میکنند. در این صورت دیگر نیاز به متخصصینی نیست که اصلاً در جنگ فعال نبوده و با عمل صالح زمان بپایوندند. شته اند تا بخواهند بعد از تمام جنگ به بازسازی آنها با شیوه‌های کلاسیک دست بزنند. بلکه با یتی به رزمندگانی که اکنون در همه جوانب استاد شده اند تکیه کرد و مسئولیت اصلی در بازسازی را به آنها سپرد و سایر نیروهای متخصص را هم به خدمت مستضعفین درآورد.

پاورقی : (۱) - الوان نام دهکده‌ای در نزدیکی سوسنگرد است.

داخلی

اطلاعات ۶۰/۱۱/۷

به گزارش خبرنگار جمهوری اسلامی از آمل: ضدا انقلابیون از اولین ساعات با مامداد پیروز به باغات اطراف شهر فرار کردند و مدافعین انقلاب اسلامی در تعقیب بقایای آنان هستند. مهاجمان با استفاده از سنگرهای که بر روی پشت بام‌های منازل فئودالها و ثروتمندان شهر ساخته بودند چند ساعتی در دولت‌سرا هدف آتش خود قرار دادند. تاکنون بیش از ۲۵ تن از ضدا انقلابیون که از کارهای اصلی گروهکها نیز در برهه آنان بودند به هلاکت رسیده‌اند. ۳۴ تن از مهاجمان به هلاکت رسیدند. همچنین در ساعت ۸ شب مردم متعهد و مسلمان آمل ضمن تجمع در مقابل مقر سپاه پاسداران این شهر خواستار صدور اجازه‌ای برای بدست گرفتن سلاح و مقابله با مهاجمین ضدا انقلاب شدند که یکی از برادران سپاه طی سخنانی از آنان خواست تا به خانه‌های خود برگردند.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۱
امام در دیدار با وزیر ارشاد در سرپرستان هیاتهای اعزامی بخارج: تمام آمل و آرزوهایشان شمال بود و معتقد بودند که شمال صدر صدم جمهوری اسلامی مخالفند. از طرف دیگر تمام نیروهایشان را از همه جا جمع کردند و بشهر آمل و حسیانه و غافلگیرانه حمل کردند. به امید آنکه مردم هم که با آنها هستند، پس آمل را بشود فتح کرد. و از آنجا شهرهای دیگر ولت متوجه شدند که چه شد. مردم چنان با آنان بمبارزه پرداختند و توی دهن آنان زدند که نتوانستند حتی برای چند ساعت مقاومت کنند.

جمهوری اسلامی تنها به کسانی که کسی را کشته اند و یا کارهایی کرده اند که در اسلام حکمش اعدام است جزایمان دانه است. این جزایمان حفظ جامعه مفید است، اینها غده‌های سرطانی هستند که برای صحت جامعه باید بیرون آورده شوند. آنها بی‌گناهان در زندان هستند تحت تربیت قرار گرفته‌اند. و همیشه سفارش اینها را کرده‌ام.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۱
"پیام مهم و تاریخی امام به مناسبت ۲۲ بهمن"

این دولتهای وابسته مگر ندیدند که کاخ سفید با کمال بی اعتنائی اعلام کرد که بخاطر آنان و نفت آنان از منافع اسرائیل، در دو مگر متوجه نشدید که کابای اعمال "وتو" تهدید - رانهای بی اعتنائی خود را به آنان ثابت نمود.

اکنون که کشور ما در دهه فجر و سالروز استقلال و آزادی خود از چنگال ابرجنایتکاران جشن میگیرد و امید است به همین زودی جشن سقوط حکومت بعثی عراق را بگیریم.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۴
یکی از امور مهمی که مورد توجه بزرگان و علمای حوزه علمیه قم بوده است، لکن عمل مثبتی در باره آن انجام نگرفته، ایجاد نظم و انضباط در حوزه‌هاست که لازم است از حوزه علمیه قم شروع شود و بطور جدی و اساسی عمل شود. مقایسه امروز حوزه‌ها با قبل از انقلاب که روحانیون بواسطه تبلیغات و فشار و روک فهمیه از سیاست و نظر در امور کشور منزع و برکنار بودند بسیار نا بجا و غلط است گرچه ممکن است بعضی کج فهمها با این امر حیاتی مخالفت کرده و یا تز نظمی در بی نظمی است با توهمات شیطان دست بگیربان شدند لکن اینان در اقلیت هستند. همانطور که پاکسازی و تصفیه

در همه ارگانهای دولتی اعم از کشوری و لشگری لازم است، در حوزه‌ها و دانشگاهها که همگام با حوزه‌ها هستند و هر دو از ویژگی خاصی برخوردارند تصفیه و پاکسازی مهمتر است.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۴
"در دیدار با میهمانان خارجی دهه فجر" ایران الان هم میگوید که صدام برود بیرون از اینجا و یک دستگاهی بین المللی بیاید و رسیدگی کند به جرم او و جنایات او.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۵
"در دیدار با چند تن از وزرا" جمعی از پرسنل ارتش و گروه مختلف مردم انسان در باطن خودش وفطرت خودش تنهایی ندارد. آملش غیر متناهی است. وقوف نمیکند آمل انسان. راه مجاهد:

بنظر میرسد منظور امام همان ویژگی پایداری انسان یعنی خدا جویی و بی نهایت طلبی است.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۵
"در دیدار با ائمه جمعه خوزستان" حسین اردنی می خواهد وارد جنگ رسمی شود، او می خواهد انتخابات رکن دین هم از باب این است که آنها نه اسلام را شناخته‌اند نه مردم ایران را.

به وصیتنامه جوانان نگاه کنید، این وصیتنامه‌ها انسان را می لرزاند و بیدار میکند. راه مجاهد:

"یوم ترجف الراجفه، تتبعه الراجفه، قلوب یومئذ و اجفیه ایما رها خاشعه، (سوره النازعات - آیات ۹ تا ۱۹)

حوزه‌های شهرها پشتوانه‌های اصلی است. من کرارا "به هوش" تاکید کرده‌ام که در سهای حوزه‌ها باید به همان وجه سنتی خود ش محفوظ باشد. فقه باید همان فقهی باشد که در بین ما است.

خلاصه شده پیا میا و بیانات امام در دهه فجر تحت عنوان سخن امام راهنمای مستضعفین در همین شماره آمده است.

* * *

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۳
آیت الله منتظری در تکریمی ضمن تبریک و تسلیت شهدای حادثه آمل مقاومت اهالی شریف آمل را در خنثی نمودن توطئه شیطان آمریکا ستود. آمریکا و هم دستا نش به خیال خود با ایجاد صحنه‌هایی نظیر آنچه در آمل

گذشت در صد ندر ژیم صدام را از شکست قطعی که در پیش دارد نجات داده و نیروهای رزمنده را از توجه به مسئله اصلی که جنگ است غافل نمایند، ولی آگاهیه و مقابله و مستو وحدت کلمه اهالی شریف و فداکار آمل همچون سایر شهرهای شمال توطئه شیطان آمریکای را خنثی و نابود ساخت.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۴

از سوی آقای منتظری حجت الاسلام حسین کرمانی مسئول تبلیغ و ارشاد در جبهه‌ها شد قسمتی از متن نامه آقای منتظری به حسین کرمانی بدین شرح است: چون لازم است در جبهه‌های جنوب و غرب کشور دانشمندان روحانیون متعهد جهت تبلیغ و ارشاد در زندگان عزیز و تشویق و دلگرم کردن آنان و بیان مسائل و احکام، وجود داشته باشند و در این زمینه تقاضای همکاری هم شده است، لذا به جنابعالی توصیه میشود که به منظور فوق و نیز با لبردن روحیه جبهه مقاومت در ارتشیان عزیز و با سدا ران شجاع و نیروهای بسیج و مردمی فداکار، ضمن شناسایی افراد لایق و متعهد و اعزام آنان به جبهه‌ها، متناسباً با "به جبهه‌ها رفت و آمد و بر جریان صحیح مسئولیت فوق الذکر نظارت بفرمائید.

کیهان ۶۰/۱۱/۱۹

تیمسار زهیر نژاد با روسای ستاد مشترک ارتش در قم با آقای منتظری ملاقات کردند و گزارش جبهه‌ها را تقدیم کردند. آقای منتظری گفتند: برادران عزیز سپاه فرزندان شما هستند و باید به این چشم به آنان نگاه کنید و تجربیات و آموزشهای نظامی خود را کاملاً در اختیار آنان قرار دهید و آنها متقابلاً از آموزشهای اسلامی و مکتبی شما را غنی خواهند ساخت با یاد از تندروییهای بی‌رویه جلوگیری گردد.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۴

آیت الله منتظری در دیدار با پرسنل نیروی هوایی گفت: وجود ارتش متعهد و منسجم نیروی کارآمد یک ملت را در راه رسیدن به استقلال و خودکفایی افزایش میدهد و ای فرزند این راه که نوعی عبادت محسوب میشود سختیهای وجود دارد و با خاطر شرایط انقلابی کشور احتمالاً تشویقی انجام نمی‌گیرد از ادامه تلاش خود برای بازسازی و خودکفایی تسلیحاتی کشور کوتاهی نکنند. اکنون اگر همست کنید خودتان یک هواپیمای یک موتور به سازید از فانتوم و میگ ابرقدرتها بسیار ارزتر است.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۵
آیت الله منتظری: ۰۰۰۰ رژیم صدام روبرو شکست می‌رود، آمریکا مهره دیگر خود شاه‌خاثن اردن را وارد عمل کرده ۰۰۰۰ نیروهای باصلاح داد و طلب اردنی کوچکترین تأثیری در جبهه‌ها ندارد و آنها تنها میتوان در تقویت جناحهای غربی که پس از سقوط صدام ممکن است روی کار آیند بهره‌بردار.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۵

عده‌ای از طلاب حوزه علمیه قم طی راهپیمایی ساکتی به حضور آقای منتظری رفتند: آقای عبّاسی سخنرانی کردند سپس آنها طبق دستور ۹ ماده‌ای امام به مناسبت ۲۲ بهمن خواستار تعویض مدیریت حوزه شدند.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۵

آیت الله منتظری گفتند: در گذشته موانعی برای ایجاد نظم بود، ولی حالاً آن موانع برطرف شده است، شما نمایندگان حضور امام و سایر مراجع بفرستید، همانطور که در دانشگاه انقلاب شده است باید در حوزه‌ها هم انقلاب شود. ۰۰۰۰ سازمانهای جاسوسی با فرستادن جاسوس می‌خواهند حوزه را از بین ببرند.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۵

وقتی امام علم را وسیله‌ای برای عمل و عمل را وسیله‌ای برای بیداری نفس میدانند وقتی شیوه فهمیده‌ای جنگ را تأیید میکند، بنظر میرسد که حوزه‌های علمیه هم باید به حوزه‌های علمیه عملیه تبدیل شوند تا مبلغین ما قادر باشند دنیا زهای توده‌های شهادت طلب را درک کنند، ما موفقیت آیت الله منتظری را در این امر از خداوند متعال خواهیم.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۹

حجت الاسلام یزدی: ۰۰۰۰۰۰ (خطاب به آقای منتظری): مردم مقلد شما نیستند مردم مقلد امام و سایر مراجع هستند... گفته شما نمیتواند به اندازه گفته امام، جا بیفتد و آنوقت شما خرد میشوید و ما نمیخواهیم شما خرد شوید برای اینکه هم در بیفای شما مثل شما مجتهد هستند و شما هم نظر دارند... اینک ولایت فقیه از امام به آقای منتظری و با آقای مشکینی منتقل شد و یا منتقل نشود خود از مسائل مورد بحث است که در میان فقهای

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۹

حجت الاسلام یزدی: ۰۰۰۰۰۰ (خطاب به آقای منتظری): مردم مقلد شما نیستند مردم مقلد امام و سایر مراجع هستند... گفته شما نمیتواند به اندازه گفته امام، جا بیفتد و آنوقت شما خرد میشوید و ما نمیخواهیم شما خرد شوید برای اینکه هم در بیفای شما مثل شما مجتهد هستند و شما هم نظر دارند... اینک ولایت فقیه از امام به آقای منتظری و با آقای مشکینی منتقل شد و یا منتقل نشود خود از مسائل مورد بحث است که در میان فقهای

ماست که بسیاری قبول ندارند و قابل انتقال نمی‌دانند و اکثر فقها از جمله خود بنده معتقدم که قابل انتقال نیست و بسیاری هم جازمی‌دانند و بعضی آقایان هم هیچیک را.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۵

حجت الاسلام کروی: ۰۰۰۰۰۰ حضرت آیت الله منتظری با این سوابق علمی به تعبیر شهید آیت الله مطهری که تلگرافی را در سال ۴۵ تنظیم کرده بودیم و بدنبال آن میرفتیم به زندان قزل قلعه برای ایشان نوشته بودیم حضرت آیت الله منتظری و خیلی از چهره‌ها هم ماضی کرده بودند شهید مطهری فرمود که مسلماً "باید آیت الله بنویسد از بسیاری از آنها که

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۵

آیت الله هستند و در سطح مرجعیت هستند از خیلی از آنها از نظر علمی ایشان قوی‌تر هستند. ۰۰۰۰۰۰ ایشان این مسایل را هم میدانند و میدانند که مرحوم آیت الله بروجرودی نسبت به آیت الله منتظری چقدر عنایت داشته است. ۰۰۰۰۰۰ مقامات امنیتی مثل مقدم صریحاً گفته بودند که دیگر نمی‌گذاردیم مرجع جدیدی در دست بشود. ۰۰۰۰۰۰ در آن دوره‌ای که آیت الله منتظری زیر ضربات ساواک بود و دستهای مرموزی هم تلاش میکردند بوسیله افراد صالح (اما ناآگاه) ایشان را بگیرند و مرعوب کنند یکی از افرادی که شدیداً در این جریان قرار گرفته بود و آیت الله منتظری را می‌گوید خود آقای یزدی بود، حتی یک مقدار پولی که آیت الله منتظری به طلاب اصفهان به عنوان شهریه میداد، ایشان تحریر حرام کرده بود، این را عرض میکنم که ایشان میگویند نظریات من هم معیار است، ملت بدانند بنظر ایشان هم زمانی که آیت الله منتظری از طرف ساواک کوبیده میشود رژیم به آن امان نمیدهد اگر پول به طلاب میداد، حرام بود.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۸

مدتی پیش اعلامیه‌ای به خیرگان که طبق قانون اساسی به تصویب شورای نگهبان و تصدیق حضرت امام رسید و بهنگام تصویب نهایی در بعضی از جراید نیز منتشر شد، مجلس خیرگان بر حسب اصل ۱۰۸ و ۱۰۷ قانون اساسی از خیرگان منتخب مردم بمنظور انتخاب رهبر یا شورای رهبری تشکیل میشود، شرایط آنها عبارتست از: ۱ - اشتها به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی. ۲ - آشنایی کامل به مبانی اجتهاد و سابقه تحصیلی در حوزه‌های علمیه بزرگ در حد قدرت بر تشخیص مرجع صلاحیتدار برای مقام رهبری. ۳ - بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی به مسائل روز. ۴ - اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی. ۵ - عدم سوء سابقه اجتماعی.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۸

مدتی پیش اعلامیه‌ای به خیرگان که طبق قانون اساسی به تصویب شورای نگهبان و تصدیق حضرت امام رسید و بهنگام تصویب نهایی در بعضی از جراید نیز منتشر شد، مجلس خیرگان بر حسب اصل ۱۰۸ و ۱۰۷ قانون اساسی از خیرگان منتخب مردم بمنظور انتخاب رهبر یا شورای رهبری تشکیل میشود، شرایط آنها عبارتست از: ۱ - اشتها به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی. ۲ - آشنایی کامل به مبانی اجتهاد و سابقه تحصیلی در حوزه‌های علمیه بزرگ در حد قدرت بر تشخیص مرجع صلاحیتدار برای مقام رهبری. ۳ - بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی به مسائل روز. ۴ - اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی. ۵ - عدم سوء سابقه اجتماعی.

مناسبت ششمین سالگرد آقای شمس‌آبادی در اصفهان پخش شد که به امضای آیت الله خادمی و حوزه علمیه اصفهان و جمعی از بازاریان است. این اطلاعیه آیت الله شمس‌آبادی را سالار شهیدان انقلاب نامیده و تعداد جمهوری اسلامی را مبارزه با قاتلان شهید دانسته است.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۵

چندی قبل آقای زارع‌استادار اصفهان جریان آقای شمس‌آبادی و ترور مهندس بحرینیان و ترور حاتمی را در یک خط دانسته بودند که این صحبتها در روزنامه منعکس شد.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۵

آیت الله جنتی: قانون نتواند تثبیت شود، البته این توطئه با فشارهای شدید تبلیغاتی و برچسب‌های ناچسب "نزدیکی ایران با مظهر نجات منطقه یعنی اسرائیل" و همچنین محاصره شدید اقتصادی همراه با فشارها و تجاوزات خارجی و داخلی توأم بوده است، اما با عادی شدن جنگ برای مردم و کمکهای بیدریغ مالی - انسانی مداوم آنها و تحمل فشارهای اقتصادی و مهمتر از همه حضور گسترده و مداومشان در صحنه سیاسی کشور و همچنین برخورد فعال جهت سرکوبی ضد انقلاب در شکل‌های مختلف تا کنون توانسته اند حضور و پایداری و ثبات اصل سیاسی انقلاب اسلامی را در منطقه حساس خاورمیانه ثابت کنند.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۵

بنابراین، تنها هدف این شرارتها و شیطنتها انصراف از جنگ است، انحراف از جبهه اصلی است، آنها با هم بلاهتشان اینقدر را میدانند که نه این حکومت، حکومت سال ۴۹ است و نه این مردم آن مردم اند و نهادی میرزا کوچک خان را در آوردن و از ما جزای سیاه‌کل تقلید کردن، امروز میتواند مزه‌ای داشته باشد. ۰۰۰۰۰۰ اکنون بر ما سبب که انگشت را درست روی همان نقطه‌ای بگذاردیم که دشمن نمی‌خواهد، تقویت جبهه نبرد، اعزام نیرو، بسیج هر چه بیشتر آرایش جنگی هر چه بهتر، کمک رسانی هر چه منظم‌تر، پیروزی ما در جنگ فقط مرگ صدام را بهارمغان نمی‌آورد، مرگ تفاله‌های داخلی بقیه در صفحه ۲۷

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۵

نقل از پیام انقلاب: "تحلیلی بر پیام تاریخی فقیه عالیقدر آیت الله منتظری" ۰۰۰۰۰۰ با شکست مجدد دشمن بر روی نیروهای سیاسی آمریکایی و در خط آمریکا در محور رهبری بنی صدر بنا می‌ریزی که در دو با صلاح دست به یک کودتای

اگر مقصد الهی باشد هم قلم و هم مسلسل ارزش دارد امام خمینی

مشعلی فروزان ، فراراه فتح قدس

قیام در سکون چغالوند

بمناسبت ۲۶ اسفند ماه ۵۹ سالگرد پیروزی چغالوند

مطالب :

- ۱ - مقدمه مقاله
- ۲ - جنگ چریکی یا درگیری محدود در چغالوند
- ۳ - شرح مختصری از عملیات
- ۴ - دستاوردهای شک چغالوند

بنام خدای شهیدان مقدمه :

در فتح چغالوند شاهد بودیم که چگونه پاسدار شهیدعباس ملکی (فرمانده عملیات) باشیوه های مکتبی این عالمی برای رشید همزمانش میگردد .

جبهه و حمله چغالوند را در حقیقت مدرسه ای می یابیم که معلمش شهیدعباس ملکی است انسانانی که عاشق دیدار خدایا و تربیت شده در حرکت انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی میباشند و موضوع در سش تحقیق مکتب در شیوه ها و دستیا بی شیوه های الهی در جنگ با دشمنان انقلاب است که اتخاذ

چنین شیوه های در حین نبرد با دشمن ضامن رشد نیروها بمان از طرفی و حفظ استقلال و گسترش انقلاب اسلامی از طرف دیگر میباشند . شاگردان این مدرسه طالبان لقاء الله اند که با رشد در این مدرسه و دستیابی به شیوه های مکتبی و نظامی تضمین کننده ادا ماین نهضت اسلامی در منطقه و فتح قدس از طریق کربلای باشند .

در فتح چغالوند می بینیم که شهیدعباس ملکی و همزمانش بعلت عشق عمیق به انقلاب ، با دفاع سرسختانه از آن و برخورد های فعال و خلاق با جنگ تحمیلی ، جنگ راه عالمی در جهت عمق بخشیدن و تسریع حرکت انقلاب اسلامی تبدیل می کنند شهیدملکی به ارزش وجودی نیرو

هایش بعنوان انسانهایی که برای حفظ و تداوم انقلاب و تثبیت ولایت فقیه امام و نهضت اسلامی امام خمینی حاضرند جان خود را فدا کنند ، پی برده بود . بهمین خاطر او با فعال کردن نیروهای جبهه برای طی مراحل مقدماتی حمله یعنی : تشدید خودجوشی نیروها ، شناساندن منطقه به آنها ، کارمل کردن آموزش نظامی نیروها و غیره ، مسائل و مشکلات حمله را که بسیار هم عظیم بود با تکیه به این انسانهای مومن حل کرد .

شیوه برخورد عباس ملکی با جنگ اسلام و کفر خودشاهی است بررد ادعای کسانیکه خودشان کیفیت مکتبی و انقلابی نداشته

جنگ را بعنوان عامل بازدارنده پیشرفت انقلاب میدانند و سعی در رشد توده های جان برکف نداشته و در برخورد با توده ها از آنها بعنوان مهره و ابزار استفاده می کنند بعنوان کادرهای انقلاب که امکان رشد و صلاحیت فتح قدس را دارند .

ما میتوانستیم با الهام گرفتن از شیوه های عباس ملکی در برخورد با جنگ در عملیات تاخیر غرب (مطلع الفجر) به نتایج بهتری دست یابیم ، لذا وظیفه خوددانستیم تا در سالگرد قیام در سکون چغالوند تحلیلی از شیوه های پیروزی در آن عملیات ارائه دهیم تا در جهت بااروری جنگ اسلام و کفر قدمی برداشته باشیم .

جنگ چریکی

(درگیری محدود) در چغالوند قبل از اینکه چگونگی فتح قلعه چغالوند را بررسی کنیم لازم می دانیم شرایط و جریان آن مرحله

کشور را (جبهه شهر) ، تحت الشعاع خود قرار میدهد که از یک طرف جو یا س را در جبهه ها و بخصوص جبهه های جنوب حاکم نموده و از طرف دیگر برخورد های کور و ضد سیج را در شهرها دا من میزند . (دوقطبی کاذب) ۳ - وجود گیرهای ایدئولوژیک و استراتژیک در جبهه ها نظیر تبیین مسئله شهادت ، بقیه السیف (۱) ، قیامت و رابطه انسان با سلاحهای سنگین و ... با عا شت کاهش تحرک رزمندگان شده بود . (۲)

۴ - مخدوش شدن رابطه

اصولی ارتش و سپاه و نیز خودکم بینی نسبت به سلاحهای سنگین که بعد از ضربه هویزه شدت یافت ، و اکثر آدرجبهه ها ارتش (با فرماندهی بنی صدر) فرماندهی منطقه را در دست داشت و هر عملی حتی شبیخون و ... با یستی به اطلاع فرماندهان صورت میگرفت که از تحرک و خودجوشی جبهه ها

توضیح راه مجاهد :

بگذاریم واژه بسیج بدون ناموس آن استفاده شود ، در این زمینه در شماره های آینده بحثی تحت عنوان شیوه های بسیجی در همه زمینه ها شروع خواهیم کرد تا بتوانیم سرعت برجرانهای اقتصادی ناشی از "سورم" و "حصار اقتصادی" و "احتکار" و ... فائق آئیم ، ضمناً خاطرنشان می کنیم که طبق آئین نامه راه مجاهد وظیفه ما دفاع از شهدای

میگاست .

۵ - بعضی گروههای عامل اولیه نیز مثل گروه اندرزگو و میثم و نیز تشکلهای محلی گاهگاهی به عملیات کوچک روی می آوردند که بهتر بود در خدمت و در جهت درگیریهای محدود (آزاد سازی مناطق اشغالی) می بود .

۶ - جوسیاسی حاکم بر شهرها (دوقطبی کاذب) نیز از بسیج جبهه ها میگاست و تشابهاتی را در رابطه با محکم و عمده بودن جبهه و جنگ بوجود آورده بود .

۷ - دشمن نیز با حمله های که از جانب رزمندگان اسلام شده بود دیگر توان پیشروی را نداشت ولی (صرا) به تحکیم مواضع خود

و سنگربندی های محکم پرداخته بود که در اکثر جبهه ها با ایجاد میدانهای وسیع مین و کشیدن سیم خاردار قصدش حفظ مواضع بود .

در شهرها نیز بعد از ضربه هویزه و سکون و یا حاصل از آن در جبهه ها ، درگیریهای داخلی نیز شدت گرفت و جریانات توطئه گر در راه آنها بنی صدر و رجویستها توانسته بودند دوقطبی کاذب و درگیریهای شهری را بیشتر دا من بزنند ، در مقابل ، جریاناتی نیز بجای صدام ، دشمن اصلی را بنی صدر و رجویستها گرفته بودند که این امر ضربه زیادی به جنگ میزد ، البته با بنی صدر در رابطه با خط ننگش میبایستی برخورد میشد تا پس از سقوط نتوانند نیرویی جذب کنند . آروزها معروف شده بود که اول با " هزار دام " (بنی صدر و مسائل شهر) بعد با " صدام " باید

جبهه مستضعفین و رهنمود گرفتن از خون آنهاست و این کار را محضاً لله می کنیم و نباید این تصور پیش آید که دفاع از یک شهید و ابستگی گروهی را می رساند امام با رها توصیه کرده اند که "صیت نامه شهدا و عملکردشان خوانده شود" ، نباید کاری کنیم که شهدای بی که نقطه عطفی در عملکرد جبهه ها بودند فراموش شوند . این شهدا متعلق به همه مردم هستند .

درگیر شد که این خط مشی خلاف خط مشی امام بود که سعی داشتند مسئله بنی صدر و سایر توطئه گر ها را در کا در جنگ حل کنند و تا می توطئه ها را علیه انقلاب از سوی صدام آمریکا بی می بینند .

این جریانات انحرافی روز ۱۴ اسفند با سخنرانی توطئه آمیز بنی صدر به اوج خود رسید که امام قاطعانه با مسئله برخورد کرده و از تشدید دوقطبی کاذب جلوگیری کردند ، در شکل گیری این جریانات ضد بسیج ، آمدن های مکرر اولاف پالمه (۳) و هیئت های حسن نیت !! از سوی کنفرانس به اصطلاح اسلامی طائف موثر بود ، ضمناً لیبرالها فشار زیادی



سال اول - شماره پنجم
پخش ۱۳۶۱ / فروردین / ۱۳۶۱

می آوردند تا شیر نفت با ز تر شود و حصار اقتصادی بشکند . وسلاح و مهمات و لوازم یدکی خریداری رتس

قادر به عملیات و ادا مه جنگ باشد . با توجه به مشکلات با لادر جبهه ها بین رزمندگان سه جریان وجود داشت :

الف - جریان اول معتقد بود که جبهه دیگر رزمگاه نیست بلکه قتلگاه است . (۴) در حالیکه در شهرها و پشت جبهه ها می توان فعال شد و با توطئه های روز مره ضد انقلاب و امپریالیسم مبارزه کرد ، رفاه زدگی نسبی هم که ناشی از افت جنگ بوده این جمع بندی وسعت می بخشید که این تفکر خط سکون بعضی از فرماندهان و خط فرسایشی جنگ بود .

ب - جریان دوم معتقد بود که با ید در جبهه ما ندو جبهه ها را خالی نکرد تا با لخره به نحوی دفع تاجا و ز شود ، این جریان با وجود ما ندن در جبهه ها هیچ کوشی در جهت فعال کردن جبهه ها نمی کرد ولی چنانچه حرکتی شکل میگرفت در آن شرکت می جست . (۵)

ج - جریان سوم با جریان ما برین که معتقد بود : درست است که جبهه ها در رکود بسر میبرند ولی این رکود پایداری نیست چون همین که فهمیده ایم جبهه ها در رکود هستند و از شورا افتاده ند خود مقدمه ای بر تحرک و شور انداختن دوباره در جبهه ها است ، این جریان ضمن مبارزه با علل رکود و نارساییها در جبهه صبر را مقدمه ای برای فتح میدانست ، هر چند که در مقابل ترکش های ناگهانی خمپاره های دشمن شهیدی برای این صبر میگشت (شهادت دوره صبر) .

این جریان دشمن اصلی انقلاب را صدام تاجا و زکا رمیانت و معتقد بود که باید در دل این جنگ با یستی صدر و رجویستها و ... مبارزه کرد .

جریان مذکور با راه انداختن شناسائیها از مناطق اشغالی و زدن شبیخونها به دشمن و نیوز آوردن نیرو به جبهه ها و برخورد فعال با رهنمودهای امام (۶) و کارهای توضیحی و تحلیلی برای سایر رزمندگان و ... نمود پیدا می کرد . جوهر این جریانات شهید

قیام درسکون...

عباس ملکی بود که با صبر و اتقاد ریشه همه چیز را رشد بچه ها می- شیوه های اصیل توانست تک دانش و در این رابطه سعی میکرد پرسکوه چغالوند دوم را پیروز کند. ضمن آموزش در حین عمل بچه ها را شهید ملکی برای برآه انتخاب یک حرکت اصیل در جبهه ها امر موجب استمرار اما مت طبیعی چغالوند را بعنوان یک هدف شهید ملکی در عملیات شد و همه استراتژیک انتخاب کرد که به بهترین وجهی نیز سکون جبهه ها را می شکست. چغالوند به علت اینکه بلندترین ارتفاع منطقه (گیلان غرب) بود و تمام دشت و اطراف آن را زیر دید خود داشت کلید منطقه بشمار میرفت و هر حرکتی و حمله ای منوط به آزاد سازی آن می شد و بعلمت اینکه حملات قبلی موفق نشده بود لذا در ذهن رزمندگان بصورت دژ تسخیر نا پذیری در آمده بود. عباس ملکی که جمع بندی مراحل قبلی جنگ را داشت با کمک دیگر ران رزمندگان (گروه اشتها ردی ۱۰۰۰) اردوگاهی بفاصله ای نه چندان دور از دشمن زد.

از همان روز اول شروع به شناسایی منطقه کرد و اردوگاهی که زده بود جلوتر کشید. شهید عباس از همان اول شیوه های اصالت انسان و فهمیده ای رادار آموزشهای پیاده کرد و با بردن بچه ها به شناسایی و نقش دادن به همه افرادی که با ید در تک شرکت می جستند همه را فعال میکرد. عباس پس از تجربیاتی که در طول جنگ کسب کرده بود می دانست که نقش چریک و حرکت چریکی چیست و چه رابطه ای باید بین آنها برقرار باشد. شهید عباس بخوبی درک کرده بود که نباید به سلاح سنگین و توپخانه ارتش تکیه کرد. ستوان محمدزاده وعده ای از افرادش که بدلیل برخورد های مکتبی عباس و یارانش به او علاقه مند شده و با او پیوند خورده بودند، اینها جریان رشد یا بنده ژاندارمری در منطقه بودند. ستوان محمدزاده قبلا افسر راهنمایی رانندگی بود که با اصرار زیاد خود را به ژاندارمری منتقل میکند تا بتواند به جبهه بیاید. او در تک چغالوند به همراه ۴ نفر از رزمندگان داوطلب ژاندارمری نقش موثری داشت و در حین عملیات به شهادت رسید روحش برفتح و راهش مستدام باد شهید عباس ملکی به علت اعتقادش به شیوه های اصالت انسانی بدنبال تحقق این شیوه ها می گشت و لذا سعی میکرد کمبود امکانات و سلاح را با سنگر کنی آموزش عمومی بچه ها، بردن تیر- با رو خمپاره و چه نزدیکی دشمن و... پر کند. شهید عباس بیشتر کارها و مشکلات جبهه را با بسیج بچه ها (۷) انجام میداد و مینا و

اگر ۳۰۰۰ شهید هم بدهیم و ۱۰۰۰ نفر بالای قله برسند، با ید خدا را شکر کنیم. (۱۰) اما قاطعیت و ایمان عباس و سایر بچه ها جای هرگونه عذرو پنهانهای رادار انجام نگرفتن تک از بین می برد. در حالیکه تعداد آنها حدود ۱۲۰ نفر بود و مهمات بسیار کمی در اختیار داشتند. (حدمعمول یک عملیات رادار نظر بگیریم).

یکی دیگر از ویژگیهای شهید عباس ملکی این بود که با عسایر نیز پیوند خورده بود و از آنها در جهت تک استفاده می نمود.

شرح مختصری از عملیات

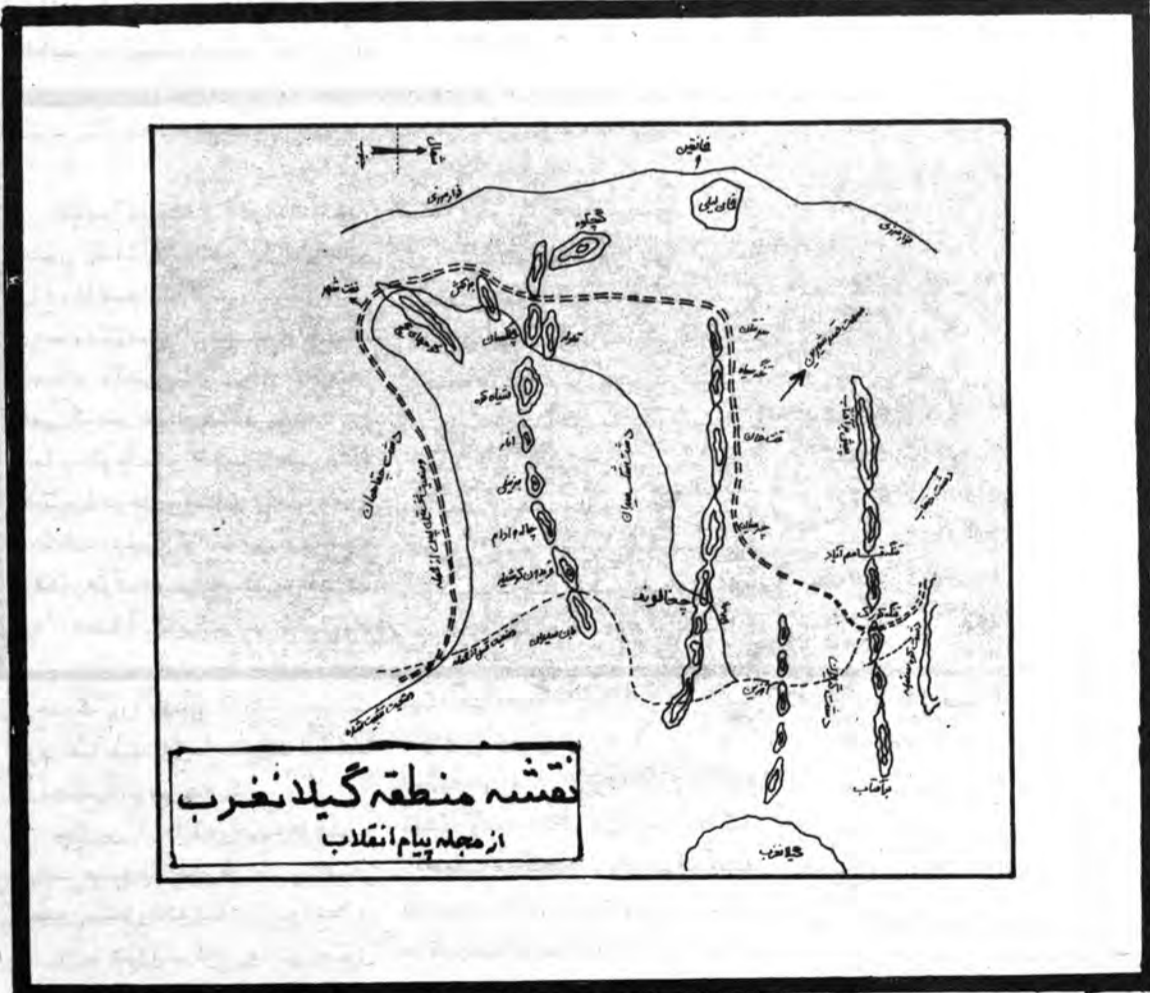
تاکتیک حمله این بود که چهار گروه از چهار طرف دشمن را محاصره کنند و تنها یک راه فرار بر طرف دشت آوزین باز بگذارند تا دشمن از این شیار که به دشت می خورد فرار کند (۱۱) در ضمن تیرباری در تپه گچی یعنی تپه ای که مسلط بر راه فرار آنها بود کار گذاشته شده بود که با آتش آن نیروهای در حال فرار دشمن مورد هدف قرار میگرفت. برادران بعد از ظهر روز قبل از حمله به سمت محل های تعیین شده حرکت کردند. یکی از گروهها معروف به ابوذری به سمت یال چغالوند میروند و شب به آنجا میرسند این محل فاصله کمی تا دشمن داشت و قبلا سنگرها-

* شهید عباس ملکی به علت اعتقادش به شیوه های اصالت انسانی بدنبال تحقق این شیوه ها می گشت و لذا سعی میکرد کمبود امکانات و سلاح را با سنگر کنی، آموزش عمومی بچه ها، بردن تیربار و خمپاره و... پر کند.

برادر ستوان محمدزاده وعده ای دیگر از بچه ها به شهادت میرسند. (۱۳)

در ضمن قرار بود هوا نیروز همزمان با عملیات تا نکه های دشمن را که پشت تپه های گچی مستقر بودند بزنند که این عمل انجام نگرفت و همان تا نکه ها شروع به کوبیدن تپه گچی و چغالوند کردند که بچه ها مجبور شدند پشت خط الرأس چغالوند سنگر بگیرند تا نکه های خودی نیز قرار برود همزمان با عملیات و هماهنگ با بچه ها در دشت پیشروی کنند که این عمل نیز انجام نمیگیرد (۱۴) عراق همان شب از طریق دره آوزین با نیروی مخصوص تکاور خود که از قصر شیرین آورده بود دست به ضد حمله میزند و از دست و پا نزدیکی (سی متری) قله پیش می آیند که بچه ها پس از یک درگیری سخت تعداد زیادی از آنها را کشته و زخمی و اسیر میکنند. در این ضد حمله دشمن، فرمانده عملیات عباس ملکی (۱۵) که خشاب های تفنگش خالی شده بود ضمن دادن شعار الله اکبر، خمینی رهبر با اصابت ترکش به پشتش شهید می شود. یاد این شهید بزرگ و شهید ستوان محمدزاده گر می باد عراق که از دستیابی مجدد به قله چغالوند نا امید شده بود و اهمیت استراتژیکی چغالوند را نیز میدانست سعی کرد کمبود آنجا را از طریق ارتفاعات شیا کوه و با نسیران ورشته کوه های چرمیان تا حدودی بپوشاند. (۱۶)

در چرمیان و شیا کوه بدون هیچگونه زحمتی مستقر شدند و هنگامیکه قصد داشت کوه های با نسیران را اشغال کند با مقاومت حدود ۱۲ نفر از برادرانی که از چغالوند به آنجا رفته بودند روبرو شدند. این برادران با تعداد کمی که داشتند توانستند با کشتن تعدادی از آنها و گرفتن تعدادی اسیر با نسیران را که اهمیت ویژه ای برای حفظ چغالوند داشت نجات دهند. البته شهید عباس ملکی احتمال داده بود که دشمن کوه های شیا کوه و چرمیان را اشغال خواهد کرد ولی چون توان پر کردن آنجا را نداشت لذا نمی توانست نیرویی با آنجا بفرستد. (۱۷) شهید عباس ملکی عده ای از عسایر



پاسداران بالا می کشند و روی سنگرهای دشمن میریزند دشمن که غافلگیر شده بود سرا سیمه از جاده تدارکاتی خود که بطرف دشت آوزین بود با فرار میگذارد که توسط تیربار تپه گچی پس از اندکی فرار مورد هدف قرار میگیرند و عده زیادی نیز اسیر و کشته می گردند و در حین عملیات

و شبانه روز برای انجام یافتن آن بکوشند و همین امر موجب شده بود که هیچکس توانایی پیرانداشته باشد که بچه ها را از تک و عملیات منصرف کند. حتی یکی از فرماندهان ارتش گفته بود که برای فتح چغالوند ۴۰۰ نفر نیرو لازم داریم تا بتوانیم تک بزنیم و در این عملیات

تپه سلمان که روبروی قله بود بی مخفی در آن محل کنده شده بود و مهمات کافی به آنجا حمل شده بود. این گروه شب را در این سنگرها به صبح میسرانند. گروه دیگر شب را روی تپه ای بنام پاسداران که فاصله کمی تا قله دارد به انتظار صبح میمانند. گروه سوم نیز روی تپه ای بنام تپه سلمان که روبروی قله بود

و شبانه روز برای انجام یافتن آن بکوشند و همین امر موجب شده بود که هیچکس توانایی پیرانداشته باشد که بچه ها را از تک و عملیات منصرف کند. حتی یکی از فرماندهان ارتش گفته بود که برای فتح چغالوند ۴۰۰ نفر نیرو لازم داریم تا بتوانیم تک بزنیم و در این عملیات

قیام در سکون



راروی تپه‌ای که مشرف بردشت شک میدان بود مستقر کرد تا از نفوذ دشمن از آن طرف جلوگیری کند.

دستاورد های تک چغالوند

۱ - قیام در سکون: این تک در اوج سکون حاکم برجبه‌ها بخصوص جبهه‌های جنوب انجام گرفت و بسیج مردم رادر شهر با توجه به توطئه‌های روزمره‌ای که انجام میگرفت بالا برد. جبهه‌های گیلان غرب که معمولاً قندنیروی کافی بود پس از این پیروزی شهر گیلان غرب مملو از جوانانی شد که به عشق حمله‌های دوباره به آنجا آمدند. (۱۸) و همین نیروها پس از چند هفته به سر بل ذهاب رفته و منبع تغذیه تک با ارزش بازی دراز (اول) شدند.

۲ - قیام در شیوه‌ها: قیام چغالوند دارای شیوه‌هایی بود که تمامی دستاوردهای جنگ چریکی در طول جنگ را به خدمت گرفت. دستاوردهایی از قبیل: "مورش دادن تمامی توده‌های جبهه برای تک، شناسایی کامل، عدم تکیه بر سلاح سنگین، رابطه صحیح با ارتش و تکیه بر انسانهای مومن مسلح به سلاحهای ساده چون آرپی، جی، هفت و نازنجک (۱۹) که نشان دهنده تحقق

سخنان امام در ۲۲ بهمن مبنی بر اصالت انسان و اصالت شیوه‌های فهمیده‌ای (۲۵) جنگ است. بدین دلیل حمله چغالوند ر ا قیام در شیوه‌ها می‌دانیم که با ارائه شیوه‌های اصالت انسانی این قاطعیت را به سپاه و سایر نیروهای مردمی میداد که می‌توانند بدون تکیه بر شیوه‌های کلاسیک جنگ از قبیل: تکیه بر توپخانه و تانک و... عملیاتی را تا آخربیش برند و پیروز گردانند و تحقق این قاطعیت را در عملیات بازی دراز (اول) می‌بینیم که سپاه و بسیج با الهام از این شیوه‌ها دست به حمله می‌زنند.

۳ - حمل گيرهای رزمندگان: قبل از این حمله گفتیم که سئوالات و گيرهای ایدئولوژیک و استراتژیک برای رزمندگان در جبهه‌ها بوجود آمده بود از قبیل فلسفه و تبیین "شهادت بقیه السیف" (بقية السیف) ابقی عداوا و اکثرولدا و رابطه انسان و ابزار و... که این حرکت یعنی عملیات چغالوند و شیوه‌های عباس ملکی پاسخگوی تمامی سئوالات فوق بود. (۲۱)

۴ - استمرار در اما مست: شهید ملکی در شیوه‌های پیش‌رشد توده‌های جبهه را اصل میدانست و لذا بیشترین نیروی خود را روی آموزش آنها می‌گذاشت و همین امر موجب شد که در جریان عملیات وقتی ملکی شهید شد، عملیات ضربه نخورد. در اکثر تک‌ها و

ایدئولوژیک و استراتژیک راحل کند و تک چغالوند حرکت اصیلی بود که در آن مرحله پاسخگوی نیاز بسیاری از رزمندگان بود.

۳ - اولاف پالمه و... عضو جامعه سوسیالیستهای بین‌الملل - اندک طرفدار سوسیالیزمی هستند که اسرائیل را به رسمیت شناخته و ضدیتی بنیادی با امپریالیسم ندارند. نظیر حزب سوسیال دمکرات اسرائیل و سوسیالیزم صدام.

۴ - این، در رابطه با ضربه هوپزه و بخصوص شهادت تعدادی از برادران دانشجوی خط امام در آن بود.

۵ - با وجود اینکه حتی صرف ماندن در جبهه‌ها عبادت است اما نقش یک مسلمان واقعی باید بالاتر از این باشد.

۶ - امام با اعلام "..... رهبر ما آن طفل ۱۳ ساله‌ای است." به رزمندگان جبهه‌ها شیوه‌اصیل مبارزه را نشان دادند و نیز شیوه‌های برخورد امام با بنی‌صدر و... که میخواستند مسئله بنی صدر را در دل جنگ حل کنند.

۷ - این شیوه بسیجی ملکی باعث شده بود که همه جبهه‌ها در

* شهید ملکی برای برآه انداختن یک حرکت اصیل در جبهه‌ها چغالوند را بعنوان یک هدف استراتژیک انتخاب کرد که به بهترین وجهی نیز سکون جبهه‌ها را می‌شکست.

* شیوه‌های برخورد شهید عباس با بیجه‌ها باعث شده بود که همه تک را از خودشان بدانند و شبانه‌روزی برای انجام یافتن آن بکوشند و همین امر موجب شده بود که هیچکس توانائی این رانداشته‌ها را از تک و عملیات منصرف نکند.

عملیات قبلی وقتی فرماندهی به شهادت میرسد اکثر آرایش نیروها تا مدتی بهم میخورد و در این مدت رزمندگان ما تلفات بیشتری میدادند و عملیات ضربه‌پذیر می‌شد. این نارسائی در این حمله با وجود شهادت رسیدن عباس ملکی بچشم نمی‌خورد. مثلاً در تک دوم حاجیان چنانچه به توده‌های جبهه آموزش خنثی کردن مین می‌دادند و شناسایی‌ها توده‌ای ترمی شد. (۲۲) شهادت کمتری میدادیم. و حتی با شهادت منوچهر عباسی هم انجام خود را حفظ میکردیم. قابل ذکر است که تک دوم حاجیان پیروز شد.

۵ - رابطه اصولی بین سپاه و سایر نیروهای مردمی با ارتش در این عملیات با وجود اینکه تا نکهای ارتش نیز قرار بود عملیاتی انجام دهند ولی هیچگونه تکیه‌ای بر سلاحهای سنگین آنها نشد در حالی که ستوان شهید محمدزاده و افرادی که جریان

جریان کارها قرار بگیرند و اصلاً همه تک را از آن خود بدانند.

۸ - این ویژگی کادر سازی ملکی خیلی مهم بود. چنانچه این کارها باعث شد که یکسری کادرهای بعدی جبهه و یکسری کادرهای شهر ساخته شود. مثلاً بچه‌های شاهرود که آمده بودند پس از تک چغالوند که به شهرستان برگشتند، سپاه و بسیج و آموزشها و... شهرستان را بدست گرفتند و هر کدام از اینها یک گروه ۲۵ نفری را آموزش داده و به جبهه آوردند و با کادرهای که در چغالوند ساخته شدند تا ماها بعد کادرهای اصلی جبهه‌های گیلان غرب بودند.

۹ - البته لازم بتذکر است که عباس در این عملیات تنها تیره و رزمندگان با کیفیت چون شهید باقر کرد، شهید مجتبی صفایی مهدی معینی و رسول و کهن و شنکایی و حسن پالاش و... حضور فعال داشتند.

۱۰ - در حالی که در کل جبهه‌های غرب ۴۰۰۰ نفر رزمنده تک زن پیدا نمیشد چه رسد به گیلان.

۱۱ - دشمن چنانچه میدید که هیچ راه فراری وجود ندارد از ترس

استقلال طلب ژاندارمری بودند با سپاه پیوند خورده و در عملیات شرکت میکنند، اصالت این شیوه را وقتی می‌فهمیم که با وجود عملکردها قص تا نکها و عمل نکردن هوای نیرو و عملیات آزاد سازی چغالوند ضربه‌ای نمی‌خورد. بطور کلی رابطه سپاه و سایر نیروهای مردمی با ارتش وقتی قابل قبول می‌باشد که در آن شیوه‌های فهمیده‌ای و ایثارگرانه مبنای عملیات قرار گیرد که به بهترین وجهی در تک چغالوند تحقق داشت.

۶ - حمله در غرب بیشترین ضربه به صدام و کمترین ضربه به ما: ضربه زدن به ارتش عراق در نقاط مختلف غرب بیشترین ضربه را به حزب بعث و صدام وارد میکند چرا که ارتش عراق بعثت بافت کلاسیکش کا رآیی زیادی در نقاط کوهستانی ندارد و ناچاراً بهترین نیروهای انسانی و تکاورش را برای حفظ مناطقی کوهستانی به علت برخورداری از

جانشان هم که شده بودند دست به مقاومت می‌زدند. اما اگر می‌دیدند که راه فراری وجود دارد در سایه پناه فراری می‌گذاشتند. البته گروه چهارم واقع در تپه‌های گچی چغالوند در کمین نیروهای فراری دشمن بود.

۱۲ - هر یک از گروههای بالا کشنده ۲۵ نفر بودند که جمعاً چهل نفر می‌شدند و ۴ نفر هم از برادران ژاندارمری بودند که کل نیروها ۸۵ نفر می‌شد.

۱۳ - دشمن بعثت تا تکیه خوب برادران بیشتر از نیم ساعت نتوانست مقاومت کند.

۱۴ - تنها دو خمپاره ۱۲۰ و تفنگ ۱۰۶ کمک بچه‌ها بودند.

۱۵ - عده‌ای هستند که در تحلیلها ایشان مطرح می‌کنند که فلان جناح حاکمیت فلان کرد و... ولی سئوالی که می‌خواهیم مطرح کنیم این است که: مملکت دست کیست؟ حاکمیت با کیست؟ و اصلاح حق کیست که با باطل مبارزه‌ای بی‌امان و مستمر را بکند؟ آیا این رزمندگان عدل طلب و شهادت طلب جبهه‌ها، خلق مسلم واقعی نیستند که با خون خود نهال انقلاب را آبیاری کرده و انقلاب

شیوه‌های چریکی بیشترین کارآیی را دارند. عراق در ضد حمله‌های خود در غرب بارها نشان داده است که بهترین نیروهای بعثی را بخدمت می‌گیرد و این، ضربه‌پذیری صدام را بیشتر میکند (نیروهای مخصوص صدام)، در تک چغالوند و دفع ضد حمله دشمن دیده شد که صدام نیروهای کیفی خود را به صحنه آورد که باعث ضربه خوردن کیفی او از این نظر شد.

دروید به روان پاک
شهید عباس ملکی
شهید ستوان محمدزاده

"والسلام"

* * * *

و شیوه‌های اسلامی انرا صادر می‌کنند و ملت مستضعف ما نود دیگر مستضعفین را برای انقلاب و امام آن بسیج می‌کنند و بهترین بار و یاورا ما شان خمینی بت شکن هستند. و اینها هستند که با بسیج شدنشان و بسیج کردنشان به مشکلات کشورمان فائق می‌آیند اینها با حرکت اصیلشان هجوم و اشغال لانه جاسوسی و... شکستن سد خاکی حمیدیه، فتح چغالوند، سیاست کل مملکت را تعیین می‌کنند و دولت مردان را تا بع حرکتی اصیل خط امامی خود میکنند.

۱۶ - روز عملیات بچه‌ها تا وسط تپه‌های گچی رفته بودند (از رسته کوههای چرمیان) که بعثت کمی نیرو در قلعه چغالوند و برای تمرکز نیرو در قلعه برای دفع ضد حمله آنجا را ترک می‌کنند.

۱۷ - بانسیران قبل از این حمله جبهه نبود و خالی از زهره و طرف بود.

۱۸ - در طول چند هفته پس از حمله چغالوند بیش از ۱۲۰۰ نفر نیرو آمده بودند. تا وقتی جسد شهید ملکی را به تهران آوردند بچه‌های پادگان امام حسن

بقیه در صفحه ۲۳

ملاکهای تک گسترده

بنام خدای شهیدان

پس از گذشت یکسال و نیم از جنگ اسلام و کفر، اینک ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که میتوانیم با انجام عملیات و تکه‌های گسترده (حمله) در جبهه‌های نبرد به دفع تجاوز ارتقا رعبی ادامه دهیم. رسیدن به این مرحله مستلزم طی مراحلی بوده است که رزمندگان ما در جبهه‌ها گذرانده‌اند. طی این مراحل، مردم و رزمندگان ما راه آن انجام و روشد کیفی در جنگ و شیوه‌های اسلامی جنگ را سنجید که اکنون میتوانیم با بسیج نیروها و انسانهای معتقد به انقلاب اسلامی و امام سوسی جبهه‌ها و با کمترین سلاحی که در دست داریم در مقابل ارتش مکابزه و کلاسیک عراق مقاومت کرده و آنها را از خاک اسلامیمان بیرون برانیم.

حال برای اینکه بتوانیم تکه‌های گسترده را هر چه با نظم و قاعده اصولی تری انجام دهیم لازم است که از مراحل گذشته جنگهای مردمی جمع بندی کرده و اردستاوردهای آن که نمره خون هزاران شهید و معلول است، در عملیات بزرگ استفاده کنیم.

پس از تجا وزارت بعث عراق به میهن اسلامیمان مراحل اولیه جنگ را مردم با مقاومتی خود شروع کردند و نیروهای نظامی پشوانه این مقاومت‌های مردمی اربیشروی ارتش عراق جلوگیری بعمل آوردند. ما ندمقا و متهای مردم در خونین شهر و گیلانغرب، پس از متوقف شدن این پیرویهها مرحله اول جنگهای مردمی توسط سپاه و بسیج و نیروهای داوطلب و نیروهای مومن در ارتش شروع شد. این مرحله، مرحله جنگ و گریز بود. بدینصورت که نیروهای رزمنده ما بدلیل اینکه تا بحال در مقابل یک ارتش کلاسیک و مکابزه مدرن قرار نگرفته بودند، نمیتوانستند در اولین مراحل جنگ به آزادسازی سرزمین - های اشغال شده بپردازند. لذا لازم بود جبهه‌های مایروسه - های را بگذرانند تا از نظر اسجام درونی و کادرسازی رزمیها بتوانند به مرحله‌ای برسند که آزادسازی مناطق اشغالی را هدف خود قرار دهند.

"مرحله اول، جنگ و گریز" در این مرحله رزمندگان

هدفشان شیخونهای متوالی به دشمن و ضربه زدن به نیروهای آنها بود، پاسدار شهید محسن چریک (سعید گلاب بخش) که در جبهه‌های غرب کشور فعال بود معتقد بود با دشمن با پیدا تا کتیک و طرحهای ضربتی مقابله کرد، قبل از اینکه بخواهند تصمیم بگیرند، غافلگیر - شان کرد و بدین وسیله از اتلاف مهمات و فرسوده شدن نیروها جلوگیری نمود. با همین اعتقاد بود که دشمن هیچ شبی از ترس شیخونهای رزمندگان آرام و قرار نداشت.

این مرحله ویژگیهایی داشت که در محورهای زیر میاوریم:

۱ - در طی انجام عملیات جنگ و گریز بعنوان عمل صالح زمان در ابتدای جنگ و جوشهادت و ایثار، انسانهای رزمنده پرورش می‌افتند (کادرسازی) که از نظر نظامی نیز صلاحیت انجام تک راکب می‌گردند و بمرو و نطفه رشد نیروهای تک زن بسته میشود.

۲ - ویژگی دیگر اینکه ضمن ضربه زدن به دشمن شناسایی لازم از وضعیت منطقه و دشمن نیز بدست می‌آید که این صحیح ترین شیوه شناسایی است چون در عمل صالح و بطور مستمر، با تغییرات و تحولات نیروهای دشمن از هر نظر برخورد نموده و رزمندگان را کمتر دچار ذهنیت نسبت به دشمن می‌نماید.

۳ - ویژگی سوم، رابطه سپاه و نیروهای مردمی با ارتش است. در این مرحله نیروها شای از ارتش به همراه برادران سپاه و بسیج در عملیات شرکت میکردند ولی ارتش بطور عمده نقش فعالی نداشت، دیده بانان جوان ارتش نیز به همراه سایر برادران به پشت مواضع دشمن میرفتند و دیده بانان تویخانه و خمپاره اندازها را بعهده داشتند.

مشکلاتی که در این مرحله گریبانگیر رزمندگان اسلام بود در مقایسه با تکه‌های گسترده‌ای که اکنون انجام میشود بسیار کمتر بود ولی این مشکلات بعلت اینکه جبهه‌ها خودجوش بود، (طرح حمله شیوه‌های شناسایی، سنگر کنی مین گذاری، خنثی کردن مین کمین زدن، تشکیل تیمهای آربی جی، زن و... توسط نیروها حل می‌شد، کسانی که از بیس مشکلات مرحله جنگ و گریز برمی آمدند می‌توانستند در آیت شده مشکلات بزرگتر جبهه را نیز حل کنند.

"مرحله دوم، تکه‌های محدود" در این مرحله بدلیل انسجام و تشکلی که نیروهای اسلام در جبهه‌ها بدست آورده بودند یکسری حملات محدود و تدارک دیده میشود. که هدفش باز پس گرفتن قسمتهای محدود از سرزمینهای اشغالی است. نطفه نیروهای تک زن این مرحله در مرحله گذشته ریخته شده بود و نیروها می‌توانستند با کامل کردن شناسایی خود و سازماندهی با لاتر جهت حمله و تدارکات نسبت به مرحله قبلی و پیش بینی مسائل جدید که در تکه‌های محدود مطرح است (مانند: جواب با تک (ضد حمله) عراقیها، پاکسازی منطقه و استقرار نیروها و تدارک آنها و... این تکه‌ها را با موفقیت همراه گردانند تکه‌های محدود، زمانی پیروزند که در برگیرنده ویژگیهای تکه‌های قبلی باشند. بدینصورت که از نیروهای قبلی در مرحله جنگ و گریز در این مرحله بیشترین استفاده بشود چرا که این نیروها از شناسایی بیشتر از منطقه و دشمن برخوردار بوده و مشکلات جبهه را بهتر می‌توانند حل کنند. فرمانده عملیات و نیروهای تک زن باید خود شناسایی لازم را از منطقه و دشمن داشته باشند و گرنه با تکیه به این و آن نمیتوان در برخورد با موانع پیش بینی نشده قاطعانه تصمیم گرفت. مثلا در تک محدود افشار آباد در غرب شخصی از اهالی منطقه راهنمای عملیات شده بود که قبل از حمله بعلت ترس زیاد از دشمن متواری گشت.

همچنین از شیوه‌های مرحله قبلی همچون کمین زدن، تشکیل تیمهای آربی جی، زن، بستن راههای تدارکاتی

تمام مراحل جنگ چریکی، در تک گسترده نیز مورد نیاز است. یعنی وقتی وارد این نوع تک شدیم، نمی‌توانیم خود را بی نیاز از شناسایی، جنگ و گریز، کمین زدن و تیمهای آربی جی زن احساس کنیم. اگر در جبهه‌های این مراحل یا عبارتی، دو مرحله اول و دوم طی نگردد یا آموزش داده نشود، شعارتک گسترده صحیح نخواهد بود. چرا که جبهه حالت بیمار را دارا بوده و قاعدتاً در به حل مشکلات نیست و مبنای درونی برای این نوع تک را ندارد.

دشمن باید استفاده گردد. یعنی شیوه‌های صحیح قبلی نفی نشده بلکه ارتقاء پیدا کند. نمونه کامل و موفق یک تک محدود در غرب، تک دوم چالوند در ۱۲۶ اسفند ۵۹ به فرماندهی پاسدار شهید عباس ملکی بود. او در مرحله اول جنگ و گریز با مسائل و مشکلات جبهه برخورد داشته و ساخته شده بود و توانست تک دوم چالوند را طرحریزی کرده و به همراه ۸۰ تن از دیگر رزمندگان مردمی و سپاه و ۴۰۰ طلب دلیران را رزمی آنرا با موفقیت بسیار به انجام برساند و خود نیز در این تک شریکیت شهادت بنوشد. شهید ملکی همه نیروهای تک زن را در تمام مراحل تک شرکت داده بود بطوریکه تمام نیروها از توانایی و اسجام بالایی برخوردار شده بودند. در حقیقت این نیروها ذاتی تک بودند.

شهید ملکی با تکیه به چنین نیروهایی بود که در مقابل جوی که معتقد بود با کمترین نیرو نمی‌توانیم چالوند را بگیریم ایستادگی کرد و با قاطعیت تمام با ۱۲۰ نفر این تک را انجام داد و موفق شد.

پس از این پیروزی نیروهای جدیدی بسوی جبهه‌های غرب بسیج شدند و به بازی دراز رفته و تک موفق بازی دراز را انجام دادند و کادرهایی در دل این حرکت

ساخته شدند که تعداد معدودی از آنها در عملیات گسترده مطلع الفجر نیز فرماندهی جبهه‌ها را بعهده داشتند.

از ویژگیهای مهم این دو مرحله، استقلال نسبی جبهه‌هاست. این استقلال نسبی باعث می‌شود که نیروهای هر جبهه مطابق با شرایط خود و منطقه به جنگ و گریز بپردازند. و یا تکه‌های محدود انجام دهند. کسانی می‌توانند عمیقاً به استقلال نسبی جبهه‌ها معتقد باشند که به نیازمندی و کمال طلبی توده‌های رزمنده ایمان داشته و با توجه به این نیازها حتما شیوه‌های متناسب با شرایط منطقه را در آورند، و حرکت کنند و همین نیروهای بظا هر سادها بعدا کادرهای جبهه‌ها خواهند شد و تا مقام فرماندهی عملیات نیز خواهند رسید ما نند پاسداران شهید ملکی - ها پالاشها، پاسدارانها و... "مرحله سوم، تکه‌های گسترده" با بررسی وضع جبهه‌ها میتوان نتیجه گرفت که جبهه‌های ما به مرحله سوم رسیده‌اند و تا حدود زیادی مراحل جنگ و گریز و تک - های محدود طی شده و طبیعی بوده که شعارتک گسترده داده شود. اما فرق است بین تک گسترده‌ای که نیاز جبهه پس از طی مراحل تک گسترده، جنگ گریز و تک محدود بوده و خود نیروهای جبهه سازماندهی حمله و برخورد با



ملاکهای تک ..

مشکلات آنرا در میاوردن و رتبه تک گسترده ای که با توجه به مسائل سیاسی و اقتصادی کشور بدون در نظر گرفتن میزان آمادگی جبهه با دستور از بالا انجام میگردد .

ملاکهای تک گسترده

- ۱ - استقلال هر جبهه در تک گسترده
- ۲ - هر جبهه ای مراحل قبلی جنگ (دوم مرحله مذکور) را طی کرده باشد .
- ۳ - حتی المقدور از نیروهای خودجبهه در خط مقدم حمله استفاده شود .
- ۴ - از تمام شیوه های جنگ چریکی که قبلا مراحل آنرا ذکر کردیم استفاده گردد .
- ۵ - ضامن تحقق تک گسترده استمرار حرکت در جبهه ها است . حال برای پی بردن بیشتر به این ویژگیها توضیحاتی در مورد هر یک از محورها می دهیم .

یک ارتش مکا نیزه و موتوریزه که از سرعت انتقالی بالایی برخوردار باشد، نداریم . ما با وسایل ساده و سبک می جنگیم . پس باید سازماندهی انسانی ما از استحکام بالایی برخوردار باشد تا بتوانیم در چند جبهه عملیات هماهنگ انجام دهیم و هر جبهه نیز از حرکت خودجوشی و استقلال برخوردار باشد .

آوردن نیروی زیاد به منطقه، هماهنگی دست و پا شکسته، طراحی عملیات و دادن طرح و ساعت عملیات از بالا (مرکزیت صرف) در تک گسترده نمی تواند در راهگشا باشد چرا که وقتی فرماندهی پایگاه و مبنایی در جبهه ندارد این فرماندهی ضعیف بوده و تا در حل مشکلات جبهه این فرماندهی ضعیف بوده و قادر به حل مشکلات جبهه نیست . اگر سازماندهی از درون جبهه ها نجوشیده باشد ذاتی نباشد قادر به انجام کامل تک گسترده نخواهیم بود .

در طول انقلاب ما شاهد بودیم که در تمام شهرها در عین اینکه هماهنگ با سایر شهرها دیگر حرکتها و قیامها صورت می گرفت ولی هر شهری خود به علت داشتن کارهای لازم می توانست مشکلات خود را مستقلا حل کند و این کارها نیز بیامای امام را در

۳ - استفاده از نیروی خود جبهه ها در خط مقدم حمله از ملاکهای دیگر تک گسترده است . به سبب آنکه نیروهای جبهه مراحل قبل را پشت سر گذاشته ، از نظر شیوه های جنگی مجرب تر بوده ، در ریزش تغییر و تحولات دشمن قرار داشته و از منطقه بخوبی شناسائی دارند اینها کسانی هستند که بدلیل داشتن این ویژگیها بهتر از هر کسی مشکلات جبهه ها را درک نموده و نیاز مند حل آن هستند و قادر به حل آنها نیز میباشند .

۴ - عمده ترین مسئله ای که برای انجام تک گسترده باید در نظر گرفته شود ، استمرار حرکت در جبهه ها است . چرا که استمرار در حرکت و برخورد مستمر با دشمن ، ضامن تحقق سایر ملاکهای تک گسترده که در بالا آوردیم ، نیز میباشند . از طرف دیگر نیروهای جدیدی که به جبهه می آیند در طی این حرکتها ، در عمل مالمش شناسایی ، فعال شده و ترسشان از دشمن ریخته ، کاربرد سلاح را بهتر می فهمند . در ضمن با حرکت مستمر اشکالات جبهه ها بیشتر مشخص می شود و نیروها با این مشکلات برخورد نموده و آنها را در حرکتهای بعدی تصحیح می نمایند .

کادرسازی که از مهمترین ویژگیهای جنگ چریکی است در طی استمرار در حرکت صورت میگیرد . حرکتهای مقطعی و سکون جبهه ها ، به تک گسترده ضربه میزند . (هما نظر که در تک دوم بازی دراز این ضربه ها را خوردیم .) مهمترین

گوشه های از پیام های

فقیه عالیقدر آیت الله منتظری

بمناسبت دهه فجر و هفته وحدت

برادرانی که در صداقت و حسن نیتشان شکی نیست نا خود آگاه تحت تاثیر جو کاذب و القافات مرموزی واقع میشود . که نتیجه ای جز تشدید "جوسوء ظن" و "بی اعتمادی" عمومی و منروی نمودن اسرار متدین اعم از روحانی و غیره که سالها در خط امام بوده و لحظه ای در انجام وظایف انقلابی چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب کوتاهی ننموده اند نخواهد داشت اینگونه برخورد ها صحنه کار و فعالیت را از افراد مومن به انقلاب اسلامی و فداکار خالصی میکند و در نتیجه بجای آنان افرادی " فرصت طلب " متمسک و غیر معتقد به مکتب و انقلاب " منافق گونه " جایگزین میشوند .

نیروهای مؤثر در پیروزی انقلاب اگر خود را با فرهنگ اصیل انقلاب و ویژگیهای زیربنای آن تطبیق نکنند بزودی معیارهای موازین اصیل و الهی جای خود را بخصوصیات و اخلاق گروهی داده و به جای حاکمیت تقوا و خط رهبری انقلاب " ضوابط گروهی " حاکم میشود و تدریجا " شیوه " انحرافی و خطرناک " هدف وسیله را توجیه میکند " با شکلهای نامرئی دیگری در گروههای مسلمان و متعهد رسوخ خواهد کرد و طبیعی است که در این مرحله زمینه رشد " نفاق " و تظا هر در را در وجود میاید و هر عنصر بیگانه با اعمال نفاق و تسلیم در برابر گروهها و تظا هر به ضوابطشان بتوانند خود را فردی مکتبی و وابسته با آنها جلوه دهند .

برای دشمن روشن شده که این انقلاب با توطئه های نظامی و تروریستی از برای درونی آید . پس باید کاری کند که ملت به حالت یأس و زدگی و ناباوری نسبت به آیند انقلاب برسد . در این رابطه نباید از نقش عوامل نفوذی دشمن که منافقان و فرصت طلبان خود را مکتبی و در خط امام جا زد ه اند ، غافل ماند . اینان قهرامی گویند جوسوء ظن و بدبینی رایج بین نیروهای مومن و اصیل انقلاب تشدید کنند و مهره های خود را پس از خالی نمودن رسته های حساس از افراد مومن و متعهد ، بکارها بگمارند تا بتوانند بشکل پیچیده ای فرصت ها را از بین ببرند و ناراضیاتی تدریجی و عمومی را به ارمغان بیاورند .

باید توجه داشت که اصولا شیوه ها و تهاجمهای مقطعی از جبهه جنگ کلاسیک بوده و با شیوه جنگ چریکی و مردمی سازگار نیست . چرا که هدف از جنگ مردمی ، تحقق اهداف استراتژیک و مکتبی میباشند . مثلا هدف ما از جنگیدن با عراق آزادی قدس است . که برای تحقق چنین هدفی احتیاج به کارهای با صلاحیت داریم . که آنها هم در طی مراحل مذکور و جنگ چریکی ساخته می شوند .

پیش ببرند . نیروهای که به جبهه می آیند مسئله اصلی شان جنگ و هدفشان حل مشکلات جبهه و دفع تجاوز و کفارتی است . در مدتی که در جبهه ها هستند در برخورد با مسائل جبهه رشد کرده و با فعال شدن در دو مرحله قبل ، توانا نیشان برای شرکت در تک گسترده بالا میروند و به علت شناخت آنها از منطقه می توانند نقش مؤثرتری در حمله و دفع پاتک های عراق داشته باشند . عدم استقلال جبهه ها از عوامل بسیار مهم ضربه خوردن در تک گسترده است ، با توجه به اینکه ما

شهرها حرکت تبدیل میکردند . ۲ - تمام مراحل جنگ چریکی در تک گسترده نیز مورد نیاز است یعنی وقتی وارد این نوع تک شدیم ، نمیتوانیم خود را بی نیاز از شناسایی ، جنگ و گریز ، کمین زدن و تیمهای آرپی جی - جی زن احساس کنیم . اگر در جبهه ای این مراحل یا بعد از آن دوم مرحله اول و دوم طی نگردد یا آموزش داده نشود شعارتک گسترده صحیح نخواهد بود چرا که جبهه حالت بیمه را از دست داده و قادر به حل مشکلات نیست . مبنای درونی برای این نوع قبله اول مسلمین

بقیه یا ورقی های قیام در ..

بقیه از صفحه ۲۱

از رزمندگان سئوالاتی پیش آورد نظیر اینکه : " ما ۲۰۰ تن از بهترین فرزندان را از دست دادیم ، عراق هم ضربه نخورده بلکه جلوتر آمد بنی صدر هم علت شکست را فشار - های آیت .. منتظری میدانست ، تا نکها و مهمات زیادی را از دست داده ایم . " بالاخره سئوالات به این جا می کشید که چه بسا با شهادت ما انقلاب ضربه بیشتری بخورد و نتیجه آن چیزی جز یأس نبود . اما پیروزی در جفا لوندنشان داد که اگر چه ما در دوران سکون شهید می دهیم و با ضربه می خوریم ولی این دلیل پایمال شدن خون شهدا نیست و در اثر همین خونها و جمع بندی سکون و ضربات است که ما را قادر می نماید در یک چنین حرکتی پیروز شویم .

۲۲ - منظور از توده ای تر خود در ۲۲ بهمن ۵۹ فرمودند " ... رهبر ما آن طفل ۱۳ ساله است که با ... " .

۲۱ - ضربه هویزه برای بعضی فعال کنیم .

۱۹ - سرهنگ عطاریان فرمانده عملیات ارتش در غرب گفته بود : " تمام محاسبات قبلی نظامیان در حمله چفالوند بهم ریخت و این حرکت یک حماسه است ، وی اضافه کرد که ما همیشه در حمله می گفتیم نیروی عمل کننده و تک زن باید سه برابر دشمن باشد و این قانون کلاسیک نظامی در این حمله فروریخت . " .

۲۰ - امام در بیانیه تاریخی خود در ۲۲ بهمن ۵۹ فرمودند " ... رهبر ما آن طفل ۱۳ ساله است که با ... " .

۲۱ - ضربه هویزه برای بعضی فعال کنیم .

شهادت کمال است ؛ اما حیات شما جوانان برای ما پر ارزش است . شما انوار پاک اسلامید سعی کنید در موقع دفاع از اسلام تلفات کمتری بدهید و بازده بیشتری داشته باشید . آیت ... منتظری در دیدار با جوانان اعزامی به جبهه

"بنام خدا پرورش دهند شهیدان
حامی مستضعفان در راه
کوننده ستمگران
اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه
وما قصرنا عنه فبلغناه"
"خداوند آنچه را از حق به
ما شناساندی ما را به حمل آن
(تحقق و عملی کردنش) یاری فرما
و نارسائیهای ما را در عمل برطرف
نما" (قسمتی از دعای افتتاح)

انگیزه و نیت

انقلاب اسلامی و خونباری
در مسیر رشد و پویائی خود، فراز
و نشیبهای فراوانی داشته و به
اعتبار این "عسر" و "یسر"ها
از دستاوردهای گرانبماری
برخوردار است. دستاوردهایی
که از من خون شهیدان، جوشیده
است. امتیاز انقلاب اسلامی ایران
بر سایر انقلابات جهان در شیوه
های مکتبی برخورد با پدیده‌ها و
قضایا و امور است. البته این شیوه‌ها
در مسیر خونبار انقلاب بتدریج
عمق یافته و مکتبی تر شده است
دلیل این امر مکتب رئالیستی و
صحیحی است که راهنمای عمل
رزمندگان صادق و جان به کف
در انقلاب بود و آنها را قادر ساخته
است تا در برخورد با هر پدیده
و جریانی شیوه‌ای مکتبی و متناسب
با آن امراتخاذ نمایند و با جمع‌بندی
مستمر، شیوه‌های مکتبی تر ارائه
دهند.

مانیز با چنین انگیزه و نیتی بسراغ
مسائل بلوچستان میرویم و راهنمای
عملمان همان دعای افتتاح است
(اللهم ما عرفتنا من الحق ۰۰۰۰)
و امید آن داریم که به شیوه‌ای مکتبی
برای حل مشکلات منطقه
بلوچستان دست یابیم. شیوه‌ای که
راهگشای انقلاب اسلامی در این
منطقه از خاک میهن اسلامی گردد.

ظرافت مشکلات بلوچستان

از آنجاکه بلوچستان مشکلات
متعددی نظیر فارس - بلوچ،
شیعه - سنی، دهقان - خان و...
دارد برخورد با آنها از ظرافت
خاصی برخوردار بوده و لذا آنها
یک دیدگاه اسلامی قادر به حل
آن خواهد بود.

انسجام در عین کثرت

دیدگاهی که در کثرت و تعدد
مسائل، بدام جریانات انحرافی
نیفتاده و بتواند مسیر اصلی حرکت
انقلاب اسلامی و نیاز مستضعفین
را درک کند و در همه حال
مستضعفین و مستکبرین را همزبندی
نموده و جنبه مستضعفین علیه
مستکبرین را تحکیم و قوام بخشد.

راه رشد انقلاب

پیوند قبائل مستضعف بلوچستان

بینشهای مختلف:

دیدگاههای مختلفی برای
حل این معضلات وجود دارد (۱)
۱- اصالت امکانات

جریانی به امکانات اصالت
داده و از این موضع می‌خواهد با
دادن امکانات به بلوچها آنها را
جذب انقلاب نماید، نظیر دادن
کتاب و امکانات چاپ به جوانان
بلوچ و حتی واگذاری موتور پمپ
و سایر وسایل کشاورزی - واگذاری
زمین و بذر و وام ۰۰۰۰، این شیوه
امکانات مادی دادن نهایتاً
موجب می‌شود بلوچها بدون مرز
بندی و با ملاکهای مادی
و امکاناتی با انقلاب بظاهر پیوند
بخورند، این پیوند از موضع عمل
صالح و انقلاب نبوده گرچه نیتش
خدمت به خلق است ولی پیوند
عمیق و مکتبی بیارنی آورد.

۲- شیوه نگتن مشکلات، تناقض
و تکیه بدون مرز به مولویها؛
شیوه دیگری هست که
می‌گوید برای جلوگیری از گسترش
ضد انقلاب و بیخاطر حفظ
نظام باید از سیاسی شدن منطقه
جلوگیری نمود. با همین دیدگاه
از بیان کردن مشکلات منطقه برای
مردم خود داری می‌کند، شیوه‌های
دیگری نظیر برخورد های تناقضی
و نغی هرگونه جوهر رشد یابنده در
بلوچها مطرح است. این جریان
کلا بلوچ را نغی میکند و نیساز
مستضعفین بلوچ را در نظر
نی‌گیرد و بدین ترتیب آنها را به

در پوشش مذهب ضربات مهلکی به
انقلاب اسلامی بزنند. خصوصاً
که باید توجه داشت رهنمود
کی سینجره کفران طائف خط
مشئ کونی آمریکاد مناطق سنی
نشین میباشد که تکیه‌گاه امریکا
تشدید تضاد شیعه و سنی است
لذا تقویت بدون مرز چنین جریانی
در آینده ما را مواجه با مشکلاتی
خواهد نمود.

این شیوه‌ها با وجودیکه اکثر
از موضع دلسوزانه مطرح گردیده و
از ارزشهای مثبت نیز برخوردار
میباشد ولی بعلمت نارساییها
- بی‌گناهی‌اند که نتوانسته‌اند
مشکلات مستضعفین بلوچ را حل
نموده و آنها را در عمال نمایاند
صالح زمان فعال نمایند
حتی مواردی هست که خواسته‌اند
باتوجه ها خارج از سازماندهی
خوانین ارتباط برقرار نمود و
مرکزیت خان را از وی بگیرند. اما
بدلیل نداشتن تبیین و تحلیل
دقیق از مستضعف - مستکبر قادر
به انجام چنین کاری نشده‌اند.

بافت قبیلگی بلوچستان

آنچه که در این شیوه‌ها منظور
نشده و یا اگر مورد نظر بود بصورتی
دیگر مطرح شده، وابستگی افراد
بلوچ به قبیله و توجه به بافت
قبیلگی بلوچستان است. واقعیتی
است که در بلوچستان کثرتی نظام
قبیلگی حاکم بوده و علیرغم اینکه
گسترش روابط شهری در بسیاری

این بافت قبیلگی سبب گردیده تا
استثمار به شکل کار و سرمایه‌آنی
کارگر و سرمایه‌دار ۰۰۰۰ برود و
داری ۰۰۰۰ کاملاً زیانمند بوده
روال قدیمی استثمار قبیلگی از قبیلگی
جریان یابد. بعنوان مثال:
بعضی قبایل اشرافزاده بودند و حق
تحصیل و هرگونه حقوق دیگر را به
خود اختصاص میدهند و بعضی دیگر
از نژاد پست اند که باید زبردست
نژاد برتر زندگی کنند. روابط
استثمار در این استان به
اینصورت است که این قبایل مستکبر
و مستکبر پرور با بکار گرفتن قبایل
محروم و مستضعف مجاز به هرگونه
ظلم و ستم در حق آنان میباشد
چراکه از نژاد برتر بوده و امتیازات
طبقاتی برای خود قائلند.

طوایف مستکبر پرور

طوایف استثمارگر عمدتاً طوایفی
هستند که با قدرتهای خارجی نظیر
سلطان قابوس و شیخ نشینها
و ضیاء الحق و عوامل سیا و ساواک
رابطه داشته و با تکیه به قدرت آنان
قبایل گنم و کلا "توده‌های

طوایف مستکبر پرور و استثمارگر عمدتاً طوایفی هستند

که با قدرتهای خارجی نظیر سلطان قابوس و شیخ نشینها
و ضیاء الحق و عوامل سیا و ساواک رابطه داشته و با تکیه به
قدرت آنان قبایل گنم و توده‌های مستضعف بلوچ را
زیر فشار میگذارد.

مستضعف بلوچ را زیر فشار
میگذارد. از آنجاکه قبایل مستکبر
خود را صاحب نام و نشان (و قولی
دارای حسب و نسب) می‌دانند
همه امتیازات و امکانات را به خود
اختصاص داده و هم‌را برای خود
می‌خواهند. ویژگی بارز این جریان
مستکبر پرور همان تکیه به قدرتهای

جاهای این سیستم را در گرون نموده
(و از نظر بعضی دیدگاهها دوران
تاریخی آن سپری گردیده) در
بلوچستان ارزش فرد در قبیلگی
تعیین می‌شود. تمام افراد
بلوچ به قبیلگی و طایفه خود وابستگی
دارند و ارزش اجتماعی آنان به میزان
نفوذ و قدرت و معروفیت طایفه‌ها

سمت ضد انقلاب سوق میدهد.
از جمله شیوه‌های دیگر تکیه
به مولویها و میدادن به
رهبران مذهبی اهل سنت است
که این شیوه نیز باعث عدم همزبندی
و وسعت مولویها، شامل همه
گونه عناصر با هر موضع سیاسی
میگردد که در آینده ممکن است

خارجی و ضد مستضعفین بلوچ
علیه توده ستم دیده‌است. در راس
این قبایل می‌توان از ریگی هاسم
برد که نماینده دربار سلطنتی
در منطقه بلوچستان بودند و راس
ساواک نیز ارتباط داشته‌اند.
اینک نیز بزرگان این طایفه به
زد و بند بابنی عامری (کود تاچی
فراری)، عناصری چون شاپور
بختیار و سایر عوامل ساواک و سیا
مشغول و علیه انقلاب اسلامی توطئه
می‌کنند. این قبایل مستکبر پرور
صادرکننده تمام شخصیت‌های
صاحب نفوذ در منطقه بلوچستان
بوده‌اند. معروفترین آنها عبارتند
از: ۱- ریگی هاسم که ریگی و عناصر
با نفوذی چون
بی‌برگ خان ۲۰- مبارکی‌ها
بسرکردگی امان‌الله خان مبارکی
۳- شهبخش هاسم که حاج
بلوچ خان ۴۰- سردار زهی‌ها
بسرکردگی میرمولاداد ۵۰- سعید
- ی هاسم که سرپرستی حاج کریم بخش
و ۰۰۰۰

طوایف مستضعف

عده‌ای از قبایل نیز هستند که
امکانات نداشته‌اند، زندگی بی‌نام و
نشانی دارند و اکثر "مسور"
استضعاف واقع میشوند. ارج
و احترام اجتماعی نداشته‌اند و از نژاد
پست به حساب می‌آیند. بیشترین
فشار خوانین روی این قبایل بوده
و عمدتاً "نیروی کار فعالی
بوده‌اند و خوانین از آنان باج و خراج
می‌گرفته‌اند. از این جریان می‌توان
قبایل گزاده، بامری، کرد، و...
رانام برد که اکثر "بصورت مزدور
و کارگری زمینهای فئودالها و
در باغها کاری کنند. و خوانین
بدینگونه احتیاجات خود را تامین
می‌کنند یا با زورگویی از آنان در جهت
امیال خود استفاده می‌کند.

طوایف بینابینی

طوایفی نیز هستند که بینابینی
بوده و خصالت دوگانه دارند. از
حالت استضعاف درآمده و بعضاً
بعنوان زیرطایفه خوانین و فئودالها
- ی گروه اول عمل می‌نمایند نظیر
امیرانی هاد اطراف ایرانشهر
و بعضی دیگر بصورت مستضعفین
هستند که خارج از سازماندهی
خوانین عمل می‌کنند. این طیف در
جریان انقلاب نیز فعال بود و اکثر
جوانان رزمند بلوچ از این قبایل
بوده‌اند (که البته بعلمت نارساییها
- ی ایدئولوژیک بدام چپ‌نما
افتادند)

تضاد بنیادین

مسئله‌ای که در بافت بلوچستان

پیوند با قبایل

حائز اهمیت است تضاد بنیادینی است که بین قبایل مستضعف و قبایل مستکبر وجود دارد. وظاهراً مناطق دیگر اختلافی دارد که در همه جا خوانین استثمارکننده دقانان بودند (مستکبرین همان خوانین و مستضعفین دقانان بودند) اولی در بلوچستان قبایل مستکبری هستند که پرورنده خوانین - فئودالها و مستکبرین می باشند و قبایل مستضعفی وجود دارند که زیر فشار مستکبرین هستند. لذا استثمارخان و رئیس قبیله از افراد قبیله اش در درجه دوم مورد توجه بود و آنچه در درجه اول مطرح است ظلم قبیله به قبیله می باشد.

محرومین مستضعف راندانند، مردم ستمدیده در زاده نیس از دادن باج به آنها امتناع ورزیدند. و این مسائل سبب گردید تا امیرانی هابه خشم آمده و به کمک خوانین که بازوی نظامی به حساب می آیند، ناجوانمردانه رئیس قبیله در زاده را ترور نمودند و با ترور رئیس قبیله (که مظهر وحدت قبیله است) تهدید و ارعاب خود را افزایش داد و اعلام کردند چنانچه مانند سالهای گذشته تامین نشوند، دست به ترور سایرین نیز خواهند زد. این عمل از یکطرف مستضعفین در زاده را وحشت زد و کرد و از طرف دیگر آنها را به چاره اندیشی واداشته است. مستضعفین در زاده برای اینکه قدرت درگیری با این مالکین بزرگ (امیرانی ها) رابیانند به ارگانهای انقلاب در ایران شهر مراجعه نمود و مضمون توضیح جریان و خواستار مسلح شدن در زاده ها گردیدند تا با همکاری آن برادران دست امیرانی های شرور را از سر مستضعفین کوتاه نمایند، که متأسفانه با آنان برخورد

بافت قبیلگی در بلوچستان باعث شده تا استثمار ربه شکل کار و سرمایه یعنی کارگو سرمایه دار و برده و برده دار، و... کاملاً در نیا مده و بیروال قدیمی استثمار "قبیله از قبیله" ادامه یابد.

دیگران هستند. در نزدیکی آنها قبایل امیرانی زندگی میکنند که از طوایف بانفوذ و عمدتاً "بزرگ مالک" بوده و در ادارات نیز کار میکنند یا به قاچاق (شیوه متداول تامین زندگی - و نیز شیوه تولید خوانین) روی آورده اند. افراد این قبیله که عمدتاً مرفه و رفاه طلب بود و اوایل کسار و کوشش نیستند مواد مورد نیاز خود را از اطراف و باقلری و چساول تامین می کنند. در سالهای قبل با باج گرفتن و تهدید طایفه در زاده گندم و سایر مواد مورد نیاز خود را تامین میکردند. ولی بعد از پیروزی انقلاب که قدرت امیرانی ها کاهش یافته و توان قلدری و چپاول اموال

فعال نشد. (البته همانطور که ذکر گردید خود امیرانی ها قدرت مستقلی نبوده و وابسته به خوانین رنگی هستند.) اگر چنانچه با این نیاز برخورد فعال میشد و مستضعفین، در زاده علیه مستکبرین امیرانی و خوانین حامی شان بسیج می شدند انقلاب پایگاهی پیدا کرد. و این وی شد از آنجا انقلاب رابعد رون بلوچستان ببریم. کما اینکه در بعضی موارد این امر بطور نسبی تحقق یافته است (همکاری عشایر پیشین و دشتیاری با ارگانها و حراس است مرزها) توجه به این نکات مرز بندی حق و باطل در بلوچستان بوده و بسیار اساسی میباشد.

برای تبیین مسئله، شیوه های نبی اکرم (ص) را الگو قرار داده و برخوردش را با قبایل بررسی می کنیم باشد تا شیوه برخورد پیامبر (ص) با بافت قبیله ای جامعه عرب راهنمای عمل مادر برخورد با مسئله قبایل باشد: پیامبر اکرم (ص) زمانی در عربستان شروع به ترویج مکتب اسلام نمود که طبقات و کاستها وجود داشتند. اشراف و اعیان عمدتاً از قبایل مشهور بودند و اینان در مشاغل خاص طبقاتی به کارگمارده شده بودند، مثل قریش که پرده داری کعبه را داشتند و در حاکمیت نقش فعالی داشتند. در همان مکه قبایلی بودند که باید در مشاغل پست (البته از دیدگاه اشراف آن مشاغل پست بود و پیامبر اکرم (ص) قادر گردیدند این ارزشهای استکباری را بهم ریخته و بردست پینه بسته کارگران بوسه زدند) کار میکردند و این قبایل زیر فشار ظلم و ستم قبایلی چون قریش و... بودند. از آنجا که سران قبایل زمام امور قبایل را در دست داشتند و بر تمام افراد قبیله اطاعت آنان واجب بود، نقش تعیین کننده ای را در سرنوشته قبایلی می گرفتند. پیامبر (ص) طوسی برخورد های مستمر سران قبایل را به اسلام دعوت نمود. اگر سران قبایل اسلام را می پذیرفتند، تمام توده های قبیله به اسلام میگردیدند و نیرویی می شدند که بعداً "جلوی گردن کشی سران قوم هم ایستادگی کنند" و در صورتیکه سران قبیله اسلام نمیآوردند، ضد انقلاب با توجه به زمینه های درونی شان آنها را جذب کرده جبهه خود را علیه اسلام گسترش و تحکیم می بخشیدند. ممکن است این شبهه پیش بیاید که چرا پیامبر (ص) با سران و اشراف مذاکره می کرد و با سران راباطه باید گفت که در آن شرایط نیاز پیامبر (ص) و سایر مستضعفین چه بود؟ هدف تمام پیامبران به گفته قرآن و نیز همانطور که امام خمینی در تفسیر سوره حمد فرموده اند "تحول درونی، انسانها" و پیداری نفس هاست. و این هدف از طریق جامعه عدل امام زمان (امت واحده) تحقق می یابد در شرایطی که امت واحده پیامبر و کاد رهایش از همه طرف زیر فشار بوده و امنیت آنها را معرض خطر بود، حفظ این امت واحده نیاز اصلی اسلام و مسلمین بود تا در برتوان گسترش اسلام ممکن شود. و حفظ امت واحده

اسلام ممکن نبود مگر رسایه پیوند با مستضعفین بطوریکه گسترش انقلاب و اتحاد مستضعفین توطئه های کفار را خنثی سازد. پس مذاکره با پیامبر (ص) با سران قبایل از موضوع اصالت دادن به اسلام و امت واحده و در جهت پیوند با مستضعفین قبیله بود هاست، که امنیت واقعی و خدایی در رسایه پیوند با مستضعفین ممکن بود هاست و اینک نیز باید امنیت واقعی را چنین تامین نمود نه با توسل به شیوه های غیر مکتبی نظیر سپردن امنیت بدست خوانین و... هرگاه فرد یا افرادی از یک قبیله مسلمان می شدند پیغمبر (ص) آنان را از طایفه شان جدا نمی کرد و آنها را در قبیله خود زندگی کرده و سعی در گسترش امت واحد در درون قبیله داشتند و در ضمن از ویژگی قبیله ای جامعه عرب و حمایت قبایل نیز استفاده می شد مثل ابودر که از طایفه بنی غفار بود و بنی غفار طایفه مستضعفی بود که بسیاری از افرادش بواسطه اسلام آوردن ابودر مسلمان شدند. درازد و اجهای حضرت محمد (ص) نیز و ویژگی عمده یافت می شود: یکی آنکه عدای از این زنان، کسانی بودند که شوهرانشان را در جنگها از دست داده، تنها و بی سرپرست بودند و ازدواج از این موضع برای حل این مسئله امت واحده اسلامی بود. دیگر اینکه با این ازدواجها پیغمبر (ص) با قبایل مختلف پیوند خورد و نسبت خویشاوندی پیدا میکردند و این امر باعث نزدیکی قبایل به یکدیگر و گسترش اسلام و نیز تامین امنیت کاد ره های مسلمان می گردید. در جوامع قبیله ای اگر فرد یا جریانی از حمایت قبیله و با قبایلی برخوردار باشد موضعش مستحکم بوده و دیگران جرات درگیر شدن با وی را پیدا نمی کنند. حضرت محمد (ص) عمومی داشتند بنام عباس - ابن عبدالمطلب که حتی زمانی که

عده ای از قبایل هستند که امکانات نداشته زندگی بینام و نشان دارند و اکثر مورد استضعاف واقع میشوند. اگر چه احترام اجتماعی نداشته و از نژاد پرست به حساب می آیند. بیشترین فشار خوانین روی این قبایل بوده و عمدتاً نیروی کار فعلی بوده اند و خوانین از آنها باج و خراج می گرفتند.

اسلام نیاورد نبود همیشه حضرت را همراهی میکرد و هرگاه حضرت پیمان و قرارداد ای با یکی از قبایل می بستند او نیز حاضر شد و به پیمان و قرارداد اعتباری می بخشید. پیامبر (ص) با جذب عمومی خود که در میان بنی هاشم و دیگر قبایل عرب چهره ای شناخته شده بود و با توجه به نیازمندی و رشد یابندگی عباس ابن عبدالمطلب (استضعاف واقعی) از اعتبار او و حمایت بنی هاشم استفاده می نمودند. زمانیکه در قبیله اوس و خزرج که مدتی بود با هم درگیری داشتند و دشمن یکدیگر بودند مسلمان شدند، در حضور حضرت محمد (ص) با هم بیعت کردند و امنیت پیامبران نیز به عهد گرفتند. عباس ابن - عبدالمطلب که هنوز مسلمان نشده بود پیامبر را به آنها سپرد و گفت چون خودش خواسته در میان شما باشد اگر می توانید همچون ما از او محافظت کنید و با دشمنانش بجنگید، او را به شمای سپارم و گرنه همچنان که تا اکنون امنیت او را خود عهد دار بودیم اینکار را انجام خواهیم داد. برخورد های پیامبر با قبایل عرب بنحوی بود که قبایل را نفسی نکرد و سعی داشتند با مسئله قبایل برخورد تعالی بخش و هدایت - آمیز نمایند و با جذب قبایل مستضعف و مستضعفین قبایل که در قبیله خود می ماندند و کسار توضیحی میکردند امت واحده اسلامی رشد و گسترش پیدا میکرد و انقلاب اسلام تحکیم می یافت. اگر این شیوه برخورد راهنمای عمل مادر برخورد با مسایل منطقه بلوچستان و دیگر مناطق که از ویژگی قبیله ای برخورد دارند قرار گیرد می توانیم بپیوند خوردن با قبایل مستضعف بلوچ همچون در زاده ها، کردها، و... جذب مستضعفین و نیازمندان، انقلاب را در منطقه جا انداخته و عینیت بخشیده، توده های مستضعف بلوچ را رشد دهیم و با بسیج این قبایل استفاده از تشکل آنها جلوی سازماندهی کمپ دیوید

جبهه مستضعفین، علیه مستکبرین، صدور انقلاب است

پیوند با قبایل

در منطقه یعنی اتحاد خوانین و ایسته ، سلطنت طلبان و جریانات چپ نماباستیم .
قبیله ، مظهر نیازمندی مستضعفین به امت واحد ؛
نیاز به امامت و رهبری خود در راهی از نیاز به خدا و توحید است که در فطرت انسان جادارد . یکی از ارزشهای وجودی و مثبت قبیله اینست که نیاز به امامت واقعی در آن شکوفا گردید و افراد قبیله با پیروی از ریاست قبیله در حقیقت ایمان بشر به امامت و وحدت طلبی را نشان میدهند . قبیله مرتبه ای از نیاز نمودن به امامت واحد بوده و هر چند در آن ساختاری واقعی واصل واصل به این نیاز داده نمی شود ولیکن بیانگر وجود این نیاز در مستضعفین میباشد . تنهاد امامت واحد است که نیاز تود هاد را رابطه با امامت و رهبری پاسخ صحیح گفته می شود (اللهم انانرب الیک فی دله کریمه تعز بهالاسلام واهله و تسذل بهالنفاق واهله) . ۰۰۰ بار خدایا ما راغب و مشتاق به یک دولت کریمه و امه واحد هستیم که بواسطه آن دولت کریمه ، اسلام و اهله و خوارند . و چون در توده های قبیله این نیاز شدید است ، به نسبتی این روابط در آنها تحقق دارد گرچه در قبیله به این نیاز تود هها پاسخ صحیحی گفته نمی شود ولی همین نشان دهنده اشتیاق به دولت کریمه و زندگی امت واحد است که باید با آن برخورد تعالی بخش شود . علاقتهای که افراد قبایل مختلف به قبیله دارند از همین نیازشان به امت واحد ناشی می شود . مثلاً " بسیاری از افراد قبیله های بلوچ که از شهر و دیار خود حتی به آبادی مجاور هم نرفته اند و یا اکثر محصلین و دانشجویان بلوچ که بعضی تمام تحصیل به دیار خود بازگشته و در از دیار و روابط قبیله برایشان سخت است ، که این مسئله ناشی از عشق - شان به روابط قبیله و زندگی جمعی است .
پیوند با مستضعفین راه تامین امنیت ؛ همانطور که پیامبر (ص) کادرها و صحابه خود را حفظ مینمود و شیوه های امنیتی خاص خود را داشت ، ما نیز باید آنرا سرمشق و الگوی خود قرار داد و برای حفظ امنیت منطقه به شیوه های غیر مکتبی متوسل نشویم . پیامبر (ص) برای حفظ امنیت کادرها را ، سعی نمود تا با

اطلاعات و سیستم امنیتی دقیق داشته ، حرکات را در راستان زیر نظر دارد . بطوریکه قادر است در برابر حوادث ، موضعگیری مشترک و واحد داشته و از حوادث تحلیل واحد چه در زاهدان و چه در دورترین نقطه منطقه بدسد . البته سازماندهی گسترده و وسیع خوانین نه بدلیل وسعت بعد تود های آنهاست بلکه بدلیل فشاری است که از طرف جبهه انقلاب بر روی آنها اعمال می شود و خطر که احساس می کنند ، آنها را مجبور ساخته است تا منظم تر شوند . از جمله ارتباطات سازمان یافته (از جمله سازمان "وحدت بلوچ" که جریانی است متشکل از خوانین و ایسته ، سلطنت طلبان و کودتاجیان فراری و طرفداران شاپور بختیار برقرار نمایند .
ضعف جریان انقلابی در این است که تاکنون نتوانسته سیستم ارتباطی انسجام یافته در منطقه برقرار نمود . مایای سازماندهی پیچیده خوانین ، سازماندهی تکامل یافته تری در آورد . حال به جای سیستم امنیتی - اطلاعاتی خوانین و ایسته به کمپ دیوید که از طریق قبایل بزرگ و افرا

طوایفی نیز هستند که بینا بینی بوده و خلعت دوگانه دارند . از حالت استضعاف در آمده و بعضاً به عنوان زیر طایفه خوانین و فئودالهای گروه اول عمل مینمایند و بعضی دیگر بصورت مستضعفین هستند که خارج از سازماندهی خوانین عمل میکنند . این طیف در جریان انقلاب نیز فعال بوده و اکثر جوانان رزمنده بلوچ را این قبایل بوده اند (که البته به علت نارسایی های ایدئولوژیک متاسفانه بدام چپ نماده اند) .

قبیله شان صورت می گیرد ، سازماندهی قبایل مستضعف میتواند سیستم اطلاعاتی مطمئن برای انقلاب باشد بدین طریق که پیوند قبایل مستضعف با انقلاب و ارگانهای انقلابی نظیر (سپاه ، جهاد ، و . . .) میتواند تود های مستضعف قبیله دید داده و آنها را از نظر سازماندهی علیه خوانین و ایسته بسیج کند . این پیوند با مستضعفین بهترین شیوه تامین امنیت منطقه خواهد بود . شیوه تولید خودکفا ؛ مسئله دیگر شیوه تولید ایمن در جریان است که شیوه تولید خوانین و ایسته چاقی می باشد زیرا که این

جریان رفاه طلب قادر نیست تان عرق جبین و زحمت کشی بخورد و به مفت خوری عادت نموده است . قاچاق که شیوه تولید جریانات وابسته به خوانین است ، این رفاه طلبی آنها را تامین کرد و در جهت منافع مستکبرین شیخ نشین ها (سلطان قابوس ها و . . .) میباشد . نهد در جهت بهبودی حسان مستضعفین ، شیوه تولید دیگری که خوانین در آن زیاد نفوذ دارند اد ارات است که روابط بوروکراتیک بر آن حاکم بود و خوانین در گسترش این روابط نقش اساسی دارند و وظیفه نیروهای مسلمان برخوردار صحیح با این روابط است . شیوه تولید قبایل مستضعف که عمدتاً کشاورزی و دامپروری می باشد و شیوه استقلالی بود و برای رشد و گسترش اقتصاد خود کفاد منطقه گاهی مهم و اساسی است . بنا تقویت این شیوه تولید ، مستضعفین بلوچ قادرند خود کفایی اقتصادی کسب نموده و خوانین و ایسته رامنزوی نمایند .
اینک برای حل اساسی مسئله بلوچستان نیاز به پیوند با این جریانات اصیل داریم . اگر ما بتوانیم این جریانات را به انقلاب

درود

بر

رزمندگان

اسلام

ترتیب در منطقه پایگاه کسب نمود و رشد نمائیم و با الگوسازی آنرا در سطح منطقه وسعت بخشید و جلورش جریانات ضد انقلاب را بگیریم . والسلام

پیش بسوی رشد و گسترش روستاهای میا رز ، مولد ، و خودکفا از طریق بسیج و سازماندهی طوایف و قبایل محروم و مستضعف بلوچ در کلیه وجوه (مکتبی ، سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و . . .) علیه خوانین و ایسته به کمپ دیوید و قاچاقچیان بزرگ .

با ورقیها ؛
(۱) که شرح مفصل آن در مقاله " شیوه های برخورد با مسائل بلوچستان " خواهد آمد .
(۲) کمپ دیوید اتحاد شوم امپریالیسم آمریکا ، صهیونیسم غاصب و ارتجاع منطقه است که آخرین و پیچیده ترین توطئه شیطان بزرگ علیه مستضعفین منطقه است . لذا تمام توطئه های شیطان بزرگ از جمله کنفرانس خائنانه طائف و نیز کنفرانس فاس در رابطه با آن است .



او و ربا یانش را هم به همسراه خواهد داشت و اینان از چینی سرنوشتی میترسند.

* * *

روزنامه اطلاعات در سرمقاله خود تحت عنوان "شنا سنا مبه گروهکها در دست مسئولین ماست که در تاریخ ۶۰/۱۱/۸ چاپ شده است، صحبتهایی با آقای خامنه ای رئیس جمهور داشته که عیناً "نقل میکنیم".

..... از طرف "مجاهدین خلق" جوانی به اسم "محمد آقا" با من در تماس بود. از تهران به مشهد میآمد و با من ملاقات میکرد. آن زمان همه او را "محمد آقا" میشناختند و بعد معلوم شد نامش حنیف نژاد است. کتابهایی گروهی را به من داده بودند، خوانده بودم و انتقادات و اشکالاتی را که بر مطالب آن کتب و جزوات وارد میدانستم مینوشتم "محمد" میآمد و مینشست و گفتگوهای بسیاری به میان میآمد. مدتی پس از آن، وی پیش من آمد و گفت: آمدنم به مشهدگران تمام میشود و کسی دیگر را معرفی میکنم. هر وقت هم لازم شد خودم میآیم. چندی بعد همراه جوانی دیگر برگشت معرفی اش کرد.

..... احمد را از پیش میشناختم. به جلسات تفسیر و سخنرانی میآمد احمد رضایی؟

بله. طبیعی بود که ما از هر حرکتی که بایده منظور اعتلای اسلام و استقرار حکومت اسلامی انجام گیرد قلباً استقبال میکنیم و واقعاً "خوشحال هم باشیم".....

راه مجاهد:

بعضیها میخواهند واقعیت را تحریف کنند، ولی سخن رئیس جمهور بهترین گواه اخلاصها کی محمد و احمد است. ما سرمقاله نویسی را به بهشت زهرا دعوت میکنیم تا ببیند با قیر حنیف نژاد و سعید محسن و بدیع زادگان و... چه کرده اند و مهمتر اینکه دیگران هم سکوت کرده و اجازه میدهند تا از این طریق هواداران رجوی در راه انحرافیشان منطبق پیدا کنند.

حجت الاسلامها دی غفاری نیز در دهه فجر در یک مصاحبه تلویزیونی گفتند من مجاهدین اصیلش مهدی رضایی ها را بیش از همه دوست داشتم و حالایی شاز همه از جوینها بدم میآید چرا که اولیها "حقاقت" اخلاص داشتند.

جمهوری اسلامی ۶۰/۱۱/۳

هنگامی که عوامل گروهک آمریکائی کومله قصد بودند و به اصطلاح محاکمه ملا علی ذبیحی بیلانی امام جماعت بیاران

مربیان را داشتند، با مقاومت او و برپا شدن او، وی با اسلحه کمری خود یک تن از مزدوران کوموله را به هلاکت میرساند که بلافاصله ضداقلابیون او را به شهادت میرسانند.

جمهوری اسلامی ۶۰/۱۱/۳

حجت الاسلام حائری شیرازی امام جمعه شیراز: ریشه های این انقلاب فعالیت ما و نهی از منکرات و امر به معروف مسئولین است و ضعفهای آن عواملی است که در ریشه های این انقلاب نفوذ کرده است. هر کس نسبت به تهذیب درون موفق تر بود کار و عمل کرد او موفق تر بوده است..... گرفتگی قلب امام امت هشدار بود که این حال و قلب در مشیت ماست. خداوند عمل شما را مطالعه میکند و شما نسبت به آن با این قلب رفتار میکنید و وقتی ما دعا میکنیم خدا یا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار، باید عمل ما هم مویذ این حرف باشد.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۷

نماینده امام و امام جمعه رشت حجت الاسلام حاج شیخ صادق احسانبخش طی یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی اظهار داشت: ابرجنایتکا آمریکا و ایادیش نیلیا ردها دلار جهت براندازی و بی ارزش جلوه دادن انقلاب اسلامی هزینه صرف کردند تا شاید بتوانند انسجام را از میان ملت مسلمان ایران بردارند و یک انتخاب مهره های دست نشانده خود که حالت نفوذی در انقلاب اسلامی داشتند خواستار رکنار گذاشتن روحانیت مبارز و مبارزان مسلمان از صحنه انقلاب اسلامی بود ولی بحمد الله تفرقه و جدایی که در زمان شروع بکار این مهرهها در سال دوم انقلاب در روحیه امت مسلمان پیدا شده بود، از بین رفت و ملت شهید پرور ایران اکنون یکپارچگی خود را حفظ کرده و غرب را با خطر استعمارگری آنان قبول نداریم و.....

* * *

جمهوری اسلامی ۶۰/۱۱/۸

رئیس جمهور: برخی انقلابی بودن را بای نظمی اشتباه میگیرند، انقلابی بودن یعنی نظم غلط را بر هم زدن نه ایجاد بی نظمی..... از جمله قوانین انقلابی این است که انقلابیون پس از پیروزی در اداره جامعه نسبت به آرمانهای انقلاب بی تفاوت نشوند و بر روی آرمانهای انقلابی کاملاً نهند که این یکی از قوانین بقا انقلاب است

جمهوری اسلامی ۶۰/۱۱/۲۴

رئیس جمهور در ملاقات

با رئیس هیئت سازمان آزادی بخش فلسطین: نماینده یاسر عرفات گفت: تبلیغات زیرا کس سرویسهای خبری آمریکا یی و صهیونیستی در مورد بیروا اختلاف میان انقلاب ایران و فلسطین وارد آوردن اتهامات و چگونگی مواضع نادرست برخی از افراد سازمان آزادی بخش فلسطین و تلاش مسئولان آن سازمان به منظور تصحیح مواضع و برطرف نمودن جو سوء تفاهم مطالبی اظهار داشت آقای خامنه ای گفت: ما انقلاب فلسطین را تنها متعلق به شما نمیدانیم بلکه آنرا پیوسته و متصل به انقلاب اسلامی ایران میشناسیم.

اقتصاد

کیهان ۶۰/۱۱/۴

رئیس سازمان برنامه و بودجه در اعلام نتیجه سفر خود به ایتالیا گفت: برای مقامات ایتالیایی روشن شد که دولت ایران در نظر دارد از این منبع (نفت) و ذخیره در جهت انتقال تکنولوژی استفاده کند و در مقابل خرید کالاهای ساخته شده و مصرفی کالاهای از قبیل مصنوعات سنتی فرش، پوست خشکبار و کالاهای نفتی و غیره به ایتالیا صادر خواهد شد.

راه مجاهد:

آیا منظور این است که در نهایت نفت یک کالای تجارتنی است یا اینکه این امر موقتی است و ما قادر خواهیم بود با ارز حاصل از نفت از یک کشور دیگر کالای استراتژیک بخریم و یا به یک کشور دیگر کمک انقلابی نمایم؟

اطلاعات ۶۰/۱۱/۵

میرحسین موسوی نخست وزیر ضمن تقدیم لایحه بودجه سال ۶۱ در قسمتی از نطق خود گفت: با توجه به تنگناهای موجود و اتخاذ سیاست ادامه جنگ تا پیروزی نهایی در میدان نبرد و خروج مهاجم و از سوی دیگر تداوم بخشیدن به حرکتی که در جهت کاهش و قطع وابستگی آغاز گشته است و به منظور فعال نگه داشتن ملت و دولت در جهت مقابله با ناشی از وابستگی بودجه سال ۶۱ با اولویتها و اهداف اساسی ربر تهیه گردید. ۱- تامین نیازهای جبهه و سازای مناطق زلزله زده. ۲- ضرورت تدارک کالاهای استراتژیک و حیاتی مصرفی. ۳- تقویت بخشهای کشاورزی و صنعتی. ۴- شناسایی سریع امکانات موجود و فعال ساختن آنها. ۵- پیش

بینی اعتبار و مکانیزمی در جهت تامین اعتبار پروژه های عمرانی و تولیدی و صنایع به آن اندازه که در طول سال نیاز خواهد داشت ۶- اولویت به سرمایه گذاری در روستاها. ۷- ادامه سیاست شهید رجایی در جهت پرداخت ماهانه ۳ هزار ریال به سالمندان روستایی به عنوان نیمه وجایزه ای در مقابل سالها کوشش در بخش کشاورزی و اقامت در روستاها. ۸- کوشش در جهت افزایش درآمدهای غیر نفتی.....

راه مجاهد:

توفیق شان را از حق تعالی خواستاریم.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۷

سخنگوی دولت از پیشنهاد سوریه و تحریم نفتی آمریکا استقبال کرد و افزود با بر قدرت با محتاج به نفت ما هستند..... اگر کشورهای دیگر نیز از سوریه حمایت کنند و متحدان "تصمیم گرفته شود که به آمریکا نفست ندهیم، آمریکا هم پیمانانش به زانو در خواهند آمد.

راه مجاهد:

در اینجا نفت یک کالای سیاسی به حساب آمده است.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۷

وزیر بازرگانی، آقای عسکراولادی در مورد توزیع آهن اظهار داشت: مقدار زیادی آهن توسط دولت از خارج خریداری شده که توسط ۲۵ فروند کشتی به ایران حمل خواهد شد. تولیدات ذوب آهن در مورد تیر آهن در سال آینده به سه برابر افزایش خواهد یافت.

جمهوری اسلامی ۶۰/۱۱/۷
 - مصاحبه مطبوعاتی آقای توکلی سخنگوی دولت: ما طبق دستور دین و طبق فتوای رساله امام با هر کشوری که روابط اقتصادی با او منجر به سلطه سیاسی نشود، با او رابطه برقرار خواهیم کرد.....

جمهوری اسلامی ۶۰/۱۱/۷

آقای حبیب الله عسکراولادی وزیر بازرگانی در مصاحبه مطبوعاتی: کشورهای که با ما دوست هستند و کالاهای ما را خریداری میکنند، ما هم متقابلاً کالاهای آنها را خریداری میکنیم و این به صورت همکارانه متقابل است. وی افزود: ما با تمام کشورهای جهان چه شرقی و چه غربی و چه جهان سوم معا ملاتی داشته ایم و آنچه برای ما اهمیت دارد همکاری و دوستی متقابل است. وزیر بازرگانی با اشاره به مسئله صادرات گفت: با تصویب شورای اقتصاد دولت تسهیلاتی جهت افزایش کالاهای صادراتی بوجود آمده است و در این زمینه معا ملاتی نیز در مورد کالاهای از قبیل خاویار، فرش، پسته و زیره شروع شده است که در این رابطه پیشرفتها یی نیز حاصل شده است.....

جمهوری اسلامی ۶۰/۱۱/۱۱

رئیس جمهور در دیدار با محمد سلامتی وزیر کشاورزی و معاونین: لازم است روی مسئله کشاورزی تا آنجا که امکان هست سرمایه گذاری فکری و مالی و برنامهریزی اساسی شود و اینکار به عهده شما برادران است. رئیس جمهوری تاکید کرد سیاست کشاورزی کشور ما با یستی بر مبنای برپا



طرح از مجله Palestine



داشتن کشاورزی مرده اینجاست که استوار باشد یعنی ایجاد تولید در سطح وسیع با هدف خودکفایی و عدم وابستگی و سیاست کشاورزی باید در زمینه تولید، احیاء خودکفایی، صدور و همچنین جذب و گامهای خود را به سوی این هدفها بردارد. پیرامون مالکیت زمین گفتند: تا مسئله زمین حل نشود مسئله کشاورزی نیز بدرستی حل نخواهد شد. یعنی حدود مالکیت زمین با بدروشن و مشخص باشد تا مردم از سرگردانی نجات پیدا کنند.

جمهوری اسلامی ۶۰/۱۱/۱۰

سیلوی ۲۷۵۰۰ تنی شهید استکی در شهر کرد افتتاح شد. ۷۰٪ کارهای آن پس از پیروزی انقلاب به همت کارکنان زمینکشی ایران انجام شده است.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۳

معاون وزارت کشاورزی و عمران روستایی در امور شیلات اعلام کرد: آنچه که در دراز مدت برای ما مطرح است این است که بتوانیم با افزایش تولید شیلات شمال و جنوب ماهی را بعنوان یک جایگزینی به جای گوشت قرمز در داخل کشور عرضه کنیم. در آینده این صنعت تبدیل به منبع درآمد ارزی عمدهای برای کشور درآید. سعی شده است به صید سنتی اهمیت ویژه ای داده شود.

راه مجاهد:

این طرح مسلمانان "بسه خودکفایی ایران کمک زیادی خواهد کرد و جلوی واردات گوشت را خواهد گرفت.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۳

رئیس جمهور در دیدار با وزیر مسئولان وزارت بازرگانی: ما باید خود را از این مسئله که چرخ دولت جمهوری اسلامی با متوقف شدن صادرات گفت بازمی ایستد خلاص کنیم و در این رابطه هم به خودکفایی تولید داخلی بیندیشیم و هم بطور جدی گسترش صادراتمان در زمینه های گوناگون را مورد بررسی قرار دهیم.

کیهان ۶۰/۱۱/۱۳

دکتر نوربخش... مالیات بعد از نفت مهمترین منبع درآمد در کشور است و ما میخواهیم اقتصاد خود را به سمتی ببریم که اتکالی ما به نفت کمتر شود لذا مجبور هستیم که منابع جدیدی را بدست آوریم و یکی از مهمترین این منابع مالیاتهاست.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۸

دکتر حسین نمازی وزیر امور اقتصادی و دارایی در مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی سیاست های دولت را تشریح کرد. وی در مورد سیاست دولت در زمینه معاملات پای پای گفت: در معاملات پای پای کشورهای مسلمان نشین و جهان سوم در درجه اول اهمیت دارند. همچنین کشورهای که بخواهند با ایران روابط تجاری و اقتصادی حسنه غیر استعمارگرانه داشته باشند. امکان انجام معاملات با آنها وجود خواهد داشت. در مورد بازپرداخت وامهای اعطایی به سودان، ترکیه، لهستان با اشکال مواجه شده ایم که در مورد پاکستان بدلیل حفظ روابط حسنه همجواری دولت جمهوری اسلامی ایران موافقت کرده است که پاکستان وامهای دریافتی از ایران را با شرایط سهل تری بپردازد.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۸

مصاحبه با حسین کمالی نماینده ای از کارگزاران در مجلس شورای اسلامی: پیشنهادها در زمینه راههای رسیدن به خودکفایی و جلوگیری از گریزاتی که میل به وابستگی دارند چیست؟ تقویت صنایع کوچک ملی است اکثر "صنایع مونتاژ و وابسته به صنایع بزرگ هستند و لذا صنایع کوچک ما که از وابستگی کمتری برخوردارند میبایست تقویت شوند مثلاً آهنگری و درودگری و تراشکاری و غیره ۲۰ - تقویت صنایع روستایی است و میتوانیم نیروی اضافی روستاییان در فصول بیکاری استفاده کنیم و صنایعی مثل قالی بافی و حصیر بافی را گسترش دهیم ۶۰۰۰۰۰۰۰ مسئله مصرف تولیدات داخلی است. ما بعضی از قطعات را خودمان تولید میکنیم ولی بازم بعضیها که به غرب یا شرق وابسته اند سعی میکنند آنها را از خارج وارد کنند آنها را از خارج وارد کنند. خرید پروژه است بجای خرید قطعات مونتاژ ولی متأسفانه به جای پرداختن به این مسائل میروند قرا اردات لوبوت را مثال آنرا میبینند.

جمهوری اسلامی ۶۰/۱۱/۲۴

رئیس جمهور در مصاحبه با روزنامه چاپ توکیو: ایران در سیاست خود با مسکوم همچنان بر اصول سیاست خارجی خود یعنی داشتن یک موضع بیطرف باقی خواهد ماند و افزود این اصول بر پایه یک خط مشی سیاسی بیطرف و مستقل که وابسته به شرق و غرب نیست پی ریزی شده است ولی این امر باعث آن نمیشود که ایران دارای مناسباتی سالم با شرق

غرب نباشد... در مورد مناسبات میان ایران و ژاپن گفت ایران خواستار حفظ مناسبات دوستانه با ژاپن و آماده گسترش این روابط است. وی همچنین خاطر نشان ساخت مجتمع پتروشیمی بندر امام خمینی که با مشارکت ژاپن ساخته میشود با دید بصورت ثمربخش و منطقی پایان یابد. او مسئولیت تاخیر پایان یافتن ساختمان این مجتمع را کسه ۸۵٪ آن پایان یافته بود متوجه ژاپن دانست.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۷

محمد تقی بانکی... کلا جهت گیری دولت در مورد شرکتهای چندملیتی یکسان است و قرار شد شرکتهای چندملیتی آی بی ام و... در آینده از همه آنها خلع ید شود و خود دولت جمهوری اسلامی ایران حاکم گردد.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۸

حسن غفوری فرد وزیر نیرو پس از بازگشت از سفرش به شوروی که به مناسبت سالگرد انقلاب در مصاحبه ای با جمهوری اسلامی گفت: طی این سفر با مقامات شوروی بخصوص وزیر نیروی این کشور پیرامون مسائل مختلف اقتصادی گفتگو شد که بر اساس آن موقق شدیم پروتکلی در زمینه همکاریهای مشترک بین دو کشور امضاء کنیم. در این رابطه پروتکل تسریع انجام عملیات ساختمانی نیروگاههای رامین و ورامین و اصفهان را خواستار شدیم همچنین در زمینه احداث سد جدیدی بر رودخانه مرزی آرس در ناحیه خداآفرین آذربایجان با همکاری مشترک ایران و شوروی توافقهایی به عمل آمد... وظیفه توافقی که به عمل آمده است از متخصصین شوروی برای سرعت بخشیدن به اجرای پروژه های مشترک به ایران خواهند آمد.

بند ج

اطلاعات ۶۰/۱۱/۵

آیت... مشکینی در نماز جمعه قم فرمودند: دو چیز در اسلام مالکیت آوار است یکی اصل زمین و یکی آنچه که از زمین استفاده میشود... اما اصل زمین در جایی که پیغمبر و امام در حضور مردم باشد وظاهر باشد و کار دست پیغمبر و امام باشد تمام زمین از آن دولت اسلامی است و بس و هیچ انسانی بر طبق آنچه که انسان اصیل میگوید در زمان وجود پیغمبر گرامی و امام هیچ انسانی یک وجب زمین را مالک

خواهد شد... حال امام در پشت پرده غیبت است و حال الان ما ظهور ما را نداریم و چشم ما به جمال شریف آن حضرت نورانی نیست حکم زمین حکم دیگری دارد. هر کس زمینی را رفته احیاء کرده و در زمان غیبت امام ملک خودش است و هر کس که مالک است قدرت تصرف در اموال دارد اینجاست که مسئله ولایت فقیه گاه عملی میشود یک آقای قدرت پیدا کرده ۱۰۰ هکتار و ۲۰۰ هکتار زمین را برای خودش احیا کرده مادر همسایه او یک روستایی است یک چند نفری هستند نفری نیم هکتار زمین دارند که زندگی شان اداره نمیشود اینجاست که ما برای فقیه یک ولایتی قائل شدیم گفتیم آقای فقیه از شما خواهش میکنیم از این ۲۰۰ هکتار این آقای چند هکتار به قیمت عادلانه بخرد و به این آقای که نیم هکتار رویک هکتار دارد بده تا زندگی او نیز اداره شود این مسئله اسم شریفش بند "ج" شد.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۰

حجت الاسلام یزدی در رابطه با بند "ج" در مصاحبه با اطلاعات گفت: من معتقد هستم این بند "ج" و شایع است که "ج" مخصوص در شرایط فعلی حتی قرص مسکن هم نمیتواند باشد. یعنی خاصیت تسکینی هم نمیتواند داشته باشد. مطلب این است که اگر ما یک زمین را از راه حلال بدست آورده، با چه دلیلی ما آنرا میگیریم؟

اطلاعات ۶۰/۱۱/۵

سید ابوالفضل موسوی تبریزی نماینده مردم تبریز در نطق پیش از دستور خود گفت: در رابطه با بند "ج" و در رابطه با فرمایشات حضرت آیت... مشکینی که انصافاً "چشم و چراغ حوزه علمیه قم و امید مراکز علمی ماست من این را تذکر میدهم... آیت... مشکینی با تمام ابعادش قبول داریم نه تک بعدی که بعضیها بخواهند از یک بعد فقط قضاوت کنند. آیت... مشکینی این راه فرموده است که اگر هزار روز را هکتار را احیاء کنند آن

عراق

جمهوری اسلامی ۶۰/۱۱/۷
عراق برای جبران ورشکستگی اقتصادی خود ناگزیر شده است از کشورهای ثروتمند عرب من جمله کویت و عربستان تحت پوشش و ام بدون بهره کمکهای مالی دریافت کند در کم اینگونه و امها به گزارش خبرگزاری فرانسه هم اکنون سربله شازده میلیار دلار میزنند.



باشناسایی از مناطق اشغالی و زدن شیخون های مستمر به دشمن و بسیج همه جانبه نیرو و جبهه و راهنا قرار دادن رهنمودهای امام... پیش بسوی کربلا



خط امپریالیسم در منطقه

کیهان ۶۰/۱۱/۳

۶ کشور عضو شورای همکاریهای خلیج ۳۰ میلیارد دلار به خرید اسلحه برای سال جاری اختصاص داده اند.

کیهان ۶۰/۱۱/۳

سخنگوی وزارت دولت خارجه آمریکا اعلام کرد: آمریکا نمیتواند نسبت به سرنوشت ایران بی‌توجه باشد عدم ثبات در ایران و تلاش رژیم حاکم آیت الله خمینی جهت صدور انقلاب همان دو تهدیدی است که ممکن است منافع آمریکا را مورد تهدید قرار دهد.

منابع صنعت نفت انگلیس دیروز گفتند رژیم عراق در تلاش برای فروش نفت خود دو کارتل چند ملیتی نفتی که مقرشان در اروپاست یعنی بریتیش پترولیوم و رویال داچ شل قراردادی را عرضه کرده است

راه مجاهد:

رشد انقلاب موجب بیشتر وابسته شدن و کمپ دیویدی شدن مدام گشته است و پورده‌های چپ نمایی او را دریده تا انقلابیون راه مبارزه بنیادی با او را در یابند.

راديو عراق ۶۰/۱۱/۱۲

متن مصاحبه موسوی (نوه حاج آقا سید ابوالحسن اصفهانی مدیسه‌ای) که یکی از فراریان خائن عراق میباشد او در مصاحبه‌ای که با راديو عراق میکند در مورد ولایت فقیه چنین میگوید: تمام روحانیون و مراجع مثل آیت‌آقا... شریعتمداری و آیت‌آقا... قمی، آیت‌آقا... محلاتی (که فوت شدند) و آیت‌آقا... خوئی و دیگران با اصل ولایت فقیه که در قانون اساسی هست مخالف هستند اینها همان قدرتی که دیکتاتورها و جباران در طول تاریخ داشته‌اند را به یک نفر داده و اسم ولایت فقیه روی آن نهاده اند و به آن جنبه قانونی داده اند... در اسلام چنین مسئله‌ای نیست که فقیه‌ای همه قدرت داشته باشد و هر کارکی دلش خواست بتواند بکند.

اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۳

گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، مسلمانان اخراج شده از عراق علت اخراج خود را اعلام رژیم در مدارس جهت اعزام دانش آموزان به جبهه‌ها برای جنگ با ایران و امتناع از انجام اینکار عنوان کردند... در حال حاضر به مصریها برای جنگ با ایران ماهانه ۵۰۰ دینار میدهند و آنان کسانی هستند که برای کار در عراق بصر میبرند، در زمینه چگونگی تشییع جنازه کشته‌های جبهه‌های جنگ در عراق گفتند: در گذشته و در اواصل جنگ اینکار صورت میگرفت ولی در حال حاضر بدون تشییع جنازه و دور از چشم مردم کشته ما خاک میشوند....

جمهوری اسلامی ۶۰/۱۱/۱۵

در تاریخ ۶۰/۱۱/۹ در شهر سلیمانیه تظاهراتی بوسیله مردم مسلمانان این شهر انجام گرفت که در این تظاهرات شعارهایی بر علیه شاه حسین اردنی و صدام تکررتی میدادند همچنین در میان راه پیامیان اعلامیه و عکسهای از رهبر کبیر انقلاب امام خمینی پخش گردید.

کداری و تولید نفت یک سیاست مشترک اتخاذ کنند، تا دورویی وقفه نفت خام حوزه‌های خلیج فارس به بازارهای جهانی را تضمین کند....

راه مجاهد:

نشان میدهد که انقلاب اسلامی به رهبری امام چقدر با آمریکا بطور بنیادی تضاد دارد اما میلیه القدر ما را روز قدس میدانند و معتقدند اسرائیل با مسلسل‌های متکی به ایمان بایستی از صحنه روزگار برداشته شود آنوقت بعضی دولتمردان میگویند اختلاف ما با آمریکا فقط بر سر حمایت آمریکا از قاسم سلو و تروریسم است! اما در دهه فجر به نمایندگان خارجی گفتند اگر اعراب بخوانند اسرائیل را برسمیت بشناسند اسرائیل آنها را برسمیت نخواهد شناخت و این بینش مکتبی امام را میرساند.

کیهان ۶۰/۱۱/۱۵

رویتر: مقامهای آمریکایی گفتند: سفر تقریباً الوقوع و این سرکوبی به منطقه نشان میدهد که واشنگتن نیز همانند کشورهای عرب از آنچه تلاش ایران برای صدور انقلاب اسلامی خوانده میشود دچار نگرانی شده است.... مقام آمریکایی گفت: از نظر واشنگتن بهترین راه حل تقویت همکاری منطقه‌ای در جهت خطوط سیاست شوروی همکاری خلیج فارس و پایان جنگ عراق و ایران از طریق مذاکره است که در آن هیچیک از طرفین به پیروزی قطعی دست نیابند... بگفته منابع دیپلماتیک عرب اقدام شاه حسین میتواند راه را برای فروش اسلحه از جانب آمریکا به عراق که برای مقابله با ضد حمله‌های ایران شدیداً "به آن نیاز دارد باز کند"

راه مجاهد:

ما احساس میکنیم توطئه‌ای هست که نمیخواهد خط اسلامی امام بصورت یک خط ایدئولوژیک و فلسفی ارائه شود و فقط به خط سیاسی امام آنهم بصورت ناقص توجه میکنند. نشان دادن انجام فلسفی و سیاسی ایدئولوژیک خط امام بیشترین شکل صدور انقلاب است چرا که مکتب منجمور انعمای عمل بهترین سلاح مستضعفین است عده‌ای میگویند ایدئولوژی امام یک ایدئولوژی استثنایی است که میتواند اندرا انعمای عمل باشد.

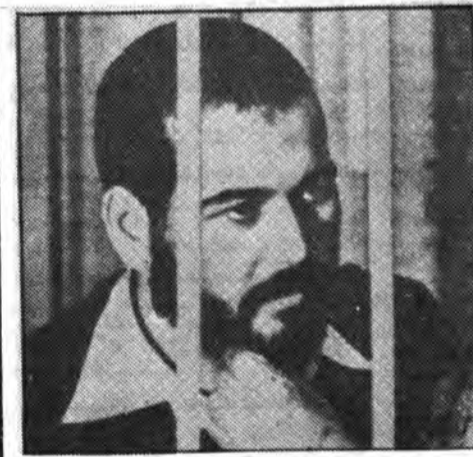
کیهان ۶۰/۱۱/۱۷

مجمع سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که در آن از کلیه اعضای سازمان ملل متحد خواسته شده است، به منظور مجازات رژیم اشغالگر قدس بقیه در صفحه ۸

راه مجاهد: عملاً این شورا به شوروی هماهنگی با امپریالیسم تبدیل شده است و مسلم است که در خدمت فراملیتهای نفتی میباشد.

کیهان ۶۰/۱۱/۱۳

شطی در گفتگویی با خبرنگاران ایرانی درباره شورای همکاری خلیج فارس گفت: این همکاری گام مثبتی در جهت منافع اسلام است. راه مجاهد: آیا اسلام یعنی نفت؟ آنهم برای امپریالیسم؟ شطی گفت: اگر



خالد سلامبولی رهبر گروه اعدا مسادات خائن

لحظاتی قبل از اعلام حکم دادگاه مصدر مورد اعضای گروه اعدا مسادات خائن این ۵ نفر رهبری اسلامبولی در این بیدادگاه محکوم به اعدا شدند.

راه مجاهد:

آمریکا بجای نقش متحد اسرائیل نقش یک داور درخا ورمیانه برعهده نگیرد بیم آن دارد که جنگ اسرائیل و اعراب بصورت جنگی میان اعراب و آمریکا درآید.

راه مجاهد: عملاً که آمریکا و صهیونیست سران مرتجع عرب را علیه ایران سیخ کرده‌اند در حالیکه صهیونیسم وجه لاینفک امپریالیسم است آیا آمریکا میتواند دورویی طرف باشد؟ لولو بی به چه میگفت چراگریه میکنی ارچه وحشت داری گفت من از خود تو وحشت دارم.

کیهان ۶۰/۱۱/۱۵

یونایتد پرس: وزارت خارجه آمریکا گفت: هرگونه تهدید

اخیراً "مسعود رجوی هم پیروزی نظامی را بعید دانسته و به هواداران خود توصیه کرده که بیشتر روی انگیزه‌های ایدئو-لوژیک تکیه کنند که یک درجه عقب نشینی از پیش بینی‌های ایده‌آلیستی اش میباشد.

کیهان ۶۰/۱۱/۶

رویتر: یک هیات وزارت دفاع آمریکا برای بررسی طرح نظامی ترکیه به موجب موافقتنامه همکاری دفاعی دو کشور به مرحله اجراء در میآید و اردن کارا شد.

کیهان ۶۰/۱۱/۸

سخنگوی شورای همکاری حوزه خلیج فارس گفت: آنها امید دارند بتوانند در مورد قیمت

القدس ما القدس وما ادريك ما القدس

- ای چغالوند، ای بانسیران (۲)
- جان در ره مکتب خود بنهیم در کربلا (۲)
- از خون هر شهید ما (۲)
- پر شهید زنده شود همه خاک ایران (۲)
- الگو کرد د خلق ایران (۲)
- بسیج ورها بشوند همه مستضعفان (۲)
- در کوهودشت، در بیابان (۲)
- غران چو یک شیری که هر هاگرد د زیند (۲)
- چون چغالوند سرفرازیم (۲)
- در ره قدس جان بیازیم (۲)
- این کوه به آن کوه برویم بجلو تافتح قدس (۲)
- چون خمینی رهبر ماست (۲)
- یک پانتهیم قدس به عقب تافتح قدس (۲)
- بانارنجک، با آریسی جسی (۲)
- نابود سازیم صدام نفتی (۲)
- برینا بشود قیام خونین مستضعفان (۲)
- تنهاراه بر مرگ لای (۲)
- ماهیت سازشکاران (۲)
- دفع تجاوز کفار شیوه فهمید ایست (۲)
- شعار انقلاب ما (۲)
- القدس، ما القدس وما ادريك ما القدس (۲)

ادبیات انقلاب و مکتب

سرود مرگ دانه

"بسم رب الشهداء"

مرگ دانه

مرگ دانه در درون خاک
صاعقه اگر کمیزند به کوه
بر بلندی غرور ما
مشت، مشت، مشت
لیک ناله نعره میشود، ناله نعره میشود، نعره انفجار (۲)
وین نهال کینه جنگلی استخوان درشت
جنگ، جنگ، جنگ
دست خالی و گلوله تفنگ
خلق بره بهاره ایست، بره بهاره ایست، رشد نماید و شود پلنگ
بند، بند، بند
هر طرف نظاره میکنی هزار بند
ای سگان هاره کافران جیره خوار
مازارش گلوله تان زیان نمی کنیم
بند پیمان نمیشود نمیشود مهار
لیک ناله نعره میشود، ناله نعره میشود، نعره انفجار
خلق بره بهاره ایست، رشد نماید و شود پلنگ
ای سگان هاره کافران جیره خوار، مازارش گلوله تان زیان نمی کنیم
بند پیمان نمی شود نمی شود مهار

سرود مرگ دانه خیلی خوب مسئله
شهادت را تبیین میکند. این شعر
میگوید ارزش اصلی شهادت،
تاثیر آن روی دیگران نیست، بلکه
این تاثیر متقابل، نتیجه شهادت
است. شهادت فرد خود یک رشد
و ارتقاء است. در شعر چنین میگوید:
"مرگ دانه در درون خاک، وقتی
دانه در درون خاک میروید، "مژده"
تولد درخت سایه گستر است؛ دانه
تبدیل به درخت سایه گستر میشود
و خود دانه رشد میکند که البته ثمره
درخت بد دیگران نیز میرسد.

"صاعقه اگر کمیزند به کوه، لاله
میدمد ز آینه؛ در حالیکه صاعقه
خیلی وحشتناک است و وقتی بسه
کوه میزند، آدم ترس و لرزش میگیرد
اما برکاتش این است که لاله هسا از
دانه بیرون میزند. مثلاً این جنگ
تحملی ظاهر "خیلی وحشتناک
است ولی می بینیم که مرز حق و باطل
خیلی مشخص شده است، در منطقه
چند رجریک تربیت شده که کاد رهای
آزادی قدس هستند، چقدر
ارزشهای انقلابی آفریده شدند
و چقدر تولید "استقلال" آزادی
حکومت اسلامی شد. چقدر
قلوب سرشار از ایمان و روحیه
شهادت طلبی در سرسازان
حقیقی امام زمان (عج) برشود
کرد، و قس علی هذا.

پس نهال کینه جنگلی
استخوان درشت؛ یعنی این
نهال کینه به ظالمین و مستکبرین
رشد میکند و از میان آن نهال
نجیف، جنگلی استخوان درشت
بیرون میزند.
"جنگ، جنگ، جنگ، خون، خون
خون، دست خالی و
گلوله تفنگ؛ جنگ است و

خون نیز در روشن ما با
دست خالی و تفکر اصالت
انسانی با گلوله تفنگ، و نارنجک
و آره پی، جسی نو با بزر خود کفا
بدون تکیه بر ابزار پیچیده
و مدرن، اما وابسته
امپریالیستی، با شیطان بزرگ
اتحاد شوم کمپ دیوید
و ارتجاع منطقه درگیر شد. ایم
آیا امکان پیروزی هست؟ و
مکانیزم پیروزی خلق راهم
بدینسان نشان میدهد که:
"خلق بره بهاره ایست، رشد
نماید و شود پلنگ؛ یعنی
خلق مانند یک پره است که صفتش
مظلوم بودن و پاک بودن
میباشد. خلق در نظفه است
اما رشد کرد و پلنگ می شود
و باطل رامی درد.

"بند، بند، بند، هر طرف
نظاره می کسی هزار بند؛ یعنی
اینطور نیست که امپریالیسم و شیطان
بزرگ از بیرون بیاید و تورا به بند
بکشد، بلکه هر طرف نظاره
می کنی پایگاههای آنرا، موانع
و محدودیت ها، روابط طبقاتی
و علائق دیوی را که امپریالیسم به
اعتبار آنها عمل می کند، می بینی
و باید در مبارزه با امپریالیسم با

بند های درونی هم مبارزه کنی.
"ای سگان هاره کافران جیره
خوار، مازارش گلوله تان زیان
نمی کنیم؛ در این جنگ هر
چند شهید بدیم، بد اندک که
زیان نمی بریم. زیرا بقول
حضرت علی (ع) باقیمانده از
کارزار حق و باطل از لحاظ عدد
و کیفیت باید ارترو از لحاظ زاد و
ولد و کیفیت بالاتر و بیشتر
است. موانع نیز ما را مهار نمی کند
همه محدودیت ها را بیاری خدا
می شکیم. چون قطره ای
هستیم، از جویبار ورود خانه
می پیوندیم، موج می شویم
جریان می شویم، بخار
می شویم، باران می گردیم
و زنده تر می شویم.

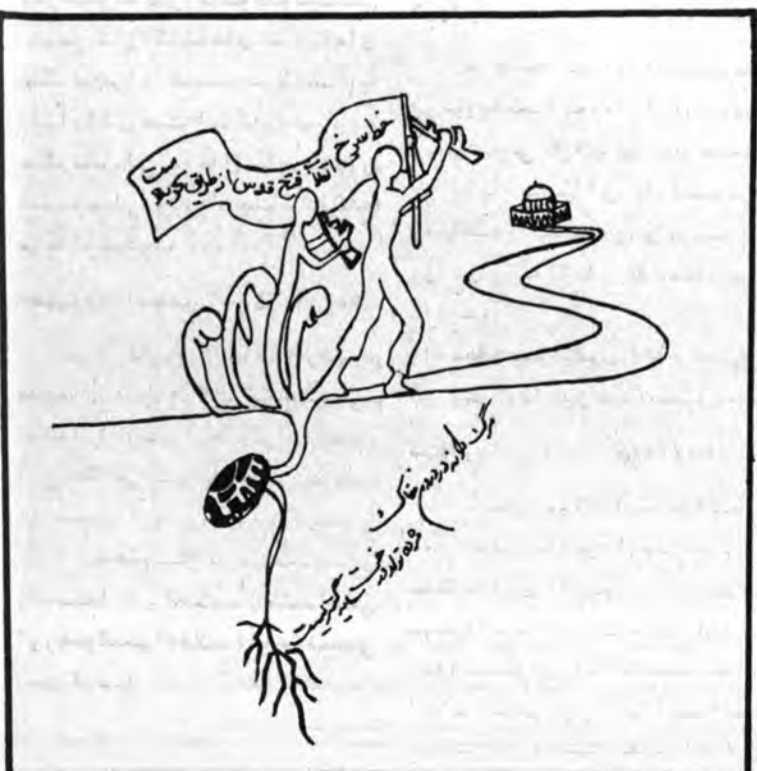
پاورقی ها:
۱ - این سرود را شهید
مسعود براتی گودرزی همیشه
در سنگرز می زمزمه میکرد.

۲ - در اصل بجای "کافران"
توضیح:
در تابستان گذشته (۱۳۶۰) استراتژی مرحله ای مان این
قرار بود تک گسترده ای در منطقه
گیلان غرب و دشت ذهاب انجام
بگیرد. در مورد شیوه اجرای
تک، د و تفکر وجود داشت
یک نظرمی گفت که باید تا
هنگام اجرای تک هیچ عملیاتی
انجام نگردد تا عراقیها متوجه
نشوند. در حالیکه نظریه گر
اعتقاد داشت که اگر خواهیم
تک گسترده ای انجام بدیم
باید به تند ریح در تکهای محدود
(بسیرون) ای جوانان، قهرمانان)

کسب صلاحیت کرد. هوبه اصطلاح
استراتژی مرحله ای مان این
قرار بود تک گسترده ای در منطقه
گیلان غرب و دشت ذهاب انجام
بگیرد. در مورد شیوه اجرای
تک، د و تفکر وجود داشت
یک نظرمی گفت که باید تا
هنگام اجرای تک هیچ عملیاتی
انجام نگردد تا عراقیها متوجه
نشوند. در حالیکه نظریه گر
اعتقاد داشت که اگر خواهیم
تک گسترده ای انجام بدیم
باید به تند ریح در تکهای محدود
(بسیرون) ای جوانان، قهرمانان)

کسب صلاحیت کرد. هوبه اصطلاح
استراتژی مرحله ای مان این
قرار بود تک گسترده ای در منطقه
گیلان غرب و دشت ذهاب انجام
بگیرد. در مورد شیوه اجرای
تک، د و تفکر وجود داشت
یک نظرمی گفت که باید تا
هنگام اجرای تک هیچ عملیاتی
انجام نگردد تا عراقیها متوجه
نشوند. در حالیکه نظریه گر
اعتقاد داشت که اگر خواهیم
تک گسترده ای انجام بدیم
باید به تند ریح در تکهای محدود
(بسیرون) ای جوانان، قهرمانان)

کسب صلاحیت کرد. هوبه اصطلاح
استراتژی مرحله ای مان این
قرار بود تک گسترده ای در منطقه
گیلان غرب و دشت ذهاب انجام
بگیرد. در مورد شیوه اجرای
تک، د و تفکر وجود داشت
یک نظرمی گفت که باید تا
هنگام اجرای تک هیچ عملیاتی
انجام نگردد تا عراقیها متوجه
نشوند. در حالیکه نظریه گر
اعتقاد داشت که اگر خواهیم
تک گسترده ای انجام بدیم
باید به تند ریح در تکهای محدود
(بسیرون) ای جوانان، قهرمانان)



بیاد شهدای حمله...

بقیه از صفحه ۱۴

پاسدار شهید کبر ختائی: هم اکنون هم هدایت الهی برانعام عالم عرضه شده و آن امام است. مواظب باشید که کاری نکنید که کفران نعمت شود سعی کنید به نواحسن از این نعمت استفاده کنید.

روشن شد و تماس جبهه‌ها بیشتر و رابطه بین آنان منسجم‌تر گردید. به برقراری روابط امت واحد و یازده تن از این برادران بوسیله تک نیروهای دشمن شهید یا مجروح شدند. نحوه شهادت هر کدام از این برادران حماسه‌ای بیادماندنی است از عشق و ایثار که نشانگر عمق نیازمندی این عزیزان به دفع تجاوز و کفر بعثی می‌باشد. که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

این حمله بدلیل ساده اندیشی‌هایی که طرح عملیات داشت در ظاهر موفق به فتح تپه‌ها نشد. (چرا که خود این در حقیقت نوید پیروزی و شکست محاصره بود) این ساده اندیشیها در وجوه زیر نمود پیدا کرده بود.

گذری بر زندگی شهید اکبر ختائی

برادر پاسدار شهید اکبر ختائی از توده‌های مستضعف روستائی است که همچون دیگر سربازان امام زمان (عج) پیام امام خمینی را لبیک گفت و به جبهه نبرد اسلام علیه کفر پیوست تا با شرکت فعال خود در عمل صالح زمان بتواند چهره نفاق کفر کمپ دیویدی را افشاء کند. با شکر شناخت و ویژگیهای مکتبی او دیگر سربازان امام زمان (عج) بتوانند ما را در جهت پیشبرد اهداف مقدس انقلاب اسلامی رهنما باشد تا شاید بتوانیم رسالتمان را در قبال خون این شهیدان با نجام برسانیم.

"درددین، درد شهید" اثنی شهید اکبر ختائی در ده رباط مراد خمین در خانواده‌ای کشاورز متولد شد. وی در مدت تحصیل تا بستن آنجا به ده میآمد و همراهِ پدرش زراعت میکرد. از کلاس سوم دبستان معلمی در خانه به وی خواندن قرآن را یاد میداد

زندگی شهدایی که شرکت در جهاد مقدس را نه تنها ما موریتی خاص بلکه عین زندگی طبیعی خویش میدانند بهترین الگو برای رزمندگان می‌باشند.

آموخت قبل از حرکتی از آن تحلیل داشته باشد، توان رزمی و مرتبه خود را بدانند، از دشمن شناسایی داشته و او را ارزیابی کنند. و پس از حرکت نیز جمع بندی داشته باشند و هر نتیجه‌ای مقدمه تهاجمی دیگر بر علیه کفار بعثی باشد.

نظری به شهدای حماسه آفرین این حرکت نحوه زندگی و شهادت هر کدام از این رزمندگان شهید خود گویای

و این کار چند شب تکرار شد. او از جواب دادن به سئوالهای اکبر عاجز شده بود و میپرسید: آقای ختائی شما در کجا درس خوانده‌اید؟ که اکبر گفت: معلم من کسی نبود؛ یکی دوتائی از همین فقیر و بیچاره‌های ده بوده‌اند. وی برگشت و به اکبر گفت: من اینقدر مثل شما علم ندارم. اکبر خود به دنبال کشف مسائل و پیوستن کردن جواب سئوال خود می‌رفت. در منزل نیز کتاخانه‌ای درست کرده بود که ۴۰۰ - ۳۰۰ جلد کتاب داشت.

"ممارست با قرآن" یکی از همزمان شهید می‌گفت: "هر جا میرفتیم قرآن را از او جدا نمیشد، یکبار رفتیم و دیدم برای خمپاره سنگر بکنیم موقع استراحت بود دیدم نشسته و قرآن میخواند. از هنگام ورودش به جبهه برای بچه‌های خمین کلاس تفسیر قرآن تشکیل داده بود که همه برادران در آن شرکت میکردند. شهید با یک آیه‌های قرآن برخورد مسئولانه میکرد و آنها را راهنمای عملش قرار میداد. در برخورد با جنگ اسلام و کفر، عبادات، خانواده، وجوه نظمی، در شیوه برخورد با افراد مختلف بود.

اکبر به عبادات خیلی پای بند بود. عشق زیادی به نماز جماعت داشت، با همسگرا نش یک سنگر مخصوص ساخته بودند که محراب عبادت آنها بود و زیر باران خمپاره با طمأنینه خاصی نماز میخواندند. شهید ختائی می‌گفت: "وقتی خدا برایتان به حدی آشکار شود که او را ببینید، آنگاه دیگر انحراف پیدا نخواهید کرد. آنگاه دیگر محرک کارهایتان خدا خواهد شد. عظمت خدا برایتان معلوم خواهد گشت و... نماز خواندن چنان برایتان شیرین میشود که چیز دیگری برای مقیاس با آن پیدا نخواهید کرد."

شهید ختائی با یک آیه‌های قرآن برخورد فعال میکرد و آنها را راهنمای عملش قرار میداد در برخورد با جنگ اسلام و کفر، عبادات، خانواده وجوه نظمی، در شیوه برخورد با افراد مختلف بود. قرآن را راهنمای عملش بود.

"پیوند وجودی پاسدار شهید اکبر ختائی و مجاهد شهید مهدی آرزومند" شهید ختائی از هنگام ورود به جبهه ذوالفقاری تا هنگام شهادتش همسنگر شهید مهدی آرزومند بود. این دو برادر پاسدار و مجاهد، علاقه و عشق عجیبی به هم داشتند و پیوند عمیقی با یکدیگر خورده بودند. برخورد آنها با یکدیگر از خلوص و تواضع خاصی برخوردار بود. اگر چه صفا و صمیمیت فراوانی در بین آنها بود اما برخورد آنها نشان با هم خیلی محترمانه بود. شهید مهدی بزرگترین تحسول در زندگی‌اش شناختن ارزش وجودی شهید ختائی میدانست چرا که در وجود او تدوام راه انبیا و راه ائمه معصومین را میدید و او را پاسدار واقعی انقلاب یافته بود و معتقد بود که تدوام راه سرخ انقلاب ضامن شناخت این راه و پیوندش مجاهد واقعی انقلاب با پاسدار واقعی انقلاب است. شهید مهدی در وصیت نامه‌اش می‌گوید: "مرا در ده رباط مراد در کتاخانه شهید ختائی به خاک سپارید. تبیین و تحلیل شهید مهدی از این عمل در وصیتش چنین است که: اکبر معلم من بود و در جبهه که با هم بودیم خیلی چیزها به من آموزش میداد. وقتی جسمم را کنار جسد او به خاک سپارند، این پیوند دانشجو با توده‌های مستضعف

را خالصانه می‌پذیرند. شهید مهدی معتقد بود که با کتاخانه شدن جسد او جسد شهید ختائی پیوندشان عمیق تر میگردد و این سمبل پیوند دو جریان است، جریان پاسدار واقعی و مجاهد واقعی انقلاب. شهید آرزومند معتقد بود که با پیدا ز جسد بی جان و بی حرکتش نیز در جهت حل مسئله انقلاب و علیه دشمنان اسلام استفاده شود. این نهایت ایثار در راه خداست (خدا مالکی) او با ورکرده بود که نه تنها جانش را با یدفدای اسلام کند بلکه جسدش، جزء جزء بدنش نیز میتواند دخل کننده مسائل جبهه حق باشد و از این طریق خودش نیز فعالتر میشود چرا که شهید زنده است و حرکت زنده او از هر قطره خون شهید لاله‌های سرخ خواهد دمید.

امید است که همه سربازان امام زمان (عج) این پیوندهای تعالی بخش را برای خود الگو و راهنمای عمل قرار دهند و با گسترده تر کردن این نوع روابط صحیح اسلامی به گسترش امت واحد بسوی جامعه امام زمان (عج) کمک نمایند.

"با میدزبارت قبر سرور سالار شهیدان حسین بن علی (ع)" "یادشان گرامی و راهشان مستدام باد"



آئین نامه راه مجاهد

توضیح :
آئین نامه "راه مجاهد"
در اولین شماره آن منتشر شد.
اینک به چاپ مجدد آن اقدام
میکنیم :

تحلیل و بررسی این نوشته ها
برای "راه مجاهد" محفوظ است .

۵- این نشریه از درج مقالات
و نوشته هایی که آگاهانه و یا نا آگاهانه
کمک به انحراف از مسئله اصلی جامعه
(در شرایط فعلی جنگ اسلام و کفر)

بنماید، خودداری میکند .
۶- این نشریه به منظور پاکسازی
انحرافات و نیز رفع سختیهای
جریانهای مادی با عناصر جبهه
مستکبرین، اقدام به درج اخبار
و تحلیلهای این جبهه همراه با
تحلیل و بررسی اصولی می نماید .

۷- این نشریه به منظور هر چه
گسترده تر کردن جبهه جهانی مستضعفین
خود را موظف به درج اخبار و مقالات و
تحلیلهای کلیه نهضت های آزادی و
بخش و ضد ظلمی جهان بخصوص نهضت های
اسلامی منطقه میداند . (قابل توجه
که مقالات و تحلیلها با توجه به
قانون مطبوعات درج میشود .)

۸- در راه هر چه با رورتر شدن
این نشریه از کمکهای مسئولان
افراد و جریانهای واقع در جبهه
مستضعفین استقبال میکنیم . والسلام

آن به عنوان نزدیکترین نیروی
امیرالایم، اصلی ترین پایگاه
کمپ دیوید در داخل میباشد . ویژگی
اصلی و مشترک بین وجوه مختلف این
جبهه، ضدیت با ولایت امام بعنوان
جوهره انقلاب اسلامی است . (ر. ک. به
مقاله هشت وجه لایبرالیزم - " مقاله
جبهه سعادت و استقلال و جبهه رفاه
و وابستگی " : در دست چاپ - تحلیلی
بر تصرف لانه جاسوسی " : اتحاد خا مس)

پ :
۱- راه مجاهد نشریه ای است
مکتبی - سیاسی در جهت کمک به
تحقق هر چه بیشتر اهداف انقلاب
اسلامی .
۲- این نشریه با اعتقاد به پیوند
مقدس بین خط مشی سازش ناپذیر
امام خمینی با استراتژی قهرآمیز
مجاهدین، سعی در گسترش و تعمیق
این پیوند خواهد داشت .

۳- این نشریه تحت مسئولیت
برادر مهندس لطف الله میثمی اداره
میشود .

۴- بنا بر اصول اعتقادی، این
نشریه خود را موظف به درج اخبار
مقالات و تحلیلهای نیروهای واقع
در جبهه مستضعفین در جهت تشکیل هر
چه بیشترین جبهه میداند (حق

" آزادی قدس " و تشکیل جبهه
جهانی مستضعفین علیه جبهه جهانی
مستکبرین به سرکردگی امریکا که
نشان دهنده اعتقاد دنیای زبه پیوند
با توده های مستضعف و محروم جهان
بخصوص منطقه در جهت پیروزی مستضعفین
بر مستکبرین است .

۲- مهمترین موانع در شرایط
فعلی برای تحقق شعارهای فوق
امیرالایم جهانی به سرگردگی
شیطان بزرگ امریکا و صهیونیسم
می باشد که عملکردشان در منطقه
عمدتاً " بصورت تلاش برای گستردن
جریان ارتجاعی کمپ دیویدی و به
سازش کشاندن نیروهای مترقی و
انقلابی در منطقه می باشد . در نتیجه
به هر اندازه ای که نیرویی با ملاکها
و روابط کمپ دیویدی سختی بیشتری
داشته باشد، مرتجع تر است .

تجاوز نظامی بعث عراق بر علیه
مستضعفین ایران نمونه ای از توطئه
گسترده کمپ دیوید بر علیه توده های
محروم منطقه میباشد و در مقطع کنونی
به عنوان عمده ترین دشمن آشکار
(کفر حربی) برای انقلاب اسلامی
مطرح است .
جبهه رفاه و وابستگی با تمام وجه

بنام خدای پرورش دهنده
شهیدان
الف : انقلاب اسلامی ایران
برهبری امام خمینی در تداوم راه
انبیاء و برای رشد و گسترش امت
واحد در جهت لقاء الله در ۲۲ بهمن
۱۳۵۷ وارد مرحله نوینی ز مبارزات
عدل طلب و ضد ظلم توده های تحت ستم
جهان شد .

ما معتقدیم مهمترین ویژگیهای
انقلاب اسلامی بشرح زیر میباشد :
۱- اساسی ترین شعارهای
انقلاب که بیانگر اصول و اهداف آن
میباشد عبارتند از :
" خدا، قرآن، خمینی " که نشان
دهنده اعتقاد عمیق مردم به
ولایت فقیه در کادر خدا و قرآن
میباشد . (۱)

" استقلال، آزادی، حکومت
اسلامی " (۲) و " نه شرقی، نه غربی،
حکومت اسلامی " که نشان دهنده
اراده توده های مسلمان و رزمنده
برای دستیابی به استقلال همه
جانبه و عدم وابستگی و تکیه به هر
قدرت اجنبی میباشد و اینکه چنین
امری فقط در سایه تحقق حکومت
اسلامی قابل دسترسی است .

پاورقی ۱- به جزوه تحلیلی برجنگ
ایران و عراق - " ویژگیهای انقلاب
چاپ دوم با ضمیمه " - رجوع شود .
پاورقی ۲- به جزوه " استقلال ،
آزادی ، حکومت اسلامی " رجوع شود .

این شهدا معتقد بودند که وقتی ایمان را سخ به لزوم حمله به دشمن و
تحقق امر امام وجود داشته باشد در هر شرایطی شیوه ها را نیز میتوان یافت .

است از جان و مال و فرزند و هر چه
دارید در این راه در جهت رضای
خدا ما به بگذارید تا نصرت الهی
بر شما و ملت بیاخاسته - مان
فرود آید . او امرش را اطاعت
کنید و اراحتی در سختترین
مراحل انقلاب با یاری نماید . آن
روزی که انقلاب از حرکت بایستد
آن روز ، روز مرگ ما ست آن روز ،
روز متحمل شدن عذاب الهی است
مبادا روزی فرارسد که مضمون
آیه بالا بر شما تعلق گیرد . خداوند
ما را در این راه یاری فرماید
و ما را تائید فرماید . خداوند
در این راه شهادت را روزی ما
گرداند . خداوند به رهبران طول
عمر عطا فرماید .

(اللهم ارزقنا شهادة فی سبیلک)
اکبر ختائی - ۵۹/۹/۲۴

بزرگترین نعمتش را کنند ، قرآن
کریم میفرماید بزرگترین نعمت
الهی هدایت الهی است هر گاه
هدایت الهی برگزیده و فرستاده
شود و آن گروه پشت به آن نمایند
و روبرو گردانند و در گوشه هایشان
را بگیرند و به هرنحوی کفران
این نعمت کننده عذاب دنیوی
الهی علاوه بر عذاب اخروی نازل
خواهد شد . هم اکنون هم هدایت
الهی بر تمام عالم عرضه شده
و آن امام است . مواظب باشید
که کاری نکنید که کفران شود سعی
کنید به نوحا حسن از این نعمت
استفاده کنید و اگر نه عذاب
الهی بر شما نازل خواهد شد
همان گونه که بر قوم نوح و عاد و
ثمود و غیره نازل شد پروردگار
عالم ملت ایران و تمام ملت های
دیگر را در امتحانی سخت قرار داده

هرگز همدیگر را بدو ن پیشوند
(برادر) صدان زید این کلمه
بقدری بزرگ و پر معناست که
حساب ندارد . کلمه برادر کلید
تمام آشتیها است . هر گاه با هم
اختلافی پیدا کردید پیش دستی
کنید و همدیگر را به لفظ برادر صدا
بزنید حتی اگر فقط به لفظ و زبان
باشد این کلمه پشت دشمنان را
می شکنند نقشه های آنها را بر باد
خواهد داد . سعی کنید در امور
مادی مخصوصاً " همدیگر را بر هم
ترجیح دهید تا روانتان نیگو
شود .

* * * * *
(فکیف کان عذابی ونذر)
(القمر)
پروردگار عالم زمانی
عذاب دنیوی خودش را فرسو
میفرستد که گروهی کف از نعمت

دیگر محرک کارها یگان و تحریکات
خدا خواهد شد ، عظمت خدا برایتان
معلوم خواهد گشت ، اخلاقتان
نیکو خواهد شد و در قلبها یگان
ترم و جلال خواهد گرفت نماز
خواندن چنان برایتان شیرین
میشود که چیزی دیگر برای مقیاس
با آن پیدا نخواهید کرد . اندیشه
یتان چنان آماده پذیرش حقایق
خواهد شد که سختی و مشکلات
موضوعات و مسائل را به آسانی
قبول و درک خواهید نمود . در بینتان
چنان وحدتی بوجود خواهد آمد
که گوئی با هم ولایت پیدا کرده اید
و تمام اینها و هزاران نعمت دیگر
را فقط در قرآن بدست خواهید
آورد در قرآن خدا چنان تجلی
پیدا کرده که انسان دیگر خدا را
میبیند . با مطالعه و دقت در قرآن
انسان چنان خدا را حس میکند که
در مقابل عظمتش ذره ای بیش
نخواهد شد آیات بالا برای من
بهترین دلیل و نشانه است .

بیاد شهدای ...

" وصیت نامه پادشاه شهید اکبر
ختائوسی "

بنام خدا

(فذكر ان نعمت الذکری) (امام علی)
" پس تذکر بده که اگر تذکر دهمی
سودمند خواهی بود "
" ای حسابان لن یقدر علیه احد "
" ای حسابان لم یره احد "
(بلد)
به خدا چنان معرفت پیدا کنید
که گوئی او را با تمام وجودتان
حس میکنید چنان در خدا حل
کنید که گوئی که او را میبینید
و با او زندگی میکنید خدا را همیشه
چنان درک کنید که این موضوع
برایتان چنان شود که یک قادری
و توانائی و ناظری شما را و حرکات
و گفتار و رفتار تان را میبیند
وقتی خدا برای ما به حدی آشکار
شود که او را ببینید آنگاه دیگر
انحراف پیدا نخواهید کرد آنگاه

* * * * *

در جنگ جوهره انسان که باید همیشه متحرک و فعال باشد، پروزمی کند .

شهید مسعود براتی

بقیه از صفحه ۱۳

شهید خانواده و گروهان هستم و این نشانگر آن است که مسعود مسئله اصلی را برداشتن موانع راه خدا جهت تحقق قانون خدا می دانست و عینیت آن را در این زمان در مبارزه جهت آزاد سازی قدس از طریق کربلا و سقوط فاشیسم می دید و مسلماً " در این راه حاضر به هرگونه ایثار و فداکاری بود .

ب - شهید براتی همیشه رزمنده اسلام بود :

۱ - مسعود عشق زیادی به فرا گرفتن فنون نظامی و کاربرد اسلحه های گوناگون داشت و این علاقه سبب شد به او طرز کار تعداد زیادی از اسلحه ها را یاد بگیرد ، مسعود در طی مدت که در گلف اهواز بود دوره آموزش موشک تا و در آگون و سام ۹ راهی بیند و بین ۳۰۰ نفر سبب تنهاکسی است که در امتحان موشک سام ۹ قبول میشود و یاد رنگ روز وقتی مسعود به جبهه می رود یکی از همسنگران که تفنگ ۳ داشته ، دستگاه چکاننده تفنگ را بازمی کند ، فرمانده سپاه در اعتراض به این برادر می گوید چرا این دستگاه را باز کردی ، باز بسته کردن این قسمت فقط در صلاحیت ارتش است و من نمی توانم آنرا ببندم ولی همسنگرش در جواب می گوید غصه نخور مسعود را راد ارم و مسعود آن شاگرد مومن مکتب اسلام با آرامش خود وارد میشود و دستگاه را می بندد

۲ - رابطه کار نظامی و ایدئولوژی

البته آنچه در این جا قابل بررسی است این است که مسعود با وجود عشق زیاد به فنون رزمی ، بخوبی رابطه بین کار نظامی و سیاسی ایدئولوژیک را بیرون آورد به طوری که او در یادداشتی مأموریت خود را مبارزه برای گسترش امت واحد می داند و با شیوه هایش نشان می داد که فرد مکتبی نه کسی است که به کارهای تئوریک صرف مشغول باشد و نه فردی است که صرفاً به کارهای نظامی و ماجراجویی تن دهد مسعود و دیگر شهدای راه قرآن و حقیقت نشان دادند که فرد مکتبی کسی است که سلاحش را به خاطر تحقق اهداف الهی و همچنین رشد انسانها از طریق شرکت در عمل صالح زمان خود بگاری گیرد ، در همین رابطه می بینیم که مسعود از یک سومو قعی که هنوز به جبهه نرفته بود مشغول فراگیری فنون رزمی و انتقال آنها به همزمانش می شود و در کنار آن به تحلیل وقایع برای رسیدن به شیوه هایی جهت خنثی نمودن توطئه های دشمن می پرداخت و از سوی دیگر رجبیه جایی که به ظاهر فقط باید در آن کار نظامی کرد در کنار رگیری نظامی با کسار به دست هم رزمش که سواد نداشت سواد می آموخت همچنین اوقاتی از وقتش را سنگر برای کار کردن روی قرآن اختصاص داد و بود و او نشان داد که یک مسلمان نه تنها باید کار نظامی را از سیاسی جدا نماند بلکه باید یک کادر همه جانبه باشد چرا که انبیا و سایر الگوهای مانیز این چنین بودند و اسلام به این کادرها محتاج است ، عشق مسعود به قرآن و احکام الهی سبب شد به بود که مسعود هیچگاه نسبت به توطئه های دشمن ساده اندیش نباشد و به همین دلیل همیشه مسلح به سلاح سرد از قبیل چاقو و ... بود مسعود در یک دست مکتب را داشت و در دست دیگر سلاحش را .

۳ - " حرکت مسترجهت آمادگی برای مبارزه با دشمن از ویژگیهای دیگر مسعود که بیانگر قدرت رزمندگسی وی بود استمرار او در روزهای ایزق قبیل دوه کوهنوردی و تکواندو و ... است مسعود در بیشتر رشته های ورزشی مهارت زیادی داشت ولی همیشه بر این امر تاکید داشت که این فنون را در مواقع لازم و خاص خودش بکارگیرد تا این مهارتها و بکارگیری آنها در مواقع غیر ضروری سبب غرور نگردد مسعود سعی زیادی داشت که مهارتها و فنون خود را به

اسم: مسعود براتی گودرزی
شغل: جانباز اسلام



مأموریت: مبارزه برای گسترش امت واحد

" قسمتی از یادداشتهای شهید مسعود براتی گودرزی "

" وصیت نامه مجاهد شهید مسعود براتی گودرزی "

بنام خدای شهیدان

خدمت پدر و مادر عزیزم امیدوارم که از دوری من رنجی نبرید چون من هر جا که باشم برای اسلام میکوشم و برای خدا جهاد میکنم ، پدر و مادر عزیزم این راه را خودم انتخاب کرده ام و کسی آن را بمن تحمیل نکرده است ، پدر و مادر خوب و مهربانم هر روزی که میگذرد شاهد توطئه های شیطان بزرگ بر علیه اسلام و انقلاب ایران هستیم و هر روز شاهد رنجیدگی تر شدن امام از دست این جنایتکاران میباشیم . پدر و مادرم در زمان امام حسین مردم کوفه به امام پشت کردند و او را تنها گذاشتند و حالاً نایبش امام خمینی که راه او را می رود و فرستاد کمک سر میدهد ما او را مثل مردم کوفه تنها خواهیم گذاشت بلکه قطره ای از دریای بیکران شهیدان راهش را خواهیم بود ، پدر عزیزم حال و در این برهه از زمان شما باید حسین و ارفرزند ان خود را برای دفاع از اسلام بصره زهرا فرستاد تا به گفته امام مسان خمینی بزرگ با کفاری بجنگد و این امری است که ما مست . پدر عزیزم : قدری به خود آمد و ببینید که آیا راه اصیل اسلام را می پیماید یا نه و اگر در خط اسلام نیستید سعی کنید به آن برگشته و در راه الله از همه چیزتان ، فرزند و مال وزن و غیره بگذرید که تمام آنها از طرف خداست و باید در راه او مصرف شود پدر جان تویک ارثی هستی یکی از افراد ارتش اسلام ، پس سعی کن که حامی امام بود و او را و اطاعت کنی و از راهش منحرف نشوی ، مادرم تو که فرزندت را با شادی به سوی جبهه روانه میسازی از شهادتت دلگیری و ناراحت نشو چونکه فرزندت در راه اسلام قدم برداشته .

مادرم ، عزیزم ، وصیت به شما این است که زینب و ابرهه راه خود که همان اسلام است ادامه دهی و از امام زمان خمینی بزرگ پیروی کرد و او را رهبریدانید و جان را فدای راهش سازید ، مادرم سعی کن در سیج شرکت کنی تا اگر روزی پسرت به شهادت رسید بتوانی ادامه دهنده راهش باشی ، مادر جان سعی کن در خط امام باشی و به دستورات او گوش فراد میدی و خواهی که این پیرمرد را بیشتر از این اذیت نکنند ، در تظاهراتی که از طرف نهاد های امام است شرکت کنید با من حرفین که در شهرها دست به تضعیف انقلاب میزنند بشدت مبارزه کنید مادر جان در صورت شهادت من برایم گریه نکنید بلکه از این که توانسته ای فرزندت را قربانی اسلام بکنی بخود بیال و افتخار کن چون خون من رنگین تراز خون حضرت قاسم ویا ۴۰۰ تن پاسداری که در خونین شهریه شهادت رسیدند نیست مادروید مهربانم از فعالیت های محمد و محمود در گروه جلوگیری نکنید و اجازه دهید که آنها در گروه برای اسلام خدمت کنند .

پدر جان در صورت امکان اگر شهید شدم پول ماهیانه همراهه اش را با نصف آن را به بچه های گروه بدهید بعد از شهادت تم لباسهایم اگر قابل استفاده بود بدهید بچه ها از آنها استفاده کنند در غیر این صورت آنها را فروخته و در راه اسلام خرج کنید و در پایان باز تاکید میکنم که با با و اما مان شما را به خدا قسم میدهم که در خط اسلام بودم و سعی کنید سرباز اسلام باشید و از شهید شدن فرزندتان ناراحت نشوید وصیت دیگری که روی آن فرستاد تاکید میکنم این است که وقتی به شهادت رسیدم به اهل فامیل بگویند : " مسعود راه امام را میرفت و هر کس که امام را قبول ندارد نباید برای فاتحه بر سر قبر من بیاید چون در غیر این صورت به خدا شکایت خواهم کرد و آنها را نخواهم بخشید مادرم خوب تربیت کردم و سعی کنید یکی از اربابان امام خمینی یا امام زمان باشد در پیایان آرزوی طول عمر برای رهبر عزیزمان خمینی بت شکن میکنم و از خدا میخواهم که او را در زیر چتر حمایت خود از شر شیطان حفظ و محفوظ نگه دارد .

۲۹ آذر ۵۹ مطابق با ۱۳ صفر ۱۴۰۲ پسران مسعود

تظیر کم و زیاد کردن واردات و صادرات و غیره اگر چه در مقطع ممکن است تاثیری داشته باشد ولی با این وجود نمی تواند یک مبارزه ریشه ای با بحرانهای اقتصادی باشد بلکه برای حل مسئله اقتصادی باید با تکیه بر بسیج مستضعفین اقدام کرد ، از جمله تشکیل هیئت های هفت نفره جهت تقسیم عادلانه زمین که هم نیاز مستضعفین دهقان است و هم نیاز زمین ، تا استعداد ها با بارور گردد . از آنجایی که کار تولیدی را فقط در شکل اقتصادی اثر نمی توان خلاصه کرد می توان گفت که مسعود سعی داشت به اندازهای که با رسیاسی ایدئولوژیک دارد به همان اندازه اندوخته هایش را انتقال دهد و این راهم کار تولیدی می دانسته تولید استقلال ، در این رابطه می توان از این شیوه مسعود که همیشه سعی داشت مهارتها و فنون خود

دیگر همزمانش انتقال دهد و در این رابطه بسیار جدیت به خرج میداد بطوری که هر موقع در امر ورزش و کوهنوردی از فردی سستی می دید با او برخورد قاطع می کرد و این عمل بیانگر عشق مسعود به رشد انسانها و پرورش افراد انقلابی و با تقوی بود .

ج - تولید وجه لایف تک انسان مکتبی :

مسعود در رابطه با کار تولیدی بسیار فعال بود چرا که این امر را یکی از خصایص مهم یک فرد مکتبی می دانست و برای او تولید در جهت نیاز اصیل مستضعفین یک امر ضروری بود از جمله فعالیت های مسعود در امر تولید شرکت وی در هیئت هفت نفره تقسیم زمین اراک بود ، مسعود با فعالیت خود در هیئتهای هفت نفره رهنمودی بماند و آن شیوه های بسیجی به جای شیوه های کلاسیک جهت حل مسائل اقتصادی است او این کار خود گفت که شیوه هایی



شهید مسعود براتی

رابطه دیگران یاد دهد و رشد را در بدن و کم کردن از خود می دید به عنوان یک شیوه تولید ذکر کرد چرا که اصلاً مکانیزم تولید در اسلام، انسان سازی است و مسعود همگام با رشد خودش در این رابطه نیز بسیار فعال بود و نمونه بارز بر خوردن او با خانواده اش بود.

آری، با لایحه عشق به خدا و مکتب امام و همچنین نیاز به مبارزه در راه آزادی کربلا و قدس عزیز از یک سو و کینه نسبت به کفر صدامی از سوی دیگر مسعود را به جبهه کشاند تا اینکه در یک عمل صالح تهاجمی علیه کفر کمپ دیویدی جهت آزادی آلبو غفری جنوبی در تاریخ ۱۸ بهمن ۵۹ به دست متجاوزین آمریکایی صدامی به شهادت بوسه میزند و در خون پاک خود میغلطد و کفرانسان طائف را مسخره می کند. شهادت مسعود در حالی بود که حمله هنوز تمام نشده و شور شلیک گلوله بسوی دشمن در سر هر عاشقی بود ولی مسعود با این که تا همان لحظه در حمله بود به جای ادامه آن یک امر دیگر را ضروری تر می بیند و ناگهان به یاد ابوالفضل آن سقای تشنه لب می افتد و تصمیم می گیرد در این لحظه یک کار حضرت عباسی کند و در این جاست که علی رغم همه عشقش به مبارزه و درگیری نظامی با دشمن به سراغ بهیاری می رود تا شاید بتواند برادران زخمی غرق در خونش را مدد او کند که در این هنگام ترکش خیمه های دشمن به قلب کوچک ولی یکپارچه عاشق مسعود که بقول امام این قلبها ارزشش از صد ها قلم و زبان مایبشتر است اصابت میکند و او را در حین این عمل حضرت عباسی به شهادت میرساند. خون مسعود با جوشش از قلبش فوراً ن می کند و هنوز هم این خون از جوشش باز نیفتاده است. آری مسعود رستگارش را در جای بستر رفته سنگر شهادت را برگزید و در این سنگر در زیر رگبار گلوله های خمسه خمسه و خیمه دشمن در حال سینه خیز سرور و توحیدی «برخیزید» را آهنگ کرد «یا ایها الذین آمنوا صبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون» (آیه ۲۰۰ سوره آل عمران) او با این کار مقاومت کرد و دیگران را به مقاومت دعوت کرد و با همسنگران پیوند خورد و تقوی پیشه کرد و رستگار شد، او گفت برخیزید، یعنی «قوموا قینام کید، اگر خواهید بیدار شوید اگر بیدارید بنشینید اگر نشسته اید بلند شوید و اگر ایستاده اید خیز گرفته، نازعات شوید و از جای خود بکنید و آنگاه ناشط شد و با خوشحالی با مشکلات درگیر شوید و آنگاه موحدی شوید تسبیح گرسناگر در دریای بیکران شهید او در این عمل صالح شتاب گیرید تا سابقات شده و مدبر روی زمین گردید (۱) تا رهبر بگوید: رهبر من و شما طفل ۱۲ ساله ای است...» که استراتژی سکون را با عمل صالح تهاجمی خود می شکند و راه را به تماشای چنان نشان می دهد. آری مسعود زنده تر است و در کنار ماست این است دیالکتیک مسعود و ایمن است شیء عین ربط و نیاز و این است فقیر الی الله.

ای شهید حق آیم بسویت
مسعود براتی آیم بسویت
بهشت موعود در پیش رویت
مادر زنده مروی تو الله اکبر
پدر نشسته سوگ تو الله اکبر
از این آمریکای جانی الله اکبر
انتقامت را می گیریم الله اکبر
مرگ به صدام مرگ به صدام
مرگ به صدام مرگ به صدام

یاورقی (۱): اشاره به آیات ۱ تا ۵ سوره نازعات

عدل الهی و حکم به باطن

"بنام خدای شهیدان"

بعضی ولایت فقیه را می بینند و از گاهی زیادی هم برخوردارند. ولی وقتی پای جنگ میان میاید، اصلی ترین امر ولی فقیه میگرد و و باوقتی پای آزادی قسد می از طریق کربلا و یازمین دار شدن مستضعفین دهقانان و مبارزه با کمپ دیوید و... مطرح میشود، دیگر صلاح خود را در این می بینند که در ولایت امام به اشکال مختلفی شک کنند. یکی امام را دیکتاتور می نامد و دیگری دیکتاتوری مستضعفین را مطرح میکند، سومی اجماع علمارا و چهارمی شورای مراجع را پنجوی اصلی کردن مسائل فرعی را و ششمی تعمیم امامت را. آنوقت سر حساب می شویم که اینها بزم خودشان امام زمان را بدینند لیل قبول دارند که غایب است و بزم آنها کاری به آنها ندارد. ولی نه فلسفه انتظار را می دانند و نه فلسفه غیبت را. (۱) - در این باره بعد توضیح خواهیم داد.

عدل الهی و حکم به باطن :
* آقاسید محمد تقی و امام زمان (عج) : در چند دهه قبل مردی بود بنام حاج سید محمد تقی که در ظاهر انتظار ظهور امام زمان علیه السلام را می کشید. یکروز طلبه ای از او پرسید : الف - اگر امام زمان ظهور کنند واقعا "تسلیم امر او خواهی شد" سید در جواب گفت: "حتما".
ب - آیا اینرا قبول داری که امام زمان به باطن قضایا و امور حکم می کنند و نه به ظاهر؟ آیا قبول داری که خود امام جوهر تاریخی و شناختشان از باطن به ظاهر است؟ در جواب گفت: آری اینرا می دانم و قبول دارم.
ج - آیا اینرا می دانی و قبول داری که امام زمان (عج) به عدل حکم می کنند آنهم عدل الهی گفتند: بلی.
د - آیات عرف عدل را می دانی که "العدل یضتح کل شیئ فی موضعها" یعنی که عدل الهی ایجاب می کند که هر چیزی سر جای طبیعی و مرتبه وجودی اش قرار گیرد و ظلم و استثمار در کار نباشد؟ در جواب گفت اینرا هم می دانم و هم قبول دارم.
آنگاه طلبه از آقاسید محمد تقی پرسید اگر امام زمان ظهور کنند و بگویند این خانه ای که تودر آن نشسته ای مشروعیت ندارد چه کاری کنی؟ آقا سید کمی فکر کرد و گفت: من در برابر خانه پول داده و سند آنرا گرفته ام و کاملاً مشروع است.
طلبه گفت تو که قبول کردی که امام زمان به عدل و به باطن حکم می کند ممکن است معلوم شود که پدر یا پدر بزرگ تو مالش نامشروع بوده و باید به صاحبان اصلی اش برگرداند شود. سید کمی تأمل کرد و گفت خدا کند که اینطور نباشد.
سوالات از سید ادامه یافت. از او پرسید که اگر امام زمان ظهور کنند و بگویند زن توبه تو حرام است چه می کنی؟ کمی فکر کرد و گفت از واج من و همسر قانونی و شرعی بوده و اشکالی در آن نیست. گفت از آنجا که امام به عدل و باطن حکم می کنند ممکن است پنج شش جد قبل از پدرت زنی را به عقد موقت خود در آورده باشد و همسر تو از نسل آن زن باشد سید کمی تأمل کرد و گفت خدا کند که اینطور نباشد و امام چنین چیزی را نگویند.
سوال سوم کمی عمیقتر شد پرسید اگر امام ظهور کنند و بگویند که توست نیستی چه می کنی؟ کمی فکر کرد و گفت من در رسیدن خود شک نمی کنم گفت امام که به قسط و عدل و به باطن حکم می کنند ممکن است ده نسل قبل اشتباهی رخ داده باشد و سیادت را طبق بعضی رسوم

خریداری کرده باشند آنوقت چه می کنی؟! سید کمی بیشتر تأمل کرد و گفت: در آنصورت در امام زمان شک نخواهم کرد و خواه گفتم: از کجا معلوم امام زمان باشی؟

شهید آیت الله دستغیب

بقیه از صفحه ۱۲

نفتان را به روی دشمنان اسلام ببندید.
نفر ایشان در مورد صلح امام حسن (ع)
وقتی که خواست با معاویه بجنگد رسید به جای که دیدند ارد اعیان. یعنی خود اصحابش به معاویه نوشتند که اجازه بد خود مان حسن را دست بسته تسلیم تو کنیم. امام بی یار امام دید عجب همین هایی که در رو بر می اند، ریختند سجاده از زیرایش کشیدند. جنگ راه کرد امام و سازش با معاویه استغفر الله "خطبه ۶۰/۹/۱۱"
"بزدنا علما و عملا و الحقنا بالصالحین" والسلام

سر صبه به مردم در جهت بازسازی اقتصاد کشور کمک کنید به اقتصاد کشور چیز های زائد را دنبال نرود که بخواهید دست دراز کنید جلوی انگلیس و آمریکا. انشا الله پولهایتان را به بانکها بسپارید، تا پرخهای اقتصادی مملکت به حرکت درآید. "خطبه ۶۰/۹/۸"
معنای فتح الفتوح کسی که دل خودش را فتح کرد. جنود نفس و هوای رازد عقب و دلش باز شد به یاد خدا، ذکر خدا، بقای

باز شد به یاد خدا، ذکر خدا، بقای

ابراهمیسم

بقیه از صفحه ۹
 جاودانگی و خلود را از جمله صفات الهی میدانند. پس یکی از ملاکها اعتقادی ابراهیم (ع) همانا جاودانگی "خدا است".
 ابراهیم (ع) آنگاه که ماه از آسمان غایب می‌شود، بر اساس ملاک فوق آن رانیزنی می‌کند و می‌گوید "لَمَّا لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ" "هرآینه اگر راه‌نمایم را پروردگارم از گمراهان خواهد بود". ابراهیم میدانده که اگر به پروردگاری که او را سرشته و مستمرا هدایت میکند ایمان نداشت، در بر خوردن با این پدیده‌ها به تسلیم و پرستش خود به خودی‌تان می‌افتاد و به صفوف مشرکین می‌پیوست.

ابراهیم (ع) در سیر بر خوردن با پدیده‌ها، آنها را "الله" نمی‌نامد بلکه می‌گوید: "هَذَا رَبِّي" می‌گوید این پروردگار من است که مرا رشد و پرورش خواهد داد. پس ملاک دیگری نیز مطرح می‌شود و آن اینکه ابراهیم (ع) بدنبال خدایی است که ایمان به او و حرکت برای قرب به او موجب رشد و تعالی انسان بشود و ناخالصیها و غلطیها را برزاید. بی‌شک این پدیده‌ها دارنده این ویژگی نبوده و قادر به پاسخگویی به نیاز ابراهیم (ع) نبودند.

از سوی دیگری بینیم که ابراهیم (ع) در بر خوردن با خورشید طالع، او را بزرگتر می‌یابد. اما با افول آن، خطاب به قومی که در بندت و پرده‌های خویش باقی مانده‌اند و پدیده‌ها را به عنوان خدای خویش پذیرفته‌اند، قاطعانه می‌گوید که من از آنچه شما شرک می‌آوردید، بیزارم. "فَلَمَّا رَأَى السَّمَاءَ بَازُغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ" در اینجا ملاک دیگری مطرح شده است. "هَذَا أَكْبَرُ" ابراهیم (ع) بدنبال آن خدایی است که بزرگتر باشد و می‌بیند که واقعیت خورشید با این ملاک سازگار نیست.

در نتیجه با محک زدن ستاره و ماه و خورشید، به این نتیجه می‌رسد که اگر اینان را به عنوان رب - خویش بپذیرد، به صفوف مشرکان خواهد پیوست. آنگاه با قاطعیت از آنچه که گمراهان می‌پرستند، بی‌زاری و دوری می‌جوید.

پس در سیر بر خوردن ابراهیم (ع) می‌بینیم که او با مسلح بودن به ملاکهای مشخص و ایمان به خدا، با ماه و خورشید و ستارگان برخورد میکند و به اعتبار همان ایمان، به نفی ربوبیت و اصلت ایشان پدیده‌ها می‌پردازد. تنها برخورد هدفدار با پدیده‌ها از طریق تکیه به ملاکهای واقعی، ضامن رشد و

تعالی انسان خواهد بود.
شیوه تجربی
 بر خوردن با قیام خونین ۱۷ شهریور در بر خوردن با قیام خونین میدان سرخ شهدا، آنها که به پیروزی حق بر باطل و پیروزی خون بر شمشیر ایمان نداشتند و به تجربه اصلت میدادند، حماسه ایثار و شهادت مردم را حرکت خود بخودی، کورویی اثرنا میدند و به این جمع بندی رسیدند که رژیم قدرت و حاکمیت دارد و با آن نمی‌توان برخورد قهرآمیز کرد. بلکه باید با شیوه‌های سیاسی کاری از آن امتیاز گرفت. با این دیدگاه با خط رژیم که ایجاد فضای باز سیاسی بود، به سازش رسیدند.

شیوه ایمانی و تجربی
 در بر خوردن با جنگ اسلام و کفر در رابطه با جنگ اسلام و کفر نیز بر خوردن با نفعلی و بدون ملاک با شهادت رزمندگان اسلام، ما را به یاس خواهد کشاند. چنانکه عده‌ای معتقدند افراد کارآموده و مجربی که ماهها در صف مقدم جبهه شیوه آموخته و صلاحیت کسب کرده‌اند، نباید در عملیات شرکت کنند. زیرا شهادت آنان ضربه به اسلام و انقلاب خواهد بود. این جریان با دیدگاه فوق در برابر شهادت جمعی این رزمندگان، به یاس و ناامیدی می‌افتند. حال آنکه حضرت علی بن ابیطالب در در رابطه با پیکار حق و باطل، ملاک توحیدی ارائه کرده و گفته‌اند:

"بَقِيَّةُ السَّيْفِ أَتَقِي عُدُوَّ أَكْثَرُوا وَلَدًا" "تا قیامنده از میان نبرد اسلام و کفر به شما رها یلترند و به زاد و ولد فرو نترسند. اینها توجه ندارند که رزمنده اسلام از زمان حضور در جبهه تا لحظه شهادت، تجربیات و دستاوردهای خویش را از موضع زندگی اخروی و جان برکف آموزش داده و کارسازی می‌کند و پس از خویش "بقیه السیف" او بصورت کادریهای پخته و مجرب راه را ادامه خواهند داد. از طرف دیگر آنها که در کوچ و محله و شهر شهید را می‌شناخته و به عشق می‌ورزیده‌اند، پس از شهادت بی‌احساس نیاز کرده و راه او را با شتاب بیشتری دنبال می‌کنند. شورش و شوق بقیه السیف مسلما در میدان عمل به تجربه هم مسلح گردیده و تداوم بخش راه شهدا خواهد بود.

دنیا له روش استدلال ابراهیم (ع) به همین ترتیب ابراهیم (ع) تنها با تکیه به ملاکهای توحیدی بود که به ربوبیت پدیده‌ها تن‌داد و با آنها به سازش نیفتاد و در سیر بر خوردن خویش از یافتن خداوند واحد عادل ناامید نگشت. ما با ایمان به اینکه حضرت ابراهیم (ع) منادی منطق توحید بود و این منطق را در قالب شیوه

های خویش تحقق بخشیده است. می‌خواهیم به حد توان، نیاز و انگیزه واقعی او را در سیرت‌آیات مورد بحث بشناسیم و همراه یاد رک آن، به راهنمای عملی در زندگی خویش دست یابیم. ما با ایمان به توحیدی بودن شیوه حضرت ابراهیم (ع)، پاره‌ای از تصویری ذهنی را که در رابطه با بر خوردن وی مطرح می‌شود، تفهیم کردیم. اکنون می‌خواهیم برداشت خود را نسبت به شیوه بر خوردن آن حضرت طرح‌نماییم. از نظر ما حضرت ابراهیم (ع) در بر خوردن با پدیده‌ها بدنبال آن بود تا خدایی را که جامع جمیع صفات (جاودانگی علم، وحدانیت و...) می‌باشد بشناسد تا در سایه آن رشد یابد و هدایت شود. ابراهیم (ع) بدنبال آن بود که ایمان خود را به خدای مستقل از ذهن و حاکم بر پدیده‌ها "الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ" تحقق بدهد. بدنبال آن بود تا ایمان خود را مسلح به علم و حکمت نموده و به یقین مبدل سازد. برای این منظور بر خوردن خویش را از ماه و ستاره و خورشید که نسبت به سایر پدیده‌ها شکوه و عظمت بیشتری دارند، آغاز می‌کند. از خویشتن سوال می‌کند آیا این ستاره که پایدار نیست، آیا این ماه که خود مبدأ حرکت نبوده و ثبات ندارد آیا این... می‌توانند رب من باشند و مرا آفریده و مستمرا هدایت نمایند؟

در تفهیم سوره حمد چنین می‌گویند: "مَنْ ظَلَمَنِي وَجَدَنِي" هر که مرا (خدا را) بطلبد، مرا می‌یابد. آری ابراهیم (ع) خداوند را یافت چرا که پدیده‌ها بدلیل افول یا بطنگی و ناپایداری نمی‌توانند در باطن باشند و خداوند، واحد و مستقل از پدیده‌ها و حاکم بر پدیده‌هاست و در مقابل، تمام پدیده‌ها عین ربط و نیاز به خالق خویش می‌باشند.

به نظر ما این حالت، در تفهیم سوره حمد امام چنین بیان شده است: "اگر بنا باشد که تمام اوصاف کمال بطور نا متناهی و بطور غیر محدود در او نباشد متبدل می‌شود. آنکه ما خیال می‌کردیم واجب است که واجب نبود. بلکه ممکن بوده یعنی آنچه را که می‌پنداشتیم خدا بود خدا نبود بلکه از پدیده‌ها بود و از تمام و پدیده‌ها ما اینجاست که ابراهیم (ع) در انتهای یک سیر بر خوردن از "الَّذِي فَطَرَنِي" به "الَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ" میرسد. بدان معنی که خداوند حاکم بر آسمانها و زمین (پدیده‌ها) بوده و آنها را سرشته و آفریده است. به این ترتیب ابراهیم (ع) به تبیین رابطه خدا و پدیده‌ها نیز دست می‌یابد. این رابطه همانا عطش و نیاز پدیده‌ها (به اعتبار فطرت خدا و خدادادی) نسبت به خداوند واحد است.

ابراهیم (ع) اعلام می‌کند: "إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ

هدایت نکنند هر آینه از قوم گمراهان می‌شوم". فطرت خدا جوی ابراهیم (ع) او را بر آن میداشت که بدنبال شناخت خداوند بر آید و به اعتبار همین فطرت حق طلب توانست کمال مطلق را بیابد و به زمره موقنین ملحق گردد. این امر تحقق حدیث قدسی است که:

شاید این مسئله مطرح شود که اساساً چرا برای ابراهیم (ع) چنین سوالی مطرح می‌شود؟ اگر او به خدای واحد ایمان داشته است چگونه نسبت به پدیده‌ها گمان ربوبیت می‌برد؟ در این رابطه باید توجه داشت که هیچ انسانی نیست که به شناخت مطلق نسبت به ذات حق تعالی برسد. چنانکه امام خمینی

در آن روزهایی که شهرام هنوز اعلام موضع نکرده بود آموزشهای خود را به آیت‌ات قرآن مستند میکرد، به شهید صمدیه گفته بود: قرآن هم به روشهای تجربی اصلت میدهد. چنانکه حضرت ابراهیم (ع) در اولین تجربه گفتند: خدای من ستاره است و در دومین تجربه گفتند خدای من ماه است و در سومین تجربه گفتند خدای من خورشید است و پس از جمع بندی این تجربیات حضرت ابراهیم (ع) به خدای بزرگتر از خورشید رسیدند. از اینجا شهرام نتیجه گرفته بود که چون حضرت ابراهیم (ع) به تجربه اصلت داده، ما هم بایستی همین روش را بکار بگیریم. لغزش معرفتی شهرام از همین جا شروع شد که فطرت خدای جوی بشری را فراموش کرده و تحقق طلبی ابراهیم (ع) را تجربه گرائی، تفسیر به رأی کرد. مسلم است از این طریق تجربی، خدایی حاصل میشود که با تجربه جدیدتر تغییر کرده و نفی می‌شود.

هدایت نکنند هر آینه از قوم گمراهان می‌شوم". فطرت خدا جوی ابراهیم (ع) او را بر آن میداشت که بدنبال شناخت خداوند بر آید و به اعتبار همین فطرت حق طلب توانست کمال مطلق را بیابد و به زمره موقنین ملحق گردد. این امر تحقق حدیث قدسی است که:

بقیه از صفحه ۱۰

حسین فهمید ۵۰۰۰۰

بقیه از صفحه ۱۰

منطقه و بویژه انقلاب اسلامی ایران را زیر نظر بگیرد، اما نمی تواند درک کند که مردم عربستان با صدور انقلاب اسلامی و شیوه های مکتبی آن رشد می کنند، با حرکت خودجوش و زور در ایام حج بیدار می شوند و از درون حرکت جوهری می کنند. نتیجتاً نطفه قیام در عربستان شکل میگیرد. شیطان بزرگ نمی تواند بفهمد که توده ها فعال و بیدار عربستان در پیرسنل آواکس هم نفوذ خواهند کرد، بی آنکه آواکس قدرت ردیابی آنان را داشته باشند. بعنوان مثال فرستادن آواکس به عربستان موجب می گردد که وابستگی آل سعود به امپریالیسم امریکا برای توده ها واضح تر و صریح تر گردد و موجب بسیج مستضعفین علیه سلطنت آل سعود شود. امریکا فی الحال خیال خود را برای حفظ منافع نفتی شان می فرستند در حالیکه این عمل، به ضد خودش تبدیل میگردد و موجب میشود که

توده ها بطور بنیادی به فکرواژگونی سلطنت بیفتند که پایگاه اصلی وابستگی به امپریالیسم است به این ترتیب زندگی اخروی که همان حرکت فطری توده های شهادت طلب است، می تواند پیاپی پیچیده ترین توطئه های امپریالیسم نیز مبارزه بنیادی بکند از اینجا - ست که امام خمینی با تأیید حرکت شهید حسین فهمیده راه مبارزه واقعی علیه قدرتهای شیطانی را نشان دادند. امام مشخص کردند که تنها با اصلت دادن به همین حرکت های خودجوش است که می توان بطور بنیادی با امپریالیسم مبارزه کرد. امام شهید حسین فهمیده آن طفل ۱۳ ساله ای را که نارنجک به کمر بست و خود را زیر تانک دشمن انداخت، رهبر نامیدند و با این عمل نشان دادند که راه اسلام و راه امام، همانا شیوه های ایثارگرانه و خودجوش فهمیده هاست و تنها با اتخاذ شیوه فهمیده های جنگ است که خوف امپریالیسم در دلها شکسته میشود امام روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان رزمندگان جان برکف را "فتح الفتوح" می نامد و این موضع به تمام ایات چهار این درس بزرگ را میدهد

که پیروی از خط مشی فهمیده ای جنگ، کلید فتح و پیروزی است و تاکتیک های گره گشای ایمن انسانهای عاشق و مومن، با ساده ترین سلاحها، راه گشای حرکت توده ها در مبارزه دراز مدت علیه امپریالیسم خواهد بود. مبادا چنین تلقی شود که زندگی اخروی مرگ شتابان و زودرس است و عملیات بدون شناسایی و بدون سازماندهی، بلکه زندگی اخروی موجب می شود که سازماندهی، شکل مکتبی گرفته و به یک امت واحد و کوچک تبدیل گردد زندگی اخروی موجب تسریع سازماندهی و شکوفایی استعدادها و تحقق عدل الهی می گردد که هر کس در سر جای طبیعی و انقلابی قرار میگیرد. "والسلام"

شیوه مکتبی امام ۰۰۰

بدهیم، نه تنها آخرت بلکه برکات دنیایی را هم خواهیم داشت. و زندگی اخروی جنگ، برکت و مشکلات ناشی از آن، ابتلا و تازیانه تکامل می شود "السخیر فی ما وقع".

شیوه شناخت و معرفی متجاوز به بهترین وجهی می تواند پیچیدگی امپریالیسم در افتاده و آنها را به دنبال این خواستهای حق طلبانه ما بکشد. و در عین حال، مشت محکمی است بر دهان سیاستمداران روشن فکر و کسانی که معتقدند ما به علت سادگی و نداشتن پیچیدگی های سیاسی

آن میخی زد بود، دستگاه مین یا ب درست کرد و میدان مین دشمن را خنثی نمود.

پاورقی (۲) - مقصود حرکت ایثارگرانه برادران رزمنده در جهت انفجار رسد خاکی حمیدیه است که با موفقیت این عملیات صفوف دشمنان زخم پاشیده شد و جو سکوئی که مدت ها در آن جبهه حاکم بود، درهم شکست

خواهیم شد، اما به اعتبار فطرت حوطلب و خدا دادی مستمرانه تما ویربالاتری نسبت به ذات مقدس پروردگار و واقعیت های مستقل از ذهن دست می یابیم و رحمت الهی در امرش و هدایت شامل حال ما خواهد گردید.

ادامه دارد.

پاورقی: برای درک این حالت به پنج مرحله شناخت علمی (ع) در خطبه اول نهج البلاغه و هم چنین به شرح این پنج مرحله در کتاب مینا (وجود) صفحه ۵۶ و همچنین به تفسیر این پنج مرحله از دیدگاه

راه ما جاهد

آنچه که باید در بر خورد با بحث قرآنی ابراهیم مورد توجه قرار گیرد، این است که ما تنها برداشت های خود را از سیر بر خورد حضرت ابراهیم (ع) ذکر می کنیم که بی شک به تعالی و با روری نیازمند است. در ضمن اینکه در این بحث از تفاسیر بسیار از جمله تفسیر پرتوی از قرآن، مفردات راغب، مجمع البیان، المیزان و... همچنین از ترجمه های مختلف قرآن استفاده شده است. هر دو هم نظریه که امام در تفسیر سوره "الحمد" گفته اند:

"قرآن یک کتابی نیست که ما بتوانیم یا کسی دیگر، یک تفسیر جامع آنطور که هست بنویسند. علوم قرآن یک علوم دیگری است ما و رای آنچه ما می فهمیم. ما ها یک صورتی، یک پرده ای از پرده های کتاب خدا می فهمیم و باقی اش محتاج به تفسیر اهل عصمت است که معلم به تعلیمات رسول الله بوده اند"

شده که فطرت خدا جوی بشری را فراموش کرده و تحقق طلبی ابراهیم (ع) را تجربه گرائی تفسیر بر رأی کرده. مسلم است از این طریق تجربی خدائی حاصل می شود که با تجربه جدید تر تغییر کرده و نفی میشود. (برای توضیح بیشتر به کتاب روش رفا لیسیم جلد ۵ نقد و روش تجربی برای رسیدن به خدا توسط علامه طباطبائی و شهید مطهری رجوع شود.)

بهترین شیوه با روری دیدگاه های اعتقادی ما آن است که ابراهیم گونه در پی تحقق آن باشیم. اگر چه در سیر تحقق (توحید عملی) دچار ذهنیت های

در آن روزها فیکه شهرام هنوز اعلام موضع نکرده بود و آموزش خود را به آیات قرآن مستند میکرد: با شهید صمدیه گفته بود: قرآن هم به روشهای تجربی اصالت می دهد چنانکه حضرت ابراهیم (ع) در اولین تجربه گفتند: خدای من ستاره است و در دومین تجربه گفتند: خدای من ماه است و در سومین تجربه گفتند که خدای من خورشید است و پس از جمع بندی این تجربیات حضرت ابراهیم (ع) به خدای بزرگتر از خورشید رسیدند از اینجا شهرام نتیجه گرفته بود که چون حضرت ابراهیم (ع) به تجربه اصالت ما هم بایستی همین روش را بکار گیریم. گفتارش معرفتی شهرام از همین جا شروع

ابراهمیم

و میل از ضلالت به سوی راه راست است و "حنیف" آن کسی است که به راه مستقیم میل می کند. به این ترتیب است که ابراهیم (ع) ملکوت آسمانها و زمین را درک می کند. او به قانون فطرت که جوهره پدیده هاست دست می یابد و خدا - جویی را ویژگی پایداری تمام آنچه که در زمین و آسمان هست، میداند. آن نگاه به اعتبار این شناخت توحیدی، همراه با روی آوردن بسوی خدای واحد گمان به ربوبیت پدیده های رانگی کرده و این ذهنیت را می شکند و وراثت و بیزار ی خود را از مشرکین که برای پدیده ها استقلال و اصلت (ما تریالیسم و اصلت ما هیت) قائل بوده و به آنان نسبت "الوهیت" میدهند، مبرا مینماید. در سیر آیات ۷۶ تا ۸۰ سوره انعام، رشد ابراهیم (ع) و مراحل قرب او به الله را میتوان دید. آنجا که ابراهیم (ع) ایمان خویش را در میدان عمل تحقق بخشیده و به بیعت عمیق تری نسبت به خدا و پدیده ها دست می یابد. ابراهیمیم (ع)

تحقق طلب و نه داد نشمنند تجربه گرا

بر خورد شهید صمدیه لباف با تقی شهرام در سال ۵۲:

* ابراهیم (ع) یک لحظه هم درون و بیرونش متفاوت نبوده است که در درونش با خدا یک طور رابطه داشته باشد و در بیرون و روابط عمومی طور دیگر. آنچه برای ابراهیم (ع) مطرح است خدا پرستی و تحقق توحید در امور روزمره و ریز - مراه زندگی است. ابراهیم (ع) اهل بازی دیپلما تیک نیست که بخواد از هر طریق ممکن با مردم پیوند بخورد و آنان را به سمت خدای واحد رهنمون سازد.

سخن امام..

بقیه از صفحه ۲

سفارتخانه های ماملع مثبتی انجام ندادند و وزارت ارشاد قطع نظر از تلاشهای اخیرش تاکنون نتوانسته است این امر مهم و حیاتی را توسعه دهد و کشور اسلامی مظلومانه مورد هجوم رسانه های گروهی و دستگاههای دعوای پراکنی واقع شده است و لازم است دولت بمقدار قدرت و توانایی این نقیصه رافع کند و برای رساندن صدای مظلومان به جهان بر توسعه شبکه های رادیویی جدید نمایند تا ملتها هر چند مختصراً از آنچه بر ما گذشته است و میگذرد مطلع شوند و گروههایی برای روشنگری و تبلیغ در فرصتهای مناسب بکشورها اعزام که صدای مظلومیت ملت و جرائم قدرتمندان ستگر را با اطلاع ملتها و مظلومان جهان برسانند و له آنان بفهمانند که مخالفان جمهوری اسلامی ایران همانگونه که از اقوال و اعمالشان بخوبی ظاهر میشود مخالفت اصلی و هدفی شان با اسلام است و اسلام هر جا برود اینان مخالفت مینمایند.

۳- ملت ایران پس از انقلاب با مواجهه با اشکالات و گرفتاریهایی که لازمه اجتناب ناپذیر هر انقلابی است میباشند و باید بدانند که این انقلاب چون مردمی و اسلامی است از همه انقلابهای جهان برترتر و کم ضایعه تر است و مردم انقلابی ما باید بدانند که برای حفظ اسلام و انقلاب و نگهبانی از ثمرات آن و پاس از خون شهیدان لازم است از خود صبر و بردباری انقلابی نشان دهند و به تبلیغات غرض البود دشمنان انقلاب و اسلام که باتمام وجود کوشش میکنند تا مردم را از انقلاب و جمهوری اسلامی نگران و دلسرد کنند، گوش فرادهند و باید بدانند که اکثر کسانی که علیه انقلاب سپاشی میکنند از طبقاتی هستند که جلوی استفاده های نامشروع آنان گرفته شده است و یا از عیاشی ها و هرزه گریها بازمانده اند، والا طبقه محروم که اکثریت قاطع را تشکیل میدهند و فاداره اسلام و جمهوری اسلامی میباشند البته هدف بزرگ دارای اشکالات و گرفتاریهای بزرگ نیز هست. طبقات محروم و زجر

کشیده انقلاب باند از پیامبران عظیم الشان و پیغمبر بزرگ اسلام در طول زندگی خصوصاً "سیزده سال قبل از هجرت رنج و زحمت متحمل نشده اند ولی چون هدف بزرگ بود باروی گشاده تحمل کردند و هدف انقلاب ما همان هدف پیامبر عظیم الشان است با صبر و تحمل انقلابی به پیش تا گسترش عدل الهی و اسلام عزیز.

۴- از جمله کمبودهای چشمگیر که پس از انقلاب ناگهان با آن مواجه شده هستیم کمبود قاضی شرع و مبلغ اسلامی است. امروز هزاران قاضی و مبلغ مورد حاجت است که باید با همت اکابر و علمای و مدرسین و فضلاء حوزه هادرسراسر کشور خصوصاً قم، مشهد و شهرستانهای بزرگ تربیت شوند. امروز از گوشه و کنار کشور قاضی میخواهند و مبلغ و هر روز احتیاجات روزافزون میشود. حوزه های علمیه باید با صرف وقت برای این امر بسیار مهم کوشش خستگی ناپذیر نموده و پیاخیزند. البته در قم به همت فضلاء و مدرسین محترم این امر شروع شده است لکن چون حجم کار بسیار زیاد است لازم است حوزه های تعلیماتیشان را افزایش دهند که انشاءالله این کمبودها تا چند سال دیگر رفع شود.

۵- یکی از امور مهمی که مورد توجه بزرگان و علمای حوزه علمیه قم بوده است لکن عمل مثبتی درباره آن انجام نگرفته و ایجاد نظم و انضباط در حوزه ها است که لازم است از حوزه علمیه قم شروع شود و بطور جدی و اساسی عمل شود البته این امر برای حفظ حوزه ها از زور و عناصر منحرف از حیث عقائد و اخلاق و اعمال از اهم وظایف شرعی است که به عهده همه خصوصاً فضلاء و علمای و مدرسین میباشند و با همکاری جدی همگان و تأیید مراجع معظم میتوانند جامعه عمل پوشند. در این زمان که حوزه های علمیه و روحانیو معظم در پیشبرد مقاصد اسلام و تحکیم جمهوری اسلامی نقش بسیار مؤثری دارند شک نیست که قدرتمندان و قدرت طلبان بیکار ننشسته اند، بلکه در تلاشند تا این قدرت فعال را تضعیف کنند و این امر برای آنان میسر نیست مگر بارخنده کردن عناصر فاسد در حوزه ها که از داخل

موجبات تباهی و از کار افتادن این پدید آمده الهی رافراهم آورد و خداوند خواسته بتدریج و در دراز مدت ملت را از آنها مایوس و روی گردان کند و همه میدانیم که اگر خداوند نخواسته حوزه ها از عهد تربیت فقها و علما و خطباء موجه و مورد علاقه مردم بر نیایند و بطور هرج و مرج و بدون برنامه صحیح و ضابطه اسلامی - عقلایی، حوزه ها اداره نشوند باید همه منتظر فاجعه شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ باشیم. و اگر اکنون با همت همگان از سرچشمه فساد جلوگیری نشود فرد او فرداها دیر است و بسا باشد که بجایی رسد که از قدرت همه خارج شود. مقایسه امروز حوزه ها با قبل از انقلاب که روحانیون از سیاست و نظردرامور بواسطه تبلیغات و فشارها و کج فهمیها منعزل و برکنار بودند بسیار نا - بجای و غلط است گر چه ممکن است بعضی کج فهم ها با این امر حیاتی مخالف باشند و یا تر نظم در بینظمی است با توهمات شیطانی دست بگریبان باشند لکن اینان در اقلیت هستند و قشرهای عظیم روحانیون متفکر و متوجه به مسائل و پیشامدها در این فکر هستند و بالاخره همان طوره پاکسازی و تصفیه در همه ارگانهای دولتی و کشوری و لشکری لازم است در حوزه ها و دانشگاهها که همگام با حوزه ها هستند و هر دو از ویژگی خاصی برخوردارند تصفیه و پاکسازی مهم تر است و با تصفیه و ترقی خود ادامه خواهد داد و با انحراف این دو انقلاب و جمهوری از مسیر اصلی خود منحرف خواهد شد.

۶- چنانچه اینجانب و مسئولین جمهوری اسلامی مکرراً اعلام نموده ایم ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران تسلیم احکام مقدس قرآن و اسلامند و بحکم قرآن مجید خود را برادر ایمانی تمام ملتهای اسلامی و کشورهای مختلف از حیث فرهنگ و جغرافیا میدانند و صلح - جوی و زندگانی مسالمت آمیز باتمام دولتها و ملتهارا طالب میباشند و تا دولتی بحرم کشور آنان تجاوز نکند و متعهد به احکام اسلام باشد آنرا برادر خود میدانند و از همه کشورها و ملتها میخواهند که

با هم متحد. یک صدا در مقابل میگیرند و از شهوات حیوانی و نیایی تجاوزگران هرکس باشد قیام کنند گریزان بوده و عالم غیب و رفیق اعلی و خود را از جنگ جهانخواران نجات راباور کرده است. با این خسارات دهند و نیز بحکم اسلام از تجاوز هر چه بزرگ باشد از صحنه خارج بحدود و حقوق خود دفاع کرده نمیشود و همه دیدیم که هر شهانقی و تجاوزگر را تدبیر نمایند و در این برای ملت رشید مارشیدی چشمگیر صورت است که هیچ قدرتی با رومغان آورد بطوری که شهادت با فضل خداوند متعال نمیتواند بی دربی جمهوری اسلامی را آنچنان بیهوده کرد که از آسیب هر مصون گردید. و شهادت هر یک از عزیزان سند رسوایی گروهکهای ملحد و منافق شد و شکست حتی آنانرا تسریع کرد و اکنون به خواست خداوند متعال جمهوری اسلامی ایران از قدرتی برخوردار است که سابقه نداشته است و امید است که دست قدرتمند الهی پشتیبان این ملت مظلوم غارت شده و مستعبد و پشتیبان قوای مسلح نظامی و مردمی در جنبه های بسیار علیه باطل باشد و رحمت حق تعالی بر شهیدان راه حق در طول تاریخ و از یازده خرداد تاکنون سلامت و سعادت نصیب معلولان و مجروحان و ستمدیدگان و آوارگان و بازماندگان شهدا باد.

۸- مراتب تشکر و سپاس خود را متواضعانه تقدیم ملت بزرگو ار متعهد ایران نموده و از خداوند تبارک و تعالی تشکر میکنم که در عصر حاضر که عصر حکومت شیطان بر زمین است چنین ملت آگاه رشید جان نشناسی در راه عقیدت و عاشق لقا الله و مجاهد فی سبیل الله باین کشور طاغوتزده و غارت شده عنایت فرموده که با مجاهدات خویش بدو تکیه بر قدرتها چپوراست بر طاغوتیان غلبه نموده است و دست آنان را از کشور عزیز و مخازن آن کوتاه کرده و منحرفان و منافقان را منزوی نموده و یاز کشور رانده است و از درگاه خداوند متعال عاجزانه خواستار است که

آنان را در صراط مستقیم اعانت فرموده و در مقابل پیش آمدن مشکلات اجتناب ناپذیر دنیاله انقلاب استقامت عطا فرماید و ملت عزیز بدانند که استقامت آنچنان اهمیت ویژه دارد که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله وسلم منقول است که فرموده سوره هود مرایبر کرد که فرموده است تو بیروان است استقامت کن. ما و شما که افتخار

نصرت حق تعالی از کشور اسلامی مشروط است به نصرت دادن کشور و کشورها، بدین مبیین اسلام و احکام مترقی آن که نصرت مظلومان و محرومان جامعه را نیز در بر دارد.

با هم متحد. یک صدا در مقابل میگیرند و از شهوات حیوانی و نیایی تجاوزگران هرکس باشد قیام کنند گریزان بوده و عالم غیب و رفیق اعلی و خود را از جنگ جهانخواران نجات راباور کرده است. با این خسارات دهند و نیز بحکم اسلام از تجاوز هر چه بزرگ باشد از صحنه خارج بحدود و حقوق خود دفاع کرده نمیشود و همه دیدیم که هر شهانقی و تجاوزگر را تدبیر نمایند و در این برای ملت رشید مارشیدی چشمگیر صورت است که هیچ قدرتی با رومغان آورد بطوری که شهادت با فضل خداوند متعال نمیتواند بی دربی جمهوری اسلامی را آنچنان بیهوده کرد که از آسیب هر مصون گردید. و شهادت هر یک از عزیزان سند رسوایی گروهکهای ملحد و منافق شد و شکست حتی آنانرا تسریع کرد و اکنون به خواست خداوند متعال جمهوری اسلامی ایران از قدرتی برخوردار است که سابقه نداشته است و امید است که دست قدرتمند الهی پشتیبان این ملت مظلوم غارت شده و مستعبد و پشتیبان قوای مسلح نظامی و مردمی در جنبه های بسیار علیه باطل باشد و رحمت حق تعالی بر شهیدان راه حق در طول تاریخ و از یازده خرداد تاکنون سلامت و سعادت نصیب معلولان و مجروحان و ستمدیدگان و آوارگان و بازماندگان شهدا باد.

۸- مراتب تشکر و سپاس خود را متواضعانه تقدیم ملت بزرگو ار متعهد ایران نموده و از خداوند تبارک و تعالی تشکر میکنم که در عصر حاضر که عصر حکومت شیطان بر زمین است چنین ملت آگاه رشید جان نشناسی در راه عقیدت و عاشق لقا الله و مجاهد فی سبیل الله باین کشور طاغوتزده و غارت شده عنایت فرموده که با مجاهدات خویش بدو تکیه بر قدرتها چپوراست بر طاغوتیان غلبه نموده است و دست آنان را از کشور عزیز و مخازن آن کوتاه کرده و منحرفان و منافقان را منزوی نموده و یاز کشور رانده است و از درگاه خداوند متعال عاجزانه خواستار است که

آنان را در صراط مستقیم اعانت فرموده و در مقابل پیش آمدن مشکلات اجتناب ناپذیر دنیاله انقلاب استقامت عطا فرماید و ملت عزیز بدانند که استقامت آنچنان اهمیت ویژه دارد که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله وسلم منقول است که فرموده سوره هود مرایبر کرد که فرموده است تو بیروان است استقامت کن. ما و شما که افتخار

با صبر و تحمل انقلابی به پیش تا گسترش عدل الهی و اسلام عزیز
امام خمینی

سخن امام

شما شکر کنید که یک همچو مجلسی دارید که از طبقه مرفه در آن نیست

آنروزی که دیدید انحراف در مجلس پیدا شده انحراف از چیت قدرت طلبی و از چیت مال طلبی در روز پرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا شد، آنروز بدانند علامت اینکه شکست بخوریم خود نمایی کرده

ببروی آن حضرت و ادعای آنرا داریم باید در حفظ دین مقدس و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی استقامت کنیم و مشکلات را با استقبال و استقامت مت انقلابی رفع نماییم خداوند یاور و پناه شما عزیزان باشد و به شما

صبر انقلابی مرحمت فرماید که در مشکلات ناتوان نشوید و دید انقلابی

د هد که تحت تاثیر جوسازان خدا نشناس و متکبران بی اعتنا به اسلام و انقلاب اسلامی واقع نشویم و از سایه سازان مخالف مصالح عمومی انقلاب پیروی ننموده و به مقابله با آنان برخیزید

۹- در خاتمه، سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی را به مسلمانان جهان و ملت معظم ایران و مستضعفان سراسر عالم تبریک عرض میکنم، مبارک باد بر همه پیروزی اسلام و پیروزی حق بر جنود ابلیس، و مبارک باد پیروزیهای جبهه ای دفاع از اسلام و حق، بر ملت و خصوصا قوای مسلح نظامی و انتظامی و مردمی

اینجانب به شکرانه این نعمتهای بزرگ و به احترام دهه فجر و بیست و دوم بهمن سالروز پیروزی ملت عظیم ایشان از جناب حجت الاسلام آقای موسوی رئیس محترم دیوان عالی کشور میخواهم تا بعموم دادستانها و قضات محترم ابلاغ کنند که علاوه بر اسامی تهیه شده برای آزادی در اسرع وقت ممکن حد اکثر تا دو ماه به پرونده هارسیدگی نموده و لیست زندانیانی را که به حسب شرع مقدس عفو شان مانعی ندارد تهیه و نزد اینجانب بفرستند لازم است مسئولین امور در تهیه این لیست سختگیری نمایند و هر چه بیشتر کوشش نمایند تا زندانیان به مردم عزیز ما ملحق شده و هنگام بیان راه انقلاب اسلامی را بیبمانند مقتضی است تا بید کنند تا در این امر مساعدی نشود و همانطور که قبلاً تذکر دادم دادستانها و محاکم قضایی موظفند در اسرع وقت ممکن به پرونده هایی که بعلی رسیدگی بآن بتعویق افتاده است رسیدگی نموده و آن را در اولویت قرار دهند از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم

والسلام علیکم ورحمة اللعوبرکاتسه
روح اللعالموسوی الخمینی



"بسم الله الرحمن الرحيم"

من سالروز پیروزی انقلاب اسلام و دهه فجر را به همه ملت و همه مستضعفین جهان و شما آقایان که اسوه حسنه این ملت هستی تبریک عرض میکنم و از خداوند تعالی توفیق همه را برای خدمت به بندگان خدا و ادامه پیروزی از خداوند تعالی می خواهم. اساس ادامه یک پیروزی و ادامه یک انقلاب در راس امور واقع است و کسانی که در راس امور واقع و کسانی که در راس هستند و سپاه و هم اینها از طبقه متوسط و مادیون متوسط باشند اساس سلطه ای که بر کشورها و بر کشور ما از طرف غیر واقع شده است افراد مرفه و کسانی که سرمایه های بزرگ داشته اند، یا قدرت برای حفظ خود و حیثیت خود شد در دست داشته است، مادی که مجلس و ارگانهای دولتی و همه اینها و مردم از این طبقه متوسط و مادیون متوسط تشکیل بشود، امکان ندارد که یک دولت بزرگی - یک قدرت بزرگی به هم بزنند و وضع را همیشه این قدرتهای بزرگ در هر کشوری یک نفر را با او تفاهم می کردند که این یک نفر برای خودش و برای قدرتمندی خودش و برای سرمایه خودش فعالیت میکرد او را می دیدند و ملت را می چابیدند و با اصطلاح که خدا را می دیدند و دهه را می چابیدند

هیچوقت قدرتهای بزرگ مواجه باملتها اگر شدند، نتوانستند کار خودشان را انجام بدهند و مواجه هم نشدند. هر وقت که میخواستند یک دولتی را یا یک سلطنتی را یا یک ریاست جمهوری را که بر وفق مرام آنها عمل نمی کرده از بین بردارند، در مقابل او یک قدرت دیگری را می تراشیدند و با آن قدرت، این قدرت را از بین می بردند. کار به دست ملت نبود، دست و کار بدست طبقه متوسط و مادیون متوسط نبود است. اینکه این عمل را آنها انجام می دادند، یک نکته روحی

دارد و آن این است که انسان در باطن خودش و در فطرت خودش تنهایی ندارد. آموالشی غیر متاهی است. و قوف نمی کند آموال انسان و وقتی که اینطور است، اگر انسان اسیر همین آموال غیر متوقف بشود و ببیند که یک ابرقدرتی این آموال او را و آن خواسته های مادی او را و آن قدرت او را و سلطه او را بر ملت خودش حفظ می کند، او دیگر در بند این نیست که برای ملت کار نکند برای اینکه از طبقه مرفه است و از طبقه ثروتمند است و قدرتمندی هم همینطور حب مال و جاه هم حسی ندارد، مری ندارد. آن برای حفظ قدرت خودش و پشتوانه ای که دارد برای این حفظ قدرت باملت آن میکند که همه حیثیت ملت و گنجینه های ملت را در دسترس او قرار دهد. یک سهم ناچیزی هم برای خودش قرار بگیرد. الان شما ملاحظه می کنید که قدرتهایی در دنیا هست از حیث مال که اگر چنانچه اموالشان را تقسیم بکنند به این ۳۶ میلیون جمعیتی که ما داریم اگر یک نفر از آنها اموالشان را تقسیم بکنند تمام افراد این ۳۶ میلیون مرفه میشوند و از طبقه با اصطلاح خودشان بالا میشوند. یک نفر از آنها اینطور است، لکن همان دارای اموالین سر محال است حرصش بد نیایشتر بود. حرصش به مال بیشتر بود و بیشتر میخواست جمع بکند. هر چه مال اضافه بشود، حرص انسان اضافه میشود. هر چه قدرت اضافه بشود، حرص انسان بقدرت اضافه میشود و اگر مذهب نباشد انسان آن قدرت را برای خودش بکار نمی گیرد، وقتی برای خودش بکار گرفت، دولتهای بزرگی که هستند ابرقدرتهایی که هستند، یک همچو آدم قدرتمندی را پیدا میکنند و این آدم قدرتمند را به اوبال و پرمیدهند و این را به مقام میرسانند تا اینکه ملت را استضعاف کند و ذخائر ملت را بچاپد. شما ملاحظه وضع این ۵۰ سال، یک قدری بیشتر

را بکنید که انتخاب کردند خارجی ها و بعد هم این مطلب را خودشان گفتند که رضاخان را انتخاب کردند و به او قدرت دادند و قدرت آنطور دادند که تمام این ملت را به استضعاف کشانید و حکومت جبار را خودشان را بر اینها قرار داد و مردم را از همه چیز ساقط کرد و یک نفر بود و آنها آن یک نفر را در پیش می دیدند و کارهایشان را انجام میدادند و بعد از او محمد رضا را گذاشتند با آنهمه افرادی که اطراف او بودند و همه شان از آنها بودند که طبقه بسیار مرفه و خوش گذران و بالا بالاها با اصطلاح آنها باید ما متوجه باشیم، ملت ما متوجه باشند که وقتی که مجلسشان یک مجلس است که از طبقه متوسط است و توی این مجلس آن دله ها و سلطنت ها و سلطنتی ها را نداریم و در دولت هم آنطور دولت هایی که افراد مرفه سرمایه دار گذاشتند نداریم در راس هم آن افراد سپهبد و کذا ای که املاک بی اندازه داشتند و آپارتمانهای چندین طبقه داشتند، نداریم این مملکت محفوظ می ماند آن روزی که هر یک از شماها را ملت دید که در ارتد از مرتبه متوسط می غلطید به طرف مرفه و دنبال این هستند که یا قدرت پیدا کنید یا تمکن پیدا کنید، مردم باید توجه داشته باشند و اینطور افرادی که بتدریج ممکن است یک وقتی خدا می بخواید پیدا بشود، آنها را سر جای خودشان بنشانند. اگر ملت می خواهد که این پیروزی تا آخر برسد و به منتهی بیاید - روزی که آموال همه است برسد مواظب آنها می که دولت را تشکیل میدهند آنکه رئیس جمهور است، آنکه مجلس است، مجلس هست، مجلس هست همه اینها را توجه بکنند که مبادا یکوقتی از طبقه متوسط به طبقه بالا با اصطلاح خودشان مرفه، به آن طبقه برسد. بد اند که اگر دولت اینطور باشد و اگر ملت اینطور باشد و اگر چنانچه مجلس و امثال اینها اینطور باشد اگر یک قدرتی بخواید همه بکنند به اینجا مواجه با سوسی

میلیون جمعیت است و نخواهد توانست. نمی تواند آنوقت پیدا کند یک کسی که قدرتمند باشد و آن قدرتمند را او از کد که ملت را به استضعاف بکشند و بچاپند ملت را برای آنها. تاریخی همینطور بوده. مادامیکه این ملتهدار بین شان افرادی پیدا نشدند است که به آن مرتبه برسد و در بین آنها که قدرت مالی یا قدرت دیگرش زیاد بشود و به مردم حکومت کند، نمی توانند آنها این ملت را از بین ببرند و حکومت برشان کنند و بالاخره یک وقت یک ابرقدرتی مواجه با یک نفر، و نفره صد نفره، یا صد نفره است که آنها را سیر میکند و آنها بجان مردم می افتند و خودش هم کناری نشیند و حکومت بالاتر را خودش دارد، حکومت پایین تر را پایین آدمی که یا این آدمهای که در این کشور هستند و اگر از یکمده اساس استضعاف ملتها از خودشان و از قدرتمندان بین خودشان بوده و شما شکر کنید که یک همچو مجلسی دارید که از طبقه مرفه در آن هیچ نیست. آن طبقه ای که اگر مالش را تقسیم کند بین ملت مساوی ملت ماثروتمند میشوند، ندارند حالا در دولت هم ندارند یک همچو ثروتمندانی و یک همچو قدرتمندانی. ندارند دولت یک همچو قدرتی رئیس جمهور یک همچو قدرتی که بتواند یک چیز انحرافی را به ملت تحمیل کند. یک همچو مجلسی نداریم که بتواند یا بخواهد یک امر انحرافی را تصویب کند و دولت هم مجری آن باشد اما می که این حد متوسط محفوظ است، این جمهوری محفوظ است و امکان مقابله نیست مابین قدرت های بزرگ با همه دولتی. بخواهند کودتا کنند یا کودتا کنند بخواهند از خارج وارد کنند مواجه با کسی می شوند که همه شان از این طبقه هستند که این نهضت را به پیش می برند و با آن قدرت و با آن عظمت به پیش بردند. آنها مطالعه

از نهضت ملی ...

بقیه از صفحه ۵

شود. حزب توده در رابطه با این خط خود چندین دفعه شعار خود را تغییر داد.

جریان دیگر جریانی بود داخل جبهه ملی که به مصدق فشار میآورد که در ضمن گرفتن نفت از انگلیس برای مبارزه با خط شوروی و جلوگیری از کمونیسم به آمریکا نفت بفروسیم. چنانکه وقتی بانیک بین الملل به ابتکار آمریکا به مصدق پیشنهاد بستن قرارداد نفتی کرد. فشار این جریان جهت بستن این قرارداد زیادتر شد لکن مصدق حاضر نشد و گفت:

قرارداد بانیک بین الملل حاکمیت ملی ما را نقض میکند و با روح ملی شدن مخالف است. لکن آنها میگفتند ما نمیتوانیم هم با شمال و هم با جنوب وهم با آمریکا بجنگیم و با این تفکر بود که به او مارک همکاری با توده - ایها را زدند در حالیکه مرحوم مصدق در ضمن اینکه با انگلیس مبارزه می کرد تن به قرارداد بانیک بین الملل هم نداد و در همان زمان نیز در مورد شوروی ساده اندیش نبود چنانکه وقتی سازمان افسران حزب توده میخواست او را از زنان شاه فراری دهد گفت: من حاضر نیستم که از زندان رژیم بیرون آمده و در زندان دگماتست های حزب توده گرفتار بشوم.

جالب اینجاست که پیرسیم اگر بزم این جریان (جریان معتقد به انعقاد قرارداد بانیک بین الملل) مصدق طرفدار شوروی و همکار توده ایها بود چرا شوروی کودتای ننگین ۲۸ مرداد بر علیه نهضت ملی را با سکوت تأیید آمیز بزرگوار کرد. عجیب آری خط مرحوم مصدق در حقیقت تداوم همان خطی بود که شهید مدرس آنرا بنیان گذاشت خط موازنه عدمی، چنانکه مدرس شهید با امپراطوری انگلیس به مبارزه

ادامه داد. البته بد نیست بگویم که مرحوم مصدق زمانی که شعار رفت ملی به بنیان سلطنت برخوردار کرده و مردم بخصوص شهید فاطمی به جمع بندی مبارزه بنیادی با سلطنت رسیدند دیگر کشش آنرا نداشت و در مورد سلطنت در سادها - اندیشی و تردید خود باقیماند و جبهه مشتتتری

انقلاب اسلامی و نهضت ملی
حال با توجه به آنچه گفتیم ببینیم دستاوردهای نهضت ملی چه بود و اساساً چه مشابهتی بین این دستاوردها و دستاوردهای انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی وجود دارد.

۱ - مبارزه بنیادی با سلطنت: الف - انقلاب اسلامی ما با شعار فراگیر مرگ بر شاه یک درگیری بنیادی با سلطنت را آغاز نمود که به انهدام روابط دربار و فرار شاه خائن و داروستانش منجر شد چرا که امام گفتند: شاه باید

در صرف طی پس از امضای وصیت نامه اش که دکتر مصدق را وصی خود کرد به قاضی عسگر گفت: "سعادت من در این است که ما ننندجد بزرگوارم که فرمود "الموت و الا من رکوب العاری" من هم در راه حق و حقیقت بدست بختیار عمر سعد و آزموده شمر

بها مرشا هیزید زمان، شهید شوم". بعد قرآن را بوسید و به سجده افتاد که به سعادت شهادت نائل میشود. شهید فاطمی در حالیکه ۴۰ درجه تب داشت، با شلیک گلوله بختیار ربه شهادت رسید و سپس تیرباران گردید.

برود یعنی اینکه سلطنت باید برود.

ب - در نهضت ملی نیز دیدیم، علیرغم اینکه مرحوم مصدق با همکاری و کمک شهید فاطمی در کنار تداوم همان قانون اساسی و سلطنت مشروطه (مرتبه طبیعی تاریخی نهضت ملی) با امپراطوری انگلیس به مبارزه

در اینجا بد نیست که یاد از شهید فاطمی بکنیم که پس از جریان کودتای نافرجام ۲۵ مرداد و حتی قبل از آن به مبارزه بنیادی با سلطنت و دربار رکه آنرا لانه جاسوسی انگلیس نامید معتقد شده بود. ولی مرحوم دکتر مصدق ایمن درک جدید از مبارزه را که شهید فاطمی به آن رسیده بود، نکشیده و به آن تن نداد.

میگفتند شمال، نه جنوب نه اینک دنیا. ما خود صاحب خانه هستیم ما را به خودمان وا بگذارید. مصدق نیز با پایداری و وفای به همسر خود مدرس شهید راه او را

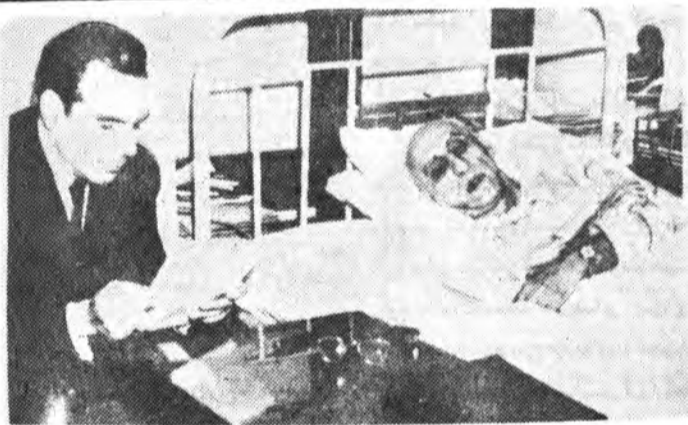
برخواست. (۲) ولی این شیوه مبارزه (بعلمت شعراهای عمیق نهضت که عبارت بود از "نفت ملی" و "موازنه منفی") گذشته از شکل پارلمانی و ظاهراً

سیاسی اش، آنچنان قهرآمیز و مسلحانه بود که در نهایت منجر به موضعگیری دربار و روسا و سواشی آن و فرار شاه خائن شد.

در اینجا بد نیست یاد از شهید می بکنیم که پس از جریان کودتای نافرجام ۲۵ مرداد ۲۲ و حتی قبل از آن به مبارزه بنیادی با خود سلطنت و دربار رکه آنرا لانه جاسوسی انگلیس نامید، معتقد شده بود. ولی مرحوم دکتر مصدق این درک جدید از مبارزه را که شهید فاطمی به آن رسیده بود - نکشیده و به آن تن نداد که همین

داشتند چه بود؟ این بود که می گفتند ما ایرانی و مسلمان هستیم و خود صاحب خانه هستیم، بطرف شرق برویم و نه بطرف غرب (چنانگلیس - چه آمریکا) در حقیقت آنها می گفتند - نه شوروی - نه انگلیس - نه آمریکا نقطه نظراین دوران مرد به بهترین وجهی استقلال ما را در برداشت ولی آنها برای این نظریه خود وجه اثباتی قوی و مشخصی ارائه نکردند.

ب - امروز نیز امام خمینی شعار استقلال را مطرح نموده اند



بها مرشا هیزید زمان، شهید شوم". بعد قرآن را بوسید و به سجده افتاد که به سعادت شهادت نائل میشود. شهید فاطمی در حالیکه ۴۰ درجه تب داشت، با شلیک گلوله بختیار ربه شهادت رسید و سپس تیرباران گردید.

و با شعار نه شرقی نه غربی از یک نظر آن نظریه شهید مدرس و مرحوم مصدق را که یک نظریه اسلامی است ارائه دادند و از طرف دیگر با بیان جمهوری اسلامی و صدور انقلاب و صدور مکتبی و انقلابی بیانی جامع تر و فراگیر تر برای استقلال ارائه نموده اند چون صدور انقلابی که امام مطرح کرده اند برای پیوند با مستضعفین منطقه جهان و تشکل جبهه مستضعفین در برابر جبهه مستکبرین است.

در حقیقت ضرورت زمانی ما ایجاب میکند که به لحاظ جهانی عمل کردن مستکبرین و جبهه کفر بدون پیوند با مستضعفین و بسیج آنها حفظ استقلال کشوری محال است. البته تذکر دهیم که صدور انقلاب خود بخود یک وظیفه مکتبی است هم چنانکه امام می گویند اسلام متعلق به همه مستضعفین است نه مخصوص یک کشور ولی چنین صدور انقلابی به بهترین وجه متضمن استقلال مانیز هست و بدون آن استقلال امکان ندارد

ساده اندیشی و عدم قاطعیت دکتر مصدق بعلاوه توطئه های بی که بر علیه نهضت از داخل و خارج میشد منجر به کودتای ۲۸ مرداد گردید در حقیقت همین جمع بندی نهضت اسلامی مردم و فاطمی (مبارزه بنیادی با سلطنت) بود که بعداً تبدیل به جریان نهضت مقاومت ملی (البته نه نهضت کاذب که کاری با شاه و نفست مصدق نداشت) قیام ۱۵ خرداد، ۰۰۰ مبارزه مسلحانه با رژیم شاه و قیام های ثبات شکن و بالاخره انقلاب بهمن ماه برهبری امام خمینی منجر گشت (رجوع شود به کتاب فرازهای از زندگی شهید سید حسین فاطمی صفحه ۱۴ - ۱۵ مقاله باختر امروز ۰)

۲ - از استقلال و موازنه منفی نهضت ملی تا استقلال در صدور انقلاب امام خمینی الف - نقطه نظری که شهید مدرس و مرحوم مصدق راجع به استقلال

این درک جدیدی است از استقلال که همان خط موازنه منفی است منتهی فراگیر تر و شامل تر از آن

۳ - نفت و برخورد با آن: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برخوردی که با نفت از جانب خط اصیل امام شد این بود که نفت یک کالای مادی تجاری نیست بلکه نفت متعلق به مستضعفین است و باید در خدمت آنها قرار بگیرد. به عبارتی نفت یک کالای سیاسی و حتی مکتبی است و از همین موضع بود که صدور نفت ما به صهیونیستها و نژادپرستان و سپس بعد از تعمیق انقلاب و تصرف لانه جاسوسی به امپریالیستها نیز قطع شد. وقتی دیدند که ما از این نفت در جهت استقلال خود استفاده میکنیم دیگر از ما نخریدند و برای جبران کمبود نفت بود که مرتجعین منطقه هم چون عربستان و رژیم چپ نمای صدام بر صدور نفت خود افزودند و از قیمت آن کاستند.

در زمان نهضت ملی نیز شیرکاف نفت ما بسته شد و از شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس خلع یسد بعمل آمد و امپریالیستها برای تحت فشار گذاشتن نهضت روابط تجاری را با ما قطع کرده و ایران را در مجامع اقتصادی قرار دادند

۴ - از بستن لانه جاسوسی انگلیس بستن لانه جاسوسی شیطان بزرگ آمریکا

پس از پیروزی بهمن ماه خلق دریافت که اگر بخواند هدیه حیات انقلاب ادامه دهد باید در لانه جاسوسی شیطان بزرگ را که نام سفارت بخود گرفته بود ببندد که در این امر موفق شده و از این پس انقلاب اسلامی وارد فاز جدیدی از مبارزه گشت.

در جریان نهضت ملی نیز دیدیم که با بتکار شهید فاطمی در لانه جاسوسی انگلیس یعنی سفارت بسته شد که البته بعداً شهید فاطمی به جمع بندی جدیدی رسید چنانکه در هنگام دستگیری به آرموده این مزدور دربار و اجنبی چنین گفت: "من در بهای سفارت انگلیس را بستم غافل از اینکه تا دربار هست انگلستان سفارت لازم ندارد. (صفحه ۱۴ - ۱۵ کتاب شهید فاطمی از نهضت مجاهدین خلق)

از نهضت ملی...

۵ - بند "ج" و قانون ۲۵%

امروز میبینیم که قوانین و لوایحی از طرف خط امام جهت رفاه مستضعفین وضع و مطرح میشود. نظیر بند "ج" که طرح پیشنهادی هیئت سه نفره منتخب امام یعنی فقیه عالیقدر آیت الله منتظری شهید بهشتی و آیت الله مشکینی بود. طرح اینگونه نیازها و تلاش برای پاسخ به آن از طرف خط امام ناشی از دیدگاه این خط نسبت به انقلاب اسلامی است. خط امام با اعتقاد به مبارزه درازمدت و خودکفا با شیطان بزرگ برای تداوم و حفظ مبارزه سعی در رشد هر چه بیشتر مستضعفین در جهت خودکفایی و رهایی از استثمارگران و نظام فئودالیسم دارد. ولی عده ای بخاطر درک نکردن این خط و مواضع آن چنین طرحها - بی نظیر بند "ج" را با برنامه های کمونیستی مقایسه شکلی کرده و مارک کمونیست و توده ای به خط امام میزنند.

مصدق با وضع قانون ۲۵% نفع مستضعفین دهقان و ملی کردن شیلات و تشویق صادرات و قانون بیمه های اجتماعی کارگران گامهای موثری برداشت. در زمان نهضت ملی نیز همین جریانهاست بخاطر عدم درک مبارزه استقلال طلبانه مردم ما و ضرورت سعادت هر چه بیشتر دهقانان و کارگران به مصدق مارک کمونیست و توده ای میزدند.

۶ - ملی کردن بازرگانی خارجی و اقتصاد بدون نفت و خودکفا!

الف - در زمان مرحوم دکتر مصدق دیدیم که بر اثر نخریدن نفت و تشدید مبارزه با امپریالیسم مملکت ما به جایی رسید که روی پای خود ایستا دو چون ارز وجود نداشت تا بوسیله آن خرید و فروشی انجام بگیرد لذا بیشترین تکیه بر روی خودجوشی و خودکفایی شد و چنان شد که حتی سم گوسفند و شاخ گاو نیز جزو صادرات کشور گشت و مصدق با انتشار اوراق قرضه ملی توانست کمبود بودجه کشور را جبران کند این دوران از تاریخ ایران تنها زمانی است که در آن رقم صادرات و واردات کشور یکسان بوده است ب - در زمان کنونی نیز بر اثر فشاری که ابرقدرتها بر روی ما گذاشته اند ما به حالتی رسیدیم که توانستیم بسیاری از بودجه های بیپوده و در خدمت سرمایه داری وابسته را کسر کرده

و حتی نظریه های بی چون بازرگانی خارجی ملی... در جهت مبارزه با تورم، خودکفایی و کمتر تکیه کردن بر درآمد نفت طرح و تصویب شود. و از ورود کالاهای

چنانچه در مورد بنی صدر گفتند: "آقای رئیس جمهور حدودش در قانون اساسی چه هست، یک قدم آنور بگذارد من با او مخالفت میکنم. اگر همه مردم

در زمانیکه خلق ما با شیطان بزرگ آمریکا در جنگ است عده ای برای بسیج مردم در جریانها کاذب دوقطبی به نهضت ملی مرحوم

شدند. چرا که مرز حق و باطل برای آنها مخدوش گشت و کسی نتوانست وحدت کلمه جدیدی (مبارزه بنیادی با سلطنت وابسته) به خلق بدهد و چه خوب دیدیم که ۱۰ سال بعد این وحدت کلمه را دوباره خلق در زیر سایه رهبری ما می یافت و قیام ۱۵ خرداد را آفرید.

آری برای تقریب به ذهن، همچنانکه شاه گشتاسب، رستم و اسفندیار را بجان همدانداخت و از اختلاف آنها خود تغذیه نمود و بیه حیات خود دادا مه داد، سلطنت وابسته و امپریالیسم نیز با ایجاد اختلاف بوسیله دستهای مرموز در صوف و متحد مردم ما همه را بجان هم انداخت و بیه بقای خود دادا مه داد و چه خوب دیدیم که بعد از زکودتای ننگین ۲۸ مرداد بیه هیچ کس رحم نکرد و تنها کسانی را اعدام نکردند و به زندان نیفکنند که با او تضاد بنیادین داشتند.

دوقطبی کاذبی که بعد از انقلاب بوجود آمد، هدفش این بود که جو انقلاب را مخدوش کرده و توده ها را دلسرد و مایوس و خط امام را منزوی نماید و این بود هدف از مبارک عامل امپریالیسم به مصدق زدن. چنانکه مرحوم آیت الله طالقانی در یک جلسه خصوصی چنین گفتند: "اشکال ما این است که همه چیز را در فضای یکا شانی و مصدق می بینیم در حالیکه این سید (امام خمینی) بالاتر از این حرفهاست و از موضع برتری به مسائل می نگردند."

آری ما مبرتر از آن است که کسی بتواند شیطان بزرگ را بیه عنوان دشمن اصلی از ذهن او برده و او را به دوقطبی کاذب بکشاند و چنانکه دیدیم با چه ظرافتی در نبرد با صدام عامل امپریالیسم، دست جریانیهای منحرف را زور نمود و روحی تازه به مبارزات خلق ما بخشیده و هر چه پیش می رویم محرکین در قطنی کاذب افشا و منزوی میگردند "والسلام"

با ورقی (۱) - تنها ذکر یک نمونه برای روشن دلان کافی است وقتی شهید فدایی از مخفیگاه خود نامه ای به نهضت مقاومت ملی نوشت، حاضر به جواب دادن به نامه او نشدند و فقط یک نفر بطور غیرتشکیلاتی به چنین جوابی مبارزات و ورزش و ولی زخوناً و بعد از شهادتش چه استفاده های بیکیسه نمودند.

با ورقی (۲) - مرحوم مصدق یک شخصیت قانونی و حقوقی (لائیگ) بود، به این معنی که به افتخار و به سرگردانی و بیادگار

هدف این است که جوهره های که باعث قیام ۳۰ خرداد و ایجاد نهضت ملی شد، بررسی شود. چرا که به عقیده ما این حرکت نمی تواند جز از درون مکتب خونبیا را سلام که فطری و عامل محرک توده های مسلم و شهادت طلب، بیرون بیاید.

تجملی و غیر ضروری جلوگیری شد البته شاه بصورت مسخره این حالت را چنین تعبیر میکرد که مصدق خیانت بزرگی به اقتصاد مملکت کرد، بطوریکه مرکز کورم دیگر در بیمارستانها نبود.

۷ - محاصره اقتصادی و بلوکه کردن وامها

الف - در زمان مرحوم مصدق پس از آنکه از لانه جاسوسی شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس خلق بیدعمل آمد قدرتهای جهانی ما را تحت فشار گذاشته و از ما نفت نخریده و از ما وام نیز خودداری کردند تا بدینوسیله نهضت مردم را بزانو آورده و به شکست بکشاند که مرحوم مصدق از این فشار در جهت خودکفایی استفاده و طرح اقتصاد بدون نفت را ارائه و اجرا کرد.

پس از انقلاب اسلامی و تسخیر لانه جاسوسی، امپریالیستها از ما نفت نخریدند و پولهای ما را در بانکها بلوکه کردند. که در این زمان امام فرمودند: "ما در برابر حصر اقتصادی رمضان داریم و در برابر هجوم نظامی ماه محرم را"، که ماه رمضان تمرین خودکفایی و ماه محرم تمرین زندگی اخروی است.

این بود که این محاصره ها هر چند باعث فشار اقتصادی میشد، ولی در خدمت رشد خلق ما قرار گرفته و باعث تحقق بیشتر اسلام گردید

۸ - مارک استبداد: جریانیها و شبکه های خبری وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم برای تضعیف خط انقلابی اسلامی امام، امام خمینی را دیکتاتور و مستبد مینامند. حال آنکه امام با الهام از قوانین الهی و با تکیه بر اختیاراتی که از طرف مستضعفین در میدان خونومبارزه و شهادت طلبی به او واگذاشته شد. سعی دارند که از این قدرت در جهت نفی هر نوع وابستگی و رشده انسانها در جهت حکومت الله استفاده کنند و لذا در مقابل هر نوع روابط غیرتوحیدی می ایستند

مصدق مارک آمریکا زده و او را عامل امپریالیسم آمریکا میدانند در حالیکه در آن زمان هیچ کس حتی مرحوم آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام هم که با مصدق اختلاف داشتند و او را عامل امپریالیسم ندانستند پس چرا چنین مارکها بی به مرحوم مصدق زده می شود، در حالیکه امام خمینی در اولین مصاحبه شان با روزنامه مدلو موندگودتا ۲۸ مرداد را امپریالیستی نامیدند.

در حالیکه مرحوم آیت الله طالقانی ابو در زمان و مفسر قرآن مصدق را در آن زمان به رهبری خود برگزیدند و در حالیکه شهید رجایی، مصدق را ضدا امپریالیست نامیدند در حالیکه... دیدیم روزنامه های ما، کسب این جریان را دادا منن های که این جریان را دادا منن یزدند، به اتهام همکاری با ساواک توسط دادگاه انقلاب اسلامی تعطیل شدند. هدف ما در این مقاله تجلیل صرف از یک شخصیت و در نظر گرفتن شخصیتها و جریانات دیگر نبوده هدف این بود که جوهره ای را که باعث ایجاد نهضت ملی، قیام ۳۰ خرداد و ملی شدن صنعت نفت و افراشته شدن شد، بررسی کنیم. چرا که به عقیده ما این حرکت نمی تواند جز از درون مکتب خونبیا اسلام بیرون بیاید. بدین لحاظ بنظر ما عامل این حرکت، همان توده های مسلم و شهادت طلبی بودند که بعد از قیام ۱۵ خرداد و سپس انقلاب ۲۲ بهمن را آفریدند اگر توده ها رهبری مصدق را پذیرفتند، نه بخاطر شخص او بلکه بخاطر اینکه او نیازها و آرزوهای ما را که همان استقلال و مبارزه دراز مدت با امپریالیسم است، درک کرده بود و بیا ن می کرد. اگر توده ها به آیت الله کاشانی رو آوردند به این لحاظ بود که ایشان با سابقه مبارزاتی خود و زنده ای بزرگ در نهضت ملی بودند و نقش زیادی در پیشبرد نهضت ملی شدن نفت ایفا نمودند.

هم موافق باشند، من مخالفت میکنم. مصدق نیز چون در مقابل اصرار جریانات وابسته برای بستن قرارداد با آمریکا ایستاد و حاضر نشد به خواسته های اسارت با آنها تن دهد و به نسبت مستبد و دیکتاتور زده شد تا از این طریق وی را در میان توده ها منزوی و تضعیف نمایند.

۹ - توهین به روحانیت:

یکی از انتقاداتی که به مرحوم مصدق میشود این است که وی را ضد روحانیت میدانند برخلاف این تصور مصدق نه تنها ضد روحانیت نبود بلکه به توطئه رژیم که میخواست از طرق مختلف از جمله حمله به فیضیه و توهین به روحانیت صفوف مبارزین را از هم جدا کند پی برده به همین دلیل قانونی تصویب کرد که به موجب آن هر کس به روحانیت توهین کند به سه سال زندان محکوم می شد.

۱۰ - دوقطبی کاذب (جریان بظاهو طرفدار مصدق جریان ضد نهضت ملی)

که بعد از انقلاب بوجود آمده دشمنش این بود که جوانان را مخدوش کرده و توده ها را دلسرد و مایوس و خط امام را منزوی نماید

القدس، ما القدس، و ما ابریک ما القدس

آیت الله منتظری

قلب تپنده...

دیدگاه و بینش اسلامی بود که نیروهای مکتب گرای جامعه را علیه رژیم وابسته شاه بسیج میکرد. "علی اکبر مه انور" بین نوحه ها و شعرهایی که به مناسبت واقعه خونین عاشورا ساخته شده نوحه های هست که میگوید: "علی اکبر من - مه انور من" یعنی که علی اکبر ماهی است نورانی ترود رخشانتر از ماه گردون و لذت است یابی به قلب علی اکبر و بسیج ایمانی او عظیم تر از دست یابی به کرماه است، چرا که علی اکبر حماسه آفرین صحرائی خونبار کربلاست. علی اکبر خون خوش را میدهد تاریخش ظلم و ستم را برکنده و خون علی اکبر که سراسر تاریخ را روشن کرد مورا هنمایی مستضعفین گشته بسیار روشن تر و تابناکتر از روشنائی ماه است پس دست یابی به قلب تپنده او که عاشق خداست بسیار ارزشمندتر از دست یافتن به کرماه و تسخیر آن است. ۲۲ تن شهید ای کربلا به امامت حسین بن علی (ع) گر چه از نظر مقدار راقلیت بودند ولی کهکشانی و املاک به آنها سجده کردند.

اما ببینیم که امام چگونه می توانند به این قلبهای کوچک دست پیدا کنند؟ ببینید ایدئولوژیك طفل ۱۲ ساله و قلب کوچک او چیست؟ او امام با چه روش شناختی به این خط مشی رسید ه اند؟ خلاصه رابطه بین استراتژی و ایدئولوژی امام چیست؟

امام در کتاب تفسیر الحمید گفته اند شناخت رسول الله (ص) که بالاترین شناخت ماست شناخت حسی و قلبی نیست بلکه شناخت قلبی است و نبی اکرم (ص) با قلب خود مشاهده کرد ه اند. "..... قضیه، قضیه ادراك عقلی نیست، قدم بهمان نیست، قضیه مشاهده است، آن هم مشاهده غیبیه، مشاهده با چشم نیست.

به قلب رسول الله (ص) نزدیکند و به تناسب معصومیت و فطری بودن خود منطقی و در برگیرنده عالم میشوند و ارزشمند میگردند تا به انجا که ارزش این قلب های کوچک از صد ها قلم (مقاله) وزیران (خطابه) بالاتر است. (البته منظورنی قلم و زبان نیست بلکه منظور میزان ارزشمندی این روش شناخت است که در برگیرنده حس و تجربه و عقل نیز می باشد.) قلب جوانهایی که روی مین میروند و در راه آزادی قدس شهادت رابه جان می خرنند. قلب انسانهایی که بر میرا و ها و میگ ها و اتانک ها علیرغم اینکه پیشرفته ترین سلاحها می باشند و تکنولوژی پیچیده را بهر از آن در می آورند و "فتح الفتوح" فتح چنین قلبهایی است. قلبهای دردمندی که برای تدوم دین خدا

امام، راه بشر را تداوم راه انبیاء میدانند و سعادت انسان را در پی نمودن راه نبی اکرم (ص) و از این جاست که قدرت دست یافتن و بسیج کردن قلبهای معصومی را پیدا میکنند که به عشق خدا می تپد و در جهت راه و روشن رسول اکرم (ص) است.

مشاهده بانفس نیست مشاهده با عقل نیست، با قلب نیست. آن قلبی که قلب عالم است قلب نبی است. مشاهده با اوست او در یافته (۱). می بینیم که امام به مشاهده با چشم یعنی شناخت حسی و تجربی اصالت نمیدهند همچنین به شناخت عقلی نیز اصالت نمیدهند به شناخت نفسانی و قلبی (هر قلبی) هم اصالت نمیدهند بلکه به شناختی اصالت میدهند که منبع آن قلب نبی است قلب رسول اکرم (ص) که قلب جهان است. قلبی که مهببط وحی است آن قلبی که در برگیرنده عالم است. گرچه قلب پیامبر از نظر بیولوژیك يك عضو كوچك است ولی امام خینی شناخت کامل از قضایا امور و اشیا را متعلق به رسول اکرم میدانند و کسانی که در رابطه با رسول الله (ص) و متعلم به تعلیمات ایشان باشند (۲).

"راز فتح الفتوح" امام خمینی راه بشر را تداوم راه انبیاء میدانند و سعادت انسان را در پی نمودن راه نبی اکرم (ص) و از این جاست که قدرت دست یافتن و بسیج کردن قلبهای معصومی را پیدا می کنند که به عشق خدا می تپد و جهت تحقق راه و روشن رسول اکرم (ص) است. قلبهایی که به تناسب معصومیت و فطری بودن خود

راه مجاهد...

حکومتی مردم بر مردم و اصطلاحاً دموکراسی غربی، به این صورت است که در یک جمع رای گیری بین آری و نه آری و بدون ملاکهای حق، عده ای آری و عده ای نه میگویند و رای اکثریت هم حاکم میشود اگر چه توطئه ای در کار باشد و بر سر کیفیت این اکثریت و اینکه رشدیابنده و افول یابنده و غیر مابا رز باشد صحبتی بعیان نمی آید و تنها به اعتبار اکثریت بودن حاکم میشوند دیگر مشروعیت شان مطرح نیست. ریشه فلسفی دموکراسی غربی به یونان قدیم بر میگردد که میگوید، اجتماع "آری، نه" (نقضین) در یک لحظه محال است. کامپیوترهای غربی و سیستم تکنیک غرب بر اساس منطق (آری، نه) است که صرفاً به "آری" یا "نه" اکتفا میکند و بکار انسان تحلیل گرونیازمند "خدا جو" نمی آید. این عمل مخالف با شیوه حضرت علی (ع) در شورای سقیفه است که مولا علیه السلام با وجود مخالفت با رویه شیخین با آنها اتحاد نسبی برقرار میکند تا در طول حرکت به هدایت و برخورد با آنها بپردازد. در اسلام اکثریت کمی و بدون معیارهای متعالی ملاک نیست بلکه ملاک

عبادت ها می دانند. عرفانی است که هشتاد هزار شهید انقلاب را قدم اول از مرحله اول عرفان میدانند. عرفانی است که در تفسیر سوره حمد "بساط" هوهرگهان بی عمل و جوی صفتان را به هم ریخته و میگویند علم وسیله ای است برای عمل و عمل وسیله ای است برای بیداری نفس (۳). عرفان امام عرفانی است که اساس فهم و منطق را رابطه حق و خلق میدانند یعنی که قدم اول فهم رابطه خدا و پدید هاست. عرفان امام، عرفانی است که در هر لحظه راهنمای عمل است چرا که اساس فهم را رابطه خدا و پدید هاست میدانند. در نظام معرفتی اسلام برای يك لحظه هم خدا را نمی توان کنار گذاشت و لذا "ما کیا و لیسم" و فرصت طلبی و شارلاتانیسم نمیتوانند در این نظام رشد کنند. عرفان امام خمینی عرفان و شناخت مستمری است که الگوش علی (ع) است که ایشان راهم "رب العرفا" وهم "رب الشهدا" می گفتند. این است عرفان امام خمینی که

رشدیابندگی و حق بودن است اینک انسا نها در جهت واقعی و حق تاریخ حرکت کنند و در مسیر فطرت و امت واحد (سیرالی الله تاریخ) قرار بگیرند. (۲) ادا مه دارد.



پاورقی (۱): بدنیت از زبان فرعون دیکتا تور بشنویم که وقتی در دریا غرق شد در آخرین لحظات عمرش فریاد کشید: "آمنت انه لا اله الا لذي آمنت به بنوا سرائيل وانا من المسلمین" (سوره یونس آیه ۹۰) گفت ایمان آوردم به اینکه نیست الهی جز آنکه بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و من از مسلمانان هستم. ظرافت مسئله در این است که فرعون نمی گوید به بنی اسرائیل ایمان آوردم. بلکه به حاکمیت خدای بنی اسرائیل اعتراف میکند و این نشان میدهد که فرعون هم دم مرگ حکومت خدا بر مردم را اعتراف می کند.

(۲): برای توضیح بیشتر این بحث به کتابهای "ویژگیهای انقلاب ایران" - "جنبش ملی مجاهدین و ارتجاع" و "توطئه های که علیه انقلاب صورت گرفت" رجوع کنید که علیه انقلاب صورت گرفت رجوع کنید

ایشان را به مناسبت "فتح الفتوح" نامیدن عملیات طریق القدس رب القلوب می نامیم. متاسفانه جریانات منحرفی هستند که سعی می کنند بگویند کتاب تفسیر سوره حمد امام يك كتاب عرفانی است و غیر منطقی. اینها باید چشم خود را باز کنند و منطق توحید سر تا پا استدلالات امام را ببینند و آن را اساس آموزش نهضت اسلامی ایران و نهادها و ارگانها قرار دهند. "والسلام"

پاورقی (۱) صفحه ۵۰ تفسیر حمد امام خمینی. چاپ حزب جمهوری اسلامی. پاورقی (۲) دعای روزمره رسول اکرم (ص) این بود هاست که "اللهم ارنی الاشیاء كما هی" پاورقی (۳) صفحه ۴۵ تفسیر سوره حمد. پاورقی (۴) صفحه ۳۸ همان کتاب.

سخن امام...

بقیه از صفحه ۳۸

امور را می کنند و اقدام می کنند. آنها الان در صد این هستند که در بین خود این مردم يك بساطی درست کنند و اختلافاتی درست کنند و بعد، میان اختلافات يك نفر پدید آید بکنند که آن نفری که پدید است در يك طرف واقع بشود و آنهم بهش قدرت بدهند تا آنکه کم کم با قدرت داخلی این کشور کم ضعیف بشود و مردم روحیه شان ضعیف بشود و بعد تقدیم کنند به آنها. تا کشور ما این مقام را در که بحمد الله از آن طبقه مرفه بالایی که امور را در دست گرفته اند مبری هست و امور کشور ما بدست امثال شماها و امور رئیس جمهورها و رؤیس مجلسها و نخست وزیرها و وزرا و کسلا هست شما مطمئن باشید که نخواهد توانست يك قدرت خارجی ایمن پیروزی را ازین ببرد و آنروزی که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیداشد و انحراف از حیث قدرت طلبی و از حیث مال طلبی در وزیرها پیداشد، در رئیس جمهور پیداشد آنروز بدانند علامت اینکه شکست بخورم خود نمایی کرده. آنرا وقت باید جلوش را بگیرند. رئیس باین مملکت، خود مردم بایستد جلوش را بگیرند. مجلسی که بخواهد قدرتمندی نشان دهد و آن مسائلی که سابق و آن افرادی که سابق در مجلس بودند آن کارها را بگیرند. خود مردم باید جلوش را بگیرند. اگر مردم بخواهند که اسلام را حفظ کنند، جمهوری اسلامی را حفظ کنند. دولت و مجلس و رئیس جمهور و اینها را حفظشان کنند. یعنی حفظ کنند از اینکه خدای نخواسته يك وقت قد می از آنور بزند این شیطانی است که در انسان هست و ممکن است که هر کس را منحرف کند و لازم است که انسان خودش را مذهب بکشد شمای که می خواهید خدمت به این مردم بکنید و دولت که میخواهد خدمت به این مردم بکند و رئیس جمهور و امثال اینها که میخواهند خدمت به این مردم بکنند توجه بکنند که خد متنگرانند. در دل خود - شان این مطلب را ایمنان بیاورند بهش که ما خدمت میخواهیم باین مردم بکنیم. ما در جمهوری اسلامی داریم زندگی می کنیم جمهوری اسلامی که در اسلام مثل رسول اکرم (ص) مثل امیرالمومنین سلام الله علیه برش

حکومت کرده اند. می خواهیم يك همچو حکومت باشد. يك همچو حکومتی که گفتم وصله خورده. خودش را میگوید از این ریاستها پیش من ارزشش بیشتر است، یا ریاستها ارزشش کمتر از این است. شما باید در روحیه تان این مطلب را حفظ کنید و مردم هم باید مواظب شما باشند و مواظب همه اینها باشند و هر يك از ما و همه خواستیم که از آن راهی که اسلام داشته است از اول راهی که داشته است و از آن طریقهای که انبیا داشته اند ما بخواهیم عدول کنیم، آنروز نمونه شکست اسلام پدید آید و تا یک همچو مسئله ای پدید نشود، پیروزی در جای خودش شك نکند که هست. البته برای خدا باید باشد. شما برای خدا حالا در این مجلس آمدید. وقتی مجلس اینطور است که یک امتیازی نیست که حالا وقتی شمارتید توی بازار مردم کنار بروند که رئیس مجلس آمد یا وکیل مجلس آمد، نخست وزیرش هم اینطور است. این جور نیست که وقتی توی مردم بروم مردم فرق بگذرند با هم و همه اینها اینطور هستند وقتی يك همچو مطلبی دارید احساس میکنید که امتیاز دنیایی ندارید. این را باید شکر کنید و در شکرانه این نعمت خدمت به خلق کنید و خدمت به احکام اسلام بکنید و برای اینهایی که اولیاء ما هستند این پایین شهری ها و این پاره ها با اصطلاح شما اینها ولی نعمت ماها هستند. اگر اینها نبودند ما یاد ربیعید بودیم. یاد ر حبس بودیم یاد رانزوا. اینها بودند که همه ما را از این مسائل نجات دادند و همه ما را آوردند و نشان دادند به جای. به خیال خود مان جایی است. باید ملتفت باشید که آقا شما همان آدمی هستید که توحش بودید و شما همان آدمی هستید که در تبعید بودید و شما همان آدمی بودی که در رانزوا بودی. این مردمند که آمدند ما را آوردند بیرون از همه اینها و ما اگر تا آخر عمرمان به اینها خدمت بکنیم نمی توانیم از عهد خدمت اینها برآیم. خداوند به ما توفیق بدهد که ما یک خدمتگاری برای اینها باشیم و به این نعمت موفق بشویم. شما امروز هم که ملاحظه می کنید اینهایی که در جنبه ها الان دارند جانفشانی میکنند، اینها از کدام طبقه هستند؟ شما اگر بیدار گردید در تمام اینها يك نفری که مال آن اشخاص باشد که دارای سرمایه های بزرگ هستند آن اشخاص باشد که در سابق دارای قدرتهایی بودند. اگر يك نفر از آنها بیدار گردید این محتاج به این است که از ما مؤذگانی بگیرد ولی می دانم که پیدایش می کنند

رهنمودهای امام...

بقیه از صفحه ۲

مینمایند و از طرف دیگر دولت را به تحقق هر چه بیشتر شیوه های اسلامی در حکومتها مرمیکنند و الگورا نیز حکومت حضرت علی (ع) و پیا میرا کرم (ص) میداند و لازمه رسیدن به چنین حکومتی را در این میدانند که دولت مردان باور کنند که در جمهوری اسلامی زندگی میکنند و باید در این جمهوری شیوه های اسلامی را نیز پیاده کنند

۴ - پاکسازی، تصفیه و ایجاد نظم انقلابی در حوزه (قسمت ۱۵ پیام امام به مناسبت ۲۲ بهمن چاب راه مجاهد)

انقلاب فرهنگی زمانی کامل است که تحول عمیقی در تمام سطوح جامعه بوجود آید. تصفیه حوزه ها که امام در بیانات خود گفتند یکی از وجوه انقلاب فرهنگی است. چیزی که امام در پیام خود بدان اشاره کردند این است که حوزه ها قبل از انقلاب بدین سیاست را از هم جدا میدانستند و از خالت و اظهار نظر در امور کشور برکنار بودند. بنظر ما در شرایط کنونی امام خمینی ملاک تصفیه راهمین امر دانسته اند.

بدنبال این پیام بود که آیت الله منتظری به ائمه جماعت گفتند که در حوزه عبادی سیاسی خود حوزه های علمیه را تشکیل دهند و یا فعال کنند و این نشان میدهد که حوزه های علمیه دارند از علمی بودن به علمی عملی بودن ارتقا مییابند تا مصداق دعای افتتاح گردند که میفرمایند: **اللهم ما عرفتنا**

از همین جمعیتند الان هم اینهایی که جانشان را در ستشان گرفتند و شمارا حفاظت میکنند و آنها کسی که در این شهرها و در بین روستاها حفظ میکنند شما و مردم راهمین طبقه هستند. این طبقه اند که به ما الان منت دارند و از اول منت داشتند. همین ها بودند که هیچ توقعی هم ندارند، هیچ وقت هم نمی آیند توقع کنند. شما باید توجه به این معنا بکنید که ما را اینها آوردند و وکیل کردند آوردند و وزیر کردند، رئیس جمهور کردند، اینها ولی نعمت ما هستند و ما باید ولی نعمت خود مان را از شکر قدر دانی کنیم و خدمت کنیم به او و همینها هستند که الان هم حفظ این کشور را می کنند و حفظ نظام این کشور را می کنند. شما آقایان نمی توانید که بروید توی کوچه ها و عرض بکنم که خیابانها و آنجا را اداره کنید. شما يك شان دیگری دارید. يك شغل دیگری دارید. آنها هم يك شغل دیگری دارند. اما شغل آنها اینطور است که شما را هم حفظ

مِنْ الْحَقِّ فَحَمَلْنَا، وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَا

۵ - قرآن راهنمای عمل امام امت به رعایت قرآن در همه شئون و سفارش کرده اند و میگویند که قرآن نباید در همه زندگی ما حاضریا شود و احکام عبادی سیاسی خود همه را از قرآن استخراج کنیم میگویند قرآن در احکام سیاسی به مومنین دستور میدهد که با کسانی که با مسلمین مقاتله میکنند قتال کنند و امروز اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده است و باید با او قتال کرد: "قرائت قرآن و حاضر بودن قرآن در تمام شئون زندگی انسان از امور لازم است مگر کافی نیست قرآن باید در تمام شئون زندگی ما حاضر باشد. در احکام سیاسی دستور قتال میدهد با کسانی که با مسلمین مقاتله میکنند و امروز اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده و مقتضای در مقابل مسلمین ایستاده آمریکا در مقابل مسلمین ایستاده و مقتضای است باینکه با این اشخاصی که بر ضد مسلمین، بر ضد طایفه ای از مسلمین، قیام کرده اند با آنها مقاتله کنید."

(سخنان امام امت در دیدار با میهمانان خارجی جمهوری اسلامی ۲۴ بهمن ماه ۱۳۶۰)

۶ - ملاک تعهد به اسلام و قرآن و ملت: امام در بیانات خود خطاب به جانبازان انقلاب و خانواده ها

میکنند و من امیدوارم که این روحیه در این ملت باقی باشد و با این روحیه که سربازهای ما دارند و پاسداریهای ما دارند و آنها کسی که حفاظت این کشور را می کنند، این روحیه را دارند که روحیه بسیار ارزشمندی است و شهادت طلبی است و خود را به حلقوم مرگ انداختن برای نجات اسلام و نجات کشور. خداوند این روحیه را به همه عنایت کند و ما می که این روحیه هست و آن مسئله ای که قبلا عرض کردم هست، مطمئن باشید که این کشور بیمه است و هرگز نخواهد آسیب دید.

خداوند انشاء الله به همه شما، به همه ما توفیق خدمت به خلق و عبادت خدا که خدمت به خلق هم از بزرگترین عبادت های الهی است، عنایت فرماید و شرکسانی که می خواهند این کشور را و مسلمین را بازگردانند بحال انزوا یا بحال تحت سلطه بودن، آنها را با اصلاح و با اقدام فرماید.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

شهادت فرمودند که: "شما عزیزان و بستگان شما و شهدا و بازماندگان شهدا سند در دست دارید، وجود شما سند و مراسم است، یکی سند جنایت آمریکا و صدام وابسته آمریکا و یکی سند بسیار گویای شجاعت شماست. شما تعهد خودتان را ثابت کردید، شما ثابت کرده اید و سند دارید به اینکه متعهد به اسلام و قرآن کریم و ملت اسلام هستید، شما رهبران این نهضت هستید..."

(صحبت امام با جانبازان انقلاب جمهوری اسلامی شنبه ۱۷ بهمن) امام تعهد به اسلام را در عمل میدادند در شعار و صرف و به همین دلیل است که فداکارترین افراد ملت را رهبران نهضت میدانند آنها که ما فدای نه به شعارها و نیاتشان عمل کردند.

۷ - ضرورت مستضعف گرا بودن بافت و خط مشی آینده حاکمیت: امام خمینی ضمن بیانات اخیر خود گفتند که امروز حاکمیت ایران (دولت - مجلس - ریاست جمهوری و...) از طبقه متوسط و مادون متوسط هستند یعنی بافت حاکمیت ایران از طبقه مادون متوسط است ضمناً در همین بیانات امام گفتند که مردم پائین شهری همانها که امروز در جنبه ها می جنگند و پاسداری از انقلاب می کنند و بسیاری با فداکاریهای خود در دوران انقلاب بسیاری از دولت مردان را از تبعید و زندان و انزوا در آوردند و گوی نعمت ما هستند یعنی که خط مشی آینده حاکمیت باید مستضعف گرا باشد و مسیرش جانب مستضعفین باشد: "اساس ادا مه یک پیروزی و ادا مه یک انقلاب در یک امری است که بنظر می آید در راه امور واقع است و آن اینکه دولت، مجلس و کسانی که در ارتش هستند و سپاه و همه اینها از طبقه متوسط و مادون متوسط باشند."

(سخنان امام در دیدار با نمایندگان مجلس، وزرا و... (اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۰)

رزمندگان اسلام
تهاجم
تهاجم
رسیده مرگ صدام
تهاجم
تهاجم

امام امت در دیدار بارز منندگان ارتش اسلام که در عملیات پیروز مندانه بستان و تنگ جزابه شرکت داشتند:

مایک قدم عقب نخواهیم نشست

تاریخ ۶۰/۱۲/۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

پیروزی را قدرت ایمان میآورد (ما اکثر الاحیاح و اقل الحجاج) حاجی خلی میروید به مکه، لیکن آن که حج الهی را بجا میآورد آن کم است و سپاه پاسدار، بسیج و ارتش و همه اینها، این اقلیتی هستند در جنگ و آن اقلیتی هستند در نبرد که "کم من فقه قلبه غلبت فقه کثیره باذن الله" فرق است ما بین ایده شماها و دشمنهای شما، آنها برای قدرتمندی، برای نمایش قدرت، برای شیطان با اسلام به جنگ برخاستند و شما برای رضای او و برای قدرت دادن به اسلام زبیا ده کردن احکام اسلام به دفاع برخاستید شما مدافعان انسانهای مظلوم در طول تاریخ هستید، مدافعان شما از اسلام و پیروزی شما انحصار پیروزی در میدان ندارد.

شما در تمام ابعاد پیروز هستید - شما در تمام جهات معنوی و مادی پیروز هستید و شما در طول تاریخ پیروز هستید و پیروزی شما پشتوانه پیروزی جهان است در طول تاریخ، شما بی که با آغوش با زویا روی گشاده به طرف ا... و به طرف لقاء ا... و بطرف شهادت میروید پیروز هستید چه در میدان جنگ پیروز شوید و می شوید چه خدای نخواسته شکست بخورید و نخواهید خورد، شما آن چیزی را که همراه دارید دشمنان شما ضد آن راهم راه دارند، شما رضای خدا را همراه دارید و آنها سخط خدا را، شما ایمان را همراه دارید و آنها طرفداری از کفر را، شما آرامش قلبی دارید و در این جنگ با آرامش، با خاطر آسوده، با این ایده که اگر شهید بشوم پیروزم و اگر پیروزم بشوم پیروزم، شما این را دارید و آنها از مرگ فرار میکنند، بین این دو طایفه بسیار فرق است، آن که مرگ را در آغوش میگیرد برای اینکه شهادت است برای اینکه از اسلام است، برای اینکه دفاع از حق است و آنکه از مرگ فرار میکند برای اینکه برای طعمه جنگ میکند.

فرق است ما بین ملتیی که دواطلب برای شهادت هست و برای پیروزی هست و من امیدوارم که دواطلبها بیشتر بروند و اسم بنویسند و خواهند رفت و آنها بی که با سر نیزه به جنگ میآیند اگر اقدام نکنند از پشت گشته خواهند شد و آنها بی که با اسلحه دواطلب با فشا روز و روبا هزار جور اذیت و آدا ربه جنگ میشوند، آنها بی که ملتهایشان به آنها پشت کرده است.

بین شما که ملت پشتبانی شماست و نگهبانان شماست و بهمین جهت خدای تبارک تعالی نگهبان شماست و پشتبانی شماست با آنکه برای شیطان میخواهد جنگ بکند، برای شیطان نفس میخواهد جنگ بکند فرق است ما بین اینها.

فرقی است ما بین انقلاب اسلامی ایران با انقلابهای دینا انقلابهای دنیا بی استثنای برای ایمان نیست برای خدا نیست - انقلاب ایران برای خداست و از اول هم فریاد خدا بوده است، اکبر بوده است و تا آخر هم همین است انشاء الله.

این بدبختیها بی که از ایران فرار کردند در خارج بودند و به تبع طمعهای بوج شیطان نشستن و صحبت میکنند و دروغپردازی میکنند و یکی از دروغهای بزرگشان که در رادیوها هر شب شایدها شده همین دیشب دو مرتبه یا سه مرتبه بودا اینکه ایران از اسرائیل ابزار جنگ میآورد و میخورد - ایرانی که بیست سال است با اسرائیل در جنگ است - اسرائیل را میگوید و به حسب حکم شرعش با اسرائیل نمیتواند هیچ تناسلی داشته باشد و نخواهد داشت، چند مرتبه همین دیشب بود که کی گفته است - چی گفته است که آنها از اسرائیل چیز میخرند و اینها هم که در خارج نشستن و فکرهای را میکنند که بیایند ایران بعد از اینکه شما جوانان با نیا نیا خودتان را کردید ایران را تسلیم یک دسته اشخاص منحرف کنید - اینها هم افکارشان مثل افکار همان صدام است، صدام هم پیش خودش فکر کرد و این فکر را هم تقویت کردند شیطانها بزرگ در او که توبه ایرانی که الان به هم خورده است، هرج و مرج است و ارتش ندارد و چیزی ندارد در حمله کنوا سم خود را مثل اسم سعد و قاص کن و خودت را یک فاتح قاصیه، غافل از اینکه بچه های نارشان هم بچه های کوچکشان هم در مقابل او ایستاده اند و تناسل هستند نمی توانند اینها یک همچون کارها فی را انجام بدهند.

شما برادرها با قدرت ایمانی و با قدرت اسلامی این پیروزیها را بدست آوردید خصوصا "این پیروزی اخیر تنگه جزابه به آنها فهماندید که افکارشان غلط بوده است و آرزوهایشان بر باد است و همینطور که گفتید دعا کنیم من همیشه به شما دعا میکنم من دعا گوی شما هستم و من شما را دوست میدارم" (گریه حضار) "شما برادران من هستید و فرزندان من هستید" (گریه حضار) "و من در محضر خدای تبارک و تعالی به این پیروزیها شما که پیروزیها بی است با تعهد اسلامی برای اسلام است و من افتخار میکنم مباحات میکنم به درگاه خدا که در یک چنین مقطعی از زمان واقف شدم که جوانان مسلمانطور هستند، در یک مقطعی از زمان واقف شدم که دست آنها بی که به واسطه تبعیض از آمریکا جوانهایی ما را به فساد می کشاند و با همه قدرت، همه تبلیغات و نادرست کردن مراکز فحشاء، مراکز قمار، مراکز خفاری و جلسه های فاسد جوانهای ما را میخواهند فساد بکشند و خدای تبارک و تعالی به داد ما رسید - به داد کشور رسید به داد ملت ما رسید شما جوانها را بسیج کرد بسیج الهی شما را کرد - که حفظ کنید این کشور را و دست رده سینه تمام شیاطین و قدرتمندان بزنید و شما پیروز هستید انشاء الله... خداوند انشاء الله شما را هما نظور که در اینجا پیروز کرده است بعدا هم پیروز کند" انشاء الله.

خداوند شما را پیروز کند بر شیطان باطنی "انشاء الله..."
خداوند شما را بر نفستان پیروز کند "انشاء الله..."
تا انشاء الله... وقتی که به محضر خدای تبارک و تعالی افتخار میزد در خدمت او بروید "انشاء الله..."
السلام علیکم ورحمة الله...

من هم شهادت بنا نوی بزرگ اسلام را بر عموم مسلمین و بر شما برادران عزیز ارتشی - سپاهی و بسیج و حضرت بقیه... ارواح فداه تسلیم عرض میکنم. این خانه کوچک فاطمه سلام... علیها و این افرادی که در آن خانه تربیت شدند که به حسب عدد چهار - پنج نفر بودند و به حسب واقع تمام قدرت حق تعالی را تجلی دادند، خدمتایی کردند که ما را و شما را و همه بشر را به اعجاب در آورده است، خطبه فاطمه زهرا سلام... علیها در مقابل حکومت - و قیام امیرالمومنین و صیرا میسر المومنین در مدت بیست و چند سال و در عین حال کمک کاری به حکومت موجود و بعد هم فداکاری در راه اسلام و فداکاری دوفوزند عزیزش اما مجتبی که یک خدمت بسیار بزرگ کردند و دولت جا برای موی را با آن خدمت رسوا فرمود و خدمت بزرگ - بسرا در ارجمندش حضرت سیدالشهدا چیزهایی بود که همه میدانند و میدانیم که با اینکه عده کم و اسباب و ابزار جنگ پیش آنها کم بود.

لیکن روح الهی و روح ایمان آنها را آنطور کرد که بر همه ستمکاران عصر خودشان غلبه پیدا کردند و اسلام را زنده کردند و برای ما و شما برادرهای عزیز را لگو شدند که ما از کمی عده و کمی اسلحه و کمی ابزار جنگ در مقابل تمام قدرتهایی که امروز با ما به جنگ برخاسته اند مقاومت کنیم و همانطور که اولیا ما علیهم السلام نشان دادند که در مقابل مستکبران گاهی با تبلیغ و گاهی با اسلحه باید ایستاد و مستکبران را با ید به جای خودشان نشانند، ما هم الگوی آنها را، تبعیت از آنها را میپذیریم و شما جوانان نشان دادید که در این میدانهای نبرد بین حق و باطل با اینکه آنها از ابزار جنگی فراوان و از افراد هم همینطور از مصرا و ردن آنها هم مستقیما به آنها کمک میشد و از سایر کشورها هم کمک مالی و کمک اسلحه به همه اینها میشد، معذک یک جمعیت کمی به حسب عدد و قوی شوکت مندی به حسب روح در مقابل همه ایستادند و شکست دادند آنها را.

برادرها ایمان را حفظ کنید، این قدرت الهی را حفظ کنید و این تعهد خودتان را به اسلام و به ملت حفظ کنید و به پیش بروید. صدام به حسب آن مثالی که گفته شده است که یک دیوانه سنگ را در چاه می اندازد و پنجاه مایل و یا بیشتر نمی توانند بیرون بیا و زند، این یک دیوانه ای بود که یک اقدامی کرد و یک سنگی را در چاه انداخت و موجب زحمت ملت خودش، ملت ما و سایر ملتها گردید که حال دست به دامن دولتها شده است تا آنها بیایند، وساطت کنند، - میا نجیگری کنند و او را نجات بدهند، او دیگر قابل نجات نیست و ما هم یک قدم عقب نخواهیم نشست. (تکبیر حضار)

مخالصه با جنایتکاران و سازش با جنایتکاران، این یک جنایتی است بر مردم متعهد و یک جنایتی است بر اسلام، ما حرفمان از روز اول تا حالا و بعدا معلوم است، ما جنایتکار را که در کشورمان هست میگوئیم با ید برود، مسلمانها هم موظفند به حسب شرع مطهر با اینکه بیایند و اینها را بیرون کنند، شاعر مطهر فرموده اند که در قرآن کریم که اگر یک طایفه ای بر طایفه دیگر از مسلمین بخوانند طغیان کنند و تاج و زهره مسلمین واجب است که این جنایتکار را طایفه و یا غی را با او جنگ بکنند و اگر برگشته اطلاعات خدا آن وقت بنشینند با او صحبت بکنند ما حزب بعث را جنایتکارانی میدانیم که در حال صلح و جنگ در جنایتند در طول حکومتشان در عراق در حال جنگ نبودند، لیکن جنایت آنها بر اسلام - بر مسلمین - بر ملت عراق - بر مراجع عظام عراق و بر علماء اسلام هر روز واقع میشد و بعد هم آن دیوانگی را که در فطرت آنها و طغیانگری را که خمیره ذاتی صدام است این دیوانگی را عمل کرد و عقلا اسلام و عقلا جهان دست بهم دادند که این سنگ را از چاه بیرون بیا و زند، لیکن کار این دیوانه آنطور است که نمی شود این سنگ را بیرون آورد، مگر با اسلحه و قوت ایمان.

شما ثابت کردید که میتوانید در مقابل قدرتها با ید و شما میدانهای نبرد - بتان در تاریخ ضبط خواهد شد، اگر امروز همه قدرتمندان و همه با و هسرایان تبلیغاتی به ضد شما و به ضد جمهوری اسلامی قلم فرسایی میکنند یا سخنرانی - یا توطئه، لیکن نمیتوانند روی حق پرده بپوشی کنند - شما بر حقیقت، همانطور که ما م سیدالشهدا به حق بود و با عده قلیلی مقابل کرد و در عین حالی که به شهادت رسید و فرزندان او هم به شهادت رسیدند، لیکن اسلام را زنده کرد و بی زبونی می را رسوا کرد. شما هم شیعیان همان حضرت هستید شما هم در این نبردهای بزرگی مثل نبرد آبادان و مثل تنگه جزابه و مثل بستان کاری کردید که اعجاز بود، اعجاز بود از باب اینکه یک جمعیت کم با عده و عده کم و با ایمان بزرگ این اعجاز را آفریدند و صدام که اینکا ر غلط را به تخیلاتی که کردن انجام داد، الان بشیمان شده است و به همه دولتها برای کمک دست دراز کرده است و از همه کشورها کمک خواسته است و همه هم تقریبا - اکثریت قریب به اتفاق هم به او کمک میکنند و همه کمکهای را که آنها کرده اند نتوانسته اند یک ایمانی برای او بفرستند، برای اینکه در خودشان هم نبود.

اشتباهان در همین است که خیال میکنند زیادی جمعیت و زیادی اسلحه کار انجام میدهد و نمیدانند که این چیزی که کار را انجام میدهد با زوی قوی فردا است، افراد کم با زوان قوی قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به شهادت و عشق به لقاء الله اینهاست که پیروزی میآورد، پیروزی را شمشیر نمیآورد - پیروزی را خون میآورد - پیروزی را افراد و جمعیتهای زیاد نمیآورد -

دعا

"دعای خدمتگزاران خلق"
اللَّهُمَّ مَا عَزَفْنَا مِنْ لِحْيِ قَوْلَانَا وَرَأَقَصْرْنَا عَنْهُ قَبْلَ غَاثِ

ترجمه: بار پروردگارا آنچه را که از حق بما شناساندی، در عمل به آن ما را کوشا فرما (ذاتی ما گردان) و آنچه را که ما کوتاهی کردیم، از شناخت آن یا آنچه را که ما کوتاهی کردیم از دست یافتن به آن، در عمل صالح به ما برسان. (نارسانی و ذهنیت های ما را تصحیح فرما.)

شرح دعا:

این دعا، دعای مجاهدینی است که می خواهند عمل کنند تا نحوه انجام عمل صالح را بهتر بشناسند. این دعا، دعای مجاهدینی است که معرفت و شناسایی را با رتق و ریک و روشنفکری نمی دانند و نمی خواهند مصداق آیه قرآن در سوره جمعه گردند که می فرماید: "كَمْ مَثَلِ الْجَاهِلِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا...".

این دعا، دعای مجاهدینی است که معرفت را با رازیت و موجب درد سر ندانسته، بلکه عمل را سرانجام و پایان نیک مسیر معرفت میدانند و میگویند همطور که طفل نوزاد به شیر طبیعی مادر نیازمند است، معرفت نیز بطور طبیعی به عمل نیاز دارد و اگر به عمل تبدیل نگردد، پا رازیت و مزاحمت است و نه معرفت و شناخت صحیح شناخت اسلامی. این دعا، دعای پیروان امام خمینی است که جمله ایشان را در کتاب تفسیر سوره حمد را هنمای عمل خویش قرار میدهند که میگویند: "... اینها، همه وسیله اند، علوم شرعی، مسائل شرعی و مسائلی هست، آنها وسیله عمل هستند، عمل هم وسیله است، همه برای یک مقصدند، همه برای اینند که این نفس بیدار شود... (۱)".

این دعا، دعای مجاهدین و معرفت طلبانی است که متناسب با معرفت نسبی شان، عمل می کنند و نمی خواهند اول علامه دهر گشته و سپس عمل کنند. (یعنی عمل نکنند)

بامید

بامداد روشن

قدس



این دعا، دعای مجاهد کبیر آیت... طالقانی است که در شرایط خفقان آریا مبری که به جوانان رزمنده چنین دعایی را سفارش میکرد و میگفت آن را در دستور خط مشی خود قرار دهید.

این دعا، یک عمل است، عمل مبارزه با کسانی که میگویند که با یستی بقدری معلوما تمان زیاد شود که هیچگونه اشتباهی در عمل نداشته باشیم و از اینکه دچار اشتباهی شویم، گریزانند، بطوریکه عمل نمی کنند تا هیچگاه اشتباه نکنند.

این دعا، دعای مجاهدینی است که بین دو جریان انحرافی گیر کرده اند، جریان اول، جریانی است که معتقد به کافر رتق و ریک محض بوده و از عمل گریزان است و جریان دوم، جریانی است که معتقد به کافر عملی بدون بررسی مکتبی یعنی به "عمل زدگی" معتقد است. ولی این مجاهدین دعا میکنند و طلبشان از خداوند این است که بتوانند متناسب با معرفتشان عمل کنند و می خواهند که در عمل نارسانیا، لنگی ها و ذهنیت هایشان از زمین رفته به جمع بندیهای جدید برسند و عمل را در مدارای بالاتر شروع کنند.

این دعا، دعای پیروان علی (ع) است که میفرماید: "أَلَيْمَانَ عَمَلٌ بِالْعَمَلِ" یعنی ایمان همانا عمل است و "أَلَيْمَانَ عَمَلٌ بِالْعَمَلِ" یعنی که علم و معرفت دوست و قرین به عمل است و از عمل نمی تواند جدا باشد و "مَنْ عَمِلَ عَمَلًا كَسِيَ كِسْفًا" کسی که دانست عمل میکند.

این دعا، دعای کسانی است که میگویند: "أَلَيْمَانَ عَمَلٌ كَالشَّجَرَةِ بِلَا ثَمَرٍ" یعنی علم بدون عمل، مانند درخت بدون میوه است و "أَلَيْمَانَ عَمَلٌ كَالشَّحَابِ بِلَا مَطَرٍ" یعنی علم بدون عمل مانند بارانی باران و بی برکت می باشد.

"والسلام"

(۱) صفحه ۴۹۰ تفسیر الحمد امام خمینی چاپ حزب جمهوری اسلامی

تبریک و تسلیت...

بسم رب الشهداء والصدیقین
شهادت برادر میر تقی موسوی را تبریک و تسلیت می گوئیم.

برادر میر تقی موسوی پس از ۹ ماه مبارزه بی امان با متجاوزین کمپ دیویدی سرانجام در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲ در جبهه دشت ذهاب در یک شناسایی در اثر برخورد با مین بشهادت رسید. ما شهادت این رزمنده راه خدا را با احترام و امت شهید پرور و خانواده محترم و تبریک و تسلیت می گوئیم.

برادر موسوی که مدت ها با نهضت مجاهدین خلق ایران همکاری داشت از چند ماه پیش ضمن تایید مواضع ایدئولوژیک استراتژیک، رابطه اش را با نهضت قطع کرده بود، برادر شهید در حالیکه نهضت را صادقترین و نزدیکترین گروه به خط امام میدانست معتقد بود که گسترش از طریق جمع بعثت موانع ذهنیتها مشکل بوده و آنطور که می خواهد نمی تواند فعالیت کرده و به مستضعفین کمک نماید و بدین

شهادت فرزند آیت... طاهری

پاسخ آیت الله طاهری به تلگرام فقیه عالم بقدر آیت... منتظری... علی مال من نبود و به مالک خود رجوع کرد... راه مجاهد شهادت علی طاهری فرزند آیت الله طاهری را به امام امت و پدر شهید پرورش آیت الله طاهری تبریک و تسلیت میگوید.

بقای رزمنده ایشان را در خدمت به امام امت و پیگیری دفع تجاوز از حق تعالی خواستاریم.

تبارک و تعالی از من راضی باشد و ابستگی به هیچ حزب و تشکیلاتی به فعالیت شبانه روزی خود در جبهه ادامه داد.

به یاد آوریم سخنان امامان را که: "... سعادت را آنجا تحصیل کردند که شتابتند با اختیار خودشان و با جهاد خودشان و با رزمندگی خودشان در مقابل کفر ایستادند و جان خودشان کفرا ایستادند و جان خودشان را تسلیم خدا کردند و برگشتند به خدای تبارک و تعالی بلا سعادت و آبرو، ما همه خواهیم مرد، لکن آنها سعادت را برای خودشان و شرافت را برای وطنشان تحصیل کردند..."

متن وصیتنامه برادر شهید میر تقی موسوی

بسم رب الشهداء والصدیقین
"متاع الدنيا قليل والاخرة خیر لمن اتقى ولا يظلمون فتيلا بين ما تكونوا بديكم الموت ولو كنتم في بروج مشيدة"

متاع دنیا اندک است و آخرت برای کسانی که متقی باشند نیکوتر است. در آخرت کوچکترین ستمی بر شما نخواهد شد، هر کجا باشید مرگ شما را در خواهد یافت اگر چه در دوزهای استوار مستقر باشید.

(قران کریم سوره نسا)
من برای طلب رضای حق تعالی به جبهه رفته ام. و همین که خدای

هروا نه رسمی انتشار راه مجاهد

جمهوری اسلامی ایران
وزارت شاه اسلامی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

آقای لطف الهی
تبریک و تسلیت به خانواده محترم حضرت
برادر زائر راه مجاهد پرورش مایه ای شهید
تبریک و تسلیت به خانواده محترم
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
وزارت شاه اسلامی

آقای لطف الهی
تبریک و تسلیت به خانواده محترم حضرت
برادر زائر راه مجاهد پرورش مایه ای شهید
تبریک و تسلیت به خانواده محترم
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
وزارت شاه اسلامی

ماه محبت
در راه خدا پیش قدمی
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
زیر نظر شورای نویسندگان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
مهندس لطف الله میثمی
صندوق پستی: ۷۱/۵۴۴

این پنجمین شماره راه مجاهد است که با اهداف مذکور در آئین نامه منتشر شده است.

کلیدها انتقادات و پیشنهادات و طرحهای خود را در جهت بهتر شدن کیفیت نشریه، هر چه سریعتر در اختیار ما قرار دهید.

با تشکر، راه مجاهد

با گروههای دیگری که مسلمان هستند و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را میخواهند تفاهم داشته باشید - امام خمینی